

بازخوانی مسجد

نشریه مسجد - ماهنامه فرهنگی، آموزشی و ترویجی

شماره ۱۹۴ - جمادی الاول ۱۴۳۸

صاحب امتیاز: مرکز رسیدگی به امور مساجد

تهیه: معاونت فرهنگی اجتماعی

مدیر مسئول: سعید کرمی

قائم مقام مدیر مسئول و سردبیر:

محمد صادق منتظری

دبیر تحریریه: مهدی منتظری

دبیران سرویس

پیشخوان: مهدی رزاقی

مسجد: سعید فیاضی

منبر: یاسر شریعتی

نگاه: حسن علی آبادی

همکاران این شماره: رضا راحمی، علی بیگی

گروه هنری

طراح و گرافیک: احسان حسینی

عکاسان: حمید دستمالچی

ویراستاران: جعفر مروچی، محسن صابری

بازخوانی: مهدی کریمی

نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان سعدی

شمالی، پایین تر از بیمارستان امیر اعلم، کوچه شهید

صفامنش، پلاک ۱، مجتمع محراب، معاونت فرهنگی

اجتماعی مرکز رسیدگی به امور مساجد

تلفن: ۶۶۳۴۶۹۲۴

پست الکترونیکی: farhangi@masjed.ir

پیشخوان ۲۶-۳

مسجد ۵۶-۲۷

منبر ۶۶-۵۷

نگاه ۸۰-۶۷

؟؟؟؟



یادداشت سردبیر



پیشخوان

؟؟؟؟



؟؟؟؟؟؟



مروري کوتاه بر دستاوردهای انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)



پیشخوان

اقتصاد مقاومتی
و گفت‌وگو با انقلاب

حاصل جمع

۱- حوزه فرهنگ سیاسی

۱-۱ عبور از ذلت

شما بدانید که این نهضت ملی ایران، این عظمت قدرت‌های بزرگ با تبلیغات تحمیل کرده بودند در دماغ‌ها (فکرها) که اصلاً نمی‌شود با انگلستان در افتاد، حالا هم دیگر اصلاً با آمریکا نمی‌شود دیگر در افتاد، این عظمت را شکست... شما ثابت کردید که نه! می‌شود؛ می‌شود با آمریکا هم طرف شد، می‌شود که لانه جاسوسی آمریکا را هم تصرف کرد، می‌شود جاسوس‌های آمریکایی را هم گرفت و نگه داشت و حفظ کرد. شما این را ثابت کردید به دنیا. آن عظمتی که از آنها به واسطه تبلیغات زیادی که داشتند، در دنیا سایه افکنده بود که ابر قدرت است و کسی حق حرف زدن ندارد، آن شکست.^(۱)

۱-۲ الگوسازی برای ملت‌های مستضعف

خداوند تعالی بر ما منت نهاد و رژیم استکبار را با دست توانای خود - که قدرت مستضعفین است - در هم پیچید و ملت عظیم ما را ائمه و

درآمد

محسن صابری

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ماه ۱۳۵۷ از جمله اتفاقات چند وجهی و پیچیده دنیای معاصر بود. آنچه واضح است، این است که انقلاب اسلامی پیش از هر چیز یک انقلاب در عرصه فرهنگ بود؛ فرهنگی که در جهان سرمایه و استبداد، دریچه دیگری پیش روی جامعه بشری باز کرد. از این رو، جای طرح این سؤال است که «به راستی انقلاب اسلامی چه نتایج ملموس فرهنگی ای داشت؟». به دیگر سخن، چه دستاوردهایی را به دنبال داشت؟ البته از آنجا که نوع نگرش، دیدگاه، میزان وقوف و آگاهی افراد بر اوضاع قبل و بعد از انقلاب در پاسخگویی آنان به این سؤال نقش اساسی دارد، مناسب است پاسخ از زبان شخصیتی گزارش شود که نه تنها بیشترین اشراف را به وضعیت قبل و بعد از انقلاب داشت، بلکه پرچمداری و رهبری بی نظیر آن بر عهده‌اش بود و او کسی نیست جز «امام خمینی (ره)».

“
؟؟؟
”

پیشوای ملت‌های مستضعف نمود.^(۷)

۱-۳ ایجاد وحدت اسلامی

یکی از بزرگ‌ترین نتایجی که ما از این نهضت می‌بریم و بردیم، همین مواجه شدن با برادرهایی است که در طول این مدت‌ها، مواجه نشدیم. در این مجلس، الآن برادرهای ایرانی، بحرینی، پاکستانی دور هم نشسته‌ایم و مشکلات خودمان را می‌توانیم بیان کنیم.^(۸)

۱-۴ آزادی سیاسی

نعمت آزادی بالاترین نعمتی است که بشر دارد. شما فاقد بودید این نعمت را (و) نمی‌توانستید یک کلمه حرف بزنید، نمی‌توانستید اینجا با هم جمع شوید. قبلاً امکان داشت که ماها بنشینیم با هم صحبت کنیم؟ نمی‌گذاشتند کسی از این در داخل بشود، اگر یک وقتی قاچاقی داخل می‌شدید، وقتی بیرون می‌رفتید توی سازمان امنیت باید بروید. خدا به شما نعمت آزادی را داده و شما را در امتحان این آزادی قرار داده که ببیند که شما با این آزادی چه می‌کنید.^(۹)

۱-۵ تحول به ملتی باریشه و بینش سیاسی

یک تحول روحی پیدا شد در ایران، سرتاسر ایران یک تحول روحی پیدا شد و مردمی که فکر در امور مملکتی نمی‌کردند، حالا جوان‌ها، بچه‌ها، زن‌ها، مردها مسائلی که در مجالسشان طرح می‌شود مسائل روز است و قبلاً اصلاً این مطلب هیچ نبود.^(۱۰)

۲- تحول در حوزه فرهنگ رفتاری

۲-۱ فرهنگ شجاعت

شما ملاحظه کردید که یک تحول بزرگ روحی که در ایران پیدا شد، بالاتر از این فتحی بود که کردند و آن تحول روحی این بود که یک روز پاسبان می‌آمد توی بازار می‌گفت چهارم آبان است همه باید بیرق بزنید، هیچ کس به خودش اجازه نمی‌داد، توی مغزش نمی‌آمد که می‌شود با این پاسبان مخالفت کرد. هیچ کس! همه اطاعت! توی دانشگاه هم که می‌آمد اطاعت می‌کردند. یک وقت بعد از یکی دو سال چنین شد که مردم ریختند توی خیابان و گفتند: «ما شاه نمی‌خواهیم» و پیروز هم شدند. این تحول روحی، آن خوفی که از پاسبان بود متبدل شد به یک شجاعتی که از تانک تترسیدند. همان آدمی که از آن چوبی که دست پاسبان بود می‌ترسید، همان آدم آمد در خیابان مشتش را گره کرد و حمله کرد به تانک و کشته هم شد اما حمله کرد به تانک.^(۱۱)

۲-۲ فرهنگ جهادی

الحمد لله تحول بزرگی در ملت ما پدید آمده است و این جوان‌ها که به عشر تکده‌ها و فساد و فحشا کشیده می‌شدند، الآن به جبهه‌ها رفته و برای اسلام و مملکت پیروزی و افتخار می‌آفرینند و مادر برابر آنان مسئولیم. و هیچ انقلابی تا کنون صورت نگرفته است که (ظرف) دو سه سال اینقدر نتیجه داده باشد.^(۱۲)

۲-۳ فرهنگ شهادت

در ملت ما یک تحولی حاصل شد که آن تحول سابقه نداشت. آن تحول این طور بود که شهادت را برای خودشان فوز عظیم می‌دانستند. جوان‌های ما الآن هم پیش من می‌آیند - بعضی از آنها - و می‌گویند که شما دعا کنید که ما شهید بشویم. این رمز پیروزی بود که همان طوری که در صدر اسلام مسلمین با این رمز پیش بردند، ملت ما هم با

این رمز پیش برد و با این رمز است که ملت‌ها می‌توانند پیش ببرند.^(۸)

۲-۴ فرهنگ ایثار

تحول دیگری که پیدا شد، امروز یک دسته از جوان‌ها، زن و مرد، از اروپا آمدند پیش من و آنها گفتند ما آمديم برای اینکه در روستاها برویم و به مردم خدمت بکنیم. جوان‌هایی که سابق در مسائل دیگر فکر می‌کردند، امروز در این جور مسائل فکر می‌کنند. می‌آیند، از اروپا می‌آیند، از خارج می‌آیند، زن و مردشان می‌آید برای اینکه در روستاها بروند کمک کنند به روستایی‌ها. چنانچه از داخل، از دانشگاه، طبیب، مهندس، خانم‌ها همه می‌روند در این روستاها و کمک می‌کنند. این حس تعاون یک حسی است که یک تحولی است که اعجاز آمیز است و آنچه که هست، خداوند تبارک و تعالی انجام داده است.^(۹)

۳- فرهنگ اجتماعی

۳-۱ وحدت کلمه

آنچه را که می‌توانم بگویم، بهترین ثمرات این نهضت است، این وحدتی است که حاصل شد بین قشرهای مختلف... شما الآن می‌بینید که در سرتاسر ایران تمام طبقات با هم فکر و هم عقیده و یکصدا جمهوری اسلامی را می‌خواهند و رمز موفقیت ما که قدرت‌های بزرگ دنیا را به عقب نشاند و یک قدرت شیطانی مثل قدرت خاندان پهلوی را فرو ریخت، این رمز موفقیت همین وحدت اقشار و وحدت کلمه بود.^(۱۰)

۳-۲ وحدت شیعه و سنی

اگر برکت جمهوری اسلامی جز این نبود، ایسن یک برکت بزرگی است که ما را و همه برادران اهل تشیع و تسنن را یک جا جمع کرده و همه‌مان برای اسلام می‌خواهیم کوشش کنیم و باید همه ما توجه داشته باشیم که مباد یک وقت تبلیغی بشود که در طول تاریخ تقریباً شده است که ما را، برادرها را از هم جدا کردند، اهل سنت را با ما جدا کردند، باید اینها را توجه بکنیم، باید ما با هم برادر باشیم، نگذاریم دیگران بیاند همه چیز مان را ببرند و ما بنشینیم دعا کنیم سر یک چیزی که نباید دعا بکنیم.^(۱۱)

۳-۳ همگرایی حوزه و دانشگاه

اگر این نهضت غیر از این یک خاصیت نداشت که بین طلاب علوم دینی و قشر دانشگاهی یک رابطه پیدا شد، اگر غیر از این ما هیچی نداشتیم، این بالاترین چیزی بود که، نتیجه‌ای بود که حاصل شد از این نهضت.^(۱۲)

۳-۴ تحرک بانوان در فعالیت‌های سیاسی اجتماعی

اینهایی که در گوشه و کنار به گوش اشخاص می‌خوانند که این انقلاب کاری انجام نداد، اینها اشخاصی هستند که این تحول که در شما پیدا شده است، چون مضر به حال آنها و قدرت‌های چپاولگر است، این را چیزی حساب نکنند و با تبلیغات سووشان بخواهند به شما بیاوراند، باور بیاورند که چیزی نشده است. چه بهتر از اینکه در یک چنین جلسه‌ای که شما بانوان هستید و فعالیت اخلاقی و زحمتهای همه جانبه برای مستمندان و برای آوارگان می‌کشید، از این تحول بهتر چه اگر در رژیم سابق بود، نه این اجتماعات بانوان بود و نه این فعالیت همه جانبه آنها که نیمی از جمعیت در ایران هستند و این نیمی آن نیم دیگر را هم تربیت می‌کند.^(۱۳)

؟؟؟؟
۶

انقلاب با راهپیمایی و اعتصاب نه با اسلحه

خطراتی از انقلاب، از زبان ائمه جماعات استان تهران

سالی که حضرت امام به فرانسه تبعید شدند، آیت الله گلپایگانی که نسبت به بنده محبت داشتند، من را برای تبلیغ به حسینیه‌ای در سنجند فرستادند. در سنجند با علمای اهل سنت تماس داشتیم و مسأله وحدت و تقریب مذاهب را مطرح می‌کردیم. حسینیه‌ای هم در لندن دایر کرده بودند که برای محرم و صفر ما را آنجا فرستادند. پس از محرم و صفر که کارمان تمام شد، تصمیم گرفتیم برای زیارت



حجت‌الاسلام والمسلمین
سید هاشم حمیدی
امام جماعت مسجد
انصارالحسین (ع)
محله
نیروی هوایی

حضرت امام به نوفل لوشاتو بروم؛ چون بنده شاگرد امام و برای ایشان دلتنگ بودم. وقتی آنجا رفتیم، به ما گفتند اصلاً دیدار امام امکان ندارد؛ زیرا خبرنگار و مستشار و... زیاد می‌آمد و شلوغ بود، دیگر به ما وقت ملاقات ندادند. قرار شد تنها در نماز امام شرکت کنیم و با ایشان خداحافظی کنیم و بر گردیم. بعد از نماز، خدمت امام رسیدیم و بنا بود که به همین اکتفا کنیم. پس از صرف شام ساده‌ای که معمولاً مقداری نان و پنیر و از این قبیل چیزها بود، داماد امام، آقای اشراقی گفتند امام می‌خواهد شما را ببیند. محبت امام در آن لحظه شامل حال ما شد و خدمت ایشان رفتیم و راجع به مسائل لندن و کارهایی که انجام دادیم، صحبت کردیم. ایشان سؤالاتی نیز از ما پرسیدند که جواب دادیم. بعد هم من گفتم آقا الان این ساواکی‌ها و شهربانی‌ها دارند خیلی مردم را ذیت می‌کنند. حالا بزرگسال‌ها که هیچ، بچه‌های دبستانی که از مدرسه می‌آیند یک شعاری که می‌دهند، این‌ها را به رگبار می‌بندند. همین محل ما چند تا از همین بچه‌ها را شهید کردند. جوانان می‌پرسند که شما چرا اجازه جنگ مسلحانه نمی‌دهید که ما با اینها مقابله کنیم؟ امام فرمود که جنگ مسلحانه جواب نمی‌دهد و ما را متهم می‌کنند به ترورست و بعد هم سرکوب ما را همه دنیا تأیید می‌کند. الآن سرکوب ما را همه دنیا تقبیح می‌کند که ما آزادی خواه هستیم و ما شعار می‌دهیم، تظاهرات می‌کنیم، اعتصاب می‌کنیم، راهپیمایی می‌کنیم. فرمود امیدوارم که با همین راهپیمایی و این اعتصابات و این تظاهرات به نتیجه برسیم و به پیروزی برسیم. ما این سخن امام را گرفتیم و خیلی هم خوشحال شدیم. وقتی ایران آمدیم، هر کسی می‌پرسید چه خبر؟ می‌گفتم خبر پیروزی. امام گفت که ما امیدواریم با همین راهپیمایی و تظاهرات و این قبیل کارها به پیروزی برسیم که بعد هم الحمدلله به پیروزی رسیدیم و کار به اینجا رسید.



۴- فرهنگ اقتصادی

۱-۴ دفاع از پابرهنگان

خدا نیاورد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه‌دارها گردد و اغنیا و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار بشوند! معاذالله که این با سیره و روش انبیا و امیرالمومنین و ائمه معصومین (ع) سازگار نیست، دامن حرمت و پاک روحانیت از آن منزه است، تا باید هم باید منزه باشد و از این افتخارات و برکات کشور و انقلاب و روحانیت ماست که به حمایت از پابرهنگان برخاسته است و شعار دفاع از حقوق مستضعفان را زنده کرده است.^(۱۴)

۲-۴ فرهنگ تلاش برای فقرزدایی

مسئولین محترم کشور ایران علی‌رغم محاصرات شدید اقتصادی و کمبود درآمدها، تمامی کوشش و تلاش خود را صرف فقرزدایی جامعه کرده‌اند و همه آرمان و آرزوی ملت و دولت و مسئولین کشور ماست که روزی فقر و تهیدستی از جامعه ما رخت بر بندد و مردم عزیز و صبور غیرتمند کشور از رفاه در زندگی مادی و معنوی برخوردار باشند.^(۱۵)

۳-۴ فرهنگ خلاقیت و ابتکار در جامعه

اگر چنانچه شما ملاحظه کنید که در این دو سال در کشور ما صنعت‌های زیادی که آنها انجام می‌دادند خودشان انجام می‌دهند و باور تان باشد که خود ما هم می‌توانیم صنعتی داشته باشیم و می‌توانیم ابتکاری داشته باشیم، همین باور توانایی، شما را توانا می‌کند. اساس این باور است که آنها از ما گرفته بودند، آنها ما را از همه چیز تهی کرده بودند به طوری که افکار ما، باورهای ما همه وابستگی داشت.^(۱۶)

نتیجه‌گیری

تأکید بر فرهنگ حاصل از انقلاب، در حقیقت پاسداشت انقلاب و تلاش برای استمرار آن واژه‌های حیاتی در گفت‌وگو میان جامعه اسلامی است. با قطع شریان فرهنگ انقلاب دیری نخواهد پایید که فرهنگ سرمایه‌داری غرب در تمام حوزه‌های سیاست، اقتصاد و... جاری خواهد شد و این رویداد، پایان حقیقی انقلاب اسلامی است حتی اگر هنوز شعار آن بر در و دیوار شهر جلوه‌گری کند.



پیشخوان



پی‌نوشت‌ها:

- (۱) امام خمینی (ره)، سید روح‌الله: «صحیفه نور»، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱۱، ص ۴۵.
- (۲) همان، ج ۵، ص ۲۳۳.
- (۳) همان، ج ۶، ص ۲۰۱.
- (۴) همان، ج ۸، ص ۴۹.
- (۵) همان، ج ۸، ص ۱۹۶.
- (۶) همان، ج ۸، ص ۹.
- (۷) همان، ج ۸، ص ۵۴.
- (۸) همان، ج ۵، ص ۲۶۲.
- (۹) همان، ج ۸، ص ۱۹۶.
- (۱۰) همان، ج ۵، ص ۱۰۰.
- (۱۱) همان، ج ۱۲، ص ۲۲۲.
- (۱۲) همان، ج ۱۸، ص ۲۲۸.
- (۱۳) همان، ج ۱۴، ص ۱۳۰.
- (۱۴) همان، ج ۱۹، ص ۸۰.
- (۱۵) همان، ج ۱۹، ص ۲۱۱.
- (۱۶) همان، ج ۲۰، ص ۱۲۹.

در باب ضرورت فرهنگ‌سازی در جامعه در دهه پنجم انقلاب اسلامی

فرهنگ فردا



“
؟؟؟؟
”

مهدی
رزاقی طالقانی

پس از گذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، آنچه میراث این انقلاب است، تحولی است که در حوزه‌های تصمیم‌گیری و رفتار فردی و اجتماعی جامعه رخ داده است؛ تحولاتی که در یک فرآیند درونی‌سازی، امید به تکرار مستدام آنها برای نسل‌های بعدی، نوید جامعه‌ای پویا و مستقل و رو به کمال را خواهد داد. در واقع، فرهنگ، نرم‌افزار تصمیم‌گیری جامعه بر سر دوراهی‌ها است. فرهنگ، راه‌کارهای شایع موجه در یک جامعه برای رفع هرگونه نیاز واقعی یا غیر واقعی است. فرهنگ، همواره نرم‌افزار است و تمدن، شامل آن و سخت‌افزار است^(۱) که جامعه ایرانی مطابق هدف غایی انقلاب اسلامی، به دنبال ساختن آن است. به عبارت ساده‌تر، فرهنگ آن چیزی است که مردم با آن زندگی می‌کنند و اجزای آن، عبارت است از:

نقش‌ها است و حقوق و تکالیف سازمان یافته میان افراد و گروه‌ها را مشخص می‌کند. شناخت اجزای فرهنگ و ارزیابی آنها در نزدیک به چهار دهه گذشته در طی چهار دهه گذشته، در عملکرد در برابر هر یک از اجزای هفت‌گانه فرهنگ، دچار ضعف‌ها و قوت‌هایی بوده‌ایم که آنچه امروز در زمینه‌های مختلف به عنوان فرهنگ جامعه از آن یاد می‌شود، محصول آن تلاش‌ها یا عدم خواست‌ها و احتمالاً ناکامی‌ها است.

۱. هنجارها

در اصطلاح دانش جامعه‌شناسی، به الگوی رفتاری‌ای که روابط و کنش‌های اجتماعی را تنظیم می‌کند، اکثریت جامعه خود را به آن پایبند می‌دانند و در صورتی که شخصی آن را رعایت نکند، جامعه او را مجازات می‌کند، هنجار گفته می‌شود.^(۲)

۱. هنجارها: در اصطلاح ادبی، به گونیا، گفته می‌شود. عمده‌ترین انواع هنجارها، عبارتند از: سنت‌های عامه، آداب، شعائر و اخلاقیات.
۲. نمادها: اشاره، مضمون یا رفتاری که در روابط اجتماعی، به کار می‌رود تا به وسیله آن، چیز دیگر را القا یا تداعی کند.
۳. نقش‌ها: از مسیر نقش‌ها، چگونگی ارتباطات فردی و اجتماعی، شکل و سامان می‌یابد.
۴. بینش‌ها: فرهنگ یک ملت، بیش از هر چیز، تحت تأثیر بینش‌ها، عقاید و ایدئولوژی‌های حاکم بر آن است.
۵. ارزش‌ها: ارزش‌ها می‌گویند که چه چیز، مطلوب و کدام روش، از نظر اجتماعی، نامطلوب و نکوهیده است.
۶. علوم و فنون: نقش علم و تکنولوژی، در تمام زمینه‌های زندگی انسان، تعیین کننده است.
۷. ساختارها: ساختار اجتماعی، نمایشگر فعالیت و ارتباط متقابل



پیشخوان



اقتصاد مقاومتی
و گفت‌وگو

برای نمونه، در جامعه ایرانی، جمع کردن دست و پا، نزد افراد بزرگ‌تر و به طور خاص پدر و مادر، یک هنجار بوده است، یا مهمانی دادن و سفره باز بودن، یا لباس تنگ نپوشیدن و حتی ملاحظه کردن پوشش در برابر محارم و سیگار کشیدن و... همگی هنجار اجتماعی و بعضاً فردی بوده است که ما بنا به دلایل بسیاری در حفظ آنها دچار مشکل شده‌ایم. جامعه پس از انقلاب اسلامی، در چهار دهه گذشته در بحث حفظ هنجارهای کاربردی و مثبت جامعه عملکرد فوق العاده‌ای نداشته است، جامعه ایرانی در هنجارهای اجتماعی و در حوزه‌های خانواده و ارتباطات با تغییر نسل هنجارهایی را به دست فراموشی سپرده است که لازم است با فرهنگ‌سازی دوباره به جامعه بازگردد.

۲. نقش‌ها

در اصطلاح دانش جامعه‌شناسی، نقش، عنوان یا برچسبی است که با آن جایگاه و الگوهای رفتاری شخص در جامعه تعیین می‌گردد. نقش‌ها ممکن است توسط شرع، عرف یا قانون تعیین گردند.^(۳) در تعیین و تعریف نقش‌ها، توافق و تأیید جامعه ضروری است. آشنایی با نقش و تمرین نقش، مراحل نقش‌پذیری هستند. مستحکم کردن زندگی اجتماعی و هماهنگی و نظم بخشیدن به عمل، از پیامدهای نقش در زندگی اجتماعی است. دانش آموزی، کوچک‌تری، همسری، دوستی و... نقش‌هایی هستند که هر کدام دامنه بایدها و نبایدهای خود را دارند. ما در این بخش، نیاز به فعالیت بسیار زیادی در حوزه فرهنگ‌سازی داریم؛ چرا که طیف نه چندان کمی در جامعه با مستمسک قرار دادن آزادی و بی مسئولیتی و استقلال، از ایفای نقش خود شانه خالی می‌کنند، فرزند از فرزند، مادر از مادری کردن و....

۳. نمادها

گاهی در ذهن ما چنان پیوندی میان دو پدیده یا دو مفهوم برقرار می‌شود که با ورود یکی از آنها در فضای ذهن، دیگری نیز بلافاصله حضور می‌یابد. دستگاه ذهنی ما از برخورد با یکی به دیگری منتقل می‌شود و از تصور یکی، دیگری را نیز تصور می‌کند. این عملکرد ذهن را «تداعی معانی» نامیده‌اند. انسان از این ویژگی مهم ذهن خود استفاده کرده و با «قرار داد»های خاص یا عام، از نشانه‌های ساده‌ای برای احضار معانی به ذهن بهره گرفته است. پرچم، نماد یک کشور و ملیت، حلقه نامزدی نشان همسری، دست بر سینه نماد احترام، بوسیدن نماد محبت و چراغ سبز، نشان دهنده حق عبور است.

دسته‌ای از نمادها، نمایانگر یک ایده و فرهنگ و اندیشه هستند و استفاده از آنها دلبستگی انسان را به آن مکتب یا روش بیان می‌کند. اذان، پیام اسلام، صلیب نشان مسیحیت، چفیه و پلاک نماد جبهه، ایثار، فداکاری و جانبازی، سوزاندن پرچم آمریکا نماد تحقیر فرهنگ استکبار، چادر مشکی سمبل عفت و متانت زن مسلمان و گنبد و گلدسته مسجد، نشانه عبادت است.

در موضوع نمادها به نظر می‌رسد ما در چهار دهه گذشته وضعیت نسبتاً مناسبی را تجربه کرده‌ایم؛ اما با توجه به نیاز جامعه ما در

برهه‌های مختلف زمانی و با توجه به شرایط جامعه، نیازمند نمادهای جدیدتری هستیم. نکته‌ای که در روند فرهنگ‌سازی و به تبع آن نمادسازی مورد توجه است، شعاری نشدن و اشباع جامعه از نمادها است. سیاست‌گذاران فرهنگ باید از تبلیغ و در چشم قرار دادن بی اندازه نمادها جلوگیری کنند؛ چرا که اصرار بر این موضوع، جامعه را به واکنش و می‌دارد و در واقع، جامعه آن را پس خواهد زد.

۴. بینش‌ها

به فرایندی که به وسیله آن مسایل حل می‌شود، بینش اطلاق می‌گردد که مشخص کننده سازماندهی یا نوسازی است که شخص را به فهم روابط مربوط به راه حل، توانا می‌سازد.^(۴) فرهنگ یک ملت، بیش از هر چیز، تحت تأثیر بینش‌ها، عقاید و ایدئولوژی‌های حاکم بر آن است. بینش در جامعه ما، همان چشم‌انداز و دورنگری است که از ترکیب دانش (تاریخ به طور خاص) و معنویت حاصل می‌شود و اساس آن بر فرهنگ اسلامی و ملی ما قرار دارد. آنچه در چهار دهه گذشته بر جامعه ما گذشته و خطراتی را که جامعه به نحوی از سرگذرانیده -از جنگ تحمیلی تا مواقع حساس دیگر- همه به واسطه بینشی بوده که در جامعه وجود داشته است. بینش‌ها به مرور دچار تغییر می‌شوند؛ اما روند تغییرشان به صورت مستمر انجام می‌شود. دستگاه‌های فرهنگ‌ساز باید به طور مداوم در جامعه اسلامی بینش جامعه در عرصه‌های مختلف را رصد کنند و برای انحرافات احتمالی، برنامه فرهنگی در نظر بگیرند.

“
؟؟?
”

۶. علوم و فنون

نیاز به توضیح فراوانی در این باره نیست و نقش علم و تکنولوژی، در تمام زمینه‌های زندگی انسان، تعیین کننده است. علوم و فنون، از سویی بازوان فرهنگ و جزء بی بدیل آن به شمار می‌روند و از سویی دیگر، خود نیازمند فرهنگ هستند، جزء دوم در حوصله این مقال نیست اما از حیث اول، نظام فرهنگ ایران اسلامی، در سی و هشت سال گذشته در از بین بردن بی‌سوادی در جامعه موفقیت کامل داشته و به نحوی آموزش را کانالی برای انتقال و گسترش فرهنگ قرار داد که مزیت نسبی را ایجاد کرد.

۷. ساختارها

اگر جامعه‌ای خواهان بقای خود باشد، باید نیازهای اساسی و اجتماعی معینی را برآورده سازد. شیوه‌های برآوردن این نیازها را نهاد اجتماعی (Social Institution) می‌گویند. در واقع، نهادها مجموعه ثابتی از ارزش‌ها، هنجارها، پایگاه‌ها، نقش‌ها و گروه‌هایی هستند که حول محور یک نیاز اجتماعی و اساسی به وجود می‌آیند. بدین ترتیب، نهاد خانواده، تربیت و پرورش فرزندان را تدارک می‌بیند و نهاد آموزش و پرورش، دانستنی‌های فرهنگی را به نوجوانان منتقل می‌سازد و مسجد، آموزه‌های معنوی را در درون افراد پایدار می‌سازد و... در واقع، ساختار اجتماعی، مجموعه روابط و پیوندهایی است که میان افراد، گروه‌ها و طبقات مختلف یک جامعه برقرار است و نهادها و رفتارهای اجتماعی یا فرهنگی در آن جامعه بر اساس این روابط، ترتیب و تنظیم می‌یابد.^(۷)

در موضوع ساختارها، جامعه ایرانی در چهار دهه گذشته خوشبختانه انسجام خود را حفظ کرده است؛ اما این انسجام به شدت در معرض خطر است. نهادهای سنتی اسلامی-ایرانی همچون خانواده و... در برابر موج غرب‌گرایی به شدت تحت فشار هستند. این فشار باعث شده که ساختارها به فرایند ایجاد فرهنگ در جامعه کمک شایانی نکنند و همین خلأ فرهنگ، آنها را به سمت و سوی تضعیف سوق دهد.

ضرورت فرهنگ‌سازی

۱. تعادل در نبرد فرهنگ‌ها

همان‌طور که در تعریف فرهنگ بیان شد، فرهنگ، نرم‌افزار تصمیم‌گیری جامعه بر سر دوراهی‌هاست. از سویی دیگر، دهه پنجم انقلاب اسلامی همچون تاریخ معاصر ایران، فصل تشکیک‌هاست. اصولاً تمدن غرب برای پیش‌برد امورات خود بر همه چیز سایه شک می‌اندازد تا فرهنگ خود را به سرعتی باور نکردنی جایگزین فرهنگ پیشین سازد. نبرد فرهنگ، حالا جهانی شده و غرب با فرهنگ‌های بومی در حال جنگ سرد مخوفی است که از دایره لحظات خصوصی یک فرد تا استقلال سیاسی سرزمین و حتی تولید و خوراک او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در دهه آتی هم فرهنگ ایرانی-اسلامی در تمامی عرصه‌ها به ورطه تشکیک کشیده خواهد شد. با آرمان تمدن‌سازی فرهنگ ایرانی-اسلامی باید در چنین رویارویی‌هایی، از فرهنگ صرفاً مدافع، به فرهنگ مهاجم تبدیل شد. یعنی دستگاه



۵. ارزش‌ها

ارزش به معنای «تلقی خوب یا بد یک فرد از یک چیز» است. «ارزش‌های اجتماعی، مجموعه‌ای آرمانی هستند درباره آنچه که درست یا نادرست، شایسته یا ناشایست، مطلوب یا نامطلوب و خوب یا بد می‌باشد و برای هر جامعه‌ای مورد نیاز، محترم، مقدس، خواستنی و مطلوب تلقی می‌شوند.» مانند: نجابت، درستکاری، شرافت، احترام به حقوق دیگران و تقوا.^(۵)

ارزش‌ها معمولاً الهام‌بخش عادت و هنجارند. اضمحلال یک جامعه از زمانی آغاز می‌شود که ارزش‌ها در آن جامعه تغییر کند.^(۶) تغییر در اینجانه به معنای ایجاد ارزش‌های نوین و رو به کمال، که به معنای جایگزینی ارزش‌های اصیل با ارزش‌های جدیدی است که مناسبت و هم‌خوانی با زیست‌بوم فرهنگی و جغرافیایی آن جامعه ندارد. آنچه در سی و هشت سال گذشته بر جامعه ایرانی پس از انقلاب در حفظ و ارتقای ارزش‌ها گذشته، در حوزه‌هایی رشد و در حوزه‌هایی متأسفانه افول داشته است. به عنوان مثال، در جامعه ایرانی، رابطه با همسایه و جویای احوال او بودن، یک ارزش بود. اما امروزه در بسیاری موارد اصرار بر احوال‌پرسی، تعبیر به تجاوز به حریم خصوصی می‌شود.

اما اینجا هنوز برای جامعه ما شهادت یک ارزش است و واکنش جامعه به جنگ سوریه و شهادت مدافعان حرم، نشان از انتقال و تثبیت صحیح فرهنگ جهاد در کشور در چهار دهه گذشته دارد.

جانبازی در مسجد ابوذر

خطراتی از انقلاب، از زبان ائمه جماعات استان تهران

از مدت‌ها پیش از آخر خرداد ۱۳۶۰، برنامه‌ریزی زیادی برای سخنرانی آقای خامنه‌ای در مسجد ابوذر شده بود. اما به دلیل جلسه مجلس برای بررسی کفایت سیاسی ابوالحسن بنی‌صدر و لزوم حضور آقای خامنه‌ای در این جلسه، سخنرانی لغو شد. ما دیگر از حضور ایشان ناامید شده بودیم که روزنامه جمهوری خبر برگزاری جلسه سخنرانی در ششم تیر را منتشر کرد.



حجت الاسلام والمسلمین رضامطلبی امام جماعت مسجد جامع ابوذر تهران

روز موعود جمعیت زیادی در مسجد ابوذر و اطراف جمع شده بودند. ما از قبل، برای منظم شدن جلسه و شلوغ نشدن تریبون، فضایی را در حیاط مسجد برای ضبط صوت‌ها تعبیه کرده بودیم. آقا تقریباً نیم ساعت زودتر در مسجد حاضر شدند و با دوستان و شاگردان مشغول صحبت و بحث شدند تا اینکه وقت نماز شد. پس از نماز ظهر، آقا شروع به صحبت کردند. محور سخنان ایشان، پاسخ به شایعاتی بود که در جامعه درباره سران نظام به ویژه شهید بهشتی، بر سر زبان‌ها افتاده بود.

ایشان با شور و حرارت خاصی مشغول سخنرانی بودند و یک به یک به سؤال‌ها پاسخ می‌گفتند. من از پشت سرم متوجه سایه‌ای شدم که دارد به طرف تریبون می‌آید. مردی ضبط به دست جمعیت را می‌شکافت و به سمت تریبون می‌رفت. ضبط درست روبروی آقا و سمت چپ قرار گرفت. پس از چند لحظه سیستم صوتی شروع به صوت کشیدن کرد و آقا فرمود که سیستم را تنظیم کنند. چون سیستم صوتی درست نشد، آقا از تریبون فاصله گرفته و به عقب نگاه کردند، همین حرکت باعث شد که سمت راست بدن ایشان به طرف ضبط قرار گیرد. ناگهان مجلس با صدای انفجار به هم ریخت. ابتدا فکر می‌کردیم چیزی از بیرون پرت کرده‌اند و یا از بالا، قسمت زنانه چیزی انداخته‌اند، تا اینکه چشمان به ضبط صوت افتاد که مانند یک کتاب باز شده بود و روی جداره داخلی آن با ماژیک نوشته بود «عیدی گروه فرقان به جمهوری اسلامی».

حضرت آقا را به بیمارستان منتقل کردند و پس از یک ساعت ما خود را به بیمارستان رساندیم. در این میان، عده‌ای با بنده تندی کرده و همه تقصیرهای این حادثه را به گردن بنده انداختند و کلی نامهربانی کردند.

این موضوع گذشت تا در دیداری که محضر مبارک ایشان شرف‌یاب شدیم، افراد را که به آقا معرفی می‌کردند، نوبت معرفی من که رسید، گفتند آقای مطلبی امام جماعت مسجد ابوذر. آقا لبخندی زدند و گفتند: «بله! می‌شناسم؛ همان مسجد خودمان».

فرهنگ، علاوه بر اقتناع جامعه بر حفظ فرهنگ اصیل بومی، باید طرح صدور فرهنگ را در نظر داشته باشد.

۲. تهدید خلأ فرهنگ در عرصه‌های جدید

از سوی دیگر، مدرنیته، عصر ایجاد عرصه‌های جدید زندگی بشری است؛ تصور داشتن دنیایی با مختصات مجازی تا یک دهه قبل، تصور بسیار دور و غیر جدی به شمار می‌رفت؛ اما شاهد آن هستیم که امروزه دنیای مجازی ساخته شده و فرهنگ ویژه خود را می‌طلبد. عرصه‌های جدید، ساختارهای جدیدی را در زندگی افراد تصویر می‌کنند که در سراب آنها نهادهای اجتماعی به چالش کشیده می‌شوند و خود، نهاد جدید می‌سازند. امروز دیگر تصور یک خانواده مجازی، یک مدرسه مجازی و... سخت نیست. اگر عرصه‌های جدید را پیش‌بینی، شناسایی و فرهنگ‌پذیر نکنیم، حتماً در موضوع برهم خوردن نظم فرهنگ بومی، دچار چالش خواهیم شد.

۳. انفکاک نسل‌ها

اگر چارچوب فکری و فرهنگی و به تبع آن، سبک زندگی جامعه به وسیله فرهنگ‌های بومی و اصیل از نسلی به نسل دیگر انتقال نیابد، به زودی و در همین دهه پنجم، دچار پدیده گسست نسل‌ها خواهیم شد. گسست میان نسل‌ها تمام ساختار نظام ارزشی و حتی نظام سیاسی جامعه را فاشل خواهد کرد و اصولاً رهایی از آن، فرایندی ناممکن و یا بسیار سخت خواهد بود. بنابراین، برای امتداد فرهنگ، هر نسلی به باز تعریف اصول فرهنگی اصیل گذشتگان خود نیاز دارد که این، خود نوعی فرهنگ‌سازی است.

۴. کاهش هزینه‌های غیر ضروری

با افزایش جمعیت و کمبود انرژی و آینده برهم خورده اقتصاد در دنیا، یک روز غفلت در تولید و گسترش فرهنگ عمومی، هزینه‌های فراوانی به کشور تحمیل می‌کند. فرهنگ، تنها چاره گذر از چنین روزهایی است که با ایجاد فضای آگاهی بخش، جامعه هوشمندی را در برابر خطرات هر روزه منابع اقتصاد جهانی فراهم می‌کند.

بنابراین، استراتژی فرهنگی نظام اسلامی در دهه پنجم، در سه مورد باید اجرایی شود:

۱. رصد، تحلیل و پالایش اجزای هفتگانه فرهنگ در یک برنامه جامع.
 ۲. حفظ و صیانت از ارزش‌های اصیل ایرانی-اسلامی جامعه با به روز رسانی فرهنگی.
 ۳. تنظیم ساختار سازمان‌های فرهنگی در کشور به منظور تسهیل در روند فرهنگ‌سازی.
- در جهان جدید، هر پدیده اجتماعی و هر رفتار فردی، نیاز به فرهنگ دارد تا با قاعده‌مندی و ساختاریابی، فرصت برنامه‌ریزی را به برنامه‌ریزان جامعه بدهد تا دنیای بهتری بسازند. جامعه ایرانی در دهه پنجم انقلاب اسلامی برای تکمیل فرایند نظام‌سازی و گذر از آن، به این دورویکرد نیازمند است.



پیشخوان



پی‌نوشت‌ها:

- (۱) رجایی، حمید: «آفرینندگی، تفکر جانبی و باور دینی (درآمدی به تولید علوم انسانی اسلامی)»، اصفهان، انتشارات شهر من، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۳۳.
- (۲) رفیع پور، فرامرز: «آنا تومی جامعه یاسنه الله: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی»، تهران، انتشارات کاوه، ص ۹۱.
- (۳) همان، ص ۱۱۳.
- (۴) کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد: «فقره‌های بنیادی جامعه‌شناسی»، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی، ص ۱۸۸.
- (۵) ستوده، هدایت الله: «جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران»، تهران، آوای نور، ۱۳۹۴، ص ۴۵.
- (۶) روشه، گی: «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی»، ترجمه هما زنجانی‌زاده، تهران، سمت، ۱۳۸۷، جلد اول (کنش اجتماعی)، ص ۱۵۴.
- (۷) گیدنز، آنتونی: «جامعه‌شناسی»، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، چاپ سوم، ۱۳۷۶، ص ۲۳۸.

در باب ضرورت فرهنگ‌سازی در جامعه در دهه پنجم انقلاب اسلامی

رئوس فرهنگ انقلاب اسلامی

یادداشت شفاهی حجت الاسلام احمد سالک کاشانی، عضو شورای انقلاب فرهنگی و نایب رئیس اول کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، پیرامون فرهنگ‌سازی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷

به کوشش:
محسن صابری

مقدمه

بحث فرهنگ انقلاب اسلامی به هفده سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی مربوط می‌شود؛ اینکه در طول ۱۵ یا ۱۷ سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، امام به تبیین مسایل انقلاب پرداختند و برای پیروزی، بستر سازی و آماده‌سازی کردند. در این مقام، روی دو محور اساسی صحبت داشتند: ۱. محور معرفی اسلام ناب، بدون پیرایه و خرافه‌گویی و ۲. معرفی و افشای جنایت شاه و اربابانش آمریکا و غیره. این نکته مهمی بود که باید به آن توجه شود. نتیجه این دو حرکت فرهنگی، تعدیل معیارها و ملاک‌های طاغوتی حاکم در جامعه، به معیارها و ملاک‌های توحیدی امام بود. این تغییر معیار و ملاک، موجب شد که یک تحول و دگرگونی در داخل کشور به وجود بیاید و آن تحول و دگرگونی، انقلاب دوازده بهمن ۱۳۵۷ و پیروزی ۲۲ بهمن را به دنبال داشت.

رئوس فرهنگی انقلاب

رئوس مطالبی که باید در پیروزی انقلاب اسلامی، به آن توجه کرد، چند نکته اساسی و کلیدی است: یک. گرایش مردم به سمت اسلام و عمق اسلام و فهم عمق اسلام ناب محمدی (ص). این موضوع بسیار مهم است و اینجا نباید نقش روحانیت را نادیده گرفت؛ نقش اساسی روحانیت در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در منابر و تبلیغات و اطلاع رسانی و بصیرت‌افزایی جامعه و بعد از پیروزی انقلاب، معرفی عمق اسلام ناب بود. این نکته از مسایل اساسی است. دو. تلاش برای تطبیق زندگی مردم از نظر اندیشه و فکر و اخلاق و رفتار، با محتوای اسلام ناب. این انطباق با سرعت اتفاق افتاد و آثار او را ما در تشکیل مجلس خبرگان، تشکیل نظام مقدس جمهوری اسلامی، ارکان نظام و مسایل مختلف می‌بینیم و سرفصل بسیار مهمی است. سه. موضع گیری در برابر باطل، در قالب موضع گیری حق. بالاخره یک انقلابی به وجود آمده بود و این انقلاب، حق بود که در مقابل باطل ایستادگی کرد. بنابراین معرفی و شناساندن موضع گیری حق طلبانه ملت ایران به تبعیت از حضرت امام و انطباق با محتوای اسلامی، موضوع اساسی است.

بنابراین هر کسی از این موضع (موضع حق) فاصله می‌گرفت، ناچار بود که در یک جای دیگر - به نام موضع باطل - قرار بگیرد. کما اینکه ما شاهد هستیم جریانات سیاسی که ضد ولایت بودند، بعداً چگونه در جایگاه ملت رفوزه شدند. مثلاً بنی‌صدر، در خبرگان قانون اساسی راجع به اصل صد و ده قانون اساسی، نقل کردند که اعلام کرده بود این اصل - که مربوط به ولایت فقیه است - دیکتاتوری آخوندی است! خب ایشان بعد از اینکه در آن جلسه این موضع را گرفت، مشخص شد که دیگر موضع گیری حق ندارد. از ابتدا هم ما قبول نداشتیم که موضع گیری

ایشان حق است و بالاخره در صحنه‌ای قرار گرفت که بزرگ‌ترین امتحان از او شد و در این امتحان بزرگ، رفوزه شد. ثمره این رفوزه شدن هم، این بود که امروز یک لاشه سیاسی در پناه استکبار است. از این مقوله هم ما نمونه زیاد داریم.

چهار. تغییر محتوایی در نسل جوان. با تبیین انقلاب اسلامی، یک حرکت محتوایی بر نسل جوان تربیت یافته در سایه حکومت پهلوی صورت گرفت. یعنی یک دگرگونی در مردم به طور عام و در جوانان به طور خاص شکل می‌گرفت. ثمره این حرکت را می‌توانیم در جنگ تحمیلی هشت ساله ببینیم. ما در جنگ تحمیلی، شاهد حضور جوانان - حتی زیر سن بلوغ - هستیم. این تحول و دگرگونی بسیار قیمت دارد و ما نمی‌توانیم این را نادیده بگیریم.

وجوه فرهنگ انقلاب

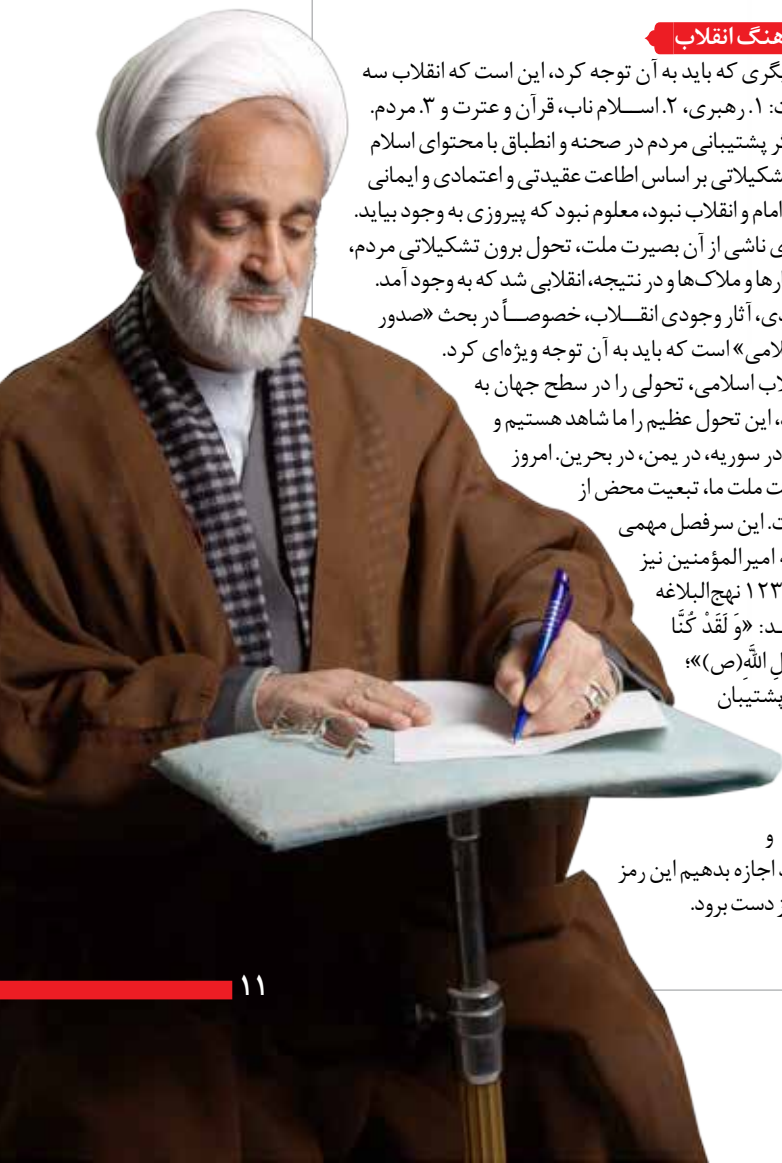
موضوع دیگری که باید به آن توجه کرد، این است که انقلاب سه وجه داشت: ۱. رهبری، ۲. اسلام ناب، قرآن و عترت و ۳. مردم. بنابراین اگر پشتیبانی مردم در صحنه و انطباق با محتوای اسلام و اطاعت تشکیلاتی بر اساس اطاعت عقیدتی و اعتقادی و ایمانی به شخص امام و انقلاب نبود، معلوم نبود که پیروزی به وجود بیاید. این پیروزی ناشی از آن بصیرت ملت، تحول برون تشکیلاتی مردم، تغییر معیارها و ملاک‌ها و در نتیجه، انقلابی شد که به وجود آمد. نکته بعدی، آثار وجودی انقلاب، خصوصاً در بحث «صدور انقلاب اسلامی» است که باید به آن توجه ویژه‌ای کرد.

صدور انقلاب اسلامی، تحولی را در سطح جهان به وجود آورد، این تحول عظیم را ما شاهد هستیم و می‌بینیم؛ در سوریه، در یمن، در بحرین. امروز

رمز موفقیت ملت ما، تبعیت محض از ولایت است. این سرفصل مهمی است که امیرالمؤمنین نیز در خطبه ۱۲۳ نهج البلاغه می‌فرماید: «وَلَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص)»؛ واقعاً ملت پشتیبان

رهبری
امام
و آقا
هستند و

امروز نباید اجازه بدهیم این رمز موفقیت، از دست برود.



باگفتمان تولید محتوای مردمی

مسجد فرهنگ ساز

جامعه ما نیازمند محتوایی متناسب با فرهنگ و زیست بوم ایرانی است. این نیاز از آنجا شکل گرفت که نقش مردم در تولید محتوا کم رنگ و محتوای فرهنگی و اجتماعی بیگانه به جامعه تزریق شد. برای رفع این نیاز، دفتر ادب و هنر انقلاب اسلامی می تواند با جهت دهی به فعالیت های مردمی، احیاگر نقش مردم در تولید محتوا باشد.

سید سجاد
جلینی

ایجاد شده، ارتباط میان مردم را به وجود می آورد. مردم در تولید محتوا ارتباط بیشتری با هم برقرار می کنند و نقش پر رنگ خود را در عرصه های مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی به صورت ملموس، می بینند.

تولید محتوای مردمی بخشی از دموکراسی و همان اتفاقی است که باعث حضور مردم در عرصه های مختلف جامعه می شود. مردم خود حرکت های اجتماعی را جهت دهی کرده، تغییر داده یا تصحیح می کنند.

فرهنگ به مثابه تولید محتوای مردمی

تولید محتوای مردمی، گفتمانی است که بر اساس آن مردم نیازهای جامعه خود را شناسایی کنند و برای رفع آنها، به تولید محتوا پرداخته، خود، مصرف کننده این محتوا باشند. در این میان، نقش حاکمیت و نخبگان جامعه، جهت دهی و بسترسازی برای رفع این نیازهاست. این امر می تواند باعث ارتباط و پیوستگی مردم با یکدیگر شود. در واقع بهانه های



پیشخوان



هدف از تولید محتوای مردمی

منظور از این گفتمان و حرکت، شناسایی نیازهای مردمی توسط نخبگان جامعه یا خود مردم در عرصه‌های مختلف می‌باشد. مهم این است که مردم یا نخبگان یک جامعه بتوانند عرصه‌های نیاز جامعه را شناسایی کنند و مردم در جهت رفع آن نیازها فعال شوند. مثلاً اگر در جامعه‌ای، میان نسل‌ها گسست اجتماعی وجود دارد، این معضل توسط نخبگان یا مردم شناسایی شده و از ظرفیت مردم برای رفع آن استفاده شود. این کار با ثبت خاطرات نسل گذشته صورت می‌گیرد که طی آن، نسل فعلی به نسل گذشته رجوع کرده، علاوه بر اینکه خاطرات نسل گذشته را ثبت می‌کند، تجربه ارتباط نزدیک با گذشتگان و فضای فکری و اجتماعی آن دوران را به دست می‌آورد.

همچنین با تولید محتوای مردمی، به موضوع امت واحده‌ای که در قرآن به آن اشاره و تأکید شده می‌رسیم. ضرورت تشکیل امت واحده بارها در کلام امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری - به تاسی از قرآن کریم - به عنوان رمز موفقیت امت‌ها مطرح شده است. یک جامعه زمانی رشد می‌کند که به امت واحده تبدیل شده باشد و خود بخواهد این رشد صورت گیرد. در صورتی که حاکمان بخواهند برای مردم تصمیم‌گیری کنند و برای رسیدن به رشد، نقشه راه بکشند و مردم را در شکل‌گیری آن دخیل نکنند، ممکن است شکلی از جامعه بروز کند، اما مطمئناً ناقص و بیهوده خواهد بود.

در واقع برای انجام هر امری در جامعه، مردم باید با آن درگیر شوند؛ همان‌طور که در انتخابات، مردم سرنوشت سیاسی کشور را رقم می‌زنند، در دیگر عرصه‌ها نیز باید نقش تصمیم‌گیرنده داشته باشند. مثلاً در اواخر دهه ۵۰ و در دوران دهه ۶۰ که مردم خود در عرصه‌های مختلف اجتماعی حضور فعال داشتند، توانستند تغییرات اساسی در جامعه ایجاد کنند و پس از آن، برای تثبیت این تغییرات و برای نگهداری از آنچه به دست آورده‌اند، همه تلاش خود را کردند؛ در مساجد، مدارس، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه، زن و مرد در سنین مختلف، امت واحده را تشکیل می‌دهند. در دوران دفاع مقدس، هر گروهی به گونه‌ای برای پیروزی در جنگ تلاش می‌کرد؛ عده‌ای به دنبال اسلحه ساختن می‌رفتند و موشک طراحی می‌کردند، عده‌ای برای پشتیبانی از جبهه به تهیه بسته‌های غذایی و پوشاک مشغول می‌شدند، برخی دیگر پرستاری از مجروحان جنگی را به عهده می‌گرفتند. این، نمونه بارزی از ظهور و بروز تولید محتوای مردمی در جامعه ما است.

عرصه‌های مختلف تولید محتوا توسط مردم

تولید محتوای مردمی می‌تواند عرصه‌های مختلفی داشته باشد. می‌توان مردم را از نظر جنسیتی دسته‌بندی کرد؛ زنان و مردان محتوای مورد نیاز جنسیت خود را تولید کنند. سنین مختلف را می‌توان در تولید محتوای مرتبط با همان سن، درگیر کرد. مثلاً کودکان می‌توانند محتوای مورد نیاز با کشیدن نقاشی از وقایع مختلف و مانند آن تولید کنند. حتی می‌توان از صنوف مختلف خواست تا در تولید محتوایی که آن صنف خاص به آن نیاز دارد، دخیل شوند. موقعیت‌های زمانی و مکانی را هم باید در بحث تولید محتوا درگیر کرد؛ مثلاً دهه‌های صفتی‌ها به محتوایی نیاز دارند که دهه‌های هفتادی‌ها به آن نیاز کمتری دارند؛ خود دهه‌های صفتی‌ها این محتوا را تولید کرده و

از آن استفاده کنند. همچنین می‌توان بر اساس مکان به تولید محتوا پرداخت؛ مثلاً دانشگاهیان، مدرسه‌ای‌ها، مسجدی‌ها یا هر مکان دیگری که یکی از کارکردهای آن تولید محتوا باشد.

مسجد مکان تولیدگر مردمی

یکی از مکان‌هایی که تولیدگر است و عموم مردم با آن ارتباط مستقیم، مستمر و مؤثر دارند، مسجد است. در آیین ما به مسجد بسیار توجه شده و به نوعی حرکت و اشاعه اسلام، از مسجد نشأت می‌گرفته است. در طول تاریخ اسلام، هرگاه مسلمانان به مسجد نیاز داشتند، مسجد نقش خود را به خوبی ایفا کرده است.

تفاوت مسجد با دیگر مکان‌های تولیدگر، مردمی بودن آن است؛ به این معنی که گردانندگان مسجد و مخاطبان آن، طبقات مختلف مردم هستند. در مقایسه با مسجد، دیگر نهادهای تولیدگر، با وجود ارتباط مستقیم مردم با آنها، تشکیلاتی هستند که یک نهاد حکومتی بر آن نظارت مستقیم دارد. از طرف دیگر، حضور مردم در این مکان‌ها بنا بر علل خاصی است؛ افرادی از جامعه به دانشگاه رجوع می‌کنند که قصد تحصیل در مقاطع عالی تحصیل دارند و مخاطبان مدرسه، صرفاً دانش‌آموزان هستند. در حالی که مسجد، یک نهاد فراگیر مردمی است که همه اقشار می‌توانند به طور مستقیم با آن در ارتباط باشند.

نقش اجتماعی فراگیر مسجد در تولید محتوا

مسجد می‌تواند برای همه گروه‌های اجتماعی برنامه داشته باشد اما مدرسه و دانشگاه تنها می‌توانند ارتباط مستقیم با قشر خاصی از جامعه برقرار کنند. مقام معظم رهبری در پیام خود که به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز ابلاغ شد، به این موضوع اشاره کردند و از مسئولان مساجد خواستند تا برای اقشار مختلف مردم از «نوزادانی که تازه متولد می‌شوند» تا «جوانانی که از دواج می‌کنند» یا «غم‌دیدگانی که غمگساری می‌جویند» برنامه داشته باشند.

از طرف دیگر، دسترسی مردم به مساجد سهیل الوصول است. اگر روستایی مدرسه نداشته باشد، مسجد دارد. مردم در شهرستان‌های دور افتاده، به دانشگاه یا دیگر مکان‌های تولیدگر عمومی دسترسی ندارند، اما مسجد حتماً وجود دارد و در این مکان، همه طیف‌ها و صنف‌های مختلف می‌توانند حضور فعال داشته باشند.

کارکردهای متفاوت مسجد

مسجد کارکردهای متفاوتی دارد. عنصر محوری مسجد، عبادت است. از ابتدای تأسیس نهاد مسجد در صدر اسلام، در کنار کارکرد عبادی، به مسائل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی هم می‌پرداختند. از مشورت‌های اجتماعی که پیامبر (ص) در مسجد بیان می‌کرد تا مطرح کردن مباحث نظامی و جنگی، از نمونه کارکردهای مسجد در صدر اسلام است. کلاس‌های درس و بحث‌نامه (ع) در مسجد مخاطبانی از سراسر جهان اسلام جذب می‌کرد.

کارکردهای مسجد در طول دوره تاریخ اسلام، فراز و فرودهای بسیار داشته است. در دوران انقلاب اسلامی، مسجد برخی کارکردهای صدر اسلام را دوباره به دست آورد. کارکردهای آموزشی، نظامی، سیاسی با محوریت مسجد در ابعاد مختلف شکل گرفت و تاکنون هم مساجد

۶۶
؟؟؟؟
۶



پیشخوان

اقتصاد مقاومتی
و گفت‌وگو

؟؟؟؟
۶

پی‌نوشت:

(۱) مقام معظم رهبری،
بیانات در دیدار با
عوامل فیلم شیار ۱۴۳،
۱۳۹۳/۳/۲۶

فعال این کارکردها را پوشش می‌دهند.

در این کارکردها، بعضی مادر هستند و کارکردهای دیگر را تغذیه می‌کنند. می‌توانند مانند شاهراه و کانالی برای انتقال مفاهیم مختلف باشند؛ کارکرد عبادی باید بالأصله باشد؛ اما مفاهیم دینی می‌تواند در قالب‌های متفاوت مانند سیاسی، اجتماعی و مانند آن قرار گیرد و به مردم ارائه شود.

آنچه در میان کارکردهای مختلف مساجد در جامعه ما کم‌رنگ شده، پرداختن به مباحث فرهنگی و اجتماعی کسانی است که با مسجد ارتباط گرفته و در مساجد فعالیت می‌کنند. این تنوع جمعیتی، خلأ اجتماعی ایجاد می‌کند؛ مثلاً حضور کم‌رنگ جوانان، یکی از خلأهای اجتماعی است که مساجد ما با آن مواجه شده‌اند زیرا نیازهای فرهنگی و اجتماعی این قشر در مسجد تأمین نمی‌شود. مساجد باید بتوانند محتوای مورد نیاز این اقشار را تأمین کنند.

تأسیس دفاتر ادب و هنر انقلاب اسلامی با محوریت مسجد

مسجد می‌تواند جایگاهی برای تولید محتوای مردمی اختصاص دهد که ما به آن «دفاتر ادب و هنر انقلاب اسلامی» می‌گوییم. موضوع فعالیت این دفتر رسیدن به ثبات در ادب و هنر انقلاب است و هدف آن هم انقلاب اسلامی تعیین شده است.

تولید محتوا در مسجد، بر اساس سنجش نیازها و اولویت منطقه صورت می‌گیرد. مسجد می‌تواند بخش‌های مختلفی از تولید محتوای مردمی را در بر گیرد. مثلاً ثبت خاطرات می‌تواند بخش مهمی از فعالیت‌های این دفاتر ادب و هنر انقلاب را تشکیل دهد. به ویژه اینکه درباره گذشته پر افتخارمان، محتوای بسیار اندکی در اختیار داریم.

تاریخ شفاهی در بستر مسجد

یکی از دلایل بی‌محتوایی در حوزه تاریخ معاصر، نبود ارتباط مؤثر و مفید با بزرگ‌ترها و جوانان نسل انقلاب است. کسانی که در طی پیروزی انقلاب اسلامی و همچنین دوران دفاع مقدس افتخار آفرینی کرده‌اند، کم نیستند اما تا کنون کمتر کسی از نسل جوان، برای دریافت خاطرات و تجربیات به سراغ این افراد رفته است. به همین دلیل، جوان امروز ما برای تعامل با دیگران، موضوعی برای گفتگو ندارد و در نتیجه به سراغ محتوایی می‌رود که فرهنگ خودی در تولید آن نقشی ندارد.

در گذشته، مجالس شب‌نشینی را قصه‌های گذشته و درس‌ها و عبارات بزرگ‌ترها پر می‌کرد که بر بنیادهای فرهنگی و فکری ایرانی استوار بود. اما امروز که خودمان برای تولید محتوا تلاش نمی‌کنیم، بیگانگان برای ما محتوا تولید می‌کنند و این محتوا بر اساس فرهنگی به ما داده می‌شود که سنجشی با فرهنگ بومی ما ندارد. نشانه این

مسئله را در پیام‌هایی که این روزها در شبکه‌های اجتماعی میان کاربران فضای مجازی رد و بدل می‌شود، می‌توان دید.

این نسل نسبت به گذشته فرهنگی و اجتماعی و افتخارات وطنی خود اطلاع اندکی دارد. وقتی این مسئله را با دیگر کشورهای دنیا مقایسه می‌کنیم، متوجه می‌شویم ما در این حوزه عقب‌نشسته‌ایم. جنگ ویتنام بی‌شک از بزرگ‌ترین جنایات آمریکایی‌ها در قرن اخیر است؛ اما نسل نوجوان این کشور خاطرات کهنه‌سربازان این جنگ را با افتخار بازگو می‌کند. این تنها به دلیل واگویی کردن خاطرات سربازان این جنگ‌ها و یادبودهای آن، بوده است.

تاریخ شفاهی می‌تواند در قالب‌های مختلف هنری و فرهنگی به مردم ارائه شود. از دل خاطرات رزمندگان می‌توان هزاران محتوا و قصه و رمان و فیلم تولید کرد. رهبر معظم انقلاب در دیدار با عوامل فیلم شیار ۱۴۳ هم به این موضوع اشاره مستقیم می‌کنند: «بروید در مسجد و فعالیت‌هایی را که در یک مسجد از سوی مردم انجام گرفته است، با آن نگاه هنرمندانه تبیین کنید، یک قصه در بیاورید و روشن کنید... بروید داخل مجموعه‌هایی که جنگ را پشتیبانی می‌کردند، برایشان از مال خودشان از امکانات ضعیف خودشان استفاده می‌کردند... اینها همه موضوعاتی است که می‌تواند موضوع محوری و مرکزی برای سینمای ماقرار بگیرد.» (۱)

انتقال مفاهیم دینی و انقلابی با استفاده از قالب‌های هنری

محور دیگری که می‌تواند در جهت انتقال مفاهیم در مساجد شکل گیرد، استفاده از ابزاری مانند فعالیت‌های هنری است. گاهی انتقال مفاهیمی مانند صبر، انفاق و مانند آن با سخنرانی صورت می‌گیرد و در کنار آن می‌توان از قالب‌های هنری مانند سرود و تئاتر استفاده کرد. بهره‌گیری از نمایش برای بیان مفاهیم به خصوص وقایع تاریخی، از روزگار گذشته در جامعه ما رواج داشته است. حتی در دوران باستان، نمایش «سیاوش‌کشان» رواج داشته و چه بسا سنت تعزیه خوانی از ایران باستان به دوران اسلامی راه یافته باشد. تعزیه، هنری بود که وقایع تاریخی مانند عاشورا را برای مخاطب تصویرسازی می‌کرد و فهم دقیق‌تری از این حادثه منتقل می‌کرد.

انتقال مفاهیم در قالب‌های متنوع، نیازمند ابزارها و بسترهایی است. ابزارها مشخص است؛ امکاناتی که مساجد در اختیار دارند، محدود و مشخص است. باید قالبی برای مساجد برنامه‌ریزی کرد که امکانات مسجد بتواند نیازهای آن را برآورده کند. یکی از این قالب‌ها، گروه‌های سرود است. رهبر انقلاب هم بر اهمیت این قالب و توانمندی آن برای انتقال مؤثر مفاهیم مختلف مذهبی و اجتماعی، تأکید می‌کنند. تئاتر هم از دیگر قالب‌های هنری است که زیرساخت‌های آن از عهده مسجد بر می‌آید. در دهه ۶۰، مسجدی‌ها از این دو قالب در بالاترین سطح آن، استفاده می‌کردند.





در گفتگو با دکتر علی اکبر ولایتی رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام

“
؟؟؟؟
”

نقش مسجد در فرهنگ، تمدن و انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران، تنها یک انقلاب و دگرگونی سیاسی نبود؛ بلکه انقلابی فرهنگی بود و هست. انقلابی با اهداف فرهنگی در راستای فرهنگ و تمدن اسلامی. از این رو است که می‌گوییم انقلاب هم‌چنان ادامه دارد؛ زیرا فرهنگ امری پویاست که گردشی دائمی می‌طلبد. انسان تراز انقلاب اسلامی، همواره در مسیر تعالی است و اگر روزی از حرکت بایستد و به آنچه تا کنون رسیده است بسنده کند، نه تنها دیگر انقلابی نیست، بلکه سدی است در برابر انقلاب. چراکه انقلاب، یعنی حرکت و انقلاب فرهنگی، یعنی حرکت پیوسته و دائمی، آن هم از جنس قرآنی آن؛ صیورت. در فرهنگ اسلامی، هدف خداوند متعال است و سیر تعالی، تا ذات نامحدود او ادامه دارد. برای چنین حرکت مهمی که پویایی، پیوستگی و تعالی خواهی از شاخصه‌های آن است، باید پایگاهی ساخت که قابلیت پشتیبانی از آن حرکت را داشته باشد. پایگاهی فرهنگی و تمدن ساز که مهم‌ترین شاخصه‌اش، انسان‌سازی باشد. چراکه تمدن را انسان می‌سازد؛ انسانی که با فرهنگ متعالی و تعالی جوی اسلام تربیت شده باشد. دکتر علی اکبر ولایتی، از چهره‌های شاخص و تأثیرگذار در انقلاب اسلامی است که حضور پیوسته و فعالش در عرصه سیاست، هرگز از دغدغه‌ها و فعالیت‌های علمی و فرهنگی او نکاست. شاید بتوان او را علمی‌ترین چهره سیاسی در میان مسئولان جمهوری اسلامی دانست. تألیفات فراوان او در زمینه‌های علمی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی، گواه این مدعا است. در میان این کتاب‌ها، شاید بتوان مهم‌ترین و قطورترین کتاب‌های او را مجموعه کتاب‌های تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام، ایران و تشیع دانست. به بهانه سالگرد انقلاب شکوهمند ایران اسلامی، به گفت‌وگو با او نشستیم تا نگاهی به نقش توأمان مسجد و انقلاب اسلامی ایران، در شکوفایی و تعالی فرهنگ و تمدن اسلامی داشته باشیم.

به کوشش:
حجت‌الاسلام
محمدحسین
پیشاهنگ



پیشخوان



اقتصاد مقاومتی
و گفت‌وگو با انقلاب

“
؟؟?
”

پیش آقای دکتر ولایتی، سیاستمدار انقلابی که بیش از چهار دهه فعالیت سیاسی و انقلابی در کارنامه دارد، چه نسبتی بین فرهنگ، تمدن و انقلاب اسلامی می‌بیند؟

مقدمه تمدن سازی در اسلام، همان خود اسلام است. اما این یک سیر تاریخی دارد. اسلام با دعوت شروع شد: «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَقْلَحُوا». بخش دوم تاریخ اسلام به تشکیل حکومت اختصاص دارد. مرحله سوم، مرحله گسترش است. مرحله بعد، تبادل فرهنگی و تمدنی است که با هم‌جواری اسلام در کنار سایر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها اتفاق افتاد. البته بین فرهنگ و تمدن تفاوت‌هایی وجود دارد. فرهنگ، سرمایه معنوی یا تبلور معنویات یک قوم است و تمدن، تبلور مادی آن فرهنگ است که به شکل علم، تکنولوژی و مدنیت بروز می‌کند.

ما یک کتابی داریم به نام «پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران» (۱). فصل اول این کتاب، تعریف فرهنگ و تمدن از دید متفکرین مختلف است؛ از ویل دورانت و ابن‌خلدون گرفته تا سام‌هانتینگتن. در این کتاب، ابتدا مفهوم تمدن و شاخص‌های آن را مشخص کردیم و بعد سابقه آن را در تاریخ اسلام بررسی کردیم. بر همین اساس، یک منحنی در آورديم - که البته پتنت (۲) آن نیز متعلق به خودم است - و فراز و فرود تمدن اسلامی را در طول تاریخ ترسیم کرده‌ایم. زمانی که مقارنه می‌کنیم، متوجه می‌شویم هر وقت مسلمان‌ها قدرت داشتند، تمدن اسلامی شکل گرفت و منحنی هم بالا رفت. هر وقت که ضعیف بودند نیز، تمدن افول کرد و منحنی به سمت پایین حرکت کرد.

پیش این همان نقش حاکمیت در ایجاد تمدن است؟ یعنی باید حاکمیت اسلامی شکل بگیرد تا بعد تمدنی اسلام بروز کند؟ تأکیدم بر «حاکمیت اسلامی» است؛ نه هر حاکمیتی که منسوب به اسلام است. در واقع می‌توان گفت که فرهنگ اسلامی، زیربنا و اساس تمدن اسلامی است، اما حاکمیت اسلامی در شکل‌گیری تمدن اسلامی، نقش کاتالیزور را دارد، که بدون آن تمدن اسلامی هم متبلور نمی‌شود؟ تا قدرت نباشد، بقیه‌اش حرف است.

پیش بنابراین می‌توانیم بگوییم رابطه مستقیمی میان قدرت و تمدن اسلامی وجود دارد. در حقیقت حاکمیت باید در سایه قدرت باشد و حاکمیت بی‌قدرت یا ضعیف، فایده ندارد.

یعنی ما اگر مسلمان باشیم - که هستیم، اگر فقط نماز بخوانیم، روزه بگیریم و... ولی کفار بر ما حاکم بشوند، بخش اعظم احکام اسلامی زمین می‌ماند و اجرایی نمی‌شود. اسلام که اجرا نشود، دیگر اسلام نیست! این جواب آنهایی است که می‌گویند «صبر کنیم تا ظهور بشود». خلاصه بخش اعظم اسلام، از زمان بعثت تا کنون، تعطیل است. بعد از حکومت حضرت امیر المؤمنین (ع) و چند ماه حکومت امام حسن (ع)، دیگر احکام اسلامی تعطیل است. انقلاب اسلامی، فرصت مغتنمی است که بار دیگر احکام اسلامی در جامعه پیاده شود و بستر مناسبی برای تحقق تمدن اسلامی فراهم شود.

پیش اجازه بدهید بحثی را از روی جلد همین کتاب شروع کنیم. روی جلد کتاب شما که عنوان و موضوعش نیز

فرهنگ و تمدن اسلامی است، از عکس «مسجد» استفاده شده است. پرسش ابتدایی که به ذهن می‌رسد، این است که جایگاه مسجد در تمدن اسلامی کجاست؟

بله! این مسجد شیخ لطف‌الله است. اصل تمدن اسلامی بر اساس اسلام است. احیای تمدن اسلامی بر اثر احیای ارزش‌های اسلام است. احیای ارزش‌های اسلامی، یعنی بیداری اسلامی و بیداری اسلامی یعنی بازگشت به اسلام؛ یعنی رشد مجدد تمدن اسلامی. مرکز این تمدن، مسجد است؛ مسجدی که هم محل عبادت بود، هم محل علم. هم مسجد بود و هم مدرسه.

پیش ما به دنبال تعاریف نیستیم. می‌خواهیم به یک نتیجه برسیم و این صحبت یک برون داد تصمیم‌ساز داشته باشد. همه ما می‌دانیم که به هر حال مسجد صاحب نقش است. سؤال این است که دقیقاً چه نقشی ایفا می‌کند و ما چه قدر از این نقش استفاده کرده‌ایم؟ شما در کتابتان - در همان منحنی که شرح دادید - سیر تاریخی فراز و فرود تمدن اسلامی را ترسیم کرده‌اید. در این منحنی نشان داده‌اید که پس از یک دوره طولانی افول و شیب منفی در تمدن اسلامی، در قرن چهاردهم با وقوع انقلاب اسلامی ایران، شیب منحنی مثبت شده است. یعنی انقلاب اسلامی، نقش مؤثری در رشد تمدن اسلامی داشته و دارد. یکی از محورها و عوامل اصلی در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی ایران مساجد بودند. این ظرفیتی بود که خودش را در آن دوران نشان داد. منحنی‌های کتاب شما نشان می‌دهد در این چهار دهه‌ای که از عمر انقلاب اسلامی می‌گذرد، رشد تمدنی اتفاق افتاده است. اما مسئله این است که در واقع ما چه قدر از آن ظرفیت مسجد در تمدن سازی استفاده کرده‌ایم؟

در این قسمت از منحنی که می‌بینیم یک مقدار دوباره به سمت بالا می‌رود، در سایه بیداری اسلامی است که در قرن چهاردهم و پانزدهم ایجاد شده است. فرهنگ، نمود یا ظهور معنوی یک اندیشه است و تمدن، ظهور مادی آن. در اسلام همواره پایگاه تمدن ساز، مسجد بوده است. مسجد خود یک فرهنگ است؛ فرهنگی انسان ساز و تمدن ساز. یعنی یک آدم مسجد برو، باید به لوازم آن مسجد هم متعهد باشد. فقط نرود نماز بخواند و بعد هم، بخش تمدن سازی آن را رها کند. آغاز تمدن اسلامی، از دعوت است و مراحل بعدی جهاد است و تشکیل حکومت و استقرار حکومت. به قول فرنگی‌ها، ما یک مرحله رولوسیون (۳) داریم، یک مرحله انستیسسیون (۴). یعنی اینجا ابتدا انقلاب اسلامی انجام شد و سپس حکومتی مستقر شد. در سایه حکومت، امنیت به وجود آمد و مردم تشویق شدند به علم و علم آموزی. علم هم فقط علم اولیه دینی نیست؛ بلکه هر علمی را شامل می‌شود. هر علمی مثل ریاضی، پزشکی و فیزیک را اگر با جهان بینی الهی ببینیم، آن علم هم الهی می‌شود. یعنی کسی که می‌خواهد توحید را بفهمد و لمس کند، کافی است قدری روی سُلول‌های بدن انسان، اتم‌ها، مولکول‌ها، قوانین فیزیک یا علم نجوم مطالعه کند. حدیثی است از امام کاظم (ع) که فرمودند: «بعد از علم قرآن، هیچ علمی شریف‌تر از دانش اختران و اخترشناسی نیست؛ چرا که این دانش علم پیامبران، اوصیا و وارثان

پیامبران است» (۵) تمدن اسلامی، نتیجه احیای ارزش‌های اسلامی است. مسجد هم باید آن کار کرد قبلی خودش را به دست بیاورد؛ باید مرکز همه چیز باشد.

مسجد شما فرمودید که آن جایگاه قبلی خودش را به دست بیاورد، یعنی الآن آن جایگاه اصلی را ندارد؟

نخیر! ندارد. مسجد باید محل حل همه مشکلات و رشد و توسعه در همه جنبه‌ها و زمینه‌ها باشد. جایی که مردم بنشینند یا یکدیگر حرف بزنند، فکر کنند و حوائج و نیازهای همدیگر را برطرف کنند. مسجد باید ملجأ مردم باشد.

مسجد در این سی و هشت سالی که از انقلاب اسلامی گذشته است و ما مرحله تشکیل حکومت یا نظام‌سازی را هم پشت سر گذاشتیم و از همه مهم‌تر، ساختار قدرت را در اختیار داشتیم، چقدر سعی کردیم که جایگاه واقعی مسجد را به او برگردانیم؟ در واقع برای احیای مسجد تمدن‌ساز اسلامی چه کردیم؟

مسجد بعد از انقلاب، با قبل از انقلاب خیلی فرق کرده است.

مسجد دقیقاً چه فرقی کرده است؟

اول که خود انقلاب، حال و هوای مسجد را عوض کرد. اگر مسجد در انقلاب تغییر نمی‌کرد، انقلاب نمی‌شد. بالاخره مسجد به محل جمع شدن مبارزین علیه طاغوت تبدیل شد. در مسجد بود که وعاظ بر فراز منبر می‌رفتند و سخن امام خمینی (قدس سره) را تبلیغ می‌کردند و به گوش مردم و نمازگزاران می‌رساندند. مردم پای این منبرها کسب تکلیف می‌کردند و عمل می‌کردند. البته جای دیگری هم نبود و نمی‌شد. جای دیگر چنین تقدسی ندارد؛ آخر مبارزه در راه حق و انقلاب برای اسلام، مقدماتی می‌خواهد. این مقدمات در داخل مسجد فراهم است. باید زمینهش پاک باشد، غصبی نباشد، مردم در آنجا جمع بشوند و البته نیت افراد درست باشد و مردم پول و هزینه مبارزه را بدهند. در مسجد است که مردم می‌آیند، وضو می‌گیرند. سپس عادل‌ترین آدم‌ها را می‌آورند تا پشت سرش بایستند و نماز بخوانند. آن‌گاه به حرفش هم گوش می‌دهند. البته آن کسی هم که بالای منبر حرف می‌زند، خودش باید عامل به احکام دین باشد که در حرف و سخنش اثر باشد. این ویژگی‌ها تنها مختص مسجد است. بعد حرکت از مسجد شروع می‌شود.

مسجد بعد از انقلاب چگونه؟ مسجد بعد از انقلاب چه ویژگی‌هایی دارد؟ آیا مسجد بعد از انقلاب، به آن شکوفایی مطلوب که انتظار داشتیم رسیدند؟ ممکن است این تصور آسیب‌شناسانه وجود داشته باشد که با پیروزی انقلاب و پایان مبارزه، مسجد کارکردهای اجتماعی خود را که در دوران مبارزه به وجود آمده بود، از دست داد.

این تصور درستی نیست. نباید ناشکری کنیم. نباید فقط آسیب‌ها را ببینیم. به این مسئله توجه کنید که بعد از انقلاب هم بسیج از دل مساجد بیرون آمد.

مسجد البته می‌دانیم که بعد از بهمن پنجاه و هفت مبارزه تمام نشد. ابتدا مبارزه با منافقین، گروه‌ها و دسته‌جات ضد انقلاب بود و بعد از آن نیز، با تحمیل جنگ و در دوران دفاع مقدس، مسجد پایگاه اصلی انقلاب و نیروهای مردمی مدافع انقلاب بود. با این اوصاف می‌توانیم بگوییم جنگ را مسجد مدیریت کردند؟

بله! همین‌طور است. الآن نیز وقتی مردم می‌خواهند از حرم دفاع بکنند، باید در مسجد جمع بشوند. پایگاه اصلی مدافعین حرم، مسجد است. پس به جرأت می‌توان گفت که مسجد کارکرد بهتری پیدا کرده است. البته قبول داریم که مسجد هنوز خیلی ظرفیت دارد و باید این ظرفیت‌ها را نیز فعال کرد.

مسجد در حقیقت، زمانی نگاه مبارزین در مساجد، ناظر به طاغوت یا استبداد داخلی بود. بعد از انقلاب، مساجد تبدیل به پایگاه مبارزه با استکبار جهانی شد - که ابتدا این مبارزه تا حدودی محدود به مرزهای کشورمان بود؛ اما امروز، مبارزه با استکبار و استبداد و استعمار، دیگر مرز نمی‌شناسد و این همان رشدی است که در مسجد اتفاق افتاد و از ناحیه مساجد در جامعه منتشر شد.

امروز پایگاه اصلی بیداری اسلامی در منطقه و جهان اسلام نیز مسجد است. در خبرها دیدیم که برای مقابله با بیداری اسلامی، مساجد را خراب می‌کنند. در اروپا هم مساجد را آتش می‌زنند. آنها از مسجد می‌ترسند، چون پایگاه فرهنگ و تمدن اصیل اسلامی است.

؟؟؟؟
6



خدا(ص) فرمودند: «هیچ پیغمبری به اندازه من اذیت نشد» (۷). بیش از هشتاد غزوه و سریه در زمان رسول خدا و بالاخره ۱۴۰۰ سال مجاهدت مؤمنین، به این مسجدی که امروز مشاهده می کنیم، تبدیل شد. هر کجا مسجد باشد، محل جوشش است. به همین دلیل در فرنگ -در آلمان و فرانسه- مسجد آتش می زنند. کسی نه اینجا، در جهان اسلام و نه آن سوی جهان اسلام، کلیسا آتش نمی زند! اینجا از مسجد می ترسند. از حجاب می ترسند. رئیس جمهور فرانسه از این روسری که سر یک دختر بچه ده، دوازده ساله است، می ترسد. می گوید این روسری را از سرش بردارد، بعد بیايد توی مدرسه؛ این انفعال است. انفعالی که در اثر فعالیت مسجد یا مساجد در جهان اسلام به وجود آمده است.

ماهیچ شاید بتوانیم بگوییم که آنها قدرت تمدن اسلامی را دیده و از نقش تمدن ساز مساجد هر اسیده اند. در واقع آنها نگران تمدن خودشان هستند که در مقابل تمدن رو به رشد و تعالی اسلام، سخنی برای گفتن نداشته باشند و مسیر اضمحلال را طی کنند. گرچه آواز پوچی تمدن های غیر الهی مدت ها است که شنیده می شود.

بله! یک زمانی بعضی افراد از میان خود ما -مسلمان های متدین و انقلابی- می گفتند که فرزندانمان به ویژه دخترها را به مدرسه نفرستید، زیرا بی حجاب و بی دین می شوند. راست هم می گفتند. زمان رضاشاه کشف حجاب، اجباری بود. دختر و پسر هم در مدارس مختلط بودند.

ماهیچ شاید از این مهم تر هم افکار و اندیشه های الحادی یا سکولاری بود که به دانش آموزان می آموختند.

بله! از زمان رضاشاه این کار را کردند. اما الان آنها -لائیک ها و سکولارها- می گویند که این با حجاب ها را به مدارس یا دانشگاه ها راه ندهید. آن وقت ها می گفتند نروید آنجا، چون بی حجاب هستند. در واقع اینجا که چادر سرشان بود، در حالت دفاعی بودند. حالا طرف یک روسری سرش می کند، انگار شمشیر دستش گرفته؛ آنها در حالت انفعال یا تدافعی قرار می گیرند و می گویند این روسری سرش است، راهش ندهید. روسری است، تفنگ که نیست! اگر آزادی است، پس چرا ممانعت می کنند؟ دلپیش روشن است: آنها می ترسند.

ماهیچ از شهردار پاریس سؤال می کنند که چرا استفاده از پوشش اسلامی را در اماکن عمومی شهر ممنوع کرده ای، در پاسخ می گوید چون حجاب یا پوشش اسلامی، ترویج تروریسم است. اینها ساده ترین نماد اسلامی را برابر با اسلحه می دانند.

این بحث ها و دلایل را حالا مطرح می کنند؛ حالا که رسانه ها اسلام و تروریسم را برابر معرفی کرده اند. بهانه پیدا کرده و با این مباحث فرافکنی می کنند. پیش از آن می گفتند که ما لائیک هستیم و در لائیک یا سکولاریسم، ترویج ایدئالیسم ممنوع است و این چادر، نماد مثلاً ایدئالیسم و تغییر عقیده است. اما همه اینها بهانه است. حرف آخر این است که آنها از فرهنگ و تمدن اسلام می ترسند؛ تمدنی که دوباره در سایه بیداری اسلامی حال ظهور و تبلور است.



ماهیچ با همه این اوصاف، قبول دارید که هم چنان در جهان اسلام و حتی در جمهوری اسلامی، مسجد سکولار داریم؟

بله! متأسفانه عده ای -یا هر انگیزه یا اعتقادی- می گویند «ما فقط باید دعا کنیم، از ما که بر نمی آید» (منظور دعوت و مبارزه و جهاد است که نخستین گام ها در تمدن سازی است). این حرف با حرف کشیش ها هیچ فرقی نمی کند. این حرف که می گویند «دعا کنیم خدا کار را اصلاح کند»، مثل همان حرف بنی اسرائیل است که به حضرت موسی (ع) می گویند: شما و خدا با هم بروید در آن شهر بجنگید و دشمن ها را مغلوب کنید، ما اینجا نشستیم؛ «اُنا هاهنا قاعدون» (۶) این سخن را بنی اسرائیل می گوید و به خاطر همین نافرمانی ها و حرف های غلطی که زدند، سال ها در بیابان ها سرگردان بودند؛ همان وادی سرگردانی: تیه. صبح تا غروب راه می رفتند و شب می دیدند همان جایی هستند که صبح بودند. این یک تمثیل است. یک حرف نمادین است. یعنی چون حرکت را درست انجام نمی دادند، در جایی می زدند.

ماهیچ در واقع تبعیت شان را که از نبی و ولی خدا از دست دادند، شروع کردند به درجا زدن.

همین طور است. این که تنها بنشینیم دعا کنیم، دیگر اسلام نیست. اگر قرار بود که همه بنشینند، خب این ۱۴۰۰ سال همه می نشستند. از اساس چرا خداوند متعال پیغمبران را فرستاد؟ هدف از ارسال رُسل این بود که بشر یاد بگیرد حرکت کند. در غیر این صورت، خدا خود از ابتدا همه هستی و کارهای بشری را درست می کرد و سامان می داد.

ماهیچ ما در آستانه ورود به دهه پنجم انقلاب اسلامی هستیم. با توجه به مقتضیات این دهه، چه طرح و برنامه ای در حوزه فرهنگ و تمدن سازی داریم؟ آیا به نقش محوری مسجد در دهه آینده توجه کرده ایم؟

اصلاً ما جز مسجد جایی را نداریم که چنین ظرفیتی در توسعه فرهنگی و تمدن سازی اسلامی داشته باشد. مسجد این نیست که یک چهار دیواری و یک سقف دارد؛ مسجد امروز، نتیجه همه زحماتی است که از صدر اسلام تا کنون کشیده شده است. حتی باید گفت که نتیجه زحمات همه صد و بیست و چهار هزار پیامبر بوده تا به پیامبر خاتم رسیده است و ایشان نیز از همه بیشتر زحمت کشیدند. رسول



پیشخوان



اقتصاد مقاومتی
و گفتمان انقلاب

پی نوشت ها:

- (۱) ن. ک. ولایتی، علی اکبر: «پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران»، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶، ویراست جدید در دو مجلد.
- (۲) حق انحصاری در حوزه مالکیت فکری.
- (۳) Revolution به معنای انقلاب.
- (۴) به معنای استقرار.
- (۵) بحار الانوار: ج ۵۸/۲۵۲.
- (۶) مانده (۵): ۲۴.
- (۷) بحار الانوار: ج ۳۹/۵۶.

آسیب شناسی نهادهای فرهنگی در زمینه فرهنگ سازی طی چهار دهه گذشته

احسان حسینی
رئیس مرکز فرهنگی هنری
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه
علمیه قم

فرهنگ سازی، تعبیری مهم و در عین حال ساده نسبت به ذهنیت های پیچیده جهان امروز است که در همه حوزه های ادبی جزئی، تخصصی یا مینی مال، بروز دارند. با این وجود، برای نوشتن درباره آن، باید تعریفی - هر چند مسامحه ای - ارائه کرده، آن را مبنای بررسی قرار داد.

به صورت کلی و در دریافت اولیه، فرهنگ سازی، برنامه ریزی حکیمانه، اجرای مؤثر، جامع و کار آمد و باز خور دگیری واقعی در حوزه ی فرهنگ می باشد. اگر در مورد همه موضوعاتی که قرار است در باره آن فرهنگ سازی شود این سه مرحله رعایت شود، می توانیم بگوییم که در آن موضوع مشخص، وارد حوزه فرهنگ سازی شده ایم و عملیات فرهنگ سازی را انجام داده ایم که البته خود این فرایند می تواند نشان بدهد که فرهنگ سازی درست انجام شده یا درست انجام نشده است. همچنین باید توجه داشت که چه موانع، مسائل و پارامترهای مهمی در مسیر اجرای درست این فرهنگ سازی وجود دارد و باید مورد توجه قرار گیرد. در واقع چند مسیر و پارامتر اصلی وجود دارد که باید روی آنها تأمل کرد:

این راهبردها در طی فرایندهای اندیشه ورز و مشورتی، تبدیل به برنامه ریزی، و برنامه ریزی منتهی به برنامه عملیاتی می شود. بنابراین در آسیب شناسی نهادهای فرهنگی، اولین مسئله این است که راهبردهای سازمان های ما مشخص نیستند و مبهم هستند، یا شعارها و بحث های کلی - به اشتباه - به عنوان راهبرد تصور شده اند. در این حالت، راهبردهای مشخص هم عمل نمی شوند. به عنوان مثال، گفته می شود یکی از راهبردهای نهادهای فرهنگی در حوزه فرهنگ، جذب حداکثری و دفع حداقلی با رعایت اصول است. آنچه رهبری تأکید داشتند، این بود که چنین راهبردی بدون افراط و تفریط انجام شود، بدون این که اصول زیر پا گذاشته شود یا برای دفع، جذب را زیر پا بگذاریم. راهبرد این بود؛ جذب حداکثری و دفع حداقلی. وقتی این امر بیان می شود، بسیاری مدیران از جهات نظری، بیان و منطق نسبت به آن واقف شده و به دانش خود در این رابطه می افزایند یعنی حرف را می فهمند و به آن علم پیدا می کنند اما معرفت که لازمه عمل به آن است را کسب نمی کنند.

مسئله اول در موضوع آسیب شناسی نهادهای فرهنگی در حوزه فرهنگ سازی، راهبردها هستند؛ راهبردهای فرهنگی ما در حوزه فرهنگ سازی، یا مشخص نیستند یعنی طراحی نشده اند و به بیان کلیات و حرف های مبهم اکتفا شده است، یا حرف های شعاری بیان شده و تصور شده است که اینها راهبرد است، و یا مثلاً راهبرد یا رهنمودی را بزرگانی همچون رهبر معظم انقلاب مطرح می کنند و به جای این که آن رهنمود تبدیل به راهبردهای عملیاتی شود، تنها همان حرف ها تکرار می شود. باید به این نکته دقت کرد که در مقام راهبرد محوری، تنها یک رهبر کافی است و بقیه باید عمل کنند. امروزه فرایند این موضوع در جامعه ما اینگونه است که مسئول اجرای دستورات فرهنگی و رهنمودها و راهبردهای فرهنگی، خودش به رهنمود دادن می پردازد در صورتی که اساساً وظیفه مسئول اجرایی، سخنرانی و شعار و رهنمون دادن نیست بلکه وی تنها وظیفه اجرا و اقدامات عملی را به عهده دارد. در فرایند رهنمود تا راهبرد، هر دستگاه باید بر مبنای سیاست های کلی، اسناد بالا دستی و فرمایشات رهبری، راهبردهایش را استخراج کند.

“
؟؟؟؟
”





پیشخوان



اقتصاد مقاومتی
و گفت‌و‌مان انقلاب

“
؟؟?
”

در همین راستا، در مقام عمل به گونه‌ای دیگر عمل می‌شود. به طوری که در نهادهای فرهنگی، همچنان روابط بر ضوابط ترجیح دارد و همچنین پدیده دفع، به صورتی قوی اجرا می‌شود به گونه‌ای که کوچک‌ترین نقطه سیاه، موجب حذف فرد می‌شود. نهایتاً این امر را دستورالعمل نانوشته و راهبرد رهبری می‌دانند!

مسئله دوم یا آسیب‌های نهادهای فرهنگی ما در حوزه سیاست‌گذاری، مسأله‌شناسی است. اگر سیاست‌گذاری را در رویکردهای متأخر آن با برجسته شدن موضوع و مسأله و مسأله‌شناسی بفهمیم، باید گفت در حوزه مسأله‌شناسی، ما دچار چالش هستیم و مسئله اصلی را نمی‌شناسیم. به طور مثال، بحث شیطان پرستی یکی از موضوعات مورد بحث در یکی از شوراهای فرهنگی مهم کشور قرار می‌گیرد؛ موضوع دستور جلسه‌ای در شورای کلان فرهنگی قرار گرفتن، بسیار مهم و حساس است. چه کسی گفته این مسئله جامعه‌ماست؟ طی چه فرایندی این موضوع در دستور کار قرار گرفته؟ آیا به نتیجه حاصل از آن جلسه که در قالب کتابچه‌ای منتشر شده اهمیت داده شد؟ باید توجه داشت که هر مسئله خلاقانه و تازه‌ای مهم و محوری نیست.

باید ببینیم گستردگی یک موضوع چقدر است؟ از زمان صفویه تا امروز، میسیونرهای مسیحی می‌آمدند و مسیحیت را تبلیغ می‌کردند. هیچ وقت هم علما حساسیتی نشان ندادند، چرا که اساساً جامعه‌ما چنین چیزی را نمی‌پذیرد. مسئله جامعه‌ما شیطان پرستی نیست که ابر نهاد فرهنگی ما تحقیق، پژوهش، نیرو و بودجه خود را معطوف به آن کند و در این میان، مسائل گسترده فرهنگی ما - آنهایی که به شدت همه جامعه را مبتلا کرده - مغفول واقع شود.

مسئله سوم در آسیب‌شناسی نهادهای فرهنگی در حوزه فرهنگ‌سازی، بعد اولویت‌شناسی است. اولویت‌شناسی، در خصوص همه مسائل مسأله‌شناسی، سیاست‌گذاری، اجرا و همچنین در حوزه طبقات لایه‌ای هر موضوع و مسأله باید لحاظ شود. در این موضوع هم نهادهای فرهنگی با مشکلات متعددی روبرو هستند و در برخی موارد سراغ مسائلی که اولویت چندم است رفته و از اولویت‌های اصلی باز می‌مانند.

مسئله چهارم در آسیب‌شناسی نهادهای فرهنگی در حوزه فرهنگ‌سازی، بحث ابزارشناسی است. نهادهای فرهنگی، ابزار فرهنگی را به درستی نمی‌شناسند و فرهنگ حاکم بر آنها را نتوانسته‌اند به خوبی بفهمند.

سینما، موسیقی، تئاتر و رمان که این روزها شبکه‌های اجتماعی هم به آنها اضافه شده‌اند، همه ابزاری فرهنگی هستند که به شکل صحیح شناخته نشده‌اند حال آنکه این ابزار باید از فلسفه تا کاربرد به خوبی شناخته شده و مورد استفاده مفید قرار گیرند. لازمه این مسئله، شناخت دقیق این ابزار است.

مسئله پنجم در آسیب‌شناسی نهادهای فرهنگی در حوزه فرهنگ‌سازی و در راستای بحث ابزارشناسی، مبحث رسانه‌شناسی است. متأسفانه ما در دانشگاه‌ها کرسی و رشته رسانه‌شناسی نداریم، رشته ارتباطات هست که مباحث آن هم مربوط به پژوهش‌های متفرقه دیگر است. مهارت‌هایی مثل تلویزیون‌شناسی، سینماشناسی و ادبیات‌شناسی رسانه هم مثل رسانه‌شناسی، در بحث فرهنگ‌سازی بسیار مورد نیاز یک نهاد فرهنگی است.

مسئله ششم در آسیب‌شناسی نهادهای فرهنگی در حوزه فرهنگ‌سازی، موضوع مخاطب‌شناسی است؛ نهادهای فرهنگی در

مخاطب‌شناسی هم دچار مشکل هستند چرا که هر بسته پیامی را برای هر مخاطبی نمی‌توان مورد استفاده قرار داد. آن که فرمودند «کَلِمَ النَّاسِ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ» در همین رابطه است که اگر رعایت نشود، واقعاً باعث اضمحلال و چالش و سوء تفاهم‌های وحشتناک می‌شود. یک نهاد فرهنگی برای برنامه فرهنگی و فرهنگ‌سازی خود، باید مخاطبش را بشناسد، ذهنیت‌های پیشینی او و قدر عقل و ذهنیتش را دریابد و مطابق با آن سخن بگوید.

گاهی برنامه‌ریزان فرهنگی هم در مخاطب‌شناسی اشتباه می‌کنند و به جای اینکه مخاطب را بفهمند و با توجه به فهمی که از او پیدا می‌کنند با او گفتگو کنند و پیام را برسانند، سعی می‌کنند مطابق میل او حرکت کنند. خیلی وقت‌ها این اتفاق افتاده است. در واقع مانور دادن روی ذواق و شهوات مخاطب، اشتباهی اساسی است.

آسیب‌شناسی نهادهای فرهنگی در موضوع فرهنگ‌سازی در حوزه‌های عینیت بیرونی

اولین مسئله در حوزه عینیت بیرونی، موازی کاری است که یک آفت بزرگ در مجموعه‌های فرهنگی می‌باشد. این امر، به راهبردهای سیاست‌گذاری‌ها - که درست تبیین نشده‌است - باز می‌گردد.

شورای عالی انقلاب فرهنگی، به کلیت در کار فرهنگی و مأموریت توجه نکرده است؛ در واقع تعریف مأموریت‌ها، و تجمیع قوای فرهنگی برای حمله صورت نپذیرفته است. به همین دلیل با سبک‌های پراکنده‌ای مواجه هستیم که دشمن از لایه‌لای آنها به راحتی نفوذ می‌کند.

مسئله دوم، سیاست‌زدگی است که چند دستگی به وجود می‌آورد. سیاست‌زدگی، ما را از مسائل اصلی منحرف می‌کند. منظور از سیاست در تعبیر سیاست‌زدگی، سیاست به معنای معنوی و مقدس آن نیست. مثلاً خیلی از نیروهای مذهبی و حزب‌اللهی که شاید بر چسب اصول‌گرایی به آنها بخورد، می‌توانند با خیلی از نیروهای فرهنگی که در جناح اصلاح طلبی هستند ولی دغدغه‌های فرهنگی مشترک دارند، همکاری کنند. کار ما کار فرهنگی است. این مرزبندی‌های فردی هم خیلی مواقع مانع هم‌افزایی‌های ما شده است.

مسئله سوم در آسیب‌شناسی نهادهای فرهنگی در موضوع فرهنگ‌سازی در حوزه‌های عینیت بیرونی، جشنواره زدگی نهادهای فرهنگی است.

در مقابل جشنواره زدگی، باید به حوزه تولید و کنش‌گری فرهنگی توجه کرد. امروزه حجم تولیدات فرهنگی سالیانه، بسیار کمتر از حجم جشنواره‌های مرتبطی است که برگزار می‌شود. باید هر کدام از دستگاه‌هایی که متولی فرهنگ هستند، حتی با بودجه کم توانشان را صرف تولید کنند. ولی متأسفانه به دلیل در دسرهای تولید و همچنین آثار تبلیغاتی گسترده جشنواره و نمود بیرونی، مدیران فرهنگی بیشتر میل به برگزاری جشنواره دارند.

نتیجه

آسیب‌شناسی نهادهای فرهنگی به معنای نبود دستاورد فرهنگی در فعالیت گذشته نهادها نبوده و نیست؛ انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، حرکتی توقف‌ناپذیر است که برای همراهی با آن، همواره باید در حال تلاش بود و نهادهای فرهنگی هم مستثنی از این امر نیستند.



در باب اهمیت مبانی فرهنگ عمومی از منظر کلام مقام معظم رهبری

“
؟؟؟؟
”

انسان، جامعه و زیست مدنی

جهت فرهنگ عمومی هدایت شود. از خصوصیات این امور سیاسی اصیل، این است که ذاتی انسان‌ها می‌شوند و در نتیجه، نسل به نسل انتقال می‌یابند و در واقع فطری، یعنی جزء فطرت افراد یک جامعه و دقیقاً عین امور ذاتی می‌شوند.^(۱)

ب. فرهنگ عمومی، مبنای توسعه اقتصادی
ما چگونه می‌توانیم روح کار، جدیت در کار، وجدان کار، پیگیری کار و سلامت کار را در طرح‌های توسعه اقتصادی خودمان در نظر بگیریم بدون اینکه فرهنگ عمومی جامعه را بالا ببریم و فرهنگ کار و وجدان کار و معلومات مربوط به کار را به آنها تزریق کنیم؟ پس می‌بینید که به فرهنگ برگشت.^(۲)

اسبب شناسی جامعه در فرهنگ عمومی

در مسأله فرهنگ عمومی، همین که مشاهده می‌کنیم در جامعه ما -مثلاً در پیچ و خم ادارات و دستگاه‌های دولتی و بخصوص در بعضی از ارگان‌ها که شکایت زیادی از آنها می‌شود- کارهای مردم روان انجام

مفهوم فرهنگ عمومی

مسائل فرهنگ عمومی مهم است. فرهنگ عمومی، همین است که ما می‌گوییم؛ یعنی همه آن چیزی که فرهنگ جامعه را تشکیل می‌دهد.

ببینید ما یک جامعه بزرگی هستیم نزدیک به شصت میلیون آدم که از این شصت میلیون، تعدادی در حال تربیت‌اند، تعدادی از مرحله رشد تربیتی گذشتند و وارد بازار زندگی شدند، همه اینها به طور مداوم احتیاج دارند به دمیدن فکر درست و فرهنگ درست و اخلاق درست. آنچه که فعلاً در مقوله فرهنگ مورد نظر من است، اخلاق است؛ چه اخلاق فردی و چه اخلاق جمعی، اخلاق اجتماعی و اخلاق زندگی.^(۱)

به کوشش:
زهره حاجتی‌فر

اهمیت فرهنگ عمومی

الف. اصلاح فرهنگ عمومی، محور همه امور

اصلاح فرهنگ عمومی، از همه کارها مهم‌تر است؛ چون آن کار، محور همه کارهای دیگر است، کتاب باید برای اصلاح فرهنگ عمومی منتشر شود. فیلم باید برای اصلاح فرهنگ عمومی ساخته شود، هنر باید در



پیشخوان



اقتصاد مقاومتی
و گفت‌وگو با انقلاب

پی‌نوشت‌ها:

- (۱) ۱۳۷۲/۰۹/۲۹
- (۲) ۱۳۷۴/۰۴/۱۹
- (۳) ۱۳۷۴/۰۴/۱۹
- (۴) ۱۳۶۸/۰۹/۲۱
- (۵) ۱۳۷۲/۱۲/۱۳
- (۶) ۱۳۸۶/۰۱/۰۱
- (۷) ۱۳۸۶/۰۶/۰۴
- (۸) ۱۳۶۸/۰۹/۲۱
- (۹) ۱۳۷۲/۰۹/۲۹

نمی‌گیرد و امروز و فردا می‌شود و دردمندانه و دلسوزانه با کار مردم برخورد نمی‌گردد، به خاطر یک نقص و بیماری فرهنگی است. یا اگر مشاهده می‌کنیم که افراد کارآمد فکری مادر دانشگاه‌ها و کارگاه‌ها و مراکز تحقیق، به نوآوری‌هایی که برای یک محقق، نان و آب و شهرتی ندارد، اما زحمت زیادی دارد، کمتر تن می‌دهند و به کارهای آسان‌تر و سهل‌تر تسلیم می‌شوند، یک بیماری فرهنگی است.^(۱)

وظایف جامعه و مسئولین نسبت به مسایل فرهنگ عمومی

الف. ضرورت پیش‌رو بودن در همه صفات خوب

اگر برخی از صفات خوب و پسندیده در این کشورهای غربی، که علم را در دنیا پیشرفت دادند، نبود، آن پیشرفت‌ها پیدا نمی‌شد و همین ظلمی که به دیگران روا می‌دارند، نابودشان می‌کرد. صفات خوب، باعث ماندگاری و پیشرفت آنها است. ما آن صفات را رها کرده‌ایم. آنها کارها را دنبال می‌کنند. برای وقت، ارزش قائل‌اند، و به محصولی که می‌خواهند تولید کنند، اهمیت می‌دهند. اگر کارگر ما، محصل ما، استاد ما، روحانی ما، بازاری ما، کشاورز ما و سایر اقشار، به خصوصیات مثبت و خوب عمل کنند، کشور یکبارگی گلستان خواهد شد. باید به صفات خوب و خصوصیات مثبت روی آوریم که این همان عمل به قرآن است. می‌فرماید: «مبادا دیگران در عمل به قرآن، از شما جلو بیفتند!». نه اینکه امیرالمؤمنین علیه‌السلام نمی‌خواهد کسی به قرآن عمل کند. بلکه اگر همه دنیا به قرآن عمل کنند، آن حضرت، خوشحال‌تر است. می‌گوید مبادا آنهايي که به قرآن عقیده ندارند، به مفاهیم قرآن عمل کنند و بعد بر شما مسلط شوند. آنها جلو بیفتند و شما عقب بمانید.^(۵)

ب. ضرورت مواجهه با آسیب‌های فرهنگ عمومی

ملت ما باید امیدوار، دارای اعتماد به نفس، خوشبین به آینده، علاقه‌مند به پیشرفت، و معتقد و مؤمن به معنویاتی باشد که او را در این راه کمک می‌کند. بحمد الله امروز ملت ما چنین اعتماد به نفس و چنین امیدی دارد؛ باید اینها را تکمیل کرد. اگر ما بتوانیم این دشمن‌ها را در درون خود، در جان خود، در فرهنگ عمومی جامعه خود از کار بیندازیم، دشمن بیرونی هم نمی‌تواند به ما صدمه و لطمه‌ای برساند.^(۶) از جمله کارهایی که مسئولین فرهنگی دولت خیلی باید به آن بپردازند و واقعاً یک دقیقه را در آن فروگذار نکنند، این است که به فرهنگ عمومی جامعه و ابزارها و وسایل فرهنگی، جهت‌ارزشی بدهند.^(۷)

ج. تلاش جدی دستگاه‌ها برای علاج بیماری‌های فرهنگی

این تحقیقات عظیمی که در دنیای علم شده، به وسیله چه کسانی انجام شده است؟ غالباً به وسیله کسانی که در دوره تحقیق، مردمان نام‌آوری نبودند و روی عشق به تحقیق و علم و محصول کار تحقیقی خود، کاری را بازحمت شروع کردند و رنج آن را بر خود هموار ساختند، انجام شده است. نتیجه این کار، چیز عظیمی برای یک ملت شده است... اگر اینها را کم داریم، ناشی از یک بیماری فرهنگی در ماست، ما باید این را علاج کنیم. این، ربطی به کار مدرسه و دانشگاه و امثال اینها ندارد؛

بلکه نگرش و فعالیت و تلاش فرهنگی سازمان یافته دیگری را می‌طلبد و ما باید آن را انجام بدهیم. حقیقتاً یکی از کارهای مهم شورای عالی انقلاب فرهنگی، نگرش به فرهنگ عمومی و پیدا کردن و شناختن بیماری‌های فرهنگی امروز کشور ما و یافتن علاج این بیماری‌ها با دید متخصصانه و البته دردمندانه و انقلابی و توصیه آنها به دستگاه‌های گوناگون است.^(۸)

شیوه‌های اصلاح فرهنگ عمومی

تبلیغات روحانیون جای خیلی زیادی دارد اما من می‌خواهم عرض کنم امروز این کافی نیست؛ کدام روحانی از ماها نافذ الکلمه‌تر؟ از امام نافذ الکلمه‌تر؟ خوب ما الآن هرچه می‌گوییم، اولاً میلیون‌ها نفر می‌شنوند، ولیکن برای آن چیزهایی که مربوط به عادات و افکار و اخلاق هست، گفتن کافی نیست. این علم نیست، علم این است که یک بار گفتی دیگری یاد می‌گیرد و دفعه دوم می‌شود تکرار! آنچه که مربوط به عمل است، دانستن برایش کافی نیست. همین گفتن و به شکل‌های مختلف گفتن و منتقل کردن لازم دارد تا در ذهن انسان نفوذ کند... گفتن مکرر و به شیوه‌های مختلف گفتن می‌خواهد تا جزء عادت شود. عادات و اخلاق، این جور اصلاح می‌شود و فرهنگ، این جور به روش صحیح جامی افتد. گفتن مکرر و به شیوه‌های مختلف می‌خواهد. شما امروز ببینید دنیای غرب برای اینکه این ویژگی‌های فرهنگ غرب را در مردم بدمد، از چه چیزهایی استفاده می‌کند. این ویژگی‌ها بعضی‌ها بیش‌تر بسیار خوب است، بعضی‌ها بیش‌تر بد است، همه‌اش با همدیگر در جوامع غربی وجود دارد. وجدان کارشان خوب است، وقت‌شناسی‌شان خوب است، تمیزی‌شان خوب است، اینها چیزهای خوبی است، اینها جزء چیزهای فرهنگ غرب است که عملاً هم وجود دارد. ولی شهوت‌رانی‌شان بد است، بی‌اعتنائی‌شان به ارزش‌های معنوی بد است، چسبیدن‌شان به مادیات بد است، همه این چیزهای بد و خوب را به انواع شیوه‌های مختلف با رادیوها، با روزنامه‌ها، با متخصصان تبلیغات مرتباً به ذهن مردم دنیا فرو می‌کنند تا جایی که آنها دیگر به غرب هم قانع نیستند. این کار را باید بکنیم. کی بکنند این کار را؟ خوب در جامعه، ما تعدادی روزنامه داریم، یک رادیو و تلویزیون داریم، دستگاه روحانیت هم داریم، دستگاه روحانیت البته هنوز آن چنان ساماندهی و نظم مرتبی هم ندارد که حالا در زمینه کار خودش هم بگوییم که محاسبه دقیقی دارد. البته با سابق خیلی فرق کرده، اما آن چنان که باید و شاید هنوز نیست. یک شورای عالی انقلاب فرهنگی هم داریم که به نظر من این شورای عالی انقلاب فرهنگی اگر در زمینه‌های مربوط به روحانیت نمی‌تواند دخالت کند - که البته آن زمینه حساسی است [و] شاید به این آسانی نشود دخالت کرد - اما در زمینه‌های دیگر باید برنامه‌ریزی کند، باید وارد شود. من گمان می‌کنم از جمله مسایل حتمی و محکم این است که این یکی از بخش‌های عمده کار را به صورت جداگانه بگذارید راجع به مسایل مربوط به فرهنگ عمومی و ابزارهایی که فرهنگ عمومی را تزریق می‌کنند. حالا این در مورد تولید بیشتر، درباره مصرف کمتر، خوب شما چه کار می‌توانید بکنید که مصرف مردم کمتر بشود؟ این کار جز با تبلیغات و جز با شیوه‌های فرهنگی ممکن است؟^(۹)

ضرورت‌های رفتاری و چهار ویژگی فرهنگ عمومی

امام جماعت و فرهنگ عمومی از اقدام تا عمل

حیدر معصومی
کارشناسی ارشد
فلسفه هنر

امام جماعت، مرجع و پشتیبان اهالی یک مسجد، مردم یک محله و گاه ملجاء یک شهر است. او در هر شرایطی، محل رجوع جمع بسیاری از مردم و از مهم‌ترین شخصیت‌ها برای تأثیرگذاری بر مردم و هدایت ایشان به سوی رستگاری در دنیا و آخرت است. رعایت برخی شاخصه‌های بسیار مهم در زندگی و فرهنگ عمومی، از ضروریات رفتاری یک رهبر است که می‌تواند با توجه و عمل به این شاخصه‌ها، تأثیرگذاری عمیقی بر رفتار جامعه اسلامی داشته باشد. آنچه در ادامه آمده، بررسی چهار ویژگی مهم منتخب از فرهنگ عمومی مردم است که در راستای تعامل امامان جماعت با مردم و نمازگزاران می‌تواند مفید و راه‌گشا باشد.

۶۶
؟؟؟؟
۶

۱- فرهنگ رعایت حقوق دیگران

آیین اسلام تأکید ویژه‌ای بر آراسته بودن و استفاده از عطر دارد؛ این آراستگی و معطر بودن، بیش از آنکه برای خود فرد خوشایند و زیبا باشد، برای مخاطبین او تأثیرگذار و فرح‌بخش است. همراه داشتن یک شیشه عطر و پیشنهاد آن در فرصت‌های پیش از اقامه نماز به نمازگزاران، پوشیدن لباس‌های آراسته با حفظ شئون روحانیت و پرهیز از افراط، با حفظ سادگی و وقار، می‌تواند الگویی برانگیزاننده از امام جماعت برای نمازگزاران ترسیم کند. بهداشت و نظافت دهان و دندان‌ها نیز امری حیاتی برای گفت‌وگوهای رودررو است که می‌توان رعایت آن را از همگان انتظار داشت و به ایشان یادآور شد. استفاده از قرص‌های نعنا یکی از راه‌های از بین بردن بوی

دهان می‌باشد. استفاده خادم مسجد از عود یا خوشبوکننده‌های اتوماتیک در فصل گرما، تذکری همراه با طنز و شوخی درباره بوی جوراب‌ها و... در ابتدای فصل تابستان، می‌تواند محیطی مطبوع را برای نیایش و عبادت اهل مسجد فراهم کند. دقت در تنظیم شدت صدای وسایل صوتی و بلندگوهای مسجد در مراسمات مذهبی متناسب حال حاضران داخل مسجد و همچنین رعایت حال همسایگان مسجد، می‌تواند رعایت حقوق دیگران را در نمازگزاران نهادینه کند. گاه در مراسمات بزرگ مشکل ترافیکی، مشکل نداشتن محل پارک، آزاردهندگی صدای بلند بلندگوها و... می‌تواند سبب نارضایتی همسایگان مسجد شود؛ در این زمان‌ها امام جماعت مسجد به همراه برخی از محترمین محل می‌توانند پیش از شروع





پیشخوان



اقتصاد مقاومتی
و گفت‌وگو

“
؟؟?
”

پی‌نوشت:
(۱) توبه (۹): ۶۱

مراسم یا پس از پایان آن به همسایگان سرکشی کنند و از ایشان به خاطر صبر و تحمل تقدیر و تشکر کنند. همچنین می‌شود به نوجوانان مسجد مأموریت داد تا در مراسمی که غذای نذری توزیع می‌شود، همسایگان مسجد را از یاد نبرند و جهت همراهی و همدل کردن ایشان، غذای نذری را میان ایشان نیز توزیع کنند.

از نکات ظریفی که ائمه جماعات در مراوده و رفتار با نمازگزاران باید به آن توجه داشته باشند، پرهیز از عتاب به یک فرد در میان جمعی از نمازگزاران است. آبرو و اعتبار یک مؤمن، بسیار مهم‌تر از برخی بی‌انضباطی‌ها یا بی‌مولاتی‌هاست و گاه یک توبیخ ساده در میان جمع، سبب بریده شدن پای یک فرد یا یک خانواده از مسجد خواهد شد.

امام جماعت باید نقش پدرانۀ خود را برای همه اقشار حاضر در مسجد حفظ کند. تذکر به جوان‌ترها به صورت خصوصی جهت حفظ و مراعات بی‌حوصلگی یا گاه انتقادهای بزرگ‌ترها و تذکر خصوصی به ریش‌سفیدان در مراعات حال جوان‌ها و نوجوان‌های مسجد، می‌تواند فضای رفاقت و همدلی را بیش از پیش در مسجد برقرار کند. مراعات حال کودکان نیز همواره می‌تواند رونق گرفتن روز افزون مسجد را تضمین کند.

۲- فرهنگ تقوای کار و تعهد

«تقوا» و «تعهد» از جنس آن چیزهایی است که بیش از هر چیزی، با «عمل» و «رفتار» می‌توان آن را آموخت و در جامعه ترویج داد. حضور به موقع امام جماعت در مسجد، آغاز و پایان نماز بر اساس زمان و نظمی مشخص، افتادگی و تواضع امام جماعت، وقار و سادگی و پرهیز از تجمل‌گرایی در پوشش، اتومبیل، منزل و...، افراط نکردن در نفی و انتقاد، پرهیز از توهین و غیبت، صداقت و یک‌رنگی و بیش از همه در مردم و همراه با ایشان زیستن، می‌تواند فرهنگ تقوا و تعهد را در میان نمازگزاران نهادینه کند. تشویق برگزارکنندگان مراسمات مسجد و متولیان و همکاران هیئت محل و تقدیر از نظم و انضباط و تعهدی که در برگزاری چنین مراسمی داشته‌اند، اعم از زمان‌بندی مناسب دعا، سخنرانی و مداحی، طبخ غذا و توزیع پسندیده آن، برنامه‌ریزی‌های جانبی در برگزاری نمایشگاه‌های محلی، ایاب و ذهاب و...، همه می‌تواند الگوهای فرهنگی برای تکرار این تجربه شیرین و متعهدانه در کار و فعالیت روزانه باشد. از موارد تأثیرگذار دیگر، آمادگی علمی امام جماعت در خطابه‌ها و سخنرانی‌ها است که در بلندمدت از نگاه نمازگزاران پنهان نمی‌ماند و حرکت بر خلاف آن، می‌تواند نمازگزاران را بی‌انگیزه کند و آنها را در جدی نگرفتن سایر عرصه‌های فعالیت، ترغیب کند. تقدیر از کاسبان متعهد محل، تقدیر از نانوايي محل، تقدیر از جوانان توانمند و متعهد محل می‌تواند به یکی از برنامه‌های ثابت مسجد تبدیل شود. تعهد و تقوای کار ایجاد نمی‌شود مگر اینکه انگیزه و محرک قوی شخص را از روزمرگی؛ این انگیزه

می‌تواند با بازگویی خاطرات و واقعیت‌هایی تاریخی از مجاهدت‌های صدر اسلام، سخت‌کوشی‌های انقلابیون پیش از انقلاب، ایثارگری رزمندگان و شهدا و جانبازان در طول دفاع مقدس و مجاهدت‌های مدافعان حرم، موفقیت‌های چشم‌گیر علمی جوانان کشور و... دو چندان شود.

۳- فرهنگ صرفه‌جویی و قناعت

اندکی توجه به مصرف برق و انرژی - بدون وسواس افراطی و به زحمت انداختن اهل مسجد - به تدریج نمازگزاران را به تکرار این توجه در زندگی شخصی خود ترغیب خواهد کرد. با توجه به مصرف زیاد برق کولرهای گازی، ابتدای تابستان را می‌توان با بهره‌گیری از پنکه یا کولرهای آبی خنک نگاه داشت. بهره‌گیری از پرده‌ها یا پوشش‌های پلاستیکی برای جلوگیری از خروج گرمای داخل مسجد در فصل زمستان، دقت در تعمیر و نگهداری تأسیسات آبی وضوخانه و آبدارخانه مسجد، از جمله این توجه‌ها است. از طرفی باید توجه داشت این دقت‌ها به وسواس نینجامد و مخل آرامش و تمرکز نمازگزاران در عمل به تکالیف و انجام عبادات و توجه به محضر الهی نگردد. ترویج استفاده از کالاهای ایرانی نیز با ذکر داستان‌ها و حکایت‌هایی از سیره علما و یا عادت‌های خوب رفتاری شهروندان سایر کشورها، می‌تواند از مساجد آغاز شود. عدم وابستگی به کشورهای خارجی و کارآفرینی برای جوانان ایرانی و احساس هویت ملی در فرزندان با بهره‌گیری از کالاهای ایرانی، می‌تواند از نتایج این توجه فرهنگی باشد. امام جماعت می‌تواند تأکید کند که جوایز اهدایی مسجد به نوجوانان، حتماً از محصولات داخلی تهیه شوند.

۴- فرهنگ گفت‌وگو و مکالمه

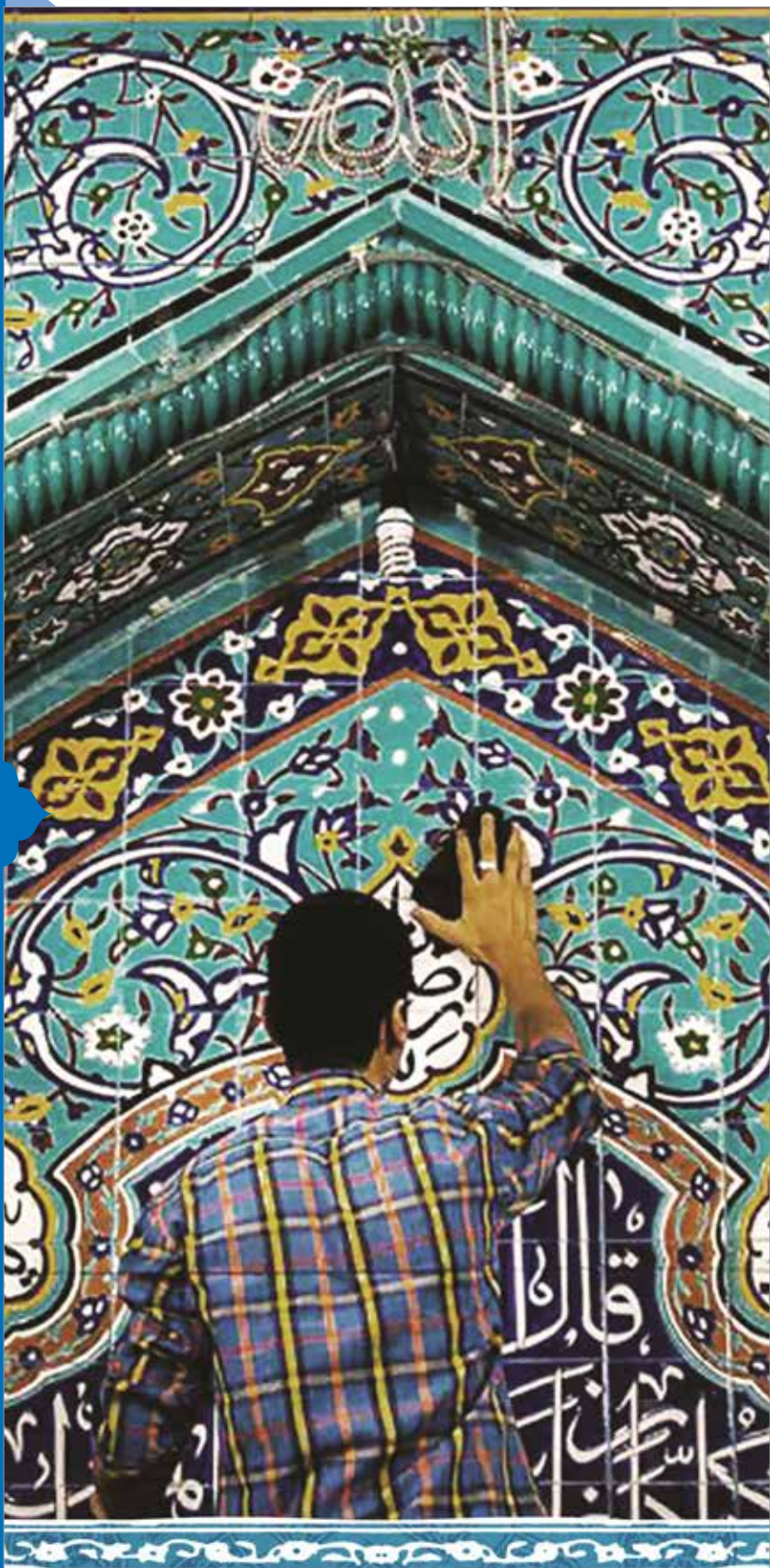
ارتباط مستمر و پویا با نمازگزاران از مقدمات رفتاری ائمه جماعات است. در این ارتباط‌ها گفت‌وگوهای صمیمی میان امام جماعت و اهل مسجد شکل می‌گیرد و امام جماعت از احوال نمازگزاران، وضعیت فرهنگی مسجد، محله و نیازهای نمازگزاران آگاه می‌شود. شیوه و چگونگی این گفت‌وگوها می‌تواند فرهنگ درست تعامل و رفتار متقابل را ترویج کند. تحویل گرفتن‌ها، مصافحه، دست‌دادن، تبسم، نگاه کردن در چشمان مخاطب، همدردی با او و شنیدن کامل حرف‌ها و قطع نکردن صحبت‌های ایشان، می‌تواند به برقراری این رابطه کمک شایانی کند؛ در قرآن کریم اشاره شده است که پیامبر گرامی اسلام (ص) برای همه مراجعه‌کنندگان «گوش» بودند و به سخنان همه آنها از هر طیف و گروهی، با دقت توجه می‌کردند. آیه ۶۰ سوره مبارکه توبه، در ستایش از پیامبر گرامی اسلام (ص) به خاطر سعه صدر و گوش فرا دادن او به همه سخنان مردم چنین می‌فرماید: «وَيَقُولُونَ هُوَ أَدْنَىٰ قُلٍّ أَدْنَىٰ خَيْرٍ لِّكُم»^(۱)

□ پ؟؟؟؟

□ ؟؟؟

مسجد

؟؟؟؟





تاریخچه و فلسفه بنیاد فارس المؤمنین مسجد حضرت امیر علیه السلام

از مکتب حضرت امیر تا بنیاد فارس المؤمنین

بنیاد فارس المؤمنین یک مجموعه غیر انتفاعی غیر تجاری عام المنفعه و مردم نهاد است که در سال ۱۳۹۱ به همت حجت الاسلام والمسلمین علوی تهرانی تأسیس شد. غرض ایشان از تأسیس این مجموعه، سازمان دهی فعالیت های سنتی مسجد برای حضور در جامعه بود. سبقت چنین نگاهی به مسجد به دوره پدر حجت الاسلام والمسلمین علوی باز می گردد که از سال ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۷۵ که به رحمت خدا رفتند، در این مسجد سمت امام جماعت را داشتند. یعنی سابقه بنیاد فارس البته با نام دیگری به حدود پنجاه سال امامت جماعت این دو بزرگوار در مسجد بر می گردد.

مسجد در موضوعات وقفی رها است، اگر چیزی به نام مسجد باشد، راحت می شود آن را تصرف کرد. به همین دلیل با اصرار مردم و همت حجت الاسلام والمسلمین علوی به سمت ثبت بنیاد رفتیم تا اموال آن بر پایه حقوقی محکمی، از آن مسجد بماند. از سال ۷۵ تا سال ۹۰، مکتب حضرت امیر اجاره نشین شد و کلاس های آن در ساختمان های مختلف بر گزار می شد. پانزده سال در بهداری و سختی اهالی مسجد که مکتب را ملجا و مأوی فرهنگی و حتی آموزشی شان می دانستند، در تلاش برای ثبت بنیادی تأثیر نبود. به هر صورت آ حجت الاسلام والمسلمین علوی این مجموعه را در کنار مسجد به عنوان خواهر خوانده قرار داده اند و حالا به اصطلاح عرفی، بنیاد، وقف موضوع فعالیت می باشد.

در باره موضوع ثبت حقوقی مجموعه فارس این نکته را هم باید اضافه کرد که همین شاخصه تفاوت اصلی این مجموعه با مکتب امیر و شاید مجموعه های کوچک مساجد دیگر است. تفاوت فعال فرهنگی در دهه های گذشته با این دوره در این است که آن زمان نیاز به هیچ مجوزی برای فعالیت های مسجد نبود و مساجد در حقیقت یکه تاز بی رقیب عرصه فرهنگ بودند. هر مسجدی هر کاری می خواست، می توانست انجام بدهد. ولی کم کم با ورود تکنولوژی، بحث سازماندهی فعالیت های سنتی مطرح شد و همه به شکل سیستماتیک در آمدند.

به علت به روز نشدن، مساجد در رقابت فرهنگی با مجموعه های خارج از مسجد شکست خوردند و نهادهای دیگر متولی فرهنگ جامعه شدند. آن موقع صدقات، پرداخت آنلاین نداشت و وقتی صدقه آنلاین می شود، شمانمی توانید به مردم بگویید صدقات آن را به من مسئول مسجد تحویل دهید. این کار نیازمند ابزار و ادواتی است که خود نیازمند مجوز است؛ و این مجوز، نیازمند یک مجموعه و نهادی است که ثبت شده باشد. در چنین وضعیتی طبیعتاً هر مسجدی از جمله مسجد حضرت امیر، نمی توانست به تنهایی این کارها را انجام دهد. به همین دلیل به سمت تأسیس خواهر خوانده مسجد، یعنی بنیاد فارس رفتیم.

تأمین محتوای برنامه ها و اجرای فعالیت های مسجد، دو دلیل تشکیل این بنیاد است. مجموعه فارس به شکل کنونی، در سال ۹۰ راه اندازی شد؛ هر چند سابقه آن همان طور که بیان شد به بیش از چهار دهه قبل باز می گردد؛ یعنی از سال ۱۳۵۱ که در کنار مسجد حضرت امیر، مجموعه ای به نام «مکتب حضرت امیر» بود که مرحوم آیت الله علوی پدر آن راه اندازی کرده بودند.

چرا بنیاد فارس؟

ساختمان چهار طبقه ای در جنب مسجد حضرت امیر هست یا بهتر بگوییم بود که در آنجا به مدت ۲۴ سال فعالیت هایی که امروز با نام بنیاد فارس المؤمنین شناخته می شود، به اسم مکتب حضرت امیر انجام می شد؛ منتها با تفاوت هایی از قبیل اینکه مجموعه ثبت شده نبود. از سال ۷۵ و در پی دو اتفاق، وقفه ای در فعالیت های فرهنگی مسجد حضرت امیر رخ داد. اول آنکه در آن سال مرحوم آیت الله علوی تهرانی به رحمت خدا رفتند و مسجد از نسلی به نسل دیگر منتقل شد و دیگری، غصب مسجد بود.

در سال ۷۵ چه اتفاقی افتاد؟

در سال ۷۵ عده ای که مدعی بودند بانی مسجد هستند، ساختمان جنب مسجد حضرت امیر را که مجموعه «مکتب حضرت امیر» در آن بود، تصرف کردند. پنج سال دوندگی و پیگیری آ حجت الاسلام والمسلمین علوی تهرانی نهایتاً به این جملات منتهی شد که: با اینها در گیر نشوید، اصلاً فرض کنید این ساختمان را نداشتید... و این چنین یک ساختمان چهار طبقه که وقف مسجد بود و در آن فعالیت های فرهنگی فراوانی انجام می شد، غصب و فعالیت ها تعطیل شد.

این موضوع و نیز اصرار مردم، از دلایل اصلی شکل گیری بنیاد فارس با ساختار حقوقی در سال ۱۳۹۰ بود. مردم فهمیده بودند که چون



“
؟؟؟
”

فلسفه ایجاد بنیاد فارس المؤمنین مسجد حضرت امیر علیه السلام

۴. سازماندهی دریافت مجوزهای مختلف؛ زمانی مساجد فعالیت‌هایی در عرصه خیریه و قرض الحسنه داشتند که کسی به آن کاری نداشت. اما حالا فعالیت‌های مالی مساجد رصد می‌شود و مجوز می‌خواهد. زمانی مساجد برای کودکان کلاس می‌گذاشتند، ولی الان با وجود مهد کودک‌ها که با بهزیستی همکاری می‌کنند و متولی دارند، مجالی به مسجد نمی‌رسد. لذا لازم است مساجد در ساختار قانونی جامعه فعالیت کنند تا اقبال بیشتری به آنها شود. یا زمانی در مساجد به راحتی فعالیت قرآنی صورت می‌گرفت، اما اکنون سازمان تبلیغات وجود دارد که چنانچه مجوز داشته باشید، برای شما امکاناتی فراهم می‌آورد و در حقیقت این مجموعه فعالیت‌های مسجد را در این زمینه پوشش می‌دهد.

دلایل اصلی ایجاد بنیاد فارس، علاوه بر محدودیت‌هایی که در قسمت تاریخیچه بنیاد ذکر شد، عبارتند از:

۱. جلب اعتماد مردم؛
۲. تفکیک و دسته‌بندی فعالیت‌های مالی مسجد؛ بدین معنی که دریافت وجوهات، نذور و هدایای مردم طبق یک نظام مالی در راستای هدف خیر طبقه‌بندی شود. امور مالی مربوط به صندوق قرض الحسنه، در یک نظام مالی و نذور مردم در صدقات و امور تبلیغی و سایر موارد نیز هر کدام جدا سازماندهی شوند؛
۳. سازماندهی تمام فعالیت‌های مسجد در امور خیریه، فرهنگی، آموزشی، تبلیغی و...؛

خدمات متقابل مسجد و بنیاد فارس



“
؟؟؟؟
”

خانمی چند وقت قبل به بنده می‌گفت: تعجب می‌کنم شما با این مبلغ اجازه شرکت در دوره مهارت خیاطی را می‌دهید، حال آنکه بیرون، هزینه آن فلان مقدار است. ما به عنوان مسجدی‌های بنیاد فارس به او می‌گوییم: ما مجموعه و مؤسسه غیرانتفاعی هستیم و همین مبلغ را هم به قصد تأمین هزینه‌های ضروری می‌گیریم. این برخورد باعث می‌شود نگاه مثبتی در ذهن او شکل گیرد و جهت شرکت در نماز و مراسم مذهبی، در مسجد حضور یابد.

از آن سو مسجد تریبون دعوت و تبلیغات بنیاد فارس است. به این ترتیب «این همانی» معنی می‌شود.



فلسفه شکل‌گیری و اداره بنیاد به صورتی است که به قول حجت الاسلام والمسلمین تهرانی «این همانی» است؛ اما در واقع نظام جذب این دو «جذب دوگانه» در یک واحد است. برای مثال فرض کنید بنیاد چهل دوره مهارتی در زمینه‌های مختلف برای بانوان برگزار می‌کند. شاید تیپ فکری و ظاهری بسیاری از این بانوان با فضای مسجد سازگار نباشد، اما به واسطه ارتباط با بنیاد، با مسجد نیز ارتباط پیدا می‌کنند. در حقیقت امکاناتی که بی‌شائبه سود و ... مسجد از طریق بنیاد برام مردم فراهم می‌آورد، آنها را به سمت مسجد هم می‌کشاند.

نحوه اداره بنیاد فارس

شخصیت راهبردی که متخصصان هستند. برای مثال یک متخصص در حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی، یک متخصص در حوزه مدیریت استراتژیک که از استادان دانشگاه هستند، اینجا فعالیت دارند. هیئت‌امناء پنج عضو دارد که چند شورای راهبردی از نخبگان زیر نظر آنها فعالیت می‌کنند. ریاست همه فعالیت‌های شورایی و عملیاتی هم در بنیاد فارس طبیعتاً بر عهده حجت الاسلام والمسلمین علوی تهرانی است.

در روند جذب نخبگان و تبلیغ فعالیت‌های بنیاد، طبیعتاً نقش اول و آخر را تریبون و جاذبه مسجد ایفا می‌کند.

دو تیپ هیئت‌امناء در مسجد حضرت امیر و بنیاد فارس مشغول به کار هستند:

اول: هیئت‌امناء مسجد که فعالیت تبلیغی و مدیریتی خود را به شکل سنتی دارند و از امضاء محل هستند. این دسته از هیئت‌امناء لزوماً متخصص نیستند، اما آن ساختار را در جای خود نگاه داشته و شاکله‌اش را حفظ کرده‌ایم.

دوم: هیئت‌امناء بنیاد فارس که در این بخش هیئت‌امناء دو شاخصه مدیریتی دارند: یک سری شخصیت حقوقی هستند، و یک سری



در گفتگو با حجت الاسلام والمسلمین محمد باقر علوی تهرانی



مسجد

دغدغه حضور دین در جامعه از دریچه مسجد

گفتگو با حجت الاسلام والمسلمین علوی تهرانی، درباره مسجد امیر (علیه السلام)، هم امیدبخش است و هم هشدار دهنده! امیدبخش از آن جهت است که توان مسجد را در رقابت با نهادهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جدید به رخ می کشد و هشدار دهنده از آن جهت است که غفلت مسئولان و بی توجهی آنها را در برداشتن موانع پیش روی مسجد برای حضور در اجتماع را نشان می دهد.

به کوشش
؟؟؟؟

“
؟؟؟
”

در گذشته افراد معدودی به پدرم برای کمک مراجعه می کردند و مشکلشان با هزار یا دو هزار تومان حل می شد. مردم وسعت مالی داشتند و برای کار خیر، خوب خرج می کردند. ولی اکنون وضعیت به گونه ای شده که هفته ای ده نفر با درخواست بالای پنج میلیون تومان به من مراجعه می کنند. این مشکلات با قرض الحسنه بیست هزار تومانی برطرف نمی شود؛ بلکه سازمانی می خواهد که از راستی آزمایی درخواست ها تا چگونگی پرداخت ها در آن مدیریت شود. بدین جهت سازمانی در مسجد حضرت امیر (علیه السلام) تحت عنوان «سازمان بنیاد فارس المؤمنین» تعبیه کردیم تا مسجد را وارد حوزه امور معمول زندگی مردم کند. بخش خیریه ما طبق فرایند خاصی درخواست های مردم را بررسی می کند و قرارداد را به نام مسجد می نویسد. ضوابط خاص باز دریافت پول را نه به سان بانک ها که به سبک اسلامی و انسانی داریم؛ چون ضامن پول مردم هستیم و این پول بسیار سخت تهیه می شود.

مسجد از آنجا که نمونه هایی مثل بنیاد فارس در مساجد به شدت نادر شده است، برای خوانندگان نشریه مسجد بفرمایید چه نسبتی میان بنیاد فارس و مسجد حضرت امیر (علیه السلام) برقرار است؟

رابطه بنیاد فارس المؤمنین با مسجد امیر، رابطه «این همانی» است؛ یعنی جدای از آن نیست و بنیاد همان مسجد و مسجد همین بنیاد فارس المؤمنین است.

مسجد چه ضرورتی ایجاب کرد که این بنیاد را تأسیس کنید؟ کارکرد مسجد با سابق متفاوت شده است. مثلاً در گذشته اگر مستمندی به مسجد می آمد، چنانچه امام جماعت به او سه هزار تومان کمک می کرد، نیازهای آن فرد تا حدودی برطرف می گشت. در آن زمان صندوق های قرض الحسنه مساجد بیست هزار تومان سرمایه داشتند و دو تا سه هزار تومان وام پرداخت می کردند.

مأموم باید امام را بشناسد

سال ۱۳۷۵ پدرم از دنیا رفت. یک دفعه که به آبدارخانه مسجد آمدم تا وضو بگیرم، یکی از اعضای هیئت امنای مسجد با چند نفر از رفقایش آمده بودند آنجا چای بخورند تا وقت نماز شود. تا وارد شدم، مرا به رفقایش معرفی کرد و گفت: ایشان فلاّنی است و از وقتی بچه که بود، ما او را می‌شناختیم و ندیدیم کسی علیه این بچه شکایتی داشته باشد. آن زمان با خودم می‌گفتم: من برای خودم کسی هستم و حرف این بابا... اولش عصبانی شدم، فکر کردم دارد مرا تحقیر می‌کند؛ اما بعد به این نتیجه رسیدم که این طور نیست. رابطه امام جماعت و مأموم این گونه است که باید طرف را بشناسند تا پشت سر او نماز بخوانند.

“
؟؟؟؟
”

آنها برای عقیده باطلشان از همه چیز می‌گذرند و ما برای عقیده حقان...

این حرفی که می‌خواهم بگویم، خیلی بد است، خیلی بد. دشمنان ما برای عقیده باطلشان از همه چیز می‌گذرند. دولت عربستان پول فراوان در اختیارشان می‌گذارد و آنان نیز عملیات انتحاری انجام می‌دهند. کسی که عملیات انتحاری می‌کند، یعنی تا پای جاننش ایستاده است. من در مصاحبه‌ها شنیده‌ام که رئیس وهابیت در ایران، آن قدر کار می‌کند که فقط در ماشینش می‌خوابد. آنها حتی ناموسشان را هم برای عقیده‌شان خرج می‌کنند: جهاد نکاح؛ که از نظر ما کار خیلی زشتی است. البته این کار را تأیید نمی‌کنم، غرض آنکه این گونه پای کار باطلشان ایستاده‌اند، اما من باید به هزار نهاد التماس کنم که شما جلوی پای ما سنگ نیندازید تا کار مردم را انجام دهیم!

مگر افراد خیر با بنیاد دراز تباط نیستند؟

ما در آمد خاصی نداریم و متکی به کمک‌های مردمی هستیم. وضعیت مردم به گونه‌ای نیست که بتوانند کمک‌های چشمگیری داشته باشند. درد بزرگ این است که متأسفانه ذائقه متمول‌های جامعه تغییر پیدا کرده است؛ یعنی خودمان تغییرش داده‌ایم. به این صورت که به آنها گفته‌ایم مدرسه بسازید و برای بیماری‌های خاص سرمایه‌تان را خرج کنید؛ اما در مورد مسجد، هیچ چیزی به آنها نگفته‌ایم.

چگونه این تغییر ذائقه رخ داده است؟

چون مردم کار کرد مسجد و حسینیّه را نمی‌بینند. سرمایه‌دار هم می‌گوید من مدرسه بسازم تا بچه‌های مردم در کبر نشینند، ولی اینکه مردم در مسجد نمازشان را بخوانند، برای او اهمیتی ندارد.

شما بگویید که نتیجه حضور در مسجد و حسینیّه چیست؟

یک نتیجه‌اش این است که در بزنگاه‌های حساس زندگی که یک رأسش سعادت و رأس دیگرش شقاوت است، درست تصمیم می‌گیرید. مردم نمی‌دانند اگر عزیزشان در بزنگاه زندگی درست تصمیم گرفته، محصول کدام حرکت او است و از کجا به دست آمده است؟ از آموزش و پرورش به دست آمده؟ از کدام کتاب؟ از آموزش عالی به دست آمده؟ از کدام درس؟ باید بدانند این تصمیم محصول حضور در حسینیّه‌ها، تکایا و مساجد است. آموزش دین در مساجد صورت می‌گیرد، پس جایگاهش را مشخص سازیم که در شکل تربیتی انسان‌ها چقدر نقش دارد و به همان میزان برای آن ارزش قائل شویم.

به نظر شما امامان جماعت در این روند تغییر ذائقه

خیرین و عدم تبیین تأثیر حضور در مسجد بر زندگی، مقصر نبوده‌اند؟ چنانچه می‌توانستند توجه ثروتمندان را همچنان معطوف به مسجد نگه دارند، چه بسا شاهد مشکلاتی که شما فرمودید، نبودیم.

در بیشتر مساجد رابطه بین امام جماعت و مردم بر اساس اعتماد نیست و رابطه کارمندی برقرار است. امام جماعت مساجد را نمی‌شود با حکم آورد، چون مردم می‌خواهند به او اعتماد کنند. از این موضوع بگذریم که بحث مفصلی را می‌طلبد.

غرض آنکه مشکل اصلی مسجد، امور اقتصادی آن است. در مملکتی که منادی این است که دین حرف اول و آخر را می‌زند، گسترش فعالیت‌های دینی با مشکل اقتصادی روبه‌رو است؛ در حالی که دشمنان هزار برابر خرج می‌کنند. برای یافتن ریشه‌های این کم‌کاری باید به مردم رجوع کنیم. امام جماعت نمی‌تواند هر روز به مردم بگوید برای تأمین هزینه‌های مسجد و کمک به فقرا پول بدهید.

یعنی هیچ هزینه‌ای در برنامه بودجه برای مسجد

جهت رفع مشکلات اجتماعی پیش‌بینی نشده است؟

هیچ کسی پول نمی‌دهد و دولت‌ها اصلاً به این مسائل توجهی ندارند. اهالی سیاست، فقط پیش از رأی‌گیری و هنگامی که رأی بخواهند، به مساجد می‌آیند و سخنرانی می‌کنند و با مردم خوش و بش می‌کنند. البته من اجازه نمی‌دهم مسجد وارد این فضاها شود.



مسئولان برای رفع این مشکل چه باید کرد؟

تصمیمات کلان را مسئولان باید بگیرند، اما برای اینکه تمرکز ایجاد کنیم که هر روز مزاحم مردم نشویم، این سازمان را تأسیس کردیم و برای اینکه مردم به این سازمان اعتماد پیدا کنند، هر ساله در شب‌های احیاء یک مجمع عمومی برگزار می‌کنیم.

مسئولان در حقیقت اجلاس سالیانه بنیاد فارس است.

بله، یک اجلاس سالیانه است که جمعیت پنجاه هزار نفری که در مسجد و خیابان هستند، گزارش فعالیت سالیانه ما را می‌شنوند. به این صورت که گزارش امور فرهنگی را در یک شب و گزارش اقدامات اقتصادی و معیشتی را در شب دیگر بیان می‌کنیم. در شب ۲۱ ماه مبارک رمضان، به مردم گزارش می‌دهم که این مبلغ را بابت اجاره خانه هزینه کردیم، این قدر را بابت ازدواج دادیم، فلان مقدار جهیزیه تهیه کردیم و ... که اینها همه به واسطه پول‌های شما بوده است. در شب ۲۳ گزارش فرهنگی را ارائه می‌دهم.

مسئولان آیا این شفاف‌سازی باعث جلب اعتماد مردم می‌شود؟

مردمی که با من ارتباط دارند، انسان‌های بسیار نازنینی هستند و در طول سال به خاطر گزارشی که به آنها می‌دهم، با من ارتباط دارند. بارها گفته‌ام هر کس بخواهد از فعالیت‌های ما باخبر شود، در دفترهای ما باز است. ما دفتر مالیاتی داریم. اینجا بنیادی غیرانتفاعی است، اما ناظر مالیاتی دارد که آقای دکتر ناظریان هستند.

وقتی مردم می‌بینند هر وقت بخواهند، می‌توانند به اسناد دسترسی پیدا کنند و بدانند که پول‌هایشان کجا خرج شده، و از آن سو می‌بینند علوی تهرانی که پول می‌گیرد، زندگی‌اش هیچ تغییری پیدا نکرده، اعتمادشان جلب می‌شود.

مسئولان جامعه اسلامی باید بدانند که...

دین‌داری مردم دیگر دین‌داری ارثی نیست، دین‌داری درسی است. باید کرسی‌های درس دین تشکیل شود؛ ولی نه در آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و صدا و سیما. باید در مکانی باشد که مردم به آن اعتماد دارند و این مکان، «مسجد» است که در طول تاریخ به آن اعتماد داشته‌اند. مسجد در اذهان مردم پایگاه فطری دارد، لذا دشمنان ما به هوش و به گوش، فعالانه حرکت می‌کنند، و حال آنکه ما خواب هستیم و در مقابل آنها فقط واکنش‌های منفعلانه نشان می‌دهیم.

ضرورت تأسیس بنیاد به خاطر این بود که نمی‌توانیم از مردم پول بی‌ضابطه بگیریم و مردم عادی پول آن چنانی ندارند که بدهند. متمولین هم سراغ من نمی‌آیند، چون بنده اهل نامه دادن و سفارش کردن نیستم. اگر هم باشم، کسی حرفم را گوش نمی‌کند.

مسئولان این طرح را می‌توان در مساجد دیگر اجرا کرد؟

قطعاً می‌توان و ما بهتر از این طرح‌ها را در شورای تحقیقاتی بنیاد فارس داریم.

بنده راجع به طرح شهرداری در تأسیس چهارصد مسجد در تهران، به کسانی که می‌خواستند از من مشورت بگیرند، گفتم: حرف خوشایندتان را بزنم یا واقع را بگویم؟ گفتند: واقعیت را بگو. گفتم: این طرح برای رأی‌آوری طراحی شده و در نهایت هم آن چیزی که دنبال آن هستید، به دست نمی‌آورد. قسمتی از این هزینه‌ها را در مساجد موجود، مثل مسجد امیر، هزینه کنید تا هم مقصود رأی‌آوری حاصل شود و هم مردم از آن منتفع شوند.

خیلی‌ها از من می‌پرسند: چرا شهرداری احساس نمی‌کند مساجد باید آباد باشند؟ من به آنها می‌گویم: چون دغدغه دین ندارند! صادقانه بگویم کمتر مسئول شهری را در تهران دیده‌ام که دغدغه دین مردم را داشته باشد. متأسفانه تا می‌خواهی واقعیت را بگویی، می‌گویند: سیاه‌نمایی نکنید؛ در حالی که کسی که با بی‌بی‌سی و بیگانه‌ها مصاحبه نمی‌کند، اگر حرفی می‌زند، سیاه‌نمایی نمی‌کند، واقع‌نمایی می‌کند. با واقع‌بینی است که مسجد و مملکت به جایی می‌رسد، نه خوش‌بینی.

مطالبی که آقایان درباره مسائل دینی کشور می‌گویند، خوش‌بینی است. من با مردم سر و کار دارم، هم در حوزه هستم و هم در دانشگاه. حریم هم ندارم و مردم هر چه درد دل دارند، به من می‌گویند. بنابراین نمی‌توان مرا به سیاه‌نمایی متهم کرد.

بیشتر مسئولان شهری در تهران درد دین ندارند. نماز می‌خوانند و روزه می‌گیرند، اما اینها کارهای فردی است و درد دین مردم را ندارند؛ چون تاکنون نشنیده‌اند که مادری به آنان بگوید بچه‌ام مسیحی شده است. اگر بخواهد جو بسازد، در صفحه‌های اجتماعی آن را می‌گوید، چنانچه بخواهد از نظام انتقام بگیرد، با بی‌بی‌سی مصاحبه می‌کند؛ نه اینکه به من بگوید: حاج آقا چه کار کنم؟ من لقمه حرام به بچه‌ام ندادم، تا جایی که توانستم در تربیتش کوشش کردم، ولی بچه‌ام مسیحی شده است. پس از ۳۷ سال که از نظام گذشته، نباید این حرف‌ها زده شود، اینکه می‌بینید این حرف‌ها هست، یعنی نظام تربیت دینی جامعه درست نبوده است. شاگرد مسئولان یاددغه هستیم، اما این رفتارها را معلول یک سری نابسامانی‌ها و بی‌دغدغگی آقایان می‌دانم. برخی آقایان که پول دستشان است و قانون‌گذاری می‌کنند، این حرف‌ها را نمی‌شنوند. این را هم بگویم که سکولار نیستیم و بسیار انقلابی هستیم.

مسئولان حاج آقا علوی تهرانی، امام جماعت مسجد حضرت امیر (علیه السلام) و مدرس حوزه و دانشگاه، مشکل بزرگ مسجد را در جامعه ما چه می‌دانند؟

اگر مسجد مکانی برای نماز خواندن است، که هیچ؛ ولی چنانچه مسجد پایگاهی است برای تأثیرگذاری در افکار مردم، باید کاری کنیم. به یک

“
؟؟?
”

جنگجو گفتند: چرا جنگ را باختی؟ گفت: به هزار دلیل. گفتند: یکی اش را بگو. گفت: باروت نداشتیم. گفتند: دیگر نمی خواهد بقیه اش را بگویی! کار فرهنگی در این مملکت پول می خواهد و اگر کسی فکر می کند کار فرهنگی پول نمی خواهد، نشان می دهد که کار فرهنگی نکرده و اصلاً نمی فهمد کار فرهنگی چیست!

در همه کارهایم در بنیاد فارس شورای راهبردی دارم؛ زیرا مقام معظم رهبری بر آن تأکید کرده اند. این گونه نیست که به راحتی بتوانید جلسه قرآن برگزار کنید. جلسه قرآن سال ۱۳۹۵ با جلسه قرآن سال ۱۳۶۵ فرق می کند؛ چون نیازهای مردم تفاوت پیدا کرده، زیرا اعتقادات مردم تفاوت کرده است. نمی توانم به شیوه سال ۱۳۶۵ حرف قرآنی بزنم. بنابراین باید یک شورای راهبردی باشد تا ببینیم چه کار باید بکنیم. در مسائل تربیتی نیز برای اینکه متوجه شویم مثلاً کودکان چهار تا هفت ساله چه نیازهایی دارند، نیازمند کار میدانی و مجمع مشورتی هستیم.

برخی مشاوران جلسه ای سیصد هزار تومان پول می گیرند. ما نازشان را می کشیم و حق الزحمه شان را می پردازیم، منتها با تأخیر؛ چون پول نقدی ندارم که به آنان بدهم.

حال بعضی توقع دارند که بدون بودجه کار فرهنگی انجام شود. به هر صورت جامعه فرق کرده و نمی دانم چرا آقایان فکر می کنند دین هزینه ندارد؟ تأثیرگذاری نیازمند پول است و ما پول نداریم.

استراتژی من این است که مسجد را به دنیای مردم بیاورم تا وقتی دیدند دنیایشان از قبل مسجد اداره می شود، خودشان باروت کارهای فرهنگی را که همان پول باشد، تأمین کنند.

بنابراین برای تأثیرگذاری و توجه دادن مردم به مسجد، به پول نیاز داریم. دیگر نمی شود صبر کنم یک نفر پول بیاورد و من بر اساس پولی که او آورده، تازه بنشینم و برنامه ریزی کنم. برنامه مدون فرهنگی مسجد باید بر اساس بودجه خاص طراحی شود تا حرکت های فرهنگی را انجام دهیم. طراحی، استراتژی و حتی مقداری از تأمین هزینه ها با من، باقی اش را مسئولان گام بردارند.

پیش از انقلاب و در نبود نظام اسلامی، چگونه برنامه های فرهنگی انجام می شد؟

آن زمان هزینه ها این قدر بالا نبود. ضمن اینکه هر چه جلوتر می رویم، رفتارهای مادی در بین متدینین بیشتر می شود. آقای بی پیش من آمد و گفت: باز نشسته آموزش و پرورش هستم. دخترم دانشگاه آزاد می رود و هر ترمی یک میلیون و دویست هزار تومان هزینه روی دستم می گذارد. پانصد هزار تومان را از حقوق بازنشستگی ام می دهم، ولی هفتصد هزار تومان کم دارم. هفتصد هزار تومان به او دادیم، رفت. ترم بعدی آمد و همان داستان را گفت. به او گفتم: واقعاً لازم است دختر شما با این وضعیت که حیثیت شما را به باد می دهد، درس بخواند؟ گفت: راست می گویی، هیچ لزومی ندارد درس بخواند؛ ولی اگر دختر من درس نخواند، نمی تواند ازدواج کند؛ چون اولین سؤالی که می کنند، این است که تحصیلات دخترت چیست؟ دیدم راست می گوید.

این قبیل مشکلات در سی سال پیش نبود. این افراد جزء نیازمندا نیستند، ولی مجبورند چنین هزینه هایی را بپردازند. بسیاری از نیازها در این مملکت نبوده، ولی ایجاد شده است.

سخن پایانی

اگر خواهان مساجد موفق هستیم، باید مساجد را در دنیای مردم سهیم سازیم. چنانچه دین را وارد دنیای مردم کنیم، مردم می فهمند دین کار کرد دارد؛ منتها چنین کاری به پول نیاز دارد. محافل مذهبی باید تأثیرگذار باشند؛ پس باید برنامه ریزی داشته باشند. برنامه ریزی و برنامه نویسی، نیازمند مشاور است و در نهایت برای اجرای برنامه ها، باید مجریانی داشته باشند که تبری کار کنند و پول نخواهند.

مساجد ردیف بودجه ندارد و از رئیس جمهور، شهرداری، سازمان تبلیغات اسلامی و حتی مرکز رسیدگی به امور مساجد، توقعی نیست؛ چرا که توان مالی ندارند. من می دانم باید از که گله کنم، و از که گله نکنم. گله های بنده را حمل بر دغدغه و علاقه به مسجد، مردم و نظام اسلامی بگذارید. ان شاء الله خداوند عاقبت همه ما را ختم به خیر کند.

برای جلب اعتماد مردم، من و هر امام جماعتی باید بدانیم...

که گارد مردم باز است. اول جلو می آیند، ببینند چه خبر است، بعد کم کم اعتماد می کنند.

امام جماعت باید بداند که پیغمبر اکرم ۲۳ سال رسالتش طول کشید؛ آن هم برای مردمانی که بت می پرستیدند، دخترانشان را زنده به گور می کردند و ... ولی در ۲۳ سال همین مردم در راه خدا کشته شدند. چه سری پشت این قضیه وجود دارد؟ هیچ چیز جز اخلاق پیغمبر!

«وَأَنَّكَ لَـعَلَّی خَلَقْتَ عَظِیْمًا» اولین چیزی که هر مدیری برای رسیدن به مقصودش لازم دارد، اخلاق است. پس نخستین چیزی که باید بدانیم این است که باید خوب باشیم.

من و هر امام جماعتی باید بدانیم که...

برای مردم ارزش قائل باشیم. اگر مردم را پول بدانیم، فقط به پول دارها احترام می گذاریم. ولی چنانچه برای مردم ارزش قائل باشیم، پول دار و غیر پول دار هیچ فرقی برای ما نمی کند. مردم باید برای ما ارزش داشته باشند. پیغمبر ما این گونه بود: «عَزِیزٌ عَلَیْهِ مَا عَنِتُّمْ». ۲. دشواری های مردم برای او سخت بود و نمی توانست بپذیرد که مردم گمراه باشند. از آن طرف «حَرِیصٌ عَلَیْکُمْ» ۳. ولع داشت که دست مردم را بگیرد. پس اخلاق این است که در دیگران، مرا به رنج بیاورد و برای من تعهد ایجاد شود که در قبال دیگران وظیفه ای دارم؛ چه در این راه پولی به دست بیاورم و چه چیزی عایدم نشود.

پی نوشت:

۱. قلم: ۴.
۲. توبه: ۱۲۸.
۳. همان.

ساختار سازمان



مسجد

ساختار سازمانی بنیاد فارس دو بخش اصلی دارد: بخش عام المنفعه و بخش فرهنگی.

۱. بخش عام المنفعه

بخش عام المنفعه سه زیر مجموعه را در بر می گیرد: الف) خیریه، ب) قرض الحسنه، ج) کارآفرینی.

الف) واحد خیریه

در قسمت خیریه بنیاد فارس، خانواده‌های نیازمند تحت پوشش قرار می گیرند که اکثر این عزیزان از قسمت‌های پایین شهر و نیازمندان محله امیرآباد هستند. روند جذب و شناسایی‌شان در مسجد بدین گونه صورت می پذیرد که: یک ائتلاف پیش ساخته در مسجد ایجاد شده است که دوستان به آنجا راهنمایی می شوند. پذیرش اولیه همانجا صورت می پذیرد و بعد، آن عزیز را مرخص می کنند و با اطلاعاتی که از آنان گرفته شده، کمک رسانی کریمانه به آنان شروع می شود.

جنبه دیگر فعالیت خیریه بحث ارتزاق نیازمندان است. برای مثال در یک روز در ماه یا به مناسبت‌های مذهبی و ملی، در سالن طبقه اول که بابتش دو و نیم میلیون تومان پول برق از مسجد می گیرند، به خانواده‌های تحت پوشش که حدوداً دویست خانوار هستند، ارزاق هدیه می شود.

این ارزاق دو نوع است: سبک و سنگین. ارزاق سنگین در ماه رمضان و نوروز و عید غدیر به نیازمندان داده می شود. ارزاق سبک مقداری برنج و روغن و گوشت یا مرغ است که به صورت ماهانه تقدیم آنان می شود.

فرایند تحقیق برای راستی آزمایی خانوارها این گونه است که پس از مراجعه، پذیرش می شوند و پس از پذیرش، در مسجد فرمی را پر می کنند. مصاحبه اولیه هم همانجا صورت می پذیرد و بعد مستمند را به واحد تحقیق هدایت می کنند. آنجا پس از گرفتن نشانی، فرایند تحقیق را صورت می دهند. واحد تحقیق به منزل فرد نیازمند می روند و تحقیقاتشان را با حفظ آبروی فرد، کامل می کنند. سپس وارد سیر حمایتی و توانمندسازی می شوند. پرونده این بزرگواران مستمند از واحد تحقیق به شورای خیریه می رود و آنجا مصوب می شود که چه نوع کمکی به او تعلق می گیرد. ارزاق ماهیانه، تأمین هزینه تحصیل یا درمان، از میان اینها با توجه به پرونده، یک یا دو گزینه برای مستمند



یادداشت شفاهی
محمد مهدی دبیری
مدیر بنیاد
فارس المومنین
علی السلام

در نظر گرفته می شود.

در زمینه توانمندسازی ارتباط بین واحدها، بسیار راهگشا است. برای مثال یک نیازمند را که خواهان کار بود، از طریق واحد کارآفرینی به پرستاری یک خانم پیرزن که از مسجد بنا به اعتمادش درخواست پرستار کرده بود، فرستادیم. به این ترتیب هم مشکل آن خانم مسن حل شد و هم آن نیازمند توانمند شد و از لیست نیازمندان تحت پوشش مسجد خارج گردید.

روی این مسائل در شورای راهبردی خیریه کار شده که ترکیبی از هیئت امنا و دست اندرکاران واحد خیریه است که اساس آن دانش و تجربه نانوشته در طول نیم قرن فعالیت مسجد است.

پس از تصویب شورای خیرین، پرونده به بخش تأمین و تخصیص منابع می رود و آنجا مشکل شخص برطرف می شود.

بنیاد فارس در مباحث مالی دو واحد دارد: واحد تأمین منابع و واحد تخصیص منابع.

تخصیص واحدی است که زمان و میزان ارزاق را مشخص می سازد که اطلاعات راهبردی را تشکیل می دهد.

شورای خیریه یک شورای راهبردی هم دارد که مباحث کلان توسعه و ارتقای برنامه‌های خیریه را مدنظر قرار می دهد. شورای خیریه و راهبردی به یکدیگر بسیار نزدیک هستند، ولی نمی شود آنها را تلفیق کرد.

بنیاد برای دریافت نذور، حساب بانکی دارد که افراد می توانند با سیستم کاملاً الکترونیک، نذور خود را اهدا کنند. البته به همان شیوه سنتی صندوق صدقات نیز دوستان می توانند کمک‌های خود را تقدیم مسجد کنند. در طول سال از طریق همین مسیرها، حدود سی تا چهل هزار نفر به ما کمک می کنند. مقدار کمک‌ها، پنج و ده هزار تومان است. رونق و برکت در همین اموال اندک است؛ چون از مال حلال جمع می شود.

ب) واحد قرض الحسنه

واحد دوم قرض الحسنه است که مختص آبرومندانی است که دستشان به دهانشان می رسد و می توانند قسط بدهند. بنیاد بدون کارمزد به آنها

انی بنیاد فارس



این واحد پنج سال است که فعالیت خود را آغاز کرده و هنوز فرایندش کامل نشده است که به انتشار عمومی برسد، ولی آثار گروه‌های تحقیقی در واحد آموزش و تربیت و در دوره‌های مختلف آموزشی عرضه می‌شود. واحد کتابخانه، دوازده هزار جلد کتاب دارد که کتابخانه آبا و اجدادی حجت الاسلام والمسلمین علوی است که در اختیار مسجد قرار گرفته است و عده‌ای از جوانان مسجدی به صورت رایگان در حال دیجیتال کردن سیستم این کتابخانه برای استفاده واحد پژوهش هستند.

ب) واحد آموزش و تربیت

واحد آموزش و تربیت نیز چند بخش دارد:

– دوره‌های تعلیمی: در دوره‌های تعلیمی همان خروجی واحدهای پژوهشی مورد استفاده قرار می‌گیرد و تدریس می‌شود. آموزش‌های قرآنی: در بخش آموزش‌های قرآنی در حوزه علوم قرآنی، حفظ، قرائت، ترجمه، تدبر و تفسیر کار می‌شود که در چند زیرشاخه این فعالیت‌ها به انجام می‌رسد:

– بخش مرکز رشد کودکان، نوجوانان و جوانان

– بخش دوره تربیت مربی کودک، نوجوان و جوان

– بخش دوره‌های مهارتی

مرکز رشد کودکان بنیاد، همان مهد کودک مسجد حضرت امیر است. اما اسمش مرکز رشد است؛ زیرا نگاهی که آنجا وجود دارد، بر مبنای دانش، ارزش، بینش و ورزش است؛ یعنی نگاهش نگاه نگهداری نیست.

ج) واحد رسانه

فعالیت بنیاد فارس المؤمنین در واحد رسانه و تبلیغات، فعالیت‌های حوزه فیلم‌برداری و تدوین و ارائه محصولات در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در قالب سایت و غیره را بر عهده دارد.

فضای رسانه‌ای بنیاد بسیار مورد استقبال کاربران فضای مجازی قرار گرفته و بنیاد فارس از این طریق، پخش زنده جلسات شب‌های قدر یا مناسبت‌های مذهبی را در سایت قرار داده است که حدود چهل هزار نفر در حال استفاده از آن هستند.

در مجموع می‌توان گفت که با مراجعه روزانه سصد نفر به کلاس‌ها و دوره‌های بنیاد فارس، این پتانسیل در منطقه امیرآباد فراهم آمده که در صورت همکاری دستگاه‌های اجرایی و خدماتی، بنیاد فعالیت خود را بیش از اینها گسترش دهد و چراغ مسجد را در شلوغی و تاریکی تهران بزرگ روشن نگاه دارد.



وام می‌دهد و سقفش هم فعلاً یک میلیون تومان است. از سال مهر ۹۳ تا به امروز، حدود سیصد وام به این عزیزان داده شده است. در اینجا نیز واحد تحقیق وارد عمل می‌شود و اسناد و مدارک را تکمیل می‌کند و با ضمانت محکم، وام داده می‌شود. البته بنیاد اولویت‌هایی در این باره دارد که به ترتیب عبارتند از: درمان، تحصیل، تجهیزیه، ازدواج و مسکن. بحث ستادی قرض الحسنه در ساختمان بنیاد فارس و بحث صفی آن در مسجد توسط دو نیروی مالی انجام می‌شود که مدیر آن بدون حقوق و نیروی کارمندش با آنکه فوق لیسانس دارد و حافظ کل قرآن است، با حداقل حقوق برای مسجد کار می‌کنند.

ج) واحد کار آفرینی

قسمت سوم کار آفرینی است. کار آفرینی به معنی بانک اطلاعاتی است که نیروی کار را به یابنده کار معرفی می‌کند.

کار این بخش بسیار سخت است. بنیاد بنا به دلایلی هنوز نتوانسته بخش کاریابی را درست سازماندهی کند. یک علتش آن است که اگر این بخش بعد تبلیغاتی پیدا کند، هر روز محل تجمع بیکاران می‌شود و برای بنیاد با این محدودیت امکانات، مراجعه صاحبان کار و ... دشوار می‌شود.

۲. بخش فرهنگی

بخش فرهنگی خود، به سه بخش تقسیم می‌شود: الف) واحد پژوهش، ب) واحد آموزش و تربیت، ج) واحد رسانه.

الف) واحد پژوهش

در واحد پژوهش بنیاد، گروه‌های پژوهشی مستقر هستند که مطالعه درباره مباحث فرهنگی، مذهبی و حوزه دین را زیر نظر حجت الاسلام والمسلمین علوی تهرانی بر عهده دارند. این گروه‌ها عبارتند از: گروه‌های قرآن و حدیث، تاریخ و سیره، کلام و اعتقادات، اخلاق و تربیت، فقه و احکام، فرق و ملل و سبک زندگی.

واحد پژوهش سه بخش به عنوان زیر مجموعه در خود دارد: گروه‌های پژوهشی، کتابخانه، انتشارات.

“
؟؟؟؟
”



اعتمادسازی و نتیجه آن

هستم، اینجا بیایم. من از اواخر دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰ در درس‌های مرحوم آیت‌الله علوی شرکت می‌کردم. این حرکت آن وزیر نشان می‌دهد اعتمادسازی در مسجد چگونه یک فرد را - در هر پست و مقامی که باشد - به مسجد می‌کشاند. از استادان دانشگاه و چهره‌های ماندگار، آقای دکتر تجلیل، استاد ادبیات فارسی دانشگاه تهران، آقای دکتر مهدی محقق و مرحوم آقای دکتر کاردان، اینها همه مسجدی‌های ما بودند و هستند و به واسطه حضور این بزرگان، شاگردهای آنها هم که از نخبگان جامعه هستند، در مسجد حضرت امیر حضور می‌یابند.

شب‌های احیاء، اجلاس سالیانه مسجد و بنیاد فارس تشکیل می‌شود و حجت الاسلام والمسلمین علوی تهرانی در این شب‌ها گزارش فعالیت‌های یک ساله در عرصه‌های مختلف خدمت‌رسانی بنیاد را خدمت مردمی ارائه می‌کند که جمعیتشان گاه به پنجاه هزار نفر هم می‌رسد. همین شفاف‌سازی است که علاوه بر توده مردم، وزیر و استاد دانشگاه را به مسجد حضرت امیر می‌کشاند.

برای مثال یکی از وزرای دولت آقای روحانی - که شاید دوست نداشته باشد نامش را ببرم - به اینجا می‌آید و میان مردم می‌نشیند و می‌گوید: من از دوره دانشجویی اینجا می‌آمدم و این گونه نیست که الان که وزیر

“
؟؟?
”

هزینه‌های بنیاد فارس

هزینه‌های مسجد فقط از شیوه تبریعی و کمک‌های مردمی تأمین می‌شود.

بنیاد فارس با کمک افرادی اداره می‌شود که درآمد متوسطی دارند و جزء طبقه متوسط جامعه هستند. جوانی را می‌شناسم که ماهی دو هزار تومان به حساب می‌ریزد و بنده از روی صورت حساب‌های بانکی، مبالغ واریزی او را دیده‌ام. جدیداً هفت تومان در ماه می‌ریزد. برایم خیلی جالب است که با توجه به توانش، همین مقدار اندک را واریز می‌کند. در میان کسانی که به بنیاد کمک می‌کنند، افراد متمول نداریم؛ چون متمولین با ما حال نمی‌کنند!

هزینه دریافتی از کلاس‌هایی که در بنیاد برگزار می‌شود، فقط اجاره این مکان را تأمین می‌کند. استادان حق الزحمه‌ای بابت تدریسشان دریافت نمی‌کنند؛ چرا که از بدنه مسجد هستند و نیتشان مادی نیست. جدای از جفایی که با غصب آن ساختمان در حق مسجد صورت گرفت، ما از تعامل با اداراتی مثل اداره برق واقعاً ناامیدیم. بارها شنیده‌ایم که هزینه برق مساجد باید رایگان باشد، اما اداره برق این منطقه همین چند روز پیش مثل هر ماه هزینه دومیلیونی روی دست مسجد گذاشت. تا می‌گوییم این کار خلاف قانون است، می‌گویند: دو طبقه‌ای که داخل مسجد برای کلاس‌هایتان ساخته‌اید، زیر مجموعه مسجد محسوب نمی‌شود.

۹۹۹۹۹
۹۹۹۹



جايگاه مسجد در مهندسي فرهنگي در گفتگو با دكتور حسن بنيانيان



بنويسيم مسجد، بخوانيم پايگاه فرهنگ

پشت هر واژه مفاهيم زيادي وجود دارد كه فقط در دل آن واژه گنجانده نشده، بلكه ذهنيتهاي مانيز گاهي در اين آن مدخليت دارد. اين رانيز خاطر نشان سازيم كه هر واژه هاي تاب اين را ندارد كه موضوع براي محمولات فراوان قرار گيرد. يكي از واژگاني كه موضوع براي محمولات فراوان قرار گرفته، واژه «مسجد» است كه در اين مصاحبه مسجد به عنوان محلي براي مهندسي و مديريت فرهنگي جامعه ديني مورد بررسي قرار گرفته است. گفتگوي عصرانه با دكتور حسن بنيانيان، رئيس كميسيون فرهنگي - اجتماعي شوراي عالي انقلاب فرهنگي، همه ما را با ظرفيت هاي مغفول مساجد آشنا خواهد كرد...

به كوشش:
مجتبي همتي فر
دانشجوي دكتري
علوم تربيتي

“
؟؟?
”

و در خود آن احكام نيز تبليغ دين نهفته است. چنانچه بخواهيم در دل اين نظام از بركات دين استفاده كنيم، مسجد نقش محوري دارد. تفاوت مسجد با جاهاي ديگر مثل حسينييه و مهديه در اين است كه در مسجد كسي احساس مالكيته ندارد و نوعي آزادانديشي در روابط وجود دارد. در مسجد است كه شما خود را نسبت به آدم ديگر كوچك نمي بيني و روابط تبليضي آموزشي بشري براي لحظاتي در مسجد از بين مي رود. هم آدم بزرگ خودش را كوچك مي بيند و هم آدم كوچك خودش را بزرگ مي داند. مسجد مثل يك شبكه اعصاب، عامل انسجام امت اسلامي مي شود و هر جاي آن كه آسيبي اتفاق بيفتد، مثل سيستم بدن واكنش نشان مي دهد. همه پادشاهان در طول تاريخ از روحانيون مي ترسيدند، البته از نفوذ فرد نمي ترسيدند، بلكه ترسشان از اين بود كه اگر با اين روحاني برخورد شود، با شبكه ارتباطي اش در مساجد روبرو مي شوند.

مسجد به نظر حضرت عالي مسجد چه جايگاهي در نظام ديني ما دارد؟

خدا در متن دين الهي، نظام تبليغ دين را پيش بيني كرده است. اين نظام مجموعه عناصري است كه با هم در تعامل هستند و ۱۴۰۰ سال دين را با كيفيتي منتقل كرده است كه ما از درون آن توانسته ايم انقلاب اسلامي داشته باشيم و از انقلاب اسلامي، نظام سياسي استخراج كنيم. البته چون در متن اين پديده ها هستيم، هيچ وقت روي آنها مكث نمي كنيم و نمي پرسيم چطور مي شود ۱۴۰۰ سال از عمر يك دين بگذرد و ظرفيت هاش مضمحل نشده باشد؟! مادر اسلام نظام تبليغاتي داريم كه مسجد عضو كليدي آن است و اگر مسجد به حاشيه رود، كل نظام تبليغاتي دين دستخوش انواع انحرافات و عدم تعادل ها خواهد شد. عبادت هاي الهي، هم زمان ابعاد فردي و اجتماعي دارد. يك سلسله احكام الهي داريم كه اگر بخواهيم مسلمان باشيم، بايد آنها را اجرا كنيم

مسجد در حال حاضر مساجد این کارکردها و جایگاه را دارند؟

در دو قرن اخیر که مدرنیته داخل کشور شده، ارتباطات مذکور کم شده است. در گذشته مساجد ما با مدرسه عجین و درهم تنیده بودند. دین در روابط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، ازدواج، دادوستدهای خانوادگی و... مردم جاری می شد و قسمت عمده حکومت جامعه به دست روحانیون بود. پادشاهان با لشکر کشی شان بخش سخت حکومت را بر عهده می گرفتند و به ازای آن لذات دنیایی خودشان را داشتند. اما بخش زیادی از حکومت، عملاً از طریق روحانیون و مسجد صورت می گرفت. اما امروزه مسجد می سازیم و از آن فقط فاتحه و صدای قرآن و مصیبت شنیده می شود. حال آنکه چند متر آن طرف تر فرهنگسرا ساخته ایم که دخترها و پسرها به صورت مختلط حضور دارند و بعضاً خلاف شرع اتفاق می افتد و برای کنترل آن حراست تشکیل داده ایم! به جای آنکه برای جامعه خودمان نهاد مناسب طراحی کنیم که نیازهای مردم را تأمین کند، می خواهیم مظاهر مدرنیته را حفظ و کنترل کنیم.

مسجد با تمام این توصیفات، چگونه یک مسجد به کانون مرکزی یک محله تبدیل می شود؟

اگر نظام سازی اسلامی کنیم، ممکن است علماً به این جمع بندی برسیم که بخشی از مسجد محل عبادت و تنظیم رابطه با خدا است. ولی در کنار آن از هشت صبح تا ده شب می شود انواع خدمات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را در حاشیه مسجد در یک حرکت مردمی سامان دهی کرد.

مسجیدی را تصور کنید که یک اتاق انتظار دارد و مشاوره انتخاب همسر می دهد، اتاق مشاوره تربیت فرزند، اتاق مشاوره اختلاف خانوادگی، اتاق مشاوره تحصیلی، جایی برای آموزش مهارت های تعامل شغلی در محیط کار، محل امور خیریه و مکانی برای آموزش کارهای هنری و... دارد. هم موجب ایجاد شادی و نشاط می شود، هم موجب احیای فضائل اخلاقی. ضمناً جلوی انواع و اقسام خدمات غربی را که در جامعه تبلیغ می شود، می گیرد. مسجدی که این نوع خدمات را می دهد، به طور طبیعی جاذبه لازم برای کار تبلیغی و فرهنگی دارد. رفت و آمد در آن شکل می گیرد و به نیازهای جوانان پاسخ داده می شود. به مرور زمان این مسجد کانون مرکزی محله و در مقیاس بزرگ تر، کانون مرکزی شهر می شود.

مسجد چند مثال کاربردی برای احیای مسجد به مثابه مدیر فرهنگی یک شهر یا محله بیان فرماید؟

بسیاری از جوان ها شیفته ساخت فیلم کوتا هستند، به این امید که در بلندمدت سینماگر شوند. این جوانان به بهانه اینکه برای ساخت فیلم کوتا هاشان باید یک قصه اخلاقی پیدا کنند، آمادگی دارند ده ها قصه اخلاقی بخوانند تا یک قصه مناسب پیدا کنند. وقتی فیلم آنها مورد تشویق قرار گیرد، هم انتقال دانش صورت می گیرد و هم چون تشویق می شوند، رفتارشان اصلاح می شود. آدم ها باید به مسجد بیایند و ذیل هویت مسجد تنفس و تعامل و رفت و آمد داشته باشند. مسجدی را تصور کنید که در یک مجتمع مسکونی ده ها جلسه کوچک برای

گاهی اختیارات مسجد را به یک آدم کهنسال می سپاریم که در حقیقت کفران نعمت کرده ایم. گاهی مسجد در منطقه ای است که جوان های زیادی در آن وجود دارد، اما کار را به پیر مردی واگذار می کنیم که نمی تواند کاری بکند. ما حاکمیت دینی تشکیل دادیم که همین موضوعات را حل کنیم؛ اما روحانیون ملاحظات سنتی برای خود دارند که ما متوجه نمی شویم این سنت ها منبعش از کجا است؟ برای مثال مسجد را دست کسی می دهیم، بعداً نیز آن را به دست فرزندش می سپاریم، حال آنکه مشخص نیست این فرزند صلاحیت اداره مسجد را داشته باشد. اساساً فرد نباید حس کند که تا باید در مسجد است. باید هر پنج سال یک بار ارزیابی شود و چنانچه عملکرد خوبی داشت، فعالیتش را تا پنج سال دیگر تمدید کنیم.

پسر ها، دختر ها، کودکان و زنان خانه دار راه انداخته و برای آنها مربی فرستاده که به آنها اطلاعات می دهد، مسابقات برگزار می کند و سالیانه جایزه می دهد. این جذب از داخل خانه ها است.

در یک آپارتمان ده ها خانم هستند که می توانند دوشنبه ها دور هم جمع شوند. می توان یک طلبه جوان دوره دیده را اعزام کرد و به او آموزش داد که به آنها چه بگوید. بعد از این طلبه اطلاعات گرفت که مسائل فکری و ذهنی این بانوان چیست تا در برنامه هایمان آنها را لحاظ کنیم. بنابراین حضور معنوی و مجازی طلبه، تأثیر گذار است. مثال کاربردی دیگر برای احیای مساجد این است که هر مسجدی یک شبکه پاسخگویی به مسائل شرعی داشته باشد، به این صورت که سؤالشان را طرح کنند و با روحانی مسجد تعامل برقرار سازند و جوابشان را بگیرند، بدون اینکه شناخته شوند. تمام این ظرفیت ها در مساجد ما قابل تحقق است؛ فقط مدیریت، برنامه ریزی و مهندسی لازم دارد.

مسجد نقش آفرینی فرهنگی مساجد در سطح کلان چگونه قابل تحقق است؟

نقش فرهنگی و منحصر به فرد مسجد این است که دین را از ارزش ها عبور داده، به رفتارها بیاورد و دین در روابط اقتصادی، اجتماعی و ارتباطات مختلف زندگی روزمره جاری شود. برای تحقق این مهم در سطح کلان به شبکه ای از مساجد نیاز داریم. مثلاً صد هزار مسجد داریم که امامان جماعت آن باید آموزش های ویژه ای ببینند و اطلاعاتی که از متن جامعه دارند، از آنها دریافت و تحلیل شود. یک سری ظرفیت ها در کشور بدون استفاده مانده است. برای نمونه ما اکنون در کشور هفتصد هزار بازنشسته آموزش و پرورش داریم که بیشتر آنها افراد سالمی هستند که می توانند در مسائل فرهنگی و اجتماعی کمک کنند. ولی متأسفانه نمی توانیم از آنان استفاده کنیم. مسجد باید اتاق فکری به نام هیئت امناء داشته باشد که محورش امام جماعت باشد و با شناخت این ظرفیت ها به سمت استفاده از آنها برود.

؟؟؟؟



راهبردهای فعالیت‌های فرهنگی

علی‌باشی
کارشناس راهنمایی
و مشاوره

فعالیت‌های فرهنگی مسجد باید با نگاه به حرکت‌های فرهنگی که در شهر و کشور در حال جریان است، مسیر خود را تنظیم کند. اگر این توسعه صورت نگیرد، استعداد نیروهای مردمی محله به هدر می‌رود و ساماندهی نمی‌شود. مسجد فرهنگی باید مردم منطقه خود را به صف کند.

باید دانست فعالیت‌های فرهنگی به فعالیت‌های مذهبی منحصر نمی‌شود. هر فعالیتی از طرف مسجد هر چند در ظاهر مذهبی نباشد، می‌تواند پلی برای ارتباط غیر مسجدی‌ها با این کانون گرم الهی باشد. شاید برخی به هنر تئاتر علاقه‌مند باشند، ولی سراغ فعالیت‌های مذهبی نروند. یا برخی گردشگری را دوست دارند، اما تا به حال تصور نکرده‌اند که مسجد هم می‌تواند این فضا را برای آنها فراهم آورد. بهتر است فعالیت‌ها از محدوده مسجد تجاوز کند و همه افراد را با سلاقی مختلف در بر گیرد. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «اگر می‌دانستید خداوند متعال چگونه انسان‌ها را آفریده، هیچ کس دیگری را ملامت نمی‌کرد»^۱؛ زیرا انسان‌ها در خلقت متفاوتند. نمی‌توان با فعالیت فرهنگی در مسجد بر روی همه افراد محل تأثیر گذار بود. نگاه سکولار به فرهنگ یعنی فقط فعالیت‌های مذهبی با مسجد باشد و کارهای غیر مذهبی اما مفید، بادیگران.

داشتن تشکیلات، مهم‌ترین راهبرد فعالیت‌های فرهنگی است. لازمه ایجاد یک تشکیلات، به کارگیری توانایی‌های مردمی است. برای ایجاد یک تشکیلات قوی باید تقسیم کار نمود، از موعظه‌گری پرهیز کرد، فعالیت‌های خودجوش بدون مزد و منت راه انداخت. تشکیلات انسان‌ها را به اخلاص می‌کشاند، ولی موعظه چنین قابلیت‌ای ندارد.

تأثیرگذاری فعالیت‌های فرهنگی وابسته به یکپارچگی و هماهنگی میان مسئولان فرهنگی مسجد است. لازمه یک کار تشکیلاتی قوی، ولایت‌مداری است. برای آنکه عوامل تأثیرگذار در مسجد، در مهندسی و مدیریت فرهنگی مسجد و محله از امام جماعت حرف‌شنوی داشته باشند، در مرحله اول باید امام جماعت به سلاح و نگاه کار فرهنگی مجهز باشد. داشتن نگاه تشکیلاتی به کار فرهنگی بسیار مهم است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بعد از بعثت در یک اقدام عظیم تشکیلاتی، دوازده فرماندار برای مدینه منصوب کردند و برای هر کدام از این دوازده نفر، چندین نفر به کار گماشت و عموم مردم به وسیله این تشکیلات عظیم با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ارتباط داشتند.

پی‌نوشت

۱. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۱۱۴.

چنین مسجدی به‌طور طبیعی به پیام‌های رهبری هم جامه عمل می‌پوشاند. مثلاً وقتی در این شبکه‌ها بحث سبک زندگی مطرح شود، خودشان بحث می‌کنند و مشکلات و نقاط مثبت و منفی را می‌یابند. یا بحث اقتصاد مقاومتی که مطرح می‌شود، این شبکه شروع به فعال شدن و همفکری می‌کند.

امروزه که سینماهای مدرن، فرهنگسراهای مدرن و پارک‌های بزرگ رقیب مساجد ما هستند، دیگر نمی‌توانیم مسجدی بسازیم که فقط یک در به خیابان داشته باشد. مسجد باید در یک موقعیت زیبا با معماری زیبا باشد. مکان عبادت باید ساده باشد، اما امکانات و تأسیسات مسجد را باید متناسب با نیازهای روز، جوانان و نوجوانان ساخت. اگر این شبکه مساجد شکل گرفت، چه بخواهیم و چه نخواهیم و حتی اگر مساجد را سیاسی نکنیم، بسیاری از افراد آینده مجلس از همین مساجد بر خواهند خاست.

مسجد برای ایجاد چنین مساجدی چه موانعی وجود دارد؟

بعضی روحانیون می‌ترسند باب این حرف‌ها باز شود؛ چون در خودشان توان مدیریت چنین فضایی را نمی‌بینند. مشکل دیگر، شبهه شرعی است که البته یک بخش آن شاید درست باشد و بخشی هم غلط است. به مساجد قدیمی عادت کرده‌ایم و نمی‌توانیم مسجد جدید را بپذیریم. وقتی علما از نزدیک مسئله‌ای را شاهد باشند، بخش شرعی‌اش هم برطرف می‌شود. الان به ندرت مساجدی داریم که بخشی از این خدمات را ارائه دهند. به میزانی که این خدمات صورت گرفته، موفقیت در جذب و تأثیرگذاری نیز افزایش یافته است.

مسجد نقطه شروع ایجاد مسجدی در جایگاه اصیل اسلامی آن چیست؟

نقطه شروعش روحانیون است. همه کسانی که باز نشست شده‌اند، دوست دارند برای قیامتشان کاری انجام دهند و خیلی‌ها آماده هستند که در مسجد خدمات رایگان ارائه دهند. برخی نیز علاقه دارند پول خود را صرف مسجد کنند تا سرزنده و پویا باشند. البته برای اینکه روحانی بتواند از امکانات استفاده کند و نیروهای مردمی را به خدمت مسجد بگیرد، نیاز به دوره و آموزش دارد. بسیاری از خیرین هستند که نمی‌دانند پولشان را در چه راهی خرج کنند. یک روحانی آموزش دیده می‌تواند آنها را به مسجد سوق دهد.

صداوسیما نیز در این باره مسئولیت دارد و باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کند که رقیب مساجد نشود. برای مثال در ماه مبارک رمضان، تلویزیون رقیب اصلی مساجد است؛ زیرا چند سریال پخش می‌کند و مردم دیگر علاقه ندارند به مسجد بروند، در حالی که باید مردم را دعوت کنند که به مسجد بروند.

رؤسای جمهور، وزراء، استانداران و فرمانداران نیز باید نگاهشان را به مسجد اصلاح کنند که این امر باز هم به دست روحانیون است. گاهی روحانیون چون نمی‌توانند مساجد را اداره کنند، به افراد خیر می‌گویند به اندازه کافی مسجد داریم، برو مدرسه بساز! حال آنکه مسجد بستر اجرای توصیه‌های دینی می‌باشد؛ البته به شرط اینکه امام جماعت و مدیر مسجد بر کار خود مسلط باشند.

“
؟؟?
”

مقوله فرهنگ، رفتار حکومت باید دلسوزانه باشد

یکی از مهم ترین تکالیف ما در درجه اول مهندسی فرهنگ کشور است. یعنی مشخص کنیم که فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی و حرکت عظیم درونی و ضرورت بخش و کیفیت بخشی که اسمش فرهنگ است و در درون انسان ها و جامعه به وجود می آید، چگونه باید باشد؟ فرهنگ هدف کدام است؟ اشکالات و نواقص چیست؟ چگونه باید رفع شود؟ فرهنگ موجود کدام است؟ کندی ها و معارضاتش کجا است؟ مجموعه ای لازم است که اینها را تصویر کند.

(دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ ۱۳۸۳)

مهندسی کلان فرهنگ کشور، یعنی ترسیم راه های ضرورت و تکامل فرهنگ ملی، درک اشکالات و نواقص فرهنگ جامعه، تعیین راه حل های کلی رفع این نواقص، زمینه سازی و جهت دهی به حرکت صحیح و پرشتاب فرهنگی، صیانت و مراقبت صحیح از فرهنگ ملی.

(دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ ۱۳۸۳)

متولی و مرکزی می خواهد تا از یک طرف [فرهنگ را] مهندسی کند. یعنی با یک فکر کلان، با یک نگاه برتر و بالاتر از همه جریان های فرهنگی در داخل کشور ببیند حقیقت فرهنگی و عنصر فرهنگی چگونه و با چه کیفیتی باید باشد. به کدام سمت باید برود؟ کجاهای آن ایراد دارد؟ فرهنگ موجود کدام است؟

(دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ ۱۳۸۳)

برای «مهندسی فرهنگی کشور» باید فرهنگ مهندسی شده ای که براساس آن می خواهد کشور مهندسی شود، معین گردد. بنابراین جایگاهی که وظیفه مهندسی فرهنگی کشور را بر عهده دارد، باید نخست مهندسی فرهنگ انجام دهد.

(دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ ۱۳۸۱)

شورای عالی انقلاب فرهنگی قرارگاه اصلی مهندسی فرهنگی کشور است. اینجا را در واقع باید اتفاق فرمان فرهنگی کشور یا ستاد عالی فرهنگی و علمی دستگاه های کشور، اعم از دستگاه های فرهنگی و سایر دستگاه ها و مرکز مهندسی فرهنگی کشور به حساب آورد.

(دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ ۱۳۸۱)

مهندسی فرهنگی کشور منحصرأ به وسیله شورای عالی انقلاب فرهنگی امکان پذیر است.

(دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ ۱۳۸۱)

در مقوله فرهنگ، رفتار حکومت باید دلسوزانه و مانند رفتار باغبان باشد. باغبان به هنگام نهال می کارد، به هنگام آبیاری می کند، به هنگام هرس می کند، به هنگام سمپاشی می کند، به هنگام هم میوه چینی می کند؛ باید فضای فرهنگی کشور را باغبانی کرد. برای باغبان مهندسی کشاورزی، نقشه مهندسی تهیه، یعنی مسئولانه و با دقت این مقوله را دنبال کرد.

(دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ ۱۳۸۲)

باید فرهنگ کشور، صحیح و پالایش شده در مجرای درست قرار بگیرد؛ نقابش تکمیل و ویرانی هایش ترمیم شود.

(دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ ۱۳۸۳)

در روش ها باید تکامل، اصلاح، تغییر و رفع خطا، جزء کارهای دائمی و برنامه های همیشگی ما باشد.

(بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری؛ ۱۳۸۳)

فرهنگ یک سیستم است و دارای انواع و اجزائی است و مهندسی فرهنگ به عنوان یک مهندسی سیستم باید انجام پذیرد.

(دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ ۱۳۸۳)

مهندسی فرهنگ این است که با رویکرد سیستمی اجزای فرهنگ اعم از فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی، فرهنگ تخصصی، فرهنگ سازمانی، در مجموعه فرهنگ جانمایی شده و روابط آنها به خوبی تنظیم شود و ضعف های اجزاء و روابط آنها برطرف شود.

(دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ ۱۳۸۳)

کنترل فرهنگ عمومی، مسئله مهم و جدیدی است که شاید اهل فکر، فرهنگ و صاحب نظران مسائل فرهنگی، قبلاً به این معنا کمتر اندیشیده بودند و کمتر توجه می کردند که برای هدایت و اداره فرهنگ عمومی در جامعه، کارویژه ای لازم است.

(دیدار با اعضای شورای فرهنگ عمومی استان ها؛ ۱۳۷۴)

افزایش نشاط کار و ابتکار، ارتقای اعتماد به نفس فردی و ملی، افزایش امید، مصرف صحیح و تقویت گرایش به کالاهای ساخت داخلی، توجه بیشتر به نشانه ها و آثار «اسلامی، ایرانی و انقلابی» در معماری عمومی کشور و افزایش خطرپذیری و شجاعت اقدام، از جمله اهداف مثبت فرهنگی است. زمینه دستیابی به این اهداف در جامعه وجود دارد و تحقق آنها، مستلزم تبیین مهندسی فرهنگی، برنامه ریزی و تلاش بیشتر است.

(دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ ۱۳۸۶)

؟؟؟؟
6

مسجد محور توسعه و تعمیق فرهنگ

یکی از مفاهیم حوزه مدیریت راهبردی فرهنگ، مفهوم مهندسی فرهنگی است. از آنجا که مسجد بزرگ ترین پایگاه تبلور آموزه های دینی و آسمانی است، نقش اساسی و عظیمی در تأمین راهبردی بنیادی در حرکت تاریخ بشر داشته، دارد و خواهد داشت. بی تردید مقوله مهندسی فرهنگی مسجد -محور، در مناسبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و در توسعه و تعمیق ارزش های دینی و رضایت شهروندان، نقشی حیاتی و تأثیری شگرف دارد. بدیهی است درک مشترک و اتفاق نظر نخبگان سیاسی، علمی و مذهبی، شفاف سازی و تبیین رابطه این مفاهیم با سایر کلیدواژه های مدیریت راهبردی فرهنگ

و در نظر گرفتن سایر مؤلفه های دخیل در تصمیم سازی راهبردی، گام بزرگی در توسعه و تعمیق فرهنگ مسجد -محور به شمار می آید. نگارنده بر این باور است که «مسجد» مهم ترین پایگاه ترسیم و تنظیم حرکت تاریخ در آینده بشریت است و بر خلاف دیدگاه فیلسوفانی همانند هانتینگتون، فوکویاما، مارکس و انگلس، آینده تاریخ از آن دین مداران با رویکرد اسلامی خواهد بود و مسجد به عنوان مرکز ثقل و کانون اصلی تحولات جهانی و مهندسی فرهنگی بشریت، ظرفیت ها و قابلیت های خود را آشکار خواهد ساخت.

بازشناسی تهدیدها و فرصت های پیش رو و مواجهه با آنها، سبب می گردد ضمن حذف وجوه ضعیف و ناکارآمد فرهنگ بومی، سایر اجزای مفید و کارآمد آن نیز در کوره ذوب جهانی سازی فرهنگ ها از بین بروند. این پدیده به از خودبیگانگی فرهنگی، از بین رفتن میراث های ارزشی، هویت ملی و سرمایه های فرهنگی کسب شده طی سالیان دراز توسط اعقاب و پیشینیان ما منجر خواهد شد.

مسجد، ظرفیتی مهم در روند جهانی شدن

واژه «مسجد» با همه بار معنایی خود، مفهومی آشنا برای همه جهانیان است. مسجد سنگری است که می توان از آن در جهت بازشناسی و مواجهه با تهدیدها و فرصت های پیش رو و احیای سرمایه های فرهنگی، میراث های اخلاقی و ارزشی خود استفاده کرد. بی تردید در روند مناسبات جهانی و در فرایند جهانی شدن و پروژه جهانی سازی با رویکرد اسلامی، «مسجد» مهم ترین پایگاه و عنصر نقش آفرین است. یکی از خطرترین نقش های مسجد، تعیین چهار چوب فکری صحیح و مناسب برای شکل دهی اذهان اهل مسجد در سراسر جهان است. اهمیت این امر تاباندن جاست که همه مسلمانان عالم، واقعیت ها و مسائل پیرامونی خود را با توجه به چهار چوبی که مسجد و مردمان آنان ترسیم می کند، تعبیر و تفسیر می کنند. این پدیده مهم را چهار چوب بخشی یا معنابخشی به رفتار دیگران تعریف می کنند.

«مسجد» پایگاه پیام اسلام و مسلمانان عالم است. اگر ما امروزه

مقام معظم رهبری و مهندسی فرهنگی

طی دهه گذشته مفاهیم مهم و درخور توجهی همچون گفت و گوی تمدن ها، ایران فرهنگی و مهندسی فرهنگی در عرصه مدیریت فرهنگی کشور از سوی دولت مردان و محققان داخلی مطرح شده است.

مفهوم مهندسی فرهنگی، نخستین بار در سال ۱۳۸۱ توسط رهبر معظم انقلاب و با تأکید بر فرهنگ و لزوم توجه به ابعاد ارزش های فرهنگی بیان گردید. مهندسی فرهنگی با هدف طراحی مجدد، اصلاح و ارتقاء شئون و مناسبات اقتصادی، سیاسی، امنیتی، قضایی و اجتماعی کشور، بر اساس فرهنگ مهندسی و با توجه به وضعیت و مقتضیات ملی و جهانی مطرح شد. توسعه علمی و خردمندانه این مفهوم می تواند به عنوان ابزاری در جهت رفع و حذف کژکارکردهای فرهنگ موجود و شناسایی نقاط مثبت و سازنده ابعاد فرهنگ ملی و سایر ملل و قومیت ها به کار گرفته شود. بدیهی است بی توجهی به این مقوله با مفاهیمی از این دست، منجر به تضعیف فرهنگ و میراث هویت ملی ایرانیان در تقابل با فرهنگ های بیگانه خواهد شد.

امروزه، معنا و مفهوم جدیدی تحت عنوان مرزهای فرهنگی

پدید آمده و انسان ها بر مبنای چهار چوب فکری شان از یکدیگر متمایز می شوند. از این رهگذر و در پرتو

این تحولات رو به رشد، رویارویی تعامل فرهنگ ها باید بیش از گذشته مورد توجه و مداخله قرار گیرد. در این صورت عدم تجهیز نظام مدیریت

راهبردی فرهنگ ملی به ابزارهایی چون مهندسی فرهنگی برای



“
؟؟?
”



پیام‌های مدیریتی

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)

- ۱ به جای از دیاد کارها به تداوم صحیح آنها بپندیشید (حکمت ۲۷۰).
- ۲ برای رسیدن به هدف‌ها و مقام‌های بلند، همت بلند داشته باشید (خطبه ۲۱۱).
- ۳ از تجارب و اندرزها پند بگیرید و از آنها بهره‌برداری کنید تا دچار نقص نشوید (نامه ۳۱، خطبه ۱۷۵).
- ۴ از شدت سختی نهراسید؛ زیرا هراس، شکننده‌تر از خود کار است و به گشایش امور امیدوار باشید (حکمت ۱۶۶ و ۲۴۶).
- ۵ اگر به انجام مسئولیتی گردن نهاده‌اید، به آن وفا کنید (حکمت ۳۲۷).
- ۶ هیچ‌وقت کارهای مهم را فدای امور مهم نکنید (حکمت ۲۷۱).
- ۷ پیش از پذیرش هر کاری، به دانش آن مجهز شوید (حکمت ۴۳۹).
- ۸ خویش‌تن را اصلاح کنید تا خداوند کارهای شما را اصلاح کند (نهج البلاغه).
- ۹ پست‌ها، امانت و وسیله خدمتگزاری اند، نه منبع بهره‌برداری (خطبه ۱۳۱).
- ۱۰ پست‌ها میزان آزمایش شما نیستند، بکوشید تا سربلند بیرون آید (خطبه ۳۳).
- ۱۱ مشورت‌پذیر باشید. اگر مشورت نکنید، تباه می‌شوید (نامه ۶۹).
- ۱۲ بازبردستان خود مانند پدری مهربان رفتار کنید (نامه ۵).

“
؟؟؟؟
”

«مسجد» را به عنوان مؤثرترین پایگاه تحولات فکری و سیاسی در آینده جهان مطرح می‌کنیم، به این دلیل است که قطعاً در معادلات و تعاملات فرامرزی و فراملیتی اثرگذار خواهد بود.

تأثیر واژه‌های پیام‌دار در جهت‌دهی مهندسی فرهنگی

در صنعت ادبی استعاره، نویسنده قسمتی از اجزای تشبیه (مشبه به یا ادات تشبیه) را حذف می‌کند، ولی معنای ضمنی این ارکان از مفهوم جمله برداشت می‌شود. استعاره برای آراستن سخنان ادبی استفاده می‌شود، ولی اهمیت آن بیش از اینهاست؛ زیرا استعاره روشی برای تفکر و نوعی بینش را القا می‌کند. هر جاسعی داریم یک جزء تجربه را به شیوه دیگری درک کنیم، از استعاره استفاده می‌کنیم. هر نویسنده‌ای با انتخاب استعاره‌ای خاص، ویژگی‌هایی از یک مقوله را بزرگ‌نمایی کرده است. اخیراً به موازات کاربرد این مفهوم در علوم سیاسی، مفهوم جدیدی با عنوان الگوسازی فرهنگی در ادبیات مدیریت فرهنگی باب شده که نمایانگر فرایند ساخت یا الگوسازی اقدامات برای مشروعیت‌بخشی و هدایت اقدامات و فعالیت‌های درون سازمانی است. البته این الگوها در فرایندی جمعی ساخته و پرداخته می‌شوند و مبتنی بر ارزش‌های صرف فردی نیستند؛ از این رو می‌توان استنباط کرد که ترکیب واژگان مهندسی و فرهنگی بر تدوین الگوی عقلایی و خردگرایانه در مدیریت راهبردی فرهنگی دلالت دارد.

باید از عبارت و عنوان «جهانی‌سازی مسجد-محور» فراوان و مکرر استفاده کنیم تا پیام خود را در سراسر جهان و فضای اندیشه عالم طنین‌انداز کنیم. شیوه و منشی امام خمینی (ره) در طرح و تبیین عناوین و مقولاتی چون حکومت اسلامی، ولایت فقیه و جمهوری اسلامی بر اساس همین الگو بود و هم‌اینک نیز برای ترسیم و طراحی آینده تاریخ انسان و بر مبنای فرهنگ «مسجد-محور»، بسیار راهگشا و کارساز است.

مسجد سازمانی فراملی

«مسجد» تنها سنگری است که در تمام نقاط مسلمان‌نشین عالم می‌تواند به عنوان پایگاهی مهم و کانونی پرنرزی در برابر موج فرهنگ دشمن مقاومت کند، فطرت و وجدان انسان‌ها را مورد خطاب قرار دهد و حرکتی نور را در صحنه جهانی رقم زند. کارشناسان مسائل فرهنگی معتقدند مشارکت و حمایت مردمی، موتور محرکه طرح‌های فرهنگی محسوب می‌شود. استفاده از مفهوم هم‌طرزی و همسویی در جهت انسجام راهبردهای فرهنگی مثل ایران فرهنگی (توسعه و تعمیق روابط فرهنگی با دولت‌ها و ملت‌های دارای فرهنگ مشترک با ایران) نقش بسزایی در دستیابی به اهداف و آرزوهای فرهنگی در نقشه تعالی فرهنگ مسجد-محور ایفا می‌کند.

همان‌طور که قرآن رسالت جهانی دارد و گستره گیتی، باید عرصه ظهور و تجلی نور هدایت اسلام و قرآن باشد، ظرفیت مهم‌ترین پایگاه دینی، یعنی مسجد نیز به گونه‌ای است که باید در گستره عالم، محور تحولات بنیادین جهانی قرار گیرد. امروزه ما با رشد بی‌رویه سازمان‌های بین‌المللی و فراملی روبه‌رو هستیم. همین رویکرد را باید همواره در نگاه به سازمان مساجد اسلامی داشته باشیم. نهاد «مسجد» در نگاه ما یک سازمان فراملی است و اگر می‌خواهیم سیر تحولات جهانی را به سمت عبودیت خدای متعال رهبری کنیم، باید نگاهی نو به عالم و آدم بیفکنیم و فرهنگ‌های سنتی و بومی را در سراسر جهان در راستای معرفت حق جهت‌دهی کنیم و این مهم جز با محوریت سازمان یافته «مسجد» سامان نمی‌یابد.



مسجد

با استفاده از چندین سال تجربه مسجد نارا الله (علیه السلام) شهرک والفجر در حوزه مهندسی فرهنگی

مدیریت فرهنگی مسجد با رویکرد نوین

مدیریت و مهندسی فرهنگی مسجد، شامل وظایفی همچون برنامه ریزی، تصمیم گیری، سازمندی، نوآوری، هماهنگی، ارتباطات، رهبری، انگیزش و کنترل می گردد.

مسجد در صدر اسلام «کانون عبادت، تعلیم و تربیت، فعالیت های سیاسی، مرکز دادخواهی و قضاوت، پایگاه نظامی، پایگاه تعاون اجتماعی و وحدت اجتماعی» بوده است. به عبارتی مهم ترین اهداف مسجد طراز اسلام، آموزش مفاهیم دینی و مذهبی، و خدمتگزاری در تمامی عرصه ها است. در این مقاله سعی شده است مهندسی و مدیریت فرهنگی یک مسجد بررسی شود.

حجت الاسلام و
المسلمین احمد تقوا،
امام جماعت مسجد
جامع نارا الله (علیه السلام)

مدیریت نوین در مسجد

به منظور ارائه الگوی قابل اجرا در حوزه مهندسی و مدیریت فرهنگی یک مسجد، با توجه به عناصر مدیریت علمی، نکات زیر ارائه می گردد.

۱. منابع مادی و انسانی

هر گونه طراحی و برنامه ریزی مبتنی بر امکانات مادی و انسانی انجام می گیرد، اما مدیریت مساجد ابتدا مبتنی به ثروت مردمی و نیروی انسانی است که در ادامه به امکانات مالی نیز منتج می گردد. بسیاری از مساجد می توانند بدون توان مالی و با اتکال به خداوند تبارک و تعالی و با مشارکت مردم، از طریق توسعه فضاهای مجاور متعلق به مسجد، با مشارکت سرمایه گذاران (و بدون فروش املاک و مستغلات)

توان مالی خود را افزایش دهند.

از مهم ترین اقدامات پیشگیرانه در حوزه مالی هر مجموعه ای، رعایت عنصر حساسی و حسابداری است. بدین منظور می توان با استخدام و به کارگیری حسابرس خبره، ضمن استفاده از نرم افزار مالی محراب، دفاتر مالی تشکیل داد. به این ترتیب سندرسی مدارک، فاکتور هزینه ها و تمامی منابع مالی نقدی و غیر نقدی، مورد بررسی و ممیزی قرار می گیرد و منابع موجود تحت کنترل دائم خواهند بود.

۲. برنامه ریزی

شامل اصول ذیل می باشد:

● تعیین هدف، یافتن و ساختن راه وصول به آن،

- تصمیم‌گیری در مورد اینکه چه کارهایی باید انجام گیرد،
- تجسم و طراحی وضعیت مطلوب در آینده و یافتن و ساختن راه‌ها و وسایلی که رسیدن به آن را فراهم آورد،
- امکان‌پذیر و قابل قبول بودن گزینش و تعیین هدف.

برنامه‌ریزی در مساجد با توجه به تنوع خدمات آموزش، تربیت و خدمتگزاری عمومی، از مسجدی به مسجد دیگر متفاوت است.

برنامه‌ریزی مسجد با توجه به اهدافی چون آموزش مفاهیم دینی و مذهبی، و نیز خدمتگزاری، تصمیم‌سازی و طراحی برنامه‌های قابل دسترس کوتاه‌مدت و درازمدت صورت می‌پذیرد.

برای نمونه می‌توان برخی برنامه‌ها را در این قالب‌ها عرضه کرد: آموزش و تربیت، تفسیر و درک مفاهیم قرآن، شرح و تفسیر نهج البلاغه، صحیفه سجاده، احکام رساله عملیه، برگزاری مراسم ادعیه خوانی، برگزاری مناسبت‌های اسلامی و انقلابی با دعوت از وعاظ و سخنرانان مطرح و ماحین اهل بیت (علیهم السلام)، آموزش غیر حضوری از طریق برگزاری مسابقات کتبی و شفاهی در اعیاد و مناسبت‌های اسلامی، تقدیم هدایای ارزنده به شرکت‌کنندگان و اسباب‌بازی‌های مناسب برای کودکان زیر نه سال، آموزش سلامت فردی و اجتماعی به وسیله طب جدید و سنتی.

۳. خدمت‌گزاری در تمامی عرصه‌ها

شامل موارد زیر می‌شود:

(الف) جهت ترک اعتیاد معتادان، از طریق کمپ‌های ترک اعتیاد و آموزش‌های بعد از ترک، تحت پوشش قرار دادن خانواده‌ایشان در دوران ترک، ایجاد اشتغال برای افراد ترک کرده، کمک به درمان معتادان بیمار در دوران ترک و بعد از ترک، به یاری آنها شتافت.

(ب) صندوق کمک به محرومان که در عرصه‌هایی مانند خانواده‌های بی‌سرپرست و بدسرپرست، بیماران صعب‌العلاج و سرطانی، و ایتم، می‌توان براساس نیاز مراجعه‌کنندگان اقدام نمود.

(ج) تهیه جهیزیه برای خانواده‌های محروم به صورت رایگان و نیمه‌رایگان، برگزاری مراسم عقد و عروسی و پذیرایی مختصر با کمترین هزینه.

(د) تشکیل تیم مشاوره و خدمات رایگان در سه حوزه پزشکی، حقوقی و مشاوره خانواده.

(ه) ارتباط با مدارس و آموزش و پرورش که خود شامل این موارد می‌شود: حضور در مدارس همجوار در ابتدای سال تحصیلی، سخنرانی و ارتباط‌گیری با دانش‌آموزان، شرکت در جشن تکلیف مدارس همجوار، جذب کودکان و نوجوانان به مسجد از طریق برگزاری مسابقات و اهداء هدایا و جوایز به آنها، اهداء هدیه تکلیف به دختران و پسران تازه تکلیف‌شده، برگزاری جشن دانش‌آموزی و تشویق دانش‌آموزان و دانشجویان ممتاز محله از طریق اهداء لوح تقدیر و هدایا.

(و) نمایندگی مردم به عنوان عضو رسمی شورایی محله و پیگیری درخواست‌های عمرانی، ورزشی، فرهنگی، اجتماعی، رفاهی و عمومی در شهرداری، جهت نیل به ایجاد رضایت عمومی در سایه اسلام.

(ز) برنامه‌نرمش صبحگاهی بعد از نماز جماعت صبح جهت حفظ سلامتی نمازگزاران.

۴. سازماندهی

سازماندهی فرایندی است که طی آن تقسیم کار میان افراد و گروه‌های کاری و هماهنگی میان آنان، به منظور کسب اهداف صورت می‌گیرد. با توجه به تنوع خدمتگزاری و فرایند مدیریت مراکز جانبی و اقماری مسجد و ضرورت حضور دائم مدیریت خدمتگزار و پاسخگو در مسجد در دو شیفت کاری صبح و عصر، ساختار سازمان نیروی انسانی مسجد می‌تواند بر اساس سه مدل کاری پایه گذاری شود:

(الف) کارکنان استخدامی ثابت (خادم، مدیر دفتر شیفت صبح و مدیر دفتر شیفت عصر و شب)

(ب) کارکنان پاره‌وقت یا ساعتی (کارشناس فنی و برق، کارشناس انفورماتیک و سمعی و بصری)

(ج) خدمتگزاران افتخاری (مثل پزشکان، خادمان افتخای، متخصصان تأسیسات، لوله‌کش و غیره)

شایان ذکر است در سازماندهی امام جماعت به عنوان مدیر مسجد، نقش هدایت‌کننده، نظارت‌کننده و کنترل‌کننده دارد و کارکنان در جایگاه مجری ایفای نقش می‌نمایند.

۵. انگیزش

انگیزش، یعنی تلاش مدیر برای ایجاد میل و رغبت در گروه هدف جهت دست یافتن به اهداف سازمان. به عبارت دیگر می‌توان انگیزش را پاسخ به مجموعه نیازها، تمایلات و محرک‌های درونی انسان تعریف کرد.

نیازهای و تمایلات انسان به چند دسته تقسیم می‌شوند:

(الف) نیازهای زیستی که در سازمان مسجد مواردی چون پذیرایی مناسب، نظافت، زیبایی محیط مسجد، خدمات رفاهی اجتماعی، ورزشی، گردشی، زیارتی و اهداء هدایا، مصداق آن محسوب می‌شوند.

در مسجد کوشش شود از تمامی فرصت‌های انگیزشی در دسترس، به بهترین نحو جهت افزایش میل و رغبت عمومی به مسجد و خانه خدا بهره‌برداری شود. به عنوان مثال می‌توان با برنامه‌های زیر انگیزش را ایجاد کرد:

- برگزاری نرمش صبحگاهی بعد از نماز جماعت صبح، تهیه بلیط استخر با تخفیفات ویژه برای نمازگزاران

- برگزاری اردوهای زیارتی، بازدید از موزه‌ها و نمایشگاه‌ها، تور رایگان تماشای فیلم‌های روز سینما با محتوای خانوادگی

- ارائه خدمات کاملاً رایگان ویزیت و مشاوره پزشکی، و خدمات مشاوره رایگان حقوقی توسط وکیل خبره پایه یک دادگستری

- ارائه خدمات مشاوره خانواده (بین زوجین، والدین و فرزندان، قبل از ازدواج و بعد از ازدواج)

(ب) نیازهای معرفتی و انسانی که عبارتند از: کسب دانش و معارف الهی، ایجاد فرصت‌های خدمتگزاری و عمل صالح،

قدردانی از افراد اثرگذار و...

(ج) از نیازهای مهم بشر نوع دوستی است که به او انگیزه مشارکت می‌دهد. تلاش جهت ایجاد فرصت‌های خدمتگزاری، حس نوع دوستی را ارضاء می‌کند؛ مثل: مشارکت مالی مردم در ترک اعتیاد معتادان، مشارکت مردم در تأمین سبب کالا و نیازهای مستمندان، مشارکت مردمی در تأمین هزینه‌های درمان نیازمندان، ارائه لوح تقدیر و اهداء هدایا به بهترین‌های محله: بهترین‌های دانش‌آموزی و دانشجویی،



بهترین خدمتگزاران، بهترین کسبه در اقامه نماز جماعت، بهترین جوان مسجد و محله، بهترین و خدمتگزارترین هیئت امناء مسجد، بهترین اذان گو و بهترین شاگرد قرآنی مسجد.

۶. هدایت

هدایت، تلاش منظمی است جهت رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده. رهبری سازمانی یا هدایت، یعنی هنر نفوذ بر مجموعه به نحوی که آنها به صورت داوطلبانه و از روی رغبت فعالیت‌های از پیش تعیین شده‌ای را در چارچوب اهداف معینی انجام دهند.

برای هدایت مؤثر، داشتن برخی شروط اساسی، ضروری است:

سرعت عمل، پیگیری دائم، ضمانت اجرایی، تدبیر، بصیرت، بلوغ اجتماعی، وسعت دید، شخصیت برونگرا، توفیق طلبی، شوق نیل به هدف، پشتکار، تلاش بی‌وقفه، میل به ابداع و ابتکار و ایجاد ایده‌های برتر.

به‌طور کلی هدایتگری تحول آفرین در سازمان هر مسجد در چهار حوزه مهم مطرح است:

الف) سطح آگاهی مردم را توسعه داده و به آنها اختیار بیشتری برای کنترل رفتارهای خود می‌دهد (خودکنترلی).

ب) توجه مردم را از سطح نیازهای غریزی مانند خوردن، خوابیدن، کسب درآمد به نیازهای معرفتی، مانند احترام به خود دیگران، اخلاق‌مداری و خودشکوفایی و غیره ارتقاء می‌دهند.

ج) مردم را تشویق به فراتر رفتن از منافع خود به نفع گروه می‌کنند.

د) چشم‌انداز وضع آینده مطلوب را ترسیم می‌سازند و افراد را برای تحقق این چشم‌انداز تشویق می‌کنند.

در مسجد می‌توان با استفاده از اصل هدایت و رهبری جامعه هدف، به توفیقات زیر دست یافت:

تشکیل تیم درمانی از پزشکان نمازگزار و ساکنان محلی، و ارائه خدمات عام‌المنفعه به مردم و محرومان

ایجاد خدمات رایگان حقوقی با تشکیل تیم حقوقدانان، متشکل از وکلای پایه یک دادگستری

تشکیل گروه خیرین و مددکاران اجتماعی از نمازگزاران و عموم مردم و بهره‌مندی از کمک‌های مالی و غیرمالی ایشان در صندوق کمک به محرومان مسجد

۷. کنترل

مفهوم کنترل در مدیریت مسجد را می‌توان به این صورت تعریف کرد: تلاش همه‌جانبه توسط مدیران مسجد (امام جماعت و هیئت امناء) برای اینکه عملکرد را با انتظارات از پیش تعیین شده و برنامه‌ها و هدف‌ها بسنجند تا مشخص شود آیا عملکرد و خروجی کار در مسجد، مطابق با انتظارات هست یا خیر.

طبیعتاً اگر مشخص شد از منابع انسانی یا سایر منابع و امکانات می‌توان به شیوه اثربخش‌تر و کارا تر برای رسیدن به اهداف استفاده کرد، وظیفه سیستم کنترل مدیریت، انجام اقدامات اصلاحی برای افزایش اثربخشی و کارایی منابع خواهد بود.

مدیریت مسجد برای نظارت و کنترل خویش، مرتباً در حال دریافت اطلاعات و آگاهی از چگونگی انجام کار در هر گام است و با دریافت

نشانه‌ها، علائم، اطلاعات و تحلیل و مقایسه آنها با هدف، درستی انجام کار را در آن مرحله بررسی می‌کند. اگر کار انجام شده در راستای هدف باشد، این خود دلیلی بر لزوم ادامه به کارگیری همان راهکارها، شیوه‌ها و ابزارهای قبلی با همان اعضای سازمان می‌باشد. اگر چنین نبود، با تشخیص علت ناهمخوانی نتیجه کار با هدف، تصمیم لازم در راهنمایی همکاران و آموزش آنان یا تکمیل وسایل و اصلاح شیوه کار اتخاذ می‌گردد. به این ترتیب، در هر گام، با دریافت اطلاعات و آگاهی از نتیجه کار، مدیر، مدیریت بهتری را همراه با همکاری و انگیزه بیشتر همکاران ارائه می‌دهد.

برای مثال اگر در ابتدای شروع به کار صندوق کمک به محرومان، با سیل عظیمی از مراجعان روبرو گردید که بودجه موجود کفاف تقاضاها را نمی‌دهد و رسیدن حق به حق‌دار نیز مورد شک قرار می‌گیرد، شاید با بررسی اولیه به این نتیجه برسیم که نیاز به تشکیل گروهی جهت تحقیقات محلی و تشکیل پرونده برای تشخیص اصالت ادعای متقاضی ضروری است. با ایجاد این تشکیلات متقاضیان به شدت کاهش می‌یابند، اثربخشی و کارایی صندوق به بالاترین حد خود خواهد رسید. ضمن اینکه با دقت و ریزبینی، اعتماد عمومی افزایش یافته که باعث افزایش مشارکت مردم در کمک مالی به صندوق می‌شود.

رمز موفقیت: مدیریت تعارض در مسجد

به‌طور کلی عدم توافق بین دو یا چند عضو یا گروه را تعارض می‌گویند که این عدم توافق، ریشه در تفاوت ارزش‌ها، اهداف و وضعیت‌ها دارد.

وجود تعارض یک امر طبیعی است که باید آن را پذیرفت؛ بنابراین از بین بردن تعارض در مسجد غیرممکن است.

اینکه آیا تعارض خوب است یا بد، سازنده است یا ویرانگر، به نوع تعارض بستگی دارد. به‌طور کلی تعارض می‌تواند در این موارد سازنده باشد: هنگامی که بتواند کیفیت تصمیمات را بهبود بخشد، زمانی که موجب ابتکار عمل، نوآوری و خلاقیت شود، هنگامی که مایه کنجکاوی و تشدید علاقه اعضای گروه به یکدیگر شود، بتواند موجب حل مسائل، کاهش فشارهای روانی و تنش‌های درون گروهی گردد و در نهایت هنگامی که بتواند جو و محیط دآوری و پدیده تحول را تقویت نماید.

تعارض مخرب اثربخشی گروه را کاهش می‌دهد، ارتباطات را ضعیف می‌کند، کارایی گروه را تقلیل می‌دهد و هدف‌های گروه را تحت الشعاع نزاع‌ها و کشمکش‌ها قرار می‌دهد. این نوع تعارض در حالت بسیار شدید موجب متوقف شدن عملیات و احتمالاً از هم پاشیدن گروه می‌شود.

پیشنهاد‌های خوب و سازنده مردم به‌دور از تعارضات، آثار مفیدی دارد. مثلاً پیشنهاد حضور امام جماعت در شورایی‌ها به منظور حصول مطالبات به‌حق مردمی از شهرداری‌ها یا پیشنهاد انجام نرمش صبحگاهی بعد از اقامه نماز جماعت صبح.

شاید تعارضات ویرانگر با تأکید بر درخواست‌های غیرمعقول و غیرمنطقی نیز وجود داشته باشد، مانند: اصرار و پافشاری برای واگذاری بخشی از موقوفات مسجد به فرد یا وابستگان فرد خاص یا درخواست محدود نمودن فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی مسجد و پرداختن به ساخت و ساز و زیباسازی مسجد. این در حالی است که هدف نهایی مساجد، ارائه خدمات فرهنگی، مذهبی و اجتماعی است. مسجد ضمن توسعه عمرانی، باید بی‌وقفه از تمام ظرفیت و پتانسیل خود جهت نیل به اهداف تعریف شده در مسجد طراز اسلام استفاده کند.

بررسی شیوه‌ها در کار فرهنگی مسجدی

گزینه درست همیشه یکی نیست!

انتخاب نوع شیوه و مدل کار فرهنگی برای یک مسجد بسیار مهم است. شناخت و بر آورد فرهنگی محله و سپس تهیه نقشه راه جهت مدیریت فرهنگی، نیازمند دانش و تجربه کافی می‌باشد. گاهی یک شیوه در مسجد شمال غرب تهران جواب می‌دهد، اما همان شیوه در مسجد شمال شرق تهران نتیجه عکس دارد. شیوه‌های کار فرهنگی در یک مسجد را از یک منظر می‌توان به سه بخش تقسیم کرد:

مجید اربابی مجد
کارشناس
مطالعات فرهنگی

۱. شیوه موجی

به مجموعه کارهایی که در برهه‌ای از زمان انجام می‌شود و حرکت‌های بزرگی در راستای آن صورت می‌پذیرد و مخاطب آن عموم مردم هستند، شیوه موجی گفته می‌شود. مثل مراسم و هیئت‌های مذهبی در ماه محرم. این کارها معمولاً یک هفته مانده به محرم، آغاز می‌شود و تا یازدهم محرم ادامه می‌یابد. سپس در دهه فاطمیه و شب‌های قدر دوباره شروع می‌شود. برخی فعالیت‌ها در زمینه دفاع مقدس مانند نمایشگاه و یادواره یا محافل انس با قرآن نیز از این قبیل می‌باشد.

۲. شیوه حرفه‌ای

در این شیوه افراد مجموعه به طور پیوسته کار می‌کنند و تعطیلی ندارند؛ مانند برگزاری جلسات منظم اخلاق، جلسات قرآنی، جلسات هفتگی یا ماهانه حضور در منزل شهدا، حلقه‌های مطالعاتی و نشریه. مخاطب این برنامه‌ها دغدغه خودسازی داشته و بیشتر در مسجد حضور دارند و موجب گرمی فضای مسجد و برنامه‌های آن می‌شوند.

۳. شیوه مجموعه‌های بستر ساز

مجموعه‌های بستر ساز خواص را پرورش می‌دهند و این خواص، مسئولان مجموعه‌های موجی و حرفه‌ای می‌شوند. به عبارت دیگر این افراد می‌توانند در قسمت‌های مختلف کارهای فرهنگی مسجد مسئولیت به عهده بگیرند.

چگونگی انتخاب شیوه

یک امام جماعت می‌تواند متناسب با مخاطب خود شیوه کار فرهنگی را انتخاب نماید. البته بهتر است از هر سه مدل در زمان مناسب خودش استفاده شود؛ چرا که مساجد غالباً ظرفیت هر سه مدل را دارند. در نظر داشته باشیم کار

مدل سوم را نمی‌توان برای مخاطب مدل اول انجام داد. برای مثال با ادبیات کلامی نخبه‌پسند، نمی‌توان با عموم مردم ارتباط برقرار ساخت. باید برای جلسات عمومی‌تر، فردی را دعوت کنیم که عموم از او سود ببرند. اگر برای این مراسم، شخص نخبه‌ای را دعوت کنیم، مخاطب از جلسه سود نخواهد برد.

همچنین اگر برای مخاطب پیگیر، مفاهیم عمیق ارائه ندهیم، نیروی بالقوه او را نیز از دست می‌دهیم. البته به این نکته مهم دقت داشته باشیم که قشر جوان به نسبت عموم مردم به مدل نخبگانی‌تر نیاز دارد و دنبال مطالب تازه‌تر و عمیق‌تر است. یکی از مشکلات بزرگ کارهای فرهنگی این است که بخواهیم عموم را به سمت نخبگی بدون مدیریت سوق دهیم.

گاهی دیده می‌شود متولیان فرهنگی مسجد دور هم جمع می‌شوند و در یک قضاوت زود هنگام و بدون بررسی زوایای مسئله به این نتیجه می‌رسند که مثلاً هیئت در مسجد کاربردی نداشته و باید تعطیل شود و به جای آن حلقه مطالعه تشکیل گردد. در صورتی که وجود هیئت مشکل نبوده، بلکه عدم مدیریت یا عدم نگاه درست به سیاست‌گذاری‌های آن بوده است. آنگاه هیئتی که متشکل از صد نفر بوده است، بعد از مدتی هشتاد نفره می‌شود. بعد از شش ماه، شصت نفر و بعد از ده ماه پنج نفر باقی می‌ماند. این در حالی است که اگر به کارشان ادامه می‌دادند، اعضای هیئت مسجد دوپست نفر می‌شدند و متولیان امر می‌توانستند از این ظرفیت به وجود آمده به بهترین شیوه استفاده نمایند.

نکته آخر اینکه در کار فرهنگی نباید نقش گروه‌های پیشرفته را بازی کنیم. گروه‌هایی بودند که برای پیشرفت مجموعه خود، از مجموعه‌های دیگر الگو برمی‌داشتند؛ اما همان مجموعه بعد از شش ماه تعطیل می‌شد؛ چون اعضای آن می‌خواستند نقش بازی کنند.

؟؟؟؟





چیدمان غلط اجزای یک جامعه و عدم رعایت تناسبها، خود نوعی اسراف اجتماعی است که ما امروز به آن مبتلا هستیم و نتیجه آن، بی‌عدالتی‌هایی است که در بسیاری از موارد، بروز و ظهور شفافی ندارد! به دیگر سخن، افراد زیادی هستند که با وجود کثرت امکانات، از برخی نعمت‌ها محروم می‌شوند، اما خودشان متوجه این کمبودها نیستند.

دلیل این بی‌بهرگی خاموش، آثار منفی و مثبت غیرمستقیم است؛ یعنی چیزهایی در زندگی انسان هست که با واسطه یا دیرتر، خود را نشان می‌دهد. برای همین است که گاهی متوجه بودن یا نبودن آن نیستیم.

به این مثال فکر کنید که کودکی در یک محله دارای مسجد فعال و بانشاط زندگی کند و دیگری در یک محله محروم از امکانات معنوی. این هر دو کودک، در آینده تربیت‌های متفاوتی خواهند داشت و زندگی را به گونه متفاوتی خواهند دید.

از دیگر آثار این ناهمگونی‌ها، موازی کاری و تکرارهای مخرب است. گاهی به جای آنکه یک نهاد مشخص، مسئولیت یک کار فرهنگی را به عهده گیرد، دیگر نهادها به دلایل و انگیزه‌های گوناگون، عهده‌دار همان کار می‌شوند و روشن است که به‌درستی از عهده کار بر نمی‌آیند.

اما چرا جامعه ما دچار این ناهمگونی و پیرانگر و اسراف کارانه است؟ دلیل عمده این است که جامعه نیز مانند قالی یا خانه یا کارخانه، به نقشه و مهندسی نیاز دارد. این یک اصل تمدنی است که قرن‌ها از آن برخوردار بوده‌ایم، اما مدت‌هاست عقل جمعی و کلان‌نگری را فراموش کرده و تمام تلاش خود را در واحدهای کوچک اجتماعی و خانوادگی محدود ساخته‌ایم.

سوگمندانه باید گفت، تقلید کور و ناقص از غرب هم نتوانست ما را به سامان و سعادت برساند؛ چراکه نه با مبانی فکری و دینی ما سازگار بود، نه با بافت بومی و ملی ما. بدتر آنکه به‌صورت بریده و تکه‌تکه، فقط بخش‌هایی از ظاهر جامعه را دگرگون ساخت، بی‌آنکه به تعمیر زیرساخت‌های بنیادین فرهنگی و اجتماعی بپردازد.

به این ترتیب آرمان‌های ما به شعارهای زیبا و پوچ تبدیل می‌شود و دستاوردهای ما به نظم و هماهنگی و بهره‌مندی عادلانه نمی‌انجامد.

ما از آنجارانده و از اینجا مانده، بیش از دیگران می‌کاریم و کمتر از آنان می‌درویم!

راه چاره چیست؟ آیا باید منتظر بمانیم مثلاً حاکمیت، با فشار دادن یک تکه یا ابلاغ یک دستور، فرمان درست‌ایستادن هر کس در جای خود را صادر کند یا آنکه یک منجی پیدا شود و بگوید هر چیز را سر جای خود بگذارید! اگر چنین انتظارات خیالی داشته باشیم، هرگز به سامان نخواهیم رسید.

راه چاره این است که نقشه راه را از منابع درست آن بگیریم و موبه‌موا اجرا کنیم. مشکل اینجا است که ما به داشته‌های خود ایمان نداریم. گنج در دست ما است، ولی ما کوچه‌به‌کوچه در پی بدل هستیم! اکسیر را به پای درختان تزئینی می‌ریزم تا شاید



جورچین‌های زورچین!

نگاهی انتقادی به نهادهای موازی مسجد در مدیریت فرهنگی محل

یکی از مشکلات جامعه ما، ناهمگونی و ناسازگاری نهادها و سازمان‌های کشوری است. جامعه امروز ما شبیه یک جورچین (پازل) زیبا است که قطعات آن به‌زور و ناهمگون کنار هم گنجانده شده است!

این ناسازگاری‌ها که بخش‌هایی از جامعه را تحت فشار و اجحاف قرار داده و بخش‌های دیگر را به ناحق دارای امکانات آن‌چنانی کرده، ظرفیت‌های بسیاری را هدر و رضایت عمومی را کاهش داده است.

حامد عبداللہی
طلبه و دانش‌آموخته
دکتری تاریخ و تمدن
اسلامی

“
؟؟?
“

ظلم فرهنگی به مهم ترین نهاد فرهنگی

اکبر دهرسخی
طلبه درس خارج
ونخبه تبلیغی

تخریب مسجد تنها با بیل و کلنگ نیست، بلکه هر برنامه‌ای که از رونق مسجد بکاهد، تلاش در خرابی آن محسوب می‌شود. مساجدی نمره قبولی می‌گیرند که یاد خدا در آنها بیشتر زنده شود. دشمنان اسلام از در و دیوار مسجد نمی‌ترسند، بلکه آنها از زنده شدن نام

خدا و بیداری مسلمانان در هراس هستند.

بر این اساس، هر اقدامی که مسجد را به جایگاه حقیقی آن نزدیک کند، از مصادیق «عمران» قلمداد می‌گردد و هر عملی که در جهت تضعیف مساجد صورت پذیرد، مصادیق «ظلم بزرگ» به جایگاه مساجد به حساب می‌آید. از ضعف عملکرد برخی مساجد که بگذریم، مشکلی که امروز مساجد، به‌ویژه مساجد تهران با آن دست به گریبان هستند، حضور رقبای موازی و جذاب در صحنه فرهنگی محله است؛ رقبایی که عملکردشان موجب شده مساجد دچار نوعی سردرگمی و ناامیدی در امر مهندسی و برنامه‌ریزی فرهنگی برای مخاطبان‌شان شوند.

فارغ از این موضوع که این مراکز چه محتوا و برنامه‌ای ارائه می‌کنند، با توجه به امکانات، اعتبارات، نیروی انسانی آموزش دیده و برنامه‌های متنوعی که دارند، موفق شده‌اند با شبی‌مالیم و نامحسوس جای مسجد را بگیرند.

در آن سوی میدان متأسفانه برخی مساجد به دلیل نداشتن امام جماعت راتب و نمازگزار، به حالت نیمه‌فعال و حتی تعطیل درآمده‌اند. رقبای مسجد که دسته‌ای از آنها جایگاهی در ظرف مسجد دارند و دسته‌ای دیگر جایگاهشان خارج از ظرف مسجد است، با مجوزهای رسمی چند نهاد دولتی و سازمان دینی تأسیس می‌شوند و به صورت پراکنده و بدون هیچ گونه هماهنگی با یکدیگر در محله فعالیت می‌کنند و حتی گاهی دیده شده در امر نظارت، مدیریت و برنامه‌ریزی امور مسجد نیز فعال هستند. آفت تداخل برنامه‌های غیرهماهنگ و غیرهماهنگ با نظام حاکم بر مسجد، تشابه فعالیت‌ها، جذابیت ظاهری برنامه‌ها نسبت به مسجد، عدم تعامل سازنده مسجد با این مراکز، نداشتن نقشه راه مسجدی و مواردی از این قبیل، موجب دل‌زدگی مردم و مخاطبان نسبت به کارکرد مسجد شده است. در این خصوص جوانان و نوجوانان بیشتر از سایر گروه‌های سنی آسیب‌پذیر هستند. بنابراین بسیار ضروری است که آسیب‌های وجود رقیب برای مسجد مورد مطالعه قرار گیرد و با برشماری این آسیب‌ها توسط متولیان امر و مهندسان فرهنگی، راه‌چاره‌ای اندیشیده شود؛ راه‌چاره‌ای که بتوان از تمام ظرفیت‌های محله با تمام مراکزی که در آن وجود دارد، در مسیر پایگاهی به نام مسجد بهره برد. جهت نیل به این هدف ابتدا باید برای پرسش‌های زیر پاسخی راهبردی داشته باشیم:

– رقبای مسجد کدامند و چگونه به وجود آمده و توسعه یافته‌اند؟

– رقبای مسجد چه آسیب‌هایی برای مساجد و آموزه‌های مسجدی دارند؟

– شیوه تعامل با نهادهای رقیب مسجد باید چگونه باشد؟

میوه‌های پلاستیکی بدهد!

اکنون به یک مثال دقت کنید که چگونه در گذشته، معماری شهری ما مطابق مبانی فکری و باورهای ما بوده است. در گذشته نه‌چندان دور که هنوز نشانه‌های آن باقی است، مسجد، محور محله‌ها بوده و بازار و حوزه علمیه پیرامون آن بود و خانه‌ها نیز در بافت‌هایی که بسیاری از آداب در آن رعایت می‌شد، قرار می‌گرفته است. خانه‌ها، حیاط‌های مرکزی داشتند و پنجره‌ها به خانه‌های همسایه‌ها اشراف نداشت. کوچه‌ها مطابق آداب سنتی و دینی ساخته می‌شد و هرگز نمی‌شد که بازماندن در یک خانه، تانتیهای آشپزخانه و بهداشت خانه را دید! حتی صدا و رنگ و گیاه هم در خانه‌های سنتی که نشان از تمدن اصیلی داشته، از روی برنامه و نقشه بوده است.

اما حالا شاهد طبقه‌ها روی طبقه‌ها هستیم، دیوارهای کاغذی و درهایی که اگر شیشه‌ای باشند، برانده تر است! آشپزخانه‌هایی که حجاب ندارند! پارکینگ‌های غریبه و آسانسورهای ناجور! ایوان‌هایی که می‌توان از آن خانه‌های مقابل را شبانه‌روز نگاه کرد! در این شهر درهم و برهم، چه بلایی سر سهم معنویت کودکان شهر می‌آید؟ نقشه راه ما این بود: امام معصوم، جهان را اداره کند، امام امت، کشور را و امام جمعه، شهر را و امام جماعت، محله را! پس این نقشه چه شد؟

درهم‌ریختگی و تذبذب فرهنگی، امروز به نام دین و فرهنگ، در حال تخریب بنیادهای تربیتی و مذهبی جامعه است. حالا دیگر بسیاری، مسجد را رقیب خود می‌دانند و حتی تلاش می‌کنند در پرورش مذهبی و فرهنگی کودکان و نوجوانان و جوانان، گوی رقابت را از مسجد بربایند.

بیان‌های کاری و گزارش‌های آن‌چنانی، چنان پر زرق و برق و متملقانه تهیه می‌شود که گویی مسجد، یک عبادتگاه سالمندان محله‌های قدیمی است و برای کار فرهنگی باید فرهنگ‌سرا و پارک‌های رنگارنگ ساخت، بدون حضور مربیان دینی و اخلاقی!

از این موازی‌کاری‌های به ظاهر زیبا که به مثابه همان جورچین‌های زورچین است، تربیت دینی و امنیت اجتماعی در نمی‌آید. عبادت و عبودیت باید محور هر کار فرهنگی و مذهبی در جامعه اسلامی باشد و نمی‌توان با پراکنده کردن این فعالیت‌ها و اعمال سلیقه‌های شخصی بدون نظارت نهادهای تعریف‌شده مثل مسجد و با حضور ائمه جمعه و معتمدان محل، نسلی بر خوردار از موهبت‌ها و نعمت‌های خدادادی تربیت کرد. این گونه است که گاه بچه‌ها از تربیت بدنی محروم می‌مانند و گاه از تربیت دینی.

این بی‌عدالتی‌ها شاید نشانه‌های تلخ و گزنده‌ای نداشته باشند که همگان را هشیار سازد، اما اندک‌اندک، نسلی را عقب‌مانده و درگیر با گرفتاری‌های اجتماعی، فرهنگی و مذهبی می‌کند. مگر نه اینکه امروزه ازدواج، اشتغال، رانندگی، انضباط کاری، نظم عمومی و معماری شهری و حتی ساختمان مساجد ما، دچار بی‌نظمی و بی‌سلیقه‌گی است و هیچ چیز سر جای خودش نیست؟

باید به نقشه راه باز گردیم! دیگر نه چاره‌ای مانده، نه تحملی!

“
؟؟؟؟
”



مهندسی برکت

در آمدی بر مدیریت رابطه‌هایی که در یک مسجد شکل می‌گیرند

حیدر رضوانی
طلبه و دکتری
فلسفه علم



مسجد

بعضی محله‌ها نفس می‌کشند، زنده هستند و هر رهگذری هنگام عبور از آنها، ناگزیر رنگ و بوی آن محله را به خود می‌گیرد. بعضی محله‌ها نیز رنگی ندارند، عطری ندارند. ساختمان‌هایی سیمانی و سر به فلک کشیده هستند، با قدری تیر آهن و

سنگ‌های تزئینی که متکلفانه، زمختی بنا را در خود پوشانده‌اند.

یک مسجد پویا و تپنده به سان قلب یک محله، مهم‌ترین نقش را در زنده نگاه داشتن یک محله خواهد داشت و یک مسجد بی‌رقم، مهم‌ترین عامل تبدیل محله به یک مرده بی‌رقم خواهد بود.

مسجد تنها نقطه‌ای از «شهر» یا «محله» است که مردمان فارغ از روابط روزمره «سودمحور» یا «سودمحور»ی که با یکدیگر دارند، در جغرافیای مقدس آن به هم می‌رسند و رابطه‌ای برادرانه و قدسی میانشان برقرار می‌شود؛ رابطه‌ای که بیش و پیش از هر چیز دیگر در سایه حرکت جمعی به مقصدی متعالی و در جهت کسب رضای معبود رقم می‌خورد.

مدیریت این رابطه و پیوند میان جامعه مؤمنان می‌تواند همسایگان یک منطقه از شهر را از سایر مناطق متمایز سازد و نقطه روشنی در آبادانی فرهنگی و زیستی مردم آن منطقه به حساب آید. در مهندسی فرهنگی، بازشناسی روابطی که در پرتو مسجد شکل می‌گیرد، نقشی اساسی دارد. مدیریت این روابط موجب می‌شود آثار و برکات مسجد، دیوارها و کوچه‌های محله را تسخیر کند.

اما در مسجد چه رابطه‌هایی برقرار می‌شود؟

۱. رابطه نمازگزار با خدا

اساسی‌ترین کارکرد مسجد، بازآرایی و برقرار کردن رابطه‌ای نزدیک‌تر میان بنده و پروردگار است. امام جماعت وظیفه دارد مسجد را چنان مهندسی کند که بهترین بستر برای این رابطه فراهم گردد. این مهندسی شامل این موارد می‌شود: معماری منظر و دکور داخلی مسجد، چگونگی شکل‌گیری صفوف نمازگزاران، زمان‌بندی برنامه اقامه نماز، سخنرانی، چگونگی تقویت رابطه نمازگزاران با نماز و عمق بخشی به این رابطه قدسی در برنامه‌های کوتاه مدت ماهیانه و برنامه‌ریزی‌های سالیانه.

نمازگزار در بدو ورود به مسجد با معماری و تزئینات داخلی مسجد روبه‌رو می‌شود. برخی عوامل گرافیکی مانند بنرها، پلاکاردها، پاره‌نوشته‌ها و اشیاء می‌تواند نمازگزار را از توجه به رابطه‌ای که برای آن به مسجد گام نهاده است، بازدارد. برای مثال ممکن است مسجدی منبر قدیمی و مستعمل خود را با منبری جدید و چشم‌نوازتر تعویض کرده باشد. شایسته نیست چنین منبر پرزرق و برقی در مرکز توجه نمازگزاران قرار گیرد. در ایامی که از آن استفاده نمی‌شود، می‌تواند در گوشه‌ای از مسجد که کمتر محل توجه نمازگزاران است، جای گیرد یا حین برگزاری نماز با پارچه‌ای سفید که خود جلب توجه نکند، پوشانده شود. این پوشش ساده و سفید می‌تواند دیگر عواملی را که

ممکن است توجه نمازگزاران را به خود جلب کند، بپوشاند و خانه خدا را برای برقراری رابطه‌ای نزدیک‌تر با خدا آماده سازد. جایگزاری بنرهای تبریک و تسلیت و اعلام مراسم‌ها، باید از قبل برنامه‌ریزی شود تا هنگام اقامه نماز در کانون توجه نمازگزاران نباشد و این مهم باید برای خادم مسجد تبیین شده باشد.

قرائت زیبای امام جماعت و پخش صدای او از سیستم صوتی مسجد به صورتی واضح و البته نه چندان بلند و گوش خراش می‌تواند اسباب تمرکز نمازگزاران را فراهم آورد. در همین راستا تشکیل صفوف منظم نمازگزاران و برقراری این صفوف با کمک افرادی گشاده‌رو از ساکنان محل، می‌تواند بر وقار و تأثیرگذاری بیشتر این عمل عبادی بیفزاید. اقامه نماز در وقتی معین و ثابت - مثلاً پنج دقیقه پس از پخش اذان از بلندگوهای مسجد - معین بودن دعاها و برنامه‌های میان دو نماز و پس از نماز، می‌تواند بر این رابطه مقدس تأثیر گذار باشد. بسیار مشاهده می‌شود که برخی نمازگزاران در میانه نماز به صفوف نماز جماعت می‌پیوندند. برای مدیریت این حضور نیز می‌توان برنامه‌ای کوتاه و بسیار جذاب برای دقایقی پیش از اذان برنامه‌ریزی کرد تا نمازگزاران عادت کنند که چند دقیقه پیش از اذان در مسجد حضور یابند.

امام جماعت می‌تواند نمازگزاران را با توصیه‌های اخلاقی و روایی هدفمند، به سوی بهبود کیفیت رابطه‌شان با پروردگار و مهم انگاشتن این رابطه سوق دهد.

۲. رابطه نمازگزار با نمازگزار

مهندسی فرهنگی مؤمنان یک محله، از مهندسی رابطه میان ایشان آغاز می‌شود. حالا که به برکت مسجد، جامعه مؤمنان بار دیگر فارغ از دغدغه‌های کاری و اقتصادی یکدیگر را دیدار می‌کنند، بهترین فرصت برای امام جماعت توانمند مسجد است که رابطه برادری دینی را میان اهالی محل تقویت کند. برنامه‌ریزی برای انجام برخی فعالیت‌های مسجد به صورت گروهی و رفع مشکلات روزمره مردم با کمک یکدیگر، می‌تواند رابطه‌های محکمی میان اهالی مسجد برقرار سازد.

نیاز نیست نمازگزاران صاحب مقام یا شغلی ویژه باشند. کارهای بزرگ بیش از اینکه وابسته به دخالت دولت یا افراد خاص باشد، برآمده از فکری خلاق، اراده و همت جمعی افراد است. حل مشکلات شهری محله در مسجد، اهالی را به حضور مداوم در مسجد و پیگیری امور خود تحت مدیریت امام جماعت ترغیب خواهد کرد. مشکلاتی همچون

“
؟؟?
”



۴. رابطه امام جماعت با بانوان

برنامه‌ریزی برای یک مسجد با نادیده گرفتن یکی از مهم‌ترین مخاطبان مسجد، یعنی بانوان، امکان‌پذیر نخواهد بود. مدیریت حضور بانوان در مسجد و افزایش تأثیرات تربیتی و فرهنگی بر بانوان، تدبیر و نکته‌سنجی‌های خاصی را می‌طلبد. لازمه این مدیریت برقراری ارتباط مستقیم امام جماعت با بانوان مسجد نیست؛ بلکه برعکس، یکی از خط قرمزهای مدیریتی در مسجد، ارتباط مستقیم و رابطه صمیمی امام جماعت با بانوان نمازگزار است. در اسلام، تأکیدات بسیاری بر رعایت حریم‌ها و عدم رابطه مرد و زن نامحرم، مگر به ضرورت، وجود دارد که رعایت این حریم‌ها بیش از هر کس دیگری بر عهده امام جماعت خواهد بود.

رعایت مرز میان مدیریت نزدیک و در صحنه با رابطه نزدیک و صمیمی، از مهم‌ترین مواردی است که باید در صدر توجه قرار گیرد. در بهترین حالت، امام جماعت می‌تواند با واسطه همسرش که برخی آموزه‌های تبلیغی را فرا گرفته است، از مشکلات، نیازمندی‌ها و مسائل بانوان مسجدی مطلع شود و برنامه‌ریزی‌های لازم را با مدد ایشان به انجام رساند. در غیر این صورت، این شناخت می‌تواند به واسطه یکی از نمازگزاران مسجد انجام پذیرد که همسرش چهره‌ای فرهنگی و فعال دارد؛ یعنی در بسیاری اوقات یک یا دو زوج نمازگزار می‌توانند امام جماعت مسجد را از امور بانوان نمازگزار آگاه سازند.

توجه به روحیه زیباشناسانه بانوان و نکته‌سنجی و نگاه جزئی و ظریف ایشان به امور، باید در طراحی معماری داخلی و تزئینی بخش بانوان مدنظر قرار گیرد. قرار دادن فرش‌های زیباتر و آراسته‌تر، نظم و ترتیب بیشتر در قفسه‌ها و جامه‌ری قسمت بانوان، از نتایج این توجه است. همچنین توجه به مسائل اجتماعی نظیر افزایش سن ازدواج دختران محل، افسردگی برخی بانوان به دلیل نداشتن تفریحات سالم، مبارزه با عرفان‌های کاذب و خرافات، آسیب‌شناسی مصرف‌گرایی و تجمل‌پرستی، آموزش‌های فکری ویژه بانوان و دختران تحصیل کرده که درصد زیادی از بانوان کنونی را در بر می‌گیرند، از وظایف امام جماعت در برنامه‌ریزی و مهندسی فرهنگی برای مسجد است.

۵. رابطه امام جماعت با نخبگان و دانشجویان

یکی از آسیب‌هایی که مسجد را تهدید می‌کند، خالی شدن مساجد از جوانان تحصیل کرده و عدم حضور نخبگان علمی و فرهنگی است. برخلاف گذشته که امام جماعت مسجد می‌توانست بیشتر نیازهای نمازگزاران را پاسخگو باشد، به دلیل گسترش افسارگسیخته اطلاعات و بمباران اطلاعاتی افراد توسط رسانه‌های گوناگون، مخاطبان جوان احساس بی‌نیازی کاذبی از خطابه و منبر دارند. امام جماعت در حفظ و ارتقای رابطه خود با قشر جوان که اکنون به واسطه حضور در دانشگاه و تحصیل در یک رشته تخصصی، احساس نخبگی پیدا کرده و میان خود و دیگران حریمی از فرهختگی را خودآگاه یا ناخودآگاه قرار داده است، محتاج بهره‌گیری از بیانی تازه و البته تهذیب و مجاهدتی افزون است. در مواردی می‌توان برای جذب این طبقه، از یاری و فعالیت بعضی از نمازگزاران بهره گرفته شود. برگزاری برخی جلسات هفتگی توسط یکی از چهره‌های جالافتاده فرهنگی مسجد که تحت مدیریت امام جماعت مسائلی جذاب را با قشر جوان در میان می‌گذارد، می‌تواند به امام جماعت در برقراری این رابطه یاری رساند.

۳. رابطه امام جماعت با نمازگزار

حساسیت امام جماعت به مسائل فردی و خانوادگی نمازگزاران نیز یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار برای توفیق برنامه‌ریزی‌های فرهنگی در مسجد است. امام جماعت می‌تواند با حضوری غیررسمی، فضایی صمیمی را میان خود و نمازگزاران به وجود آورد. نشستن در گوشه‌ای از مسجد که در دید نمازگزاران باشد و مشغول شدن به فعالیتی غیررسمی مانند مطالعه کتاب، بازدید از کتابخانه یا قفسه قرآن و ادعیه مسجد، مرتب کردن مهرها یا تسبیح‌ها، مرتب کردن ریشه‌های فرش و... می‌تواند فضایی غیررسمی‌تر از محراب را برای مراجعات نزدیک‌تر نمازگزاران به امام جماعت مسجد فراهم آورد.

در بستر چنین فضاسازی‌های غیررسمی، فضایی لازم برای گفتگوهای نزدیک‌تر امام جماعت با اهالی فرام می‌شود و او می‌تواند از وضعیت شغلی، سلامتی یا کسالت، سفرهای شغلی یا خانوادگی، وضعیت تحصیلی یا تربیتی فرزندان، شبهه‌های عقیدتی، سیاسی و فرهنگی نمازگزاران از نزدیک اطلاع یابد و چون طبیبی دوار، برای هر کس نسخه یا مشاوره‌ای ارائه دهد.

همچنین می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های میان‌مدت، موضوع منبر و خطابه خود را جهت‌دهی کند یا در برنامه‌های بلندمدت، معضلات و نیازمندی‌های محله و نمازگزاران را در نظر گرفته و اولویت‌بندی کند. این شناخت نزدیک حتی می‌تواند بر چگونگی دعوت از سخنرانان تأثیرگذار باشد. گاه یک اتفاق کوچک یا بی‌مولاتی یکی از کارکنان نهادهای شهری یا دولتی می‌تواند سبب بدبینی جمعی از ساکنان محل به نظام اسلامی شود. در این هنگام امام جماعت می‌تواند با دعوت از یکی از مسئولان مرتبط شهری یا دولتی برای سخنرانی در مسجد، زمینه‌های بدبینی و گسترش شایعات را از میان بردارد.

“
؟؟؟؟
”

مدیریت فرهنگی در مسجد یعنی فتح دل‌ها و جذب قلب‌ها

مهندس گرفته شده از کلمه اندازه در فارسی است که معرب شده و اسم فاعل آن است؛ یعنی کسی که اندازه‌ها را می‌داند و هر کاری را با اندازه انجام می‌دهد. در فرهنگ نیز این قاعده حکم فرما است؛ گرچه مختصات فعل فرهنگی و اندازه‌گیری آن فوق‌العاده حساس و پیچیده است. فرهنگ یک مقوله بین‌رشته‌ای است که ده‌ها موضوع در آن مؤثر و از آن تأثیر پذیرند.

بلکه کشف دغدغه او است. بر این موضوع در روایات نیز تأکید شده است: «کَلِمَ النَّاسِ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ؛ ۱ با مردم به مقدار فهمشان سخن بگویند». شناخت عقل مردم یعنی، شناخت میزان فهم و درک آنان از هستی. کشف ذهنیات مخاطب، یک کار حرفه‌ای و تخصصی است. روش‌هایی چون نیازسنجی و نظرسنجی زمینه‌ساز این مهم هستند. اعتماد به دانایی و توانایی امام جماعت یکی از عوامل مهم کشف ذهنیات مخاطب است. ۲. معمولاً مساجد در شناسایی استعدادها و به کارگیری آنان در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های مسجد، موفق عمل می‌کنند. امام‌مهم‌ایجاد انگیزه در افراد برای مشارکت است. چون کار در مسجد همچنان قداست و معنویت خود را حفظ کرده است، امکان استفاده از بخش وجود دارد. خرد جمعی در مساجد بهتر و مؤثرتر شکل می‌گیرد تا در محیط‌های دیگر. ۳. پاسخگویی به نیازهای مردم و تقویت روحیه خدمت‌گزاری نیز اهمیت دارد. مساجد مکان‌هایی مقدس و عبادی شناخته می‌شوند، ولی به دلیل گسترش نیازها در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی، فعالیت‌های مسجد می‌تواند بسیاری از این نیازها را پوشش دهد. آموزش، پرورش، مشاوره، خدمات اجتماعی و فعالیت‌های فرهنگی مسجد محور یک ضرورت انکارناپذیر است.

۴. بهداشت و پاکیزه نگه داشتن مسجد که الگویی برای مکان‌های عمومی باشد و از جاذبه‌های دل‌پذیر برخوردار باشد. کم نیستند افرادی که عدم رعایت بهداشت در مساجد را از موانع جذب مردم ذکر می‌کنند.

در مهندسی فرهنگی سایر نهادهای مرتبط با مسجد چه تعریفی پیدامی‌کنند؟

نهادهای مستقر در مسجد، برای مسجد و در خدمت مسجد هستند که با مدیریت امام جماعت، می‌توانند اثر بخشی بیشتری داشته باشند. هیچ نهادی نمی‌تواند رسالت متفاوتی با اهداف مسجد داشته باشد. ناهماهنگی در بعضی موارد، مربوط به سوء برداشت‌ها است. اگر همه با محور هماهنگ باشند، نباید شاهد ناهماهنگی باشیم. بر اساس فرموده رهبر معظم انقلاب اسلامی امام جماعت، مدیر مسجد است و وظیفه ایجاد انسجام، وحدت و هم‌افزایی بین این نهادها را بر عهده دارد. هر تشکیلی در مسجد چنانچه بدون ملاحظه جایگاه مسجد برای خود رسالتی قائل باشد، خواسته یا ناخواسته، هدفی غیر از مسجد را نشانه گرفته است.

ویژگی‌های امام جماعتی در حوزه مهندسی فرهنگی

اگر بخواهیم از الگوی مسئولیت‌پذیری دینی در انجام درست تکلیف الهام بگیریم، مهندس فرهنگی مسجد، یعنی امام جماعت، باید مجموعه‌ای از شرایط عمومی و اختصاصی را داشته باشد؛ نظیر علم، دانایی، مهارت به کارگیری دانش، پرهیزکاری، زهد، قدرت ارتباط‌گیری، برنامه‌ریزی، تدبیر، قدرت هماهنگی و به‌طور مشخص برخورداری از مدیریت هوشمند در محیط مسجد.

مهندس فرهنگ کسی است که معطوف به هدف کار می‌کند؛ یعنی قدرت پیش‌بینی دارد، آینده را می‌شناسد و معطوف به آن حرکت می‌کند و پیوسته در حال رصد و پایش است. این الگو امروز در هر سازمانی قابل انجام است، ولی مدیریت و مهندسی مسجد، فوق‌العاده پیچیده است. سلاطین گوناگون با بینش‌ها، منش‌ها و گرایش‌های متعدد، در مسجد جمع شده‌اند و مهندس مسجد با ملاحظه این وضعیت، باید نمازگزاران را به اهداف متعالی اسلامی سوق دهد. این کار بزرگ جز با مدیریت هوشمندانه که همان مهندسی فرهنگی است، امکان‌پذیر نیست. اینجا است که باید با بسیج نیروها و به کارگیری همه ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها، خرد جمعی را به کار گرفت.

یکی از منابع تأثیرگذار در وضعیت فعلی، فناوری است که به‌طور شگفت‌انگیزی زندگی را تحت تأثیر قرار داده است. این صنعت حتی قدرت انتخاب را از انسان گرفته و نیازها را بر او تحمیل می‌کند. در هر صورت شناخت زمان و نیازهای مخاطب در مهندسی فرهنگی اهمیت دارد.

نکته مهم دیگر وجود رقیبان و دشمنان بی‌رحم است. با مهندسی هوشمندانه می‌توان در این مصاف پیروز شد. با این اوصاف، قدرت فائده در مدیریت فرهنگی مسجد، فتح دل‌ها و جذب قلب‌ها است. بدین منظور فعالیت‌های دانش‌افزا لازم است، ولی کافی نیست و امور ایمان‌افزا را می‌طلبد. مهندسی فرهنگی از جنس ایمان‌افزا مستلزم صبر و حلم است که جز با تلاش مداوم و توفیق الهی کسی از عهده آن بر نمی‌آید. شهید بهشتی می‌فرمود: ناصر خسرو گفته: دوصد گفته چون نیم کردار نیست؛ ولی من می‌گویم: دوصد میلیون گفته چون نیم کردار نیست!

قدم‌هایی که در مهندسی فرهنگی یک

مسجد باید برداشته شود

۱. شناخت محیط و مخاطب تا هزینه‌ها هدر نرود و وقت مخاطب تلف نشود. منظور از شناخت مخاطب، اصل و نسب نیست؛



مسجد



حجت‌الاسلام والمسلمین حجت الاسلام دکتر عبدالله حبیبی امام جماعت مسجد جامع الزهراء (س) محله آبی ساز واقع در ناحیه شهید مطهری (ره)

پی‌نوشت

۱. آمدی، غرر الحکم، ج ۱، ص ۱۷۶.

ادبیاتی در چند سال اخیر تحت عنوان «مسجد طراز اسلامی» از سوی امام خامنه‌ای (حفظه الله) تولید شده است. رهبر معظم انقلاب بارها ویژگی‌هایی برای مسجد طراز اسلامی بر شمرده‌اند که جایگاه مسجد را در جامعه اسلامی مشخص می‌سازد. به عنوان نمونه رهبر انقلاب در پیام خود به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز، به صورت مبسوط مسجد طراز اسلامی را تبیین کرده‌اند.

۱. فعال بودن در امور اجتماعی

برای رسیدن به یک مسجد طراز باید شاخصه‌هایی را در نظر بگیریم و در جهت رسیدن به آن تلاش کنیم. یکی از شاخصه‌های مسجد طراز اسلامی، فعال بودن مسجد در عرصه‌هایی به غیر از اقامه نماز است. این روزها مساجد ما بیشتر بر کارکرد اقامه نماز تأکید دارند و حتی به نمازخانه تبدیل شده‌اند. حال آنکه بین مسجد و نمازخانه تفاوت‌هایی وجود دارد. نمازخانه مکانی است که صرفاً برای اقامه نماز استفاده می‌شود؛ یعنی عده‌ای در آن جمع شوند و نماز بخوانند. با این حال حتی در نمازخانه هم نمازگزاران باید به پویایی نماز توجه داشته باشند.

یکی از تفاوت‌های عمده میان مساجد

و نمازخانه، امر امامت است. مسجد امام جماعت

دارد و نمازخانه پیش نماز. فاصله این دو جایگاه اجتماعی با یکدیگر بسیار زیاد است. مسجد به عنوان هسته فرهنگی، یک محله را به یک امت کوچک تبدیل می‌کند. این امت کوچک یک رهبر دارد که امام جماعت مسجد محله است.

به دو دلیل امام جماعت باید در راستای سعادت‌مندی امت در ابعاد مختلف گام بردارد: اول اینکه در جایگاه رهبری امت خود ایستاده، و دوم اینکه پذیرفته است در این جایگاه قرار گیرد. امام جماعت در زمینه‌های مختلف اجتماعی از دانسته‌های خود بهره‌برد و هر جا نیازمند متخصص دیگری است، از ظرفیت‌های محله و امت خود استفاده کند.

هر امت با توجه به بوم خود، تفاوت‌هایی در کارکرد و نقش نسبت به دیگر امت‌ها دارد. امام جماعت مسجدی که در منطقه‌ای مرفه قرار دارد، در مباحث اقتصادی باید به مفاهیمی مانند ساده‌زیستی و انفاق توجه کند و از ظرفیت‌های امت برای توانمندسازی و کمک به نیازمندان در سایر امت‌ها، استفاده کند.

امام جماعت در منطقه مستضعف باید بر مفهوم قناعت تأکید کند یا به دنبال پرکردن وقت خالی زنان خانه‌دار باشد و از ظرفیت‌های نخبگانی محله استفاده کرده و در جهت ایجاد مشاغل خانگی با چشم‌انداز اقتصاد مقاومتی گام بردارد.

۲. بصیرت‌افزایی

موضوعی که رهبر انقلاب در دیدار خود با ائمه جماعات بر آن تأکید داشتند، بصیرت‌افزایی بود. بصیرت‌افزایی به معنی این نیست که به افراد مواردی مشخص معرفی کنیم و بخواهیم از آن تبعیت کنند.

ویژگی‌های مسجد طراز اسلامی

“
؟؟؟؟
”

بصیرت‌افزایی مانند خط‌کشی است بتواند در مواقع مختلف طراز تشخیص قرار گیرد و اگر فتنه‌ای رخ داد، فرد گمراه نشود. بدفهمی از کلام رهبر انقلاب اینجا است که بصیرت‌افزایی را صرفاً در مباحث سیاسی دنبال می‌کنند؛ در حالی که بصیرت‌افزایی در مباحث دینی هم وجود دارد تا فرد در شبهات گمراه نشود. بخشی از بصیرتی که باید به افراد داده شود، مربوط به جامعه مهدوی است. افراد جامعه نمی‌دانند در جامعه مهدوی چه نقشی باید ایفا کنند. رهبر امت باید به گونه‌ای امت خود را تربیت کند که تک‌تک افراد وظایف خود را در جهت تحقق تمدن اسلامی بشناسند. نکته‌ای که باید بر آن تأکید کرد این است که بنایست امام جماعت همه علوم را بداند، اما باید مدیر و مدبر خوبی باشد. عدالت از شرایط یک امام است. این فرد مدیر و مدبر و عادل باید بتواند از ظرفیت‌های محله خود عادلانه و متناسب با اقتضائات محله استفاده کند.

۳. حضور پرشور جوانان

از دیگر نکاتی که رهبر معظم انقلاب در مسجد طراز اسلامی بر آن تأکید دارند، حضور جوانان در مسجد است. جوان و نیروی جوانی است که باعث بهجت و فعالیت‌های گسترده در مساجد می‌شود؛ چه اینکه در دهه شصت جوانان باعث پویایی مساجد شدند. امام جماعت، هیئت‌امناء، خادم و تشکل‌های مسجدی به عنوان ارکان مسجد، باید بستر حضور گسترده و پرشور جوانان را



قرآن و ترفندهای جذب و هدایت نیروی انسانی

یک دست صنادار، موفقیت هر مجموعه در گرو آموزه‌های صحیح و نیروی انسانی زنده، متعهد و خلاق آن است. یک امام جماعت جهت پیشبرد اهداف و برنامه‌های مسجدی خود نیازمند مهارت و افرادی است که او را در سختی و راحتی تنها

احمد شاه حسینی
طلبه درس خارج و
بزو هوشگر علوم قرآنی

نگذارند و دلسوز باشند. اما با چه شیوه‌ای نیروی انسانی مورد نیاز را تأمین و جذب نماییم و چه آگاهی‌هایی را به او بدهیم؟ با نگاهی گذرا به قرآن مجید، ملاک‌ها و شاخصه‌هایی را در این خصوص مرور می‌کنیم.

۱. در جذب نیرو باید توجه داشته باشیم که دعوت به خیر و معروف و خداوند می‌کنیم، نه دعوت به خود؛ پس در جذب و گزینش باید نیت و توجه الهی داشته باشیم.

«وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ؛ ۱ و کیست خوش رفتار تر از آنکس که به سوی خدا دعوت می‌نماید و کار نیک می‌کند؟».

۲. به آگاهی، اراده و انتخاب مخاطب احترام بگذاریم و به او تذکر دهیم که از روی آگاهی انتخاب کند.

«فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ؛ ۲ پس بشارت بده به آن بندگان من که به سخن گوش فرامی‌دهند و از بهترین آن پیروی می‌کنند».

۳. از هر گونه اشاره - حتی کوچک - برای مقایسه خود با دیگر

در مسجد فراهم آورند و برای دختران و پسران به صورت جداگانه برنامه داشته باشند. نباید برنامه‌های مسجد را با نگاهی تک جنسیتی طراحی کنند. راهکارهای جذب این دو قشر جامعه متفاوت است. در جذب پسران جوان و نوجوان فعالیت‌هایی شکل گرفته که با اینکه کامل نیست، توانسته بخشی از جوانان جامعه را به مسجد جذب کند. اما در مورد دختران همین مقدار هم برنامه طراحی نشده است. محیط‌های دخترانه در مسجد برای حضور دختران جوان و نوجوان بسیار کم است. مسجد طراز باید جایی باشد برای پانوق‌های دخترانه که بتوانند در آن در آرامش و امنیت، نیازهای اجتماعی خود را برطرف سازند و آموزش‌های لازم برای حضور در اجتماع را ببینند.

حضور جوانان و نوجوانان در مسجد نیروی جوانی را به مسجد می‌آورد؛ نیرویی که دارای انگیزه و تلاش وافر است. جوان ایده‌های خلاقانه دارد و برای عملی کردن این ایده‌های خود انرژی بسیار صرف می‌کند. جوان پرانرژی است و همین ویژگی، مسجد را پویا می‌سازد. جوان به دنبال تجربه‌اندوژی و پویایی است. جوان وقتی وارد مسجد می‌شود، با خود شادایی می‌آورد، خانواده خود را به مسجد می‌آورد و می‌تواند دوستان خود را هم جذب مسجد کند.

حضور جوانان در مسجد از شاخصه‌های مهم مسجد طراز اسلامی در بیان رهبر انقلاب است و یافتن راهکارهایی برای حضور جوانان، بر عهده فعالان فرهنگی جامعه است. آنچه اکنون در مساجد شهر ما رخ می‌دهد، راه به سمت مسجد طراز اسلامی نمی‌برد.

هویت بخشی به جوانان یکی از راهکارهای جذب آنان به مسجد است. این راهکارها انگیزشی است. همان‌طور که رهبر معظم انقلاب در پیام خود به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز، به این مسئله اشاره کردند که دانش‌آموزان بر جسته و ممتاز هر محل «در برابر چشم مردم و از سوی امام جماعت تشویق شوند». ۱ این جوان قطعاً دیگر از مسجد جدا نمی‌شود.

مساجد کارکردهای مختلفی دارند. باید ببینیم کدام کارکردها به روحیه جوان نزدیک‌تر است و در جذب جوانان به مسجد اثرگذاری بیشتری دارد. معمول فعالیت‌های مسجدی این است که مراسم مذهبی در آن برگزار می‌شود و فعالیت‌های انتخاباتی به رفت و آمدهای مسجد رونق می‌بخشد. مساجد می‌توانند کارکردهای فرهنگی، اجتماعی و ورزشی خود را تقویت کنند تا جوانان برای فعالیت‌های ورزشی خود به مسجد مراجعه نمایند و در کنار فعالیت ورزشی خویش، در برنامه‌های مسجد مشارکت کنند. متولیان مسجد می‌توانند از این شور و نشاط جوانی استفاده کرده و در امر تربیت نسل جوان، برنامه‌های خود را اجرایی کنند. سپردن فعالیت‌های فرهنگی و هنری مساجد به جوانان، سکوی خوبی برای پیشرفت‌های بعدی جوانان در مراحل مختلف اجتماعی است.

بهره‌گیری از نشاط جوانان و ارتقای کارکردهای فرهنگی مساجد در بستری با عنوان جشنواره مسجدی‌ها فراهم شده است. تجربه عینی سال‌ها فعالیت فرهنگی نشان داده مسجدی که بتواند در عرصه‌های مختلف فرهنگی فعالیت بیشتری داشته باشد، جوانان بیشتری را به مسجد جذب کرده‌اند و همین، پویایی مسجد را بیشتر می‌کند.

“
؟؟?
“

پی‌نوشت
۱. پیام رهبر انقلاب
به نوزدهمین اجلاس
سراسری نماز،
۸۹/۷/۱۸

مجموعه‌های فعال که موجب کوچک شدن آن مجموعه‌ها در ذهن مخاطب می‌شود، خودداری کرده و صرفاً امور مربوط به مسجد به وی معرفی شود.

«تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^۳ آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که در زمین خواستار برتری جویی و فساد نمی‌باشند و عاقبت، از آن پرهیزگاران است.

۴. در حین توضیح فعالیت‌ها مواظب باشیم اغراق نشود و نیز دچار خودبینی نشویم.

«فَلَا تَزْكُوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى»^۴ پس خودتان را پاک شمارید که او به حال کسی که پرهیزگاری نموده، داناتر است.

۵. کارها با توانایی‌ها و علایق افراد تناسب نسبی داشته باشد.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»^۵ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون خدا و پیامبر شما را به چیزی فراخوانند

که به شما حیات می‌بخشد، آنان را اجابت کنید.

۶. به افراد تأکید شود تا چیزی را نپذیرفته‌اید، عمل نکنید و تا دلیلی ارائه نشده، سخنی را نپذیرید؛ بلکه از همه اجزاء و ابعاد کارها سؤال کنید و مسائل جامعه را با دید باز تجزیه و تحلیل نمایید. این یعنی نهادینه کردن عملی آگاهی محوری در مجموعه.

«قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي»^۶ بگو من و هر کس پیروی‌ام کرد، با بینایی به سوی خدا دعوت می‌کنیم.

۷. برای اینکه فرد چشم‌انداز و پشتوانه کار را بهتر درک کند، از آرمان‌های مجموعه با وی سخن بگویید؛ مثلاً زندگی جهادی و رسالت تاریخی.

«أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ»^۷ آیا پنداشته‌اید که داخل بهشت می‌شوید، بی آنکه خداوند جهادگران و صابران شما را معلوم دارد؟

۸. از تأثیر نهادینه کردن عمیق گشاده‌رویی، نرم‌خویی و اخلاق خوش در بین مجموعه غافل نشویم.

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ»^۸ پس به واسطه رحمت الهی با آنان نرم‌خو شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی، قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند.

پی‌نوشت

۱. فصلت: ۳۳.

۲. زمر: ۱۸-۱۷.

۳. قصص: ۸۳.

۴. نجم: ۳۲.

۵. انفال: ۲۴.

۶. یوسف: ۱۰۸.

۷. آل عمران: ۱۴۲.

۸. همان: ۱۵۹.





نکاتی درباره مدیریت مالی در مسجد



مسجد

کلید خزانه مسجد در دست امام جماعت است

یکی از مهم ترین مؤلفه های مهندسی فرهنگ، فرهنگ عمومی است که علاوه بر رفتارهای فردی و اجتماعی، در تصمیم سازی ها و تصمیم گیری های حکومتی نیز کاملاً تأثیر دارد و به همین علت باید آن را به شکلی صحیح، تبیین کرد. مسجد، یکی از مهم ترین عناصر مهندسی فرهنگ عمومی می باشد که تأثیر بسزایی در شکل دهی هنجارهای فکری و رفتاری دارد. با این نگاه، مدیریت مسجد، به برگزاری نماز جماعت منحصر نمی شود و امام جماعت نیز فقط پیش نماز مسجد نیست؛ بلکه بر همه امور مسجد اشراف داشته و در بسیاری موارد می تواند گفت مدیریت مسجد بر عهده او است.

محمد مهدی مهدی
دکترای مدیریت

هزینه ها به خوبی اشراف داشته و از چرایی و مقدار هزینه های مختلف مسجد با اطلاع باشید.

فاکتور و مدارک مثبته

هیچ هزینه ای را بدون مدرک قبول نکنید. تقریباً تمام مغازه ها و فروشگاه ها در عموم موارد یا لاف در صورت درخواست خریدار، فاکتور صادر می کنند. از خادم یا اشخاص دیگری که مسئولیت کارپردازی امور مسجد را به آنها واگذار کرده اید، مصرانه بخواهید برای خریدهای خود فاکتور ارائه کنند. می توانید برای خریدهای کوچک مبلغی وجه نقد در اختیار آنها قرار دهید. اما برای این هزینه ها هم از آنها فاکتور و گزارش هزینه بخواهید. البته بعضی هزینه های جزئی مثل مزد کارگر و کرایه ماشین می توانند بدون فاکتور مورد پذیرش قرار گیرند.

درست است شما به این افراد اعتماد دارید، اما در بلندمدت از شما انتظار می رود به شکلی شفاف و مستند از عملکرد مالی دوره ای که امام جماعت مسجد بوده اید، دفاع کنید. همچنین به خاطر داشته باشید تنخواه را فقط در اختیار یک نفر قرار دهید. وجود تنخواه در دست چند نفر مدیریت مالی را سخت و پیچیده می کند.

همه فاکتورها را ثبت و ضبط کرده و به ترتیب مرتب نموده و در محل مناسبی نگه دارید. دفتر مخصوصی برای ثبت دریافتی ها و هزینه ها داشته باشید. هیچ درآمدی را تا قبل از آنکه در این دفتر ثبت کرده و به حساب بانکی واریز نکرده اید، هزینه نکنید. شماره ترتیب فاکتور مربوط

یکی از شئون این مدیریت، مسائل مالی مسجد می باشد. تناسب امور مالی با دنیا، نباید باعث شود در توجه به ساماندهی آن بی احتیاطی شود. امام جماعت مسجد، امین مردم در کمک های خیریه آنها به مسجد است. این امانت داری باید با رعایت نظم و ترتیب صورت پذیرد که در این نوشته، به برخی از قواعد لازم برای ایجاد این نظم اشاره می شود.

حساب بانکی داشته باشید

در یک بانک یا صندوق قرض الحسنه معتبر یک حساب افتتاح کنید و تعاملات مالی خود را از طریق آن انجام دهید. از خیران و افرادی که بابت اجاره موقوفات، مبالغی به مسجد پرداخت می کنند، بخواهید این وجوه را به آن حساب واریز کنند و پرداختی های خود را نیز از همین حساب به صورت چک یا حواله بانکی انجام دهید. مبالغی را که به صورت نقد دریافت می کنید، در اولین فرصت به همین حساب واریز سازید. اگر مسجد هیئت امانا دارد، حساب با امضای شما و یکی از اعضای هیئت امانا معتبر باشد. این به صواب نزدیک تر است و راهی برای جلوگیری از بهانه دادن به افراد حسود و بهانه جو است.

خادمان مسجد، کاربر دازان امور مسجدند

بهتر است شخصی به جز شما مسئولیت کارپردازی امور مسجد، از قبیل خرید اقلام مورد نیاز و امور بانکی را بر عهده داشته باشد تا شأن و جایگاه امام جماعت مسجد محفوظ بماند. با این حال شما باید بر روی

گزارش عملکرد خود را منتشر سازید

به صورت دورهای گزارشی از وصولی‌ها، هزینه‌ها و بدهکاری‌های تولید مسجد آماده و منتشر کنید. این گزارش باید در دسترس همگان قرار داده شود. می‌توانید آن را در تابلوی اعلانات نصب کنید یا اگر در فضای مجازی حضور دارید، فایل گزارش را بر روی سایت اینترنتی مسجد قرار دهید. تهیه و انتشار چنین گزارشی، شفافیت و سلامت مالی شماران را نشان خواهد داد و بر ارادت اهل محل و نمازگزاران به مسجد و علاقه‌مندی آنها به افزایش مشارکت در تأمین هزینه‌های مسجد خواهد افزود. اگر کمک‌های غیرنقدی را در دفاتر مالی خود ثبت نمی‌کنید، دست کم آنها را در این گزارش درج کنید تا قدر افرادی که با گذاشتن وقت و تأمین بخشی از ملزومات مسجد، در اداره آن سهیم می‌باشند، دانسته شود.

صندوق قرض الحسنه را فراموش نکنید

اگر بتوانید مشارکت مالی نمازگزاران را جلب کنید، راه‌اندازی یک صندوق قرض الحسنه می‌تواند باقیات صالحاتی برای شما و همه بانیان صندوق به جا بگذارد. البته اگر چنین تصمیمی گرفتید، نظم و دقت مالی بیشتری از شما انتظار می‌رود. توصیه می‌شود در این خصوص از ظرفیت بانک‌ها و صندوق‌های قرض الحسنه معتبر استفاده کنید تا اثرگذاری اقدام جمعی اهل مسجد بیشتر شود. کمک‌های پنهانی به نیازمندان محل را نیز در هزینه‌های مسجد پیش‌بینی کنید.

به دنبال منابع در آمد پایدار، پاکیزه و بلندمدت باشید

در احوالات شخصی افراد نباید تجسس کرد، با وجود این به طهارت و پاکیزگی کمک‌های دریافتی نیز باید اهتمام داشت. با طراحی سیستم پرداخت کمک‌های هزینه منظم اختیاری ماهانه، مشارکت مردم در تأمین هزینه‌های مسجد افزایش می‌یابد و جریان نقدی منظمی نیز برای تأمین هزینه‌های مسجد ایجاد می‌شود. با افراد توانمند محل به منظور کمک به مسجد گفتگو کرده و جلساتی با آنها داشته باشید. از خیران تجلیل کنید و در عین حال به نحوی با آنها برخورد نکنید که دیگران دل‌چرکین شوند. به عنوان یک راهکار اساسی به فکر ایجاد منابع درآمدی پایدار و بلندمدت برای مسجد باشید. برای این کار منتظر دولت نمانید؛ این منابع باید از کمک‌های مردمی تأمین شود. سنت حسنة وقف از این ظرفیت برخوردار است که مساجد را در تأمین هزینه‌های خود بی‌نیاز سازد و حتی به کانونی قدرتمند برای کمک به فقرا تبدیل شود. در همسایگی برخی مساجد مغازه‌هایی احداث می‌کنند که اجاره آنها تأمین‌کننده هزینه‌های مسجد است. مراقب باشید ایجاد موقوفات و منابع درآمدی از این قبیل، کار اصلی شما را تحت تأثیر قرار ندهد؛ چرا که تجربه آن دسته از فعالان فرهنگی که برای تأمین هزینه‌های خود به سراغ کار اقتصادی رفته‌اند، چندان موفق‌آرزیابی نمی‌شود. ضمناً متناسب با توسعه منابع و مشارکت بانیان خیر، باید در مسجد، تشکیلات اداری مناسبی جهت رسیدگی به موقوفات و کمک‌های خیریه راه‌اندازی کنید.

هزینه‌های اساسی و بلندمدت را جدی بگیرید

در کنار ایجاد منابع درآمدی بلندمدت، به هزینه‌های اساسی هم فکر کنید. ساختمان مسجد هر چند سال یک‌بار به نوسازی و تعمیرات اساسی نیاز خواهد داشت. برای شروع آن بودجه‌ای در نظر گرفته و برای تأمین مابقی آن از خیران محل کمک بگیرید. در این گونه موارد می‌توانید کمی بی‌پروا تر عمل کنید.

به هر هزینه را مشخص سازید تا بتوانید در صورت نیاز به آن دسترسی داشته باشید. اگر امکان استفاده از نرم‌افزار وجود دارد، انتخاب بهتری از دفترنویسی خواهد بود.

صرفه و صلاح مسجد در خرید

به همه اشخاصی که به نحوی در امور مسجد مشارکت دارند، تأکید کنید پولی که برای اداره مسجد هزینه می‌شود، از محل کمک‌های مردمی و در حکم بیت‌المال است. بنابراین ضروری است در خریدهای مسجد، بیش از خریدهای شخصی خود صرفه و صلاح را در نظر گرفته و کالایی ارزان و باکیفیت بخرند. علاوه بر این، حتماً از فروشندگان و کسبه معتبر و خوش‌نام خرید کنند.

سرفصل و بودجه‌ریزی

برای هزینه‌های مسجد سرفصل‌های مناسبی مشخص سازید. هزینه مراسم و برنامه‌های فرهنگی، نگهداری ساختمان، قبوض، مواد مصرفی، خرید اقلام و تجهیزات، از جمله این سرفصل‌ها است که باید با توجه به برنامه‌ای که برای مدیریت مسجد و اقتضات آن پیش‌بینی کرده‌اید، این سرفصل‌ها را نیز مشخص کنید. مثلاً اگر برنامه‌های هیئت عزاداری زیر نظر شما است، باید برای آن یک سرفصل جداگانه تعریف کنید. وجود این سرفصل‌ها شمارا به بودجه‌ریزی بهتر کمک می‌کند. بودجه‌ریزی ارتباط تنگاتنگی با مدیریت مالی دارد. شما در بودجه‌ریزی باید از قبل، فهرست برنامه‌های مختلفی را تهیه کنید که قصد اجرای آنها را در مسجد دارید. بخشی از هزینه‌ها نیز صرف‌نظر از برنامه‌های فرهنگی و مذهبی شما، ثابت و اجتناب‌ناپذیر هستند. هزینه نیروی انسانی یکی از این هزینه‌ها است. بیشتر افراد با قصد قربت و بدون دریافت هزینه در مسجد خدمت می‌کنند، اما لاقلاً یکی دو نفر نیروی تمام‌وقت و پاروقت در مسجد مورد نیاز است که باید به آنها حقوق پرداخت کرد و مبلغ آن را در هزینه‌ها لحاظ کرد.

در نهایت باید با توجه به هزینه‌های بازار و ارقام سال‌های گذشته، برآوردی از مبالغ آتی داشته باشید تا سند بودجه شما شکل گیرد. این پیش‌بینی معمولاً یک‌ساله یا چندماهه انجام می‌شود. پیشنهاد می‌گردد در تهیه آن به نظر اهالی محل و نمازگزاران توجه کنید. به همین ترتیب باید درآمدهای مسجد را نیز برآورد کنید. برای مثال وقتی در سال گذشته بیست میلیون تومان نذور و کمک‌های مردم و خیران جمع‌آوری کرده‌اید، امسال ده تا بیست درصد بیشتر از آن یک برآورد طبیعی است و کمک‌های مردمی یک‌بار به دو برابر نخواهد شد؛ مگر آنکه برنامه ویژه‌ای برای افزایش مشارکت‌های مردمی پیش‌بینی کنید. بدیهی است هزینه‌ها و درآمدهای شما باید با هم متناسب باشند و در صورت وجود شکاف بین این دو، یا در هزینه‌ها صرفه‌جویی نمایید یا برای تأمین منابع مالی جدید فکری کنید.

کمک‌های خاص

به یاد داشته باشید بعضی از کمک‌هایی که به مسجد می‌شود، برای مصارف خاص است. البته هنگام دریافت کمک‌های مردمی، سعی کنید این مبالغ را به عنوان «مشارکت در کار خیر» از آنها دریافت کنید. اما به هر حال وقتی بابت یک برنامه خاص به مسجد کمکی شده است، مسئولیت شما در مدیریت مالی مسجد اقتضا می‌کند اطمینان حاصل کنید این پول در جای خود هزینه شده است.

؟؟؟؟



مسجد



انتقال پیام فرهنگی به مخاطب در ساختار مدیریتی مسجد

“
؟؟؟
”

گام اول: شناخت لازمه‌های انتقال مؤثر پیام

مثلی را برای بیان منسجم‌تر مسئله ترسیم می‌کنیم. سه گوشه این مثلث عبارتند از: ۱. مخاطب، ۲. فرستنده (مبلغ)، ۳. محتوا. اگر بخواهیم پیام به‌خوبی منتقل شود، باید اضلاع «مخاطب-فرستنده»، «مخاطب-محتوا» و «فرستنده-محتوا» وضع خوبی داشته باشند؛ وگرنه این انتقال دچار مشکل خواهد بود.

قناع مخاطب تا کجا؟

آیا می‌توانیم از روش‌های قانع کردن مخاطب استفاده کنیم؟ آیا می‌توان در کنار استدلال، با بیان نکاتی در قالب احساسی یا فضا سازی برای مخاطب، او را به چیزی مایل کنیم که فکر می‌کنیم حق است؟ آیا فقط وظیفه داریم به سؤالات مردم با روش‌های منطق و استدلال

دشواری‌های شیرین راه

کار در مسجد در کنار شیرینی‌هایش، دشواری‌های بسیاری دارد. باید بتوانید نیازهای فکری و معنوی آدم‌های متفاوتی را تأمین کنید. با توجه زیاد به ریش سفیدها، حوصله جوان سر می‌رود و با تمرکز بر مشارکت نوجوانان، ممکن است برخی بزرگ‌ترها کم‌حوصلگی کنند. از کودک دوساله تا پیرمردی که شاید در اواخر عمر خود باشد، مهمان شما هستند. از کسانی که به دین دلدادگی دارند تا کسانی که دچار شبهات جدی علیه دین شده‌اند، باید پاسخگوی همه باشید. قرار است در این نوشته، درباره انتقال پیام به گروه‌های مختلف مسجد نکاتی را بیان کنیم و به لزوم طراحی ساختار برای برنامه‌های فرهنگی مسجد بپردازیم.

حجت‌الله
حاجی کاظم
طلبه و فوق لیسانس
فلسفه

پاسخ دهیم یا در کنار آن باید از روش های هنری و رسانه ای بهره مند شویم؟ وظیفه داریم دروغ نگوییم و فریب ندهیم؛ هر چند به ظاهر هدف خوبی داشته باشیم. ما حق نداریم مخاطب را با مغالطه به سوی نکته ای سوق دهیم که فکر می کنیم حق است. از طرف دیگر، در مواردی که فریب نیست، باید از هنر و رسانه برای انتقال سخن درست استفاده کرد. قرآن کریم در بسیاری موارد با بیان داستان، استفاده از آهنگ کلام و تصویر کشیدن چیزی، پیام را به طور مؤثرتری منتقل می کند.

قرآن گاهی قبل از آنکه به اثبات عقلی چیزی بپردازد، ویژگی های آن را بیان می کند و گاه اثبات برخی چیزها را به فطرت ارجاع می دهد: «كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ الْاْتْرَاقَیْ وَ قَبِلَ مَنْ رَاقٍ وَ ظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ وَ اَلْتَقَتِ اَلْاَسَاقُ بِالْاَسَاقِ إِلَى رَبِّكَ یَوْمَئِذِ اَلْمَسَاقُ؛ ۱ چنین نیست که انسان می پندارد او ایمان نمی آورد تا موقعی که جان به گلو گاهش رسد و گفته شود: آیا کسی هست که این بیمار را از مرگ نجات دهد؟ و به جدایی از دنیا یقین پیدا کند و ساق پاها از سختی جان دادن به هم بپیچد. آری، در آن روز مسیر همه به سوی دادگاه پروردگار ت خواهد بود».

گام دوم: انتقال پیام ها در ساختار نظام مند مسجد

حالا که به پیام توجه کردیم، باید ساختاری برای انتقال بهتر و جامع تر این پیام ایجاد کنیم. این موضوع خیلی مهم است که شما در کنار آنکه کارشناس دینی محسوب می شوید، وظیفه مدیریت هم به عهده دارید. یکی از تعاریف مدیریت، انجام کار به وسیله دیگران است. توجه داشته باشید که دیگران فقط سیاهی لشکر مسجد نیستند و شما نیز در همه زمینه ها کارشناس نیستید. دیگران از اشتباه مصون نیستند و شما هم نیستید. سواد دینی شما بیشتر است، اما باز هم لازم است برخی کارها را به دیگران واگذار کنید و خودتان فقط نظارت داشته باشید.

ظرفیت های خفته را نادیده نگیرید

امروزه اطراف هر مسجدی آدم های فرهیخته ای وجود دارند که در زمینه های مختلف می توانند مشاوره های خوبی ارائه کنند. مشاوره کارآفرینی، تحصیلی، روابط خانوادگی، تربیت فرزند، ازدواج، هنر، زبانهای خارجی و ... تخصص برخی آدم ها است. البته وقتی این کار وارد فضای مسجد می شود، نیازمند نظارت دینی بر آن است؛ اما نباید آن قدر کار را سخت بگیریم که در عمل تعطیل شود. شما در نقش روحانی مسجد می توانید در کنار مشاوره ها و جلسات خودتان، مسجد را به قطب ارتباط میان فرهیختگان و مردم عادی محل تبدیل سازید. این کار، به مدیتریتی دقیق و خردمندانه نیاز دارد.

یک، دو، سه، مدیریت کنید

۱. همه استعداد های اطراف مسجد را شناسایی کنید. بهتر است قبل از آنکه استادی را از راه دور دعوت کنید، از نیروهای محلی استفاده

نمایید.

۲. با آنان مصاحبه ای گرفته و توانایی هایشان را شناسایی نمایید. از آنان بخواهید خودشان هم طرحی ارائه کنند.

۳. نیازها و مشکلات محل را شناسایی کنید و خلاها را بشناسید. از برگزاری کلاس های کلیشه ای خودداری کنید و جلسات را تخصصی تر در نظر بگیرید. برای نمونه، به جای برگزاری جلسه آموزش عقاید، کارگاه اعجاز قرآن کریم برگزار کنید.

۴. با صاحبان ایده، محترمانه تر برخورد نمایید و با این نگاه که به آنان اعتماد دارید، نقدهایتان را به عنوان کمک فکری به طرح آنان مطرح سازید و از آنها بخواهید که خود فکر کنند و طرح را کامل نمایند.

۵. اعتمادی میان اساتید و مردم ایجاد کنید. البته تعریف های غیرواقعی و اغراق آمیز نکنید.

۶. مهم ترین شکست خود را جایی بدانید که کسی بخواهد و بتواند کاری برای مردم انجام دهد، اما شما نتوانید از توان او استفاده نمایید. اگر لازم است و از شأن مسجد خارج نیست، به اقتصاد فرهنگی هم توجه کنید تا در تأمین هزینه های کلاس ها و محصولات فرهنگی خود کفا شوید.

نیرو پرورش دهید

۱. مراقب باشید نیروهای فکری شما درگیر کار اجرایی نشوند. قدر آنها را بدانید؛ و گرنه خیلی زود از شما جدا خواهند شد یا فسیل میشوند.

۲. سعی کنید کسانی را که بیشتر به کار اجرایی علاقه دارند، به سوی کارهای فکری نیز سوق دهید؛ زیرا هم برای رشد و پایداری آنان لازم است و هم برای بهتر انجام شدن کارهای اجرایی.

۳. جلسهای معرفتی اما خودمانی برای فعالان فرهنگی مسجد پیش بینی کنید؛ جلسهای که برای آنها خسته کننده نباشد.

۴. برخی استعدادهای خوب نیازمند آن هستند که نشان دهید قدرشان را می دانید و نیاز آنها را خریدارید. این هزینه را بپردازید.

مشکلات را پیش بینی کنید

۱. همه چیز خوب پیش نمی رود. همیشه نیروهای جایگزین داشته باشید تا اگر مشکلی پیش آمد، بتوانید از نفر دوم استفاده کنید. این جایگزینی نباید به روحیه نیروها لطمه بزند، بلکه باید در ساختار پیش بینی شده باشد.

۲. همیشه احتمال وقوع بحران های مختلف از جمله صدمه های جسمی و دعوا را در نظر داشته باشید و احتیاط هایی برای کاهش احتمال آنها به کار ببندید و نیز پیش بینی کنید که در صورت وقوع باید چگونه آثار ناگوارش را کاهش داد. خود را مسئول بدانید.

۳. به بودجه و کمک اشخاص خاص متکی نباشید. مذاکره کنید، اما به نحوی پیش بروید که بدون این مزیت ها نیز کار فرهنگی انجام شود.

۴. در مشکلات، صبور باشید و به سرعت دلسرد نشوید. حفظ روحیه نیروها را مهمتر از پیشبرد فعالیت ها بدانید.

“
؟؟؟؟
”

پی نوشت

۱. قیامت: ۲۶ - ۳۰.



عنوان آیه	مسئله	شرح ایده	بایدها و نبایدها	زینت‌ها و مستحبات	پشتوانه نظری
۱ طاغوت در تائوت	آشنا بودن بسیاری از مردم با جایگاه، مفهوم و مصداق طاغوت در اسلام و لزوم معرفت‌افزایی در این جهت	با توجه به اهمیت مسئله رهبری و رهروی در قرآن کریم و نقش مهم طوافت در رهبری جریان باطل، و نیز لزوم شناخت مصداق طوافت در زمان‌های مختلف، بسیار مناسب به نظر می‌رسد که در دهه مبارک فجر در مساجد این مفهوم و مصداقش با نظارت و مدیریت امام جماعت به مردم معرفی شود به این صورت که در هر شب از این دهه، زندگانی یک طاغوت با عبرت‌هایش در قالب یک سخنرانی کوتاه ۱۵-۲۰ دقیقه‌ای به نیازگران معرفی شود.	- ارائه تصویری روشن از مفهوم و جایگاه طاغوت در جلسه اول - بسنده نکردن به طوافت کهن و اختصاص بسنده شب به مصداق معاصر - تأکید بر اسبکل شخص طاغوت و به استخفاف کشاندن و گمراه کردن مردم به عنوان دو بُعد اصلی شخصیت طوافت - لزوم رعایت وقت در ارائه مطلب	- معرفی ۵ کینه طاغوت و ۵ بوطاغوت - برگزاری مسابقه از مطالب گفته‌شده در هر شب و اهدای جایزه - استفاده از ابزارهای کمک در انتقال مطلب (اسلاید، کلیپ، پاورپوینت و...)	آیات ۲۵۷ و ۲۵۸ بقره و ۶۰ النساء آیات وارده در باب نفی تبعیت بدون علم روایات وارده در این باب
۲ دَده بیست	فراوانی شبهات پیرامون انقلاب اسلامی و لزوم پاسخگویی به این شبهات، خصوصاً برای نسل نو	با توجه به کثرت ابهامات و شبهاتی که پیرامون گذشته، حال و آینده انقلاب عزیزمان، خصوصاً برای نسل جوان وجود دارد، بسیار مناسب و بلکه ضروری به نظر می‌رسد که در شب‌های دهه فجر، هر شب در مورد یک شبهه، روشنگری‌های لازم صورت پذیرد و نهایتاً در پایان این دهه از بیست پرسش و پاسخ مطرح‌شده، مسائلی برگزیده شود.	- مشارکت دادن نمازگزاران، خصوصاً جوانان در این برنامه و لزوم دریافت سوالاتشان - تسلط شخص پاسخگو به همه جوانب سؤال و شبهه - لزوم اطلاع‌رسانی کافی به اهل مسجد و محل - نظرسنجی از حاضران	- بسنده نکردن به یک قالب در ارائه و استفاده از قالب گوناگون همچون: نمایش، مناظره، کارگاه و...	کلیه تقویمی که بر ترویج معارف حقه و ستیز با شبهات تأکید می‌کند از جمله این روایت: «این جنبه، بالغ معاشر شیعتنا و قل لهم: لاذهبیکم المذهب» ای پسر جنبه‌ها به شیعیان مانگو: موافق باشید فرقه‌ها و گروه‌ها شما را منحرف نسازند (تحف العقول، ص ۲۳)
۳	کمربند شدن برنامه‌های خودجوش و مردمی در دهه فجر و پررنگ‌تر شدن مراسم‌های دولتی مثل افتتاح و کنگره‌زنی	از مردم خواسته شود که پلاکاردهای خلاقانه و مردمی را برای رهیمایی ۱۲ بهمن آماده کنند و روزهای آخر دهه فجر، یعنی روزهای قبل از رهیمایی، از پلاکاردها نمایشگاهی در مسجد برگزیده کنند. توضیح بیشتر اینکه: برگزاری نمایشگاه از پلاکاردها در روزهای قبل از رهیمایی می‌تواند به پررنگ شدن رهیمایی کمک کند. با این کار هم در دهه فجر نمایشگاه دهام و هم پلاکاردهای خلاقانه تبلیغ کرده‌ام، بنا به صلاحدید محوری ایده می‌توانیم بعد از نماز عشاء ۱۲ بهمن، به بهترین پلاکاردها جایزه بدهیم. انتخاب برترین پلاکاردها و اهدای جوایز می‌تواند بر اساس نبودن، زیان بودن، عامیانه بودن، نگاه جدید داشتن، و متناسب با نیازهای روز بودن پلاکاردا انجام گیرد.	نمایشگاه تا روز قبل از رهیمایی جاری باشد و بعد از آن صاحب پلاکاردها آنها را برای رهیمایی، یا خود ببرند.	برگزاری نمایشگاه در روزهای قبل از رهیمایی باعث زمینه‌سازی فکری و آمادگی آذهای عمومی برای شرکت در رهیمایی می‌شود ولی اگر برپایی نمایشگاه مقدور نیست، می‌توان فراخوان را به گونای برگزیده کرد که مردم پلاکاردها را درست کرده و در رهیمایی هر کس از پلاکاردها عکس تهیه کند و برای محوری ایده ارسال کند. از تین تصویر ارسال، عکس‌های برگزیده انتخاب شوند. می‌توان این ایده را با کمی تغییر برای روز قدس نیز اجرا کرد.	۱. تمامی آذهای که بر تعظیم شعار دلالت دارد ۲. امام خمینی (ره) بارها فرمودند: «ملت بود که این نهضت را پیش برد، و ملت است که باید از این به بعد نیز به پیش ببرد».

منبر

؟؟؟؟؟؟





فلاح

اخلاص و زندگی بهتر

بررسی روایتی از حضرت زهرا (سلام الله علیها)

به عبارت دیگر توفیق عبارت است از: «توجیه الأسباب نحو المطلوب الخیر». اما اسباب زندگی چطور می تواند توفیق را فراهم آورد؟ مثلاً معلم خداترس نصیب انسان شود، یا پولی که به دست می آورد، در راه خیر مصرف کند. آیت الله العظمی گلپایگانی (رحمت الله علیه) می فرمود: «دعاهایی که در خانه خدا می کنم، این است که می گویم: خدا یا این پول هایی که به دست من می رسانی، مصرفش را هم خودت برسان». همه ما احتیاج داریم پولی که به دست ما می رسد، ما را به سمت خوبی ها و سعادت پیش ببرد.

در بین زمینه ها و اسباب توفیق، دوست از همه مهم تر است. گاهی یک رفیق، انسان را از همان ابتدا به طرف بدبختی و شقاوت می برد. در مقابل، گاهی یک دوست از همان روز اول انسان را به سمت سعادت و نیک بختی سوق می دهد. توفیق برای انسان بسیار ارزنده است. اخلاص آثار زیادی دارد که یکی از آنها این است که نسل انسان را انسان های خوب تشکیل می دهند. جناب حسین بن روح که نائب خاص حضرت بقیة الله الاعظم بود، فرمود: «اینکه خدا یازده امام از نسل حضرت صدیقه (سلام الله علیها) قرار داده، به دلیل پاکی و اخلاص حضرت است». حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) نیز فرمود: «خدا به دلیل اخلاص، نسل معصوم را به حضرت صدیقه (سلام الله علیها) عطا فرمود».

برادران عزیز و جوانان محترمی که می خواهید ازدواج کنید، اخلاص، یعنی برای خدا کار کردن. خدا نسلتان را از جوانان صالح و کسانی که روزی چشم و چراغ جامعه می شوند، قرار دهد. اخلاص و توفیق خدا، شرط داشتن نسل خوب است.

حضرت صدیقه طاهره (ارواحنا فداه) فرمود: «مَنْ أُوْعِدَ إِلَى اللَّهِ خَالِصَ عِبَادَتِهِ أَهْبَطَ اللَّهُ إِلَيْهِ أَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ؛ هر که عبادت خالصش را به سوی خدا بالا فرستد، خداوند متعال برترین مصلحتش را به سوی او پایین فرستد».

چنانچه عبادت ما خالص باشد و کار را برای خدا انجام دهیم، خدای متعال نیز بهترین مصلحت را برای ما پیش می آورد و به زمین می فرستد. چیزی بهتر از این نیست که خدای متعال بهترین مصلحت را نصیب انسان کند.

بهترین مصلحت چیست که حضرت صدیقه (سلام الله علیها) فرمود هر کس عمل خالص بالا بفرستد، خدا هم بهترین مصلحت را برای او به زمین می فرستد؟ یک مصداق آن در کلام امیر المؤمنین (علیه السلام) است که ابن ابی الحدید از آن حضرت نقل کرده که فرمود: «أَجَلٌ مَا يَصْعَدُ مِنَ الْأَرْضِ الْإِخْلَاصُ؛ بزرگترین چیزی که از زمین بالا می رود، اخلاص است». بنابر این اخلاص در عمل، از همه چیز بالاتر است. در ادامه حضرت فرمودند: «أَجَلٌ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ التَّوْفِيقُ». ۳. بهترین چیزی که از آسمان نازل می شود، این است که توفیق خدا نصیب انسان شود. اما توفیق یعنی چه؟ توفیق این است که زندگی انسان به گونه ای باشد که او را به سمت سعادت سوق دهد. انسان در زندگی پول، همسر، خانه، مدرسه، دانشگاه، معلم و... لازم دارد، اگر این اسباب ها و ابزارها از ابتدا رو به سعادت باشد و انسان را به طرف آن ببرد، توفیق شامل حال انسان شده است.



مرحوم حضرت
آیت الله شب زنده دار
استاد اخلاق حوزة
علمیه قم

“
؟؟؟
”

پی نوشت

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۴۹.
۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۹۱.
۳. همان.

شهر غربت

به مناسبت سالگرد تخریب حرمین عسکریین (علیهما السلام)

۶۶
؟؟؟؟
۶

ناگهان باغ‌های خرم و نهرهایی روان همراه با حوریان و غلمان آشکار گشت. از دیدن این مناظر بسیار متعجب شدم. امام (علیه السلام) فرمودند: ماهر جاباشیم این امکانات برای ما فراهم است و در خانه گدایان نیستیم^۱

مظلومیت امام هادی (علیه السلام) در سامراء

اقامت بیست‌ساله امام هادی (علیه السلام) در سامراء، با خلافت چهار خلیفه عباسی هم‌زمان بود. در این مدت حکومت جور بنی عباس از هیچ آزاری کوتاهی نکرد و در نهایت نیز معتز، فرزند متوکل، آن امام را مسموم کرد و به شهادت رساند. حضرت امام هادی (علیه السلام) تمامی وظایف امامت را مانند ارشاد مردم، تحقیر حکومت جور عباسی و مناظره با رؤسای مذاهب و ادیان و هدایت آنان به مذهب اهل بیت (علیهم السلام) به نحو احسن انجام دادند و سازمان شیعه را به سمت پیشرفت سوق دادند. یکی از مهم‌ترین آثار امام هادی (علیه السلام)، زیارت جامعه کبیره است که در عظمت، زیارتی بی‌نظیر است.

ثمره تبعید امام (علیه السلام) به سامراء

یکی از مهم‌ترین ثمرات ورود امام (علیه السلام) به سامراء، آماده شدن شیعیان برای دوران سخت غیبت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) بود؛ چرا که تا آن زمان شیعیان تقریباً هر زمانی که می‌خواستند، می‌توانستند با امام خود ارتباط برقرار کنند و اگر غیبت امام ناگهانی صورت می‌گرفت، مشکلاتی برای جامعه شیعی به وجود می‌آورد. بنابراین امامین عسکریین (علیهما السلام) این وظیفه مهم را عهده‌دار شدند تا به تدریج فضای جامعه شیعی را وارد عصر غیبت نمایند.

مسدود شدن راه سامراء در گذشته

علامه مجلسی اول در شرح زیارت جامعه کبیره چنین می‌فرماید: پس از آنکه اسباب زیارت عسکریین فراهم شد، آن هم بعد از مسدود شدن راه سامراء در مدت زمان طولانی، با پای پیاده به زیارت عسکریین مشرف شدم...^۲ این حکایت را علامه مجلسی اول، حدود چهارصد سال قبل نقل می‌فرمایند.

با نگاهی اجمالی به تاریخ سامراء، متوجه می‌شویم غبار غربت سامراء و مظلومیت امامین هادیین عسکریین، سابقه هزار ساله دارد.

حجت الاسلام مجید
فولادی پژوهشگر
تاریخ امامت

انتقال امام هادی (علیه السلام) به سامراء

امام هادی (علیه السلام)، پیشوای دهم شیعیان، در سال ۲۱۲ ق جهان را به نور ولادت خویش منور ساخت. آن حضرت در سال ۲۲۰ ق پس از شهادت پدر بزرگوارش، امام جواد (علیه السلام) در هشت‌سالگی در مدینه به امامت رسیدند.^۱

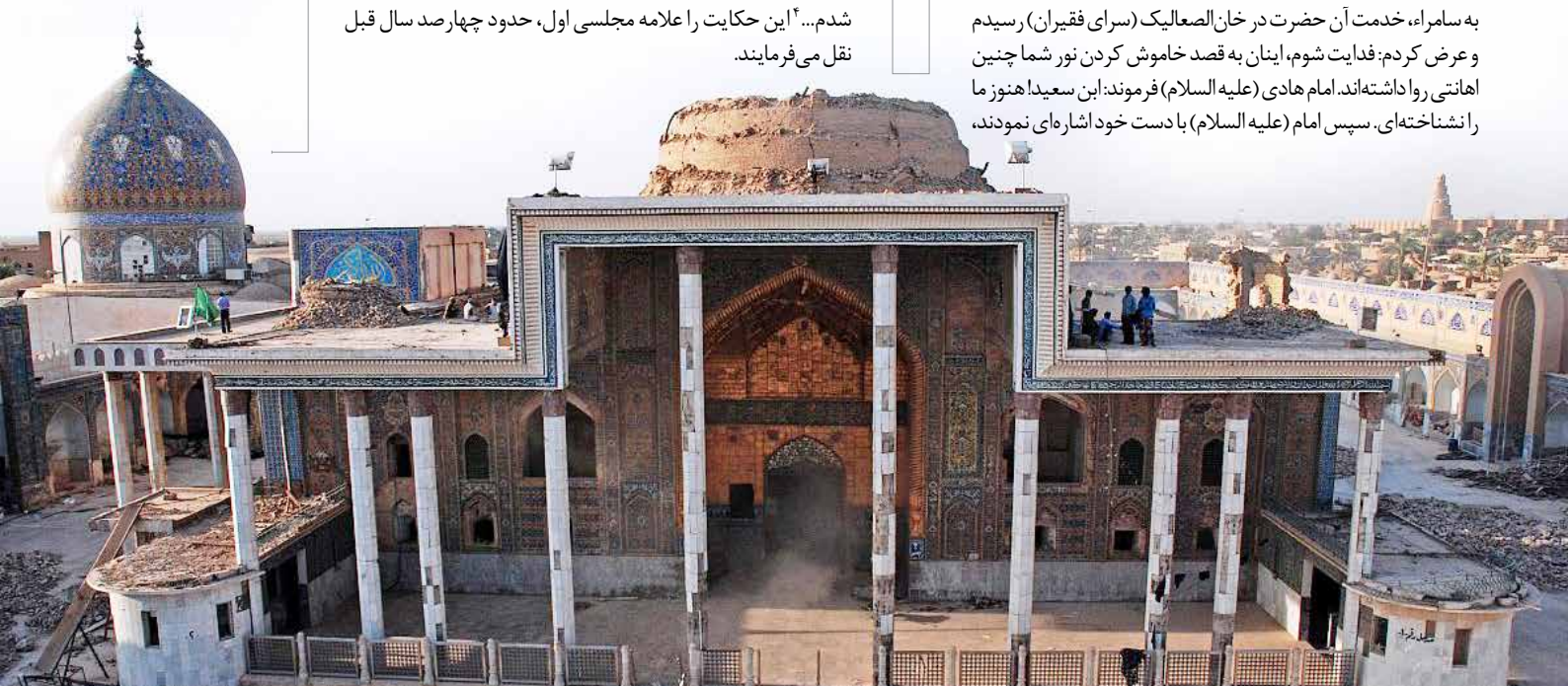
حکومت ظالم بنی عباس به دلایل سیاسی و امنیتی مرکز خلافت را از بغداد به سامراء منتقل نمود. متوکل دهمین خلیفه عباسی که دشمنی عجیبی با اهل بیت (علیهم السلام) داشت و تخریب بارگاه ملکوتی امام حسین (علیه السلام) را در پرونده سیاه خود داشت، در دومین سال حکومت خود تصمیم گرفت امام هادی (علیه السلام) را از مدینه به سامراء منتقل کند و تحت نظر بگیرد تا به خیال خود از قیام احتمالی امام (علیه السلام) جلوگیری کند؛ همان کاری که مأمون با امام رضا (علیه السلام) انجام داد. این امر تاریخ سامراء را وارد مرحله جدیدی ساخت. امام هادی (علیه السلام) حدود بیست سال از عمر پربرکت خویش را در تبعیدگاه خود، سامراء سپری نمودند و در اوج غربت و مظلومیت در سال ۲۳۴ ق به شهادت رسیدند و بنا به وصیت خویش در خانه خود دفن شدند.^۲

سیاست متوکل در تبعید امام (علیه السلام)

متوکل در ابتدا با نامه‌ای محترمانه از امام هادی (علیه السلام) دعوت کرد که به سامراء تشریف بیاورند. هدف او از این کار قطع ارتباط علویان با آن حضرت (علیه السلام) بود. هنگامی که امام هادی (علیه السلام) به سامراء آمدند، متوکل خود را مخفی نمود تا امام هادی (علیه السلام) را به مکانی بدنام ببرند. صالح بن سعید می‌گوید: هنگام ورود امام هادی (علیه السلام) به سامراء، خدمت آن حضرت در خان الصعالبک (سرای فقیران) رسیدم و عرض کردم: فدایت شوم، اینان به قصد خاموش کردن نور شما چنین اهانتی روا داشته‌اند. امام هادی (علیه السلام) فرمودند: این سعید! هنوز ما را نشناخته‌ای. سپس امام (علیه السلام) با دست خود اشاره‌ای نمودند،

پی‌نوشت

۱. مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۵۶۷.
۲. محمد محمدی استهرادی، سیره چهارده معصوم، ص ۸۵۸.
۳. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۹۸.
۴. محمد تقی مجلسی، روضه فی شرح من لایحضره الفقیه، ج ۹، ص ۴۰۲.





امیر حسین شجاعی
سیره پژوه

ویژگی‌های حضرت زینب (سلام الله علیها) نه در کلام می‌گنجد و نه مقامی جز معصومان و ابرار قادر به بیان آن هستند. ابعاد شخصیتی عقیده بنی هاشم موجب تحیر و تعجب هر جوینده حقیقتی است. در این نوشته به چند مورد از خصائص بی‌بدیل شیرزن کربلا اشاره می‌شود.

۱. علم الهی

علم، امتیاز انسان نسبت به سایر موجودات است. حضرت آدم نیز به واسطه علم بر فرشتگان برتری یافت: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ»^۱ و [خدا] همه [معانی] نام‌ها را به آدم آموخت. سپس آنها را بر فرشتگان عرضه نمود و فرمود: اگر راست می‌گویید، از اسامی اینها به من خبر دهید. گفتند: منزه‌ای تو. ما را جز آنچه [خود] به ما آموخته‌ای، هیچ دانشی نیست. تویی دانای حکیم.

علم لدنی والهی برترین علم‌ها است. خداوند متعال در مورد حضرت خضر (علیه السلام) می‌فرماید: «وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا»^۲ و از نزد خود بدو دانشی آموخته بودیم.

حضرت زینب (علیها السلام) به شهادت امام سجاد (علیه السلام) دارای چنین علمی است: «أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مَعْلَمَةٍ، فَهَمَّةٌ غَيْرُ مَفْهَمَةٍ»^۳ تو، بحمدالله، عالمی هستی که نزد کسی تعلیم ندیدی و دانایی هستی که نزد کسی نیاموختی.

۲. عبادت و بندگی

هدف از خلقت، رسیدن به کمال بندگی است؛ «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِي»^۴ و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا پرستند.

حضرت زینب (علیها السلام) عبادت‌ها و نماز شب‌های پدر و مادر را از نزدیک دیده بود و در کربلا شاهد بود که برادرش امام حسین (علیه السلام) در شب عاشورا به حضرت عباس فرمود: «ارجع اليهم واستمهلهم هذه المشيه الى غد لقد نصلی لربنا الليلة وندعوه ونستغفره فهو يعلم انی احب الصلوه له وتلاوه كتابه وكثر الدعاء والاستغفار»^۵ به سوی آنان باز گرد و این شب را تا فردا مهلت بگیر تا بتوانیم امشب را به نماز و دعا و استغفار در پیشگاه خدایمان مشغول شویم. خدا خود می‌داند که من نماز، قرائت قرآن، زیاد دعا کردن و استغفار را دوست دارم.

به شهادت امام سجاد (علیه السلام) ایشان از عاشقان عبادت و شب‌زنده‌داری بود: عمه‌ام زینب در مسیر کوفه تا شام همه نمازهای واجب و مستحب را اقامه می‌نمود و در بعضی منازل از شدت گرسنگی و ضعف، نشسته نماز می‌گزارد.^۶

امام حسین (علیه السلام) هنگام وداع به خواهرش فرمود: «یا اختاه لا تنسینی فی نافله اللیل»^۷ خواهر جان! مرا در نماز شب فراموش مکن.

۳. عفت و پاکدامنی

پاکدامنی برابر با شهادت در راه خدا است. امام علی (علیه السلام) در این باره فرمود: «مَا الْمَجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمِ أَجْرٍ مِمَّنْ قَدَرَ فَقَعَفَ لَكَادَ الْعَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ»^۸ مجاهد شهید در راه خدا، اجرش بیشتر از کسی نیست که قدرت دارد اما عفت می‌ورزد. نزدیک است که انسان عقیف فرشته‌ای از فرشتگان باشد.

یحیی مازنی روایت کرده است: «مدت‌ها در مدینه در خدمت حضرت علی (علیه السلام) به سر بردم و خانه‌ام نزدیک خانه زینب (سلام الله علیها) دختر امیر المؤمنین (علیه السلام) بود. به خدا سوگند هیچ‌گاه چشمم به او نیفتاد و صدایی از او به گوشم نرسید. هنگامی که می‌خواست به زیارت جد بزرگوارش رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برود، شبانه از خانه بیرون می‌رفت، در حالی که حسن (علیه السلام) در سمت راست او و حسین (علیه السلام) در سمت چپ او و امیر المؤمنین (علیه السلام) پیش رویش راه می‌رفتند. هنگامی که به قبر شریف رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نزدیک می‌شد، حضرت علی (علیه السلام) جلو می‌رفت و نور چراغ را کم می‌کرد. یک بار امام حسن (علیه السلام) از پدر بزرگوارش درباره این کار سؤال کرد، حضرت فرمود: می‌ترسم کسی به خواهرت زینب نگاه کند»^۹.

حضرت زینب در دوران اسارت نیز الگوی حفظ عفت بود: «وهی تستر وجهها بکفها، لان قناعها قد اخذ منها»^{۱۰} او صورت خود را با دستش می‌پوشاند، چون روسری‌اش از او گرفته شده بود.

حضرت برای پاسداری از مرزهای حیا و عفاف بر سر یزید فریاد می‌آورد که: «أَمِنْ الْعَدْلِ يَا

ابن الطلقاء تحذیرک حرائرک و امانک و سوقک بنات رسول الله سبايا؟ قد هتکت

ستورهن و ابدیت و جوههن»^{۱۱} ای پسر آزادشده‌های [جدمان] آیا این از عدالت است که زنان و

کنیزکان خویش را پشت پرده نشانی، و دختران رسول خدا

را به صورت اسیر به این سو و آن سو بکشانی؟ نقاب آنان را

دریدی و صورت‌های آنان را آشکار ساختی».

“
؟؟?
”

ست انسانیت بود

۴. ولایت مداری

زینب (علیه السلام) درس ولایت مداری را از مادر خویش آموخته بود؛ آنجا که حضرت زهرا (سلام الله علیها) به امام علی (علیه السلام) عرضه داشت: «روحی لروحک الفداء ونفسی لنفسک الوفاء»^{۱۲} روحم فدای روح تو و جانم سپر بلای جان تو باد» و سرانجام جان خویش را در راه حمایت از علی (علیه السلام) فدا نمود.

همچنین برای شناساندن ولی به دیگران در شهر کوفه، مجلس این زیاد، شهر شام و مجلس یزید خطبه می خواند؛ از جمله در خطبه شهر کوفه فرمود: «و انی ترخصون قتل سلیل خاتم النبوه ومعدن الرساله وسید شباب اهل الجنه»^{۱۳} لکه ننگ کشتن فرزند آخرین پیامبر و سرچشمه رسالت و آقای جوانان بهشت را چگونه خواهید شست؟». بعد از عاشورا در لحظه هجوم دشمنان به خیمه ها شمر تصمیم گرفت امام سجاد (علیه السلام) را به شهادت برساند؛ ولی زینب (علیه السلام) فریاد زد: «تا من زنده هستم نمی گذارم جان زین العابدین در خطر افتد. اگر می خواهید او را بکشید، اول مرا بکشید»^{۱۴}.

۵. روحیه بخشی

یکی از بارزترین اوصاف زینب (علیه السلام) روحیه بخشی او است. بعد از شهادت مادر، روحیه بخش پدر و برادران بود. در شهادت برادرش امام حسن (علیه السلام) نقش مهمی برای تسلی بازماندگان ایفا کرد. پس از شهادت امام حسین (علیه السلام) نیز پیوسته یاور اسیران بود؛ از گودی قتلگاه تا کوچه های تنگ و تاریک کوفه، از مجلس ابن زیاد تا ستمکده یزید؛ در همه جا فرشته نجات اسرا بود.

او تسلی بخش دل امام سجاد (علیه السلام) نیز بود، آنجا که گفت: «لا یجز عنک ما تری، فوالله ان ذلک لعهد من رسول الله الی جدک و ابیک وعمک»^{۱۵} آنچه می بینی (شهادت پدر) تو را بیتاب نسازد. به خدا سوگند! این عهد رسول خدا با جد، پدر و عمویت است».

۶. صبر

صبر بارزترین صفت انسان های کامل است. قرآن کریم در آیات متعددی به صابران بشارت داده و پاداش های فراوان آنها را یادآوری نموده است.

در زیارتنامه حضرت زینب (علیها السلام) می خوانیم: «لقد عجت من صبرک ملائکه السماء؛ فرشتگان آسمان از صبر تو به شگفت آمدند». وقتی ابن زیاد برای آزدن او گفت: «کیف رأیت صنع الله بأخیک وأهل بیتک؟» فرمود: «ما رأیت الا جمیلاً»^{۱۶}.

۷. ایثار

بالاترین درجه ایمان و برترین احسان، ایثار است؛ امام علی (علیه السلام) فرمود: «الایثار اعلی الایمان»^{۱۷} و نیز فرمود: «الایثار اعلی الاحسان»^{۱۸}.

حضرت زینب (علیها السلام) در بین راه کوفه و شام سهمیه آب و غذای خود را بین بچه ها تقسیم می کرد. امام زین العابدین (علیه السلام) می فرماید: «انها کانت تقسم ما یصیبها من الطعام علی الاطفال لان القوم کانوا یدفعون لکل واحد منا رغیفاً من الخبز فی الیوم واللیل»^{۱۹} او غذایی را که به عنوان سهمیه و جیره می دادند، بین بچه ها تقسیم می کرد، چون در هر شبانه روز به هر یک از ما یک قرص نان می دادند».

۸. شجاعت و شهامت

سر شجاعت اولیای الهی در این است که خدا در نظر آنان بزرگ و غیر او در نظرشان کوچک است. حضرت زینب (علیها السلام) به «لبوه الهاشمیه» شیرزن هاشمی «ملقب شده بود.

در مجلس ابن زیاد، بدون توجه به قدرت ظاهری او، ابن زیاد را «فاسق» و «فاجر» معرفی کرد و گفت: «الحمد لله الذی اکرمانا بنبیه محمد وطهرنا من الرجس تطهیراً و انما یفتضح الفاسق و یکذب الفاجر وهو غیرنا»^{۲۰} سپاس خدای را که ما را با نبوت حضرت محمد گرامی داشت، و از پلیدی ها پاک نمود، همانا فقط فاسق رسوا می شود، و بدکار دروغ می گوید، و او غیر ما می باشد».

و در مقابل یزید چنین می گوید: «لئن جرت علی الدواهی مخاطبتک انی لاستصغر قدرک واستعظم تقریعک واستکبر توبیخک»^{۲۱} اگر فشارهای روزگار مرا به سخن گفتن با تو واداشته [بدان که] قدر و ارزش تو نزد من ناچیز است، ولیکن سرزنش تو را بزرگ شمرده و توبیخ کردن تو را بزرگ می دانم».

۹. جود و سخاوت

روزی میهمانی برای امیر المؤمنین (علیه السلام) رسید. آن حضرت به خانه آمده و فرمود: ای فاطمه، آیا طعامی برای میهمان خدمت شما می باشد؟ عرض کرد: فقط قرص نانی موجود است که آن هم سهم دخترم زینب می باشد. زینب (سلام الله علیها) بیدار بود، عرض کرد: ای مادر، نان مرا برای میهمان ببرید، من صبر می کنم»^{۲۲}.

پی نوشت

۱. بقره: ۳۱-۳۲.
۲. کهف: ۶۵.
۳. منتهی الآمال، ج ۱، ص ۲۹۸.
۴. ذاریات: ۵۶.
۵. تاریخ طبری، ج ۶، ص ۲۳۸.
۶. ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۶۲.
۷. همان، ص ۶۱-۶۲.
۸. نهج البلاغه، حکمت ۴۶۶.
۹. فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، شادمانی دل پیامبر، ص ۸۶۲.
۱۰. الخصائص الزینبیه، ص ۳۴۵.
۱۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۳۴.
۱۲. الکوکب الدری، ج ۱، ص ۱۹۶.
۱۳. معالی السبطين، ج ۲، ص ۸۸.
۱۴. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۶۱.
۱۵. همان، ص ۱۷۹.
۱۶. همان، ص ۱۱۵-۱۱۶.
۱۷. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۴.
۱۸. همان.
۱۹. ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۶۲.
۲۰. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۵-۱۱۶.
۲۱. همان، ص ۱۳۴.
۲۲. ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۶۴.

هی بنت من؟ هی زوج من؟ هی ام من؟

بررسی شعر اقبال لاهوری در مدح صدیقه کبری (سلام الله علیها)

در باره شعر

شعر «هی بنت من» منسوب به اقبال لاهوری، یکی از زیباترین اشعاری است که در مدح حضرت زهرا (سلام الله علیها) سروده شده است. این شعر که هفده بیت دارد، به برخی فضایل و مدایح آن بانوی بزرگوار اشاره می کند. گفته شده اصل این شعر به فارسی است و دو تن از استادان عرب به نام های «محمد حسن اعظمی» و «الصابی علی شعلان»، آن را به عربی ترجمه کردند و «نصرالدین طوبار» در یکی از معروف ترین و زیباترین ابتهال ها آن را اجرا کرده است.

این شاعر معروف و اهل سنت پاکستانی، در عظمت مقام حضرت فاطمه (سلام الله علیها) می گوید: «زنان مسلمان باید سیرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) دخت گرامی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را دستور العمل و سرمشق خود سازند، به حجاب و عفاف گرایند و از خودنمایی و بی بندوباری زنان غربی دوری جویند؛ زیرا زهرا (سلام الله علیها) به عنوان دختر و همسر ایدئال و مادر نمونه، شایسته هر گونه تقدیر و تحسین است».

هِيَ وَمَصَّةٌ مِنْ نَوْرِ عَيْنِ الْمُصْطَفَى هَادِي الشُّعْبِ إِذَا تَرَوُّمُ هَدَاهَا

ترجمه: او درخششی از نور چشم مصطفی است
او [پیامبر] هدایت کننده بشریت است، آن هنگام که بخواند هدایت شوند.
توضیح: حضرت صدیقه کبری (سلام الله علیها) حجت خدا بر ائمه اطهار و هدایتگر امت اسلام است. بررسی تاریخ اسلام، تصویر روشنی از موضع فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در قبال جریان سیاسی به وجود آمده پس از رحلت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) ارائه می کند. در بین مجموعه برخوردهای دختر رسول خدا در برابر حوادث آن برهه از تاریخ، شکایت آن بانو از دستگاه حاکم نسبت به مصادره سرزمین فدک و مراتب اعتراض او در این زمینه، از اهمیت خاصی برخوردار است. دخت رسول الله (صلی الله علیه و آله) کار خلیفه را مخالف قرآن دانست و او را تخطئه کرد. ایشان مدعیان جانشینی رسول خدا را با چالشی جدی مواجه ساخت و آن، عدم آگاهی از کتاب خدا بود. این منازعه برای جگر گوشه پیامبر مفهوم گسترده تری نسبت به یک مطالبه شخصی داشته است. این خطبه از تصمیم راسخی حکایت می کند که در اعماق وجود آن بانو شکل گرفته بود تا مردمی را که به جاهلیت بازگشته بودند، به راه اسلام آورد.

در باره شاعر

محمد اقبال لاهوری در سال ۱۲۵۶ شمسی در یک خانواده متدین در شهر «سیالکوٹ» پاکستان به دنیا آمد. محمد تحصیلات خود را با آموزش قرآن در یکی از مساجد زادگاهش شروع کرد و بعد از اتمام دوره مکتب، برای گذران دوره های ابتدایی و متوسطه به کالج رفت. وی در کالج مورد توجه یکی از معلمان به نام «مولانا میر حسین» قرار گرفت. ذوق و استعداد شاعری وی تا جایی معلمش را تحت تأثیر قرار داد که هر چند مخالف شعر گفتن جوانان بود، اقبال را به سرودن شعر تشویق کرد. اقبال لاهوری سروده های خود را در ابتدا جهت اصلاح به «داغ دهلوی» تسلیم می نمود. او نیز پس از مدتی اعتراف کرد که اشعار اقبال نیاز به تصحیح نداشته و از داشتن چنین شاگردی فخر و مباهات می کرد. وی پس از مدتی جهت تکمیل تحصیلاتش راهی اروپا شد که این سفر تأثیر زیادی بر افکارش گذاشت. رشته تحصیلی او فلسفه بود، اما مدتی در دانشگاه لندن به جای پروفیسور «آرنلد»، به تدریس زبان و ادبیات فارسی پرداخت. ظاهر آدر او اواخر اقامتش در لندن، قصد ترک شعر و شاعری داشت که دوستانش مانند «سر عبدالقادر» و همچنین «آرنلد» مانع او شدند. اقبال لاهوری به دنبال تنگی نفس و ضعف قلبی در سال ۱۳۱۷ شمسی دار فانی را وداع گفت.

هِيَ بِنْتُ مَنْ؟ هِيَ زَوْجُ مَنْ؟ هِيَ أُمُّ مَنْ؟ مَنْ ذَا يَدَايَ فِي الْفَخَارِ أَبَاهَا؟

ترجمه: او دختر کیست؟ همسر کیست؟ مادر کیست؟
چه کسی به فخر و جلال پدر بزرگوارش می تواند نزدیک شود؟

توضیح: روایات تجلیل پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از صدیقه کبری (سلام الله علیها) در حد تواتر است و بی شک او پاره تن و نور چشم رسول خدا است. دوست او دوست خدا و دشمن او دشمن خدا است. حضرت زهرا (سلام الله علیها) نقطه وصل نبوت به امامت است و در این مسیر چه لطمه ها که ندید و چه جانبازی ها که نکرد. حدیث قدسی «لولاک لما خلقت الأفلاک و لولا علی لما خلقتک و لولا فاطمة لما خلقتکما»^۱ گواه بر جایگاه رفیع آن بانوی گرامی است. هدف و علت غایی آفرینش حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) هدایت و راهنمایی انسان ها است، و این هدایت و راهنمایی استمرار پیدا نمی کند، مگر با ولایت و امامت؛ لذا خداوند متعال در این حدیث قدسی می فرماید: «و لولا علی لما خلقتک». همچنین اگر حضرت فاطمه (سلام الله علیها) نبود، ولایت استمرار پیدا نمی کرد؛ زیرا او وعاء امامت و درخت نبوت و ولایت است و چنانچه او نبود، درخت نبوت و ولایت بدون میوه می ماند؛ از این رو فرمود: «و لولا فاطمه لما خلقتکما».



یاسر شریعتی
مبلغ کشورهای
عربی

“
؟؟؟
”

رتبه و درجه است، که هر کدام بر دیگری برتری دارد: صدقات، مواسات و ایثار.

صدقه

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) توجه ویژه‌ای به پرداخت صدقه به فقرا داشتند و هیچ نیازمندی از در خانه‌اش دست خالی باز نمی‌گشت. نمونه بارز انفاق و ایثار آن بزرگوار، بخشش «لباس عروسی» به زن فقیر، آن‌هم در شب عروسی است.

مواسات

زندگی مشترک فاطمه (سلام الله علیها) و علی (علیه السلام) در حالی شکل گرفته بود که در جامعه نوپای اسلامی، فقیران و گرسنگان زیادی به سر می‌بردند؛ از این رو ایشان می‌کوشیدند به پیروی از رسول خدا زندگی ساده و به دور از تجملات را برای خود تدارک ببینند و به مواسات اسلامی عمل کنند.

ایثار

نمونه بارز ایثار آن حضرت و خانواده‌شان، کمک به مسکین و یتیم و اسیر است که در تجلیل عظمت آن از خود گذشتگی، این آیات نازل شد: «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حَيْثُ مَسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا»^۱ و غذایی را که از شدت احتیاج دوست می‌داشتند، به مسکین و یتیم و اسیر عطا کردند و گفتند: شما را فقط برای خشنودی خدا اطعام می‌کنیم؛ نه از شما عوضی می‌خواهیم و نه انتظار سپاس و ثنایی داریم».

؟؟؟؟
۶

بَلَّتْ وَسَادَتَهَا لَأَلَىٰ دَمْعِهَا مَنْ طُولَ حَسْبِيَّتِهَا وَمَنْ تَقْوَاهَا

ترجمه: مروارید سرشکش، متکایش را نمناک ساخت از فرط خشیت و خشوع در برابر خداوند و تقوا و پرهیزگاری‌اش

جَبْرِيلُ نَحْوِ الْعَرْشِ يَرْفَعُ دَمْعَهَا كَالظَّلِّ يَرُوي فِي الْجَنَانِ رِيَاهَا

ترجمه: جبریل امین اشک دیدگانش را به سوی عرش الهی عروج می‌دهد فضل و برکت این اشک، مانند باران نرم، بهشت را سیراب می‌کند

توضیح:

عبادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) نمونه است. آن حضرت در دوران کوتاه عمرشان، با عبادت‌هایی بی‌نظیر به فتح رفیع‌ترین قله‌های بندگی و عبودیت نائل آمدند. در عظمت عبادت او همین بس که رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، حضرت زهرا (سلام الله علیها) را کفو و همتای مولای متقیان برشمرده است: «والله ما كان لفاطمة كفو غير علي»^۲. عبادت حضرت فاطمه (سلام الله علیها) از لحاظ کمیت، تا بدان حد است که در لحظه لحظه زندگی او حضور و ظهور دارد؛ نفس کشیدن او و هر لحظه شب و روز او، عبادت بود. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «یا سلیمان! ان فاطمة، مالا لله قلبها وجوارحها إيماناً الى مشاشها تفرغت لطاعة الله». حسن بصری که یکی از عباد و زهاد دنیای اسلام است، درباره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) می‌گوید: به قدری دختر پیغمبر عبادت کرد و در محراب عبادت ایستاد که پاهای آن بزرگوار از ایستادن در محراب عبادت ورم کرد.^۵

پی‌نوشت

۱. میرجهانی، الجنة العاصمة، ص ۱۴۸.
۲. صحیفه الزهراء، قول ۱۹.
۳. انسان: ۸-۹.
۴. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۰۷.
۵. همان، ص ۷۵.

هِيَ أَسْوَدُ لِلْأَمْهَاتِ وَقُدُوءُ يَتَرَسَّمُ الْقَمَرُ الْمُنِيرُ خَطَاهَا

ترجمه: او الگو و اسوه تمام مادران است ماه منیر، پای در قدمگاه نورانی آن حضرت می‌نهد **توضیح:**

در سیره عملی حضرت زهرا (سلام الله علیها) توجه به شخصیت فرزندان و ایجاد اعتماد به نفس در آنها کاملاً مشهود است. از جمله ابزارهایی که روح اعتماد به نفس و مشکل‌ستیزی را در کودک زنده نگه می‌دارد، مسابقه و رقابت‌های سازنده است. آن حضرت برای ایجاد اعتماد به نفس در فرزندان خود، آنها را وادار و تشویق به مسابقه و ورزش می‌کرد. درس محبت در خانه حضرت زهرا (سلام الله علیها) به‌طور کامل ارائه می‌شد و آن حضرت که خود از سرچشمه محبت و عطوفت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سیراب شده و قلبش کانون محبت به همسر و فرزندان بود، در این جهت نیز وظیفه مادری خود را به بهترین شکل انجام می‌داد. سلمان فارسی می‌گوید: روزی حضرت فاطمه زهرا را دیدم که مشغول آسیاب کردن غله است. فرزندش حسین به گریه افتاد و بیتابی کرد. عرض کردم: برای کمک به شما، غله را آسیاب کنم یا بچه را آرام؟ حضرت فرمود: من به آرام کردن فرزند اولی هستم. شما آسیاب را بچرخانید.

لَمَّا شَكَى الْمَحْتَاجُ خَلْفَ رُحَاهَا رَقَّتْ لَتِلْكَ النَّفْسِ فِي شَكْوَاهَا

ترجمه: آن‌گاه که آن نیازمند به گشاده‌دستی آن حضرت شکایت آورده بود قلب مقدس آن حضرت در پی این شکایت، به رحم آمد

كَادَتْ لَتَنْقُذَهُ بِرَهْنِ خِمَارِهَا يَا سَحْبَ آيِنَ نَدَاكَ مِنْ جَدَوَاهَا

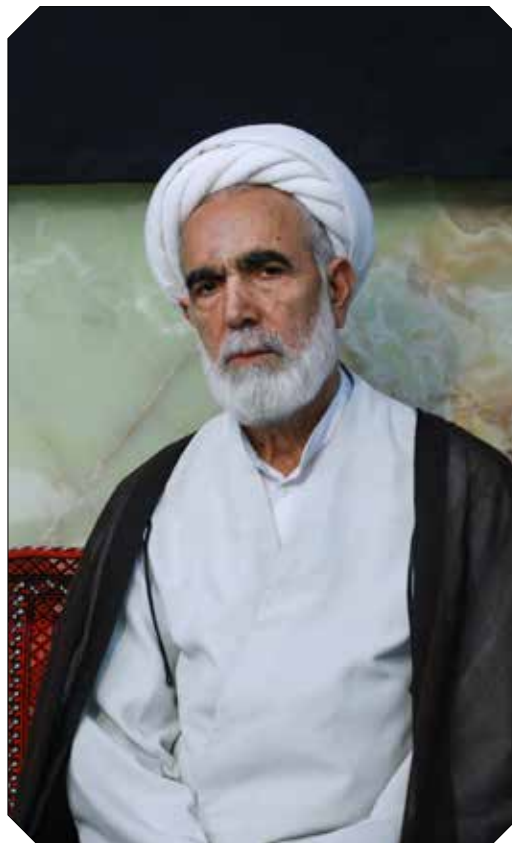
ترجمه: نزدیک بود آن نیازمند را با گرو گذاشتن روسری‌اش نجات دهد

ای ابر، قطرات باران تو کجا، لطف و احسان او کجا؟

توضیح: تاریخ اسلام نمونه‌های زیادی از انفاق حضرت زهرا (سلام الله علیها) را ثبت کرده است. سرور زنان عالم در حدیثی می‌فرمایند: «از دنیای شما سه چیز محبوب من است: ۱. تلاوت قرآن ۲. نگاه به چهره رسول خدا ۳. انفاق در راه خدا». ۲. انفاق در سیره آن حضرت دارای سه



منبر



چرا گاهی بین اعمال و ثواب تناسبی وجود ندارد؟

“
؟؟؟
”

در روایات برای حج ثواب فراوان نقل شده است. این مطلب با توجه به سختی، دشواری و هزینه‌های حج، پذیرفتنی است. ضمن اینکه باید نیت خالص داشت تا حج قبول شود. اما در مورد برخی اعمال نقل شده که ثواب هفتاد حج مقبول برای

حجت الاسلام و
المسلمین استاد
محمدی کارشناس
مسائل اعتقادی

انجام دهنده آن نوشته می‌شود. چه تناسبی بین این ثواب و آن عمل کوچک است؟

در این مورد باید به چند نکته توجه کرد. نخست آنکه ما خیال می‌کنیم این موارد با هم مساوی هستند. مثلاً می‌گویند هر کسی سه بار سوره توحید را بخواند، ثواب ختم قرآن را دارد. ما فکر می‌کنیم اگر کسی سه بار سوره توحید را بخواند که پنج دقیقه هم طول نمی‌کشد، ثواب ختم قرآن را دارد که حداقل پانزده ساعت وقت می‌برد. حال آنکه توجه نداریم فقط ثواب ختم قرآن را دارد. توضیح آنکه ختم قرآن ده‌ها اثر

دارد که یک مورد آن ثواب قرائتش است. هر آیه‌ای آثار روحی و روانی خاص و پیام‌های علمی و معرفتی دارد. این آثار در خواندن سوره توحید نیست و فقط با خواندن کل قرآن به دست می‌آید. مطلب دوم اینکه همه محاسبات ما، محاسبات مادی است. خیال می‌کنیم خدا هم مثل ما محاسبه می‌کند و اگر کار زیاد بود، اجر زیاد می‌دهد، و چنانچه کار کم بود، اجر کم می‌دهد.

در واقع فرمول محاسبه خدا با ما تفاوت دارد.

چهار خداوند متعال به خاطر امام حسین (ع) به یک قطره اشک انسان خیلی چیزها بدهد. البته گاهی در محاسبات بشری نیز این گونه است، منتها آنجا ما اعتراض نمی‌کنیم، اما اینجا اعتراض می‌کنیم. مثلاً یک فنجان را که یک دلار قیمت دارد، یک میلیون دلار خرید و فروش می‌شود؛ زیرا فنجان ناپلئون بنپارت یا هیتلر یا یک فرد مشهور دیگر بوده است.

در این موارد هیچ کس مناقشه نمی‌کند که چرا فنجان یک دلاری را یک میلیون دلار خرید و فروش می‌کنند. از این بالاتر، اگر به شما بگویند یک تار مو را چقدر می‌خری، می‌گویی تار مو خرید و فروش نمی‌شود و مالیت ندارد. اما کسی که عاشق پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است، حاضر است هر چه دارد بدهد تا یک تار مو حضرت را بخرد.

با این تفاسیر چه استبعادی دارد خداوند متعال که قدرتش حدی ندارد، قیمت امام حسین (علیه السلام) را بالا ببرد؟

ضمن اینکه نباید کارهای خدا را با محاسبات مادی خودمان بسنجیم و توجه داشته باشیم که این موارد از باب تفضل است و نه حق. اگر بخواهیم براساس حق قضاوت کنیم، چنانچه همه عمرمان را عبادت کنیم، مستحق هیچ پاداشی نمی‌شویم. فرض کنیم مستحق پاداش می‌شویم، ما هفتاد سال خدا را عبادت کردیم، چقدر خدا باید به ما نعمت دهد؟ به اندازه هفتاد سال. ولی خداوند ما را در بهشت، جاودانه نگه می‌دارد. چرا اینجا کسی اعتراض نمی‌کند که من فقط هفتاد سال عبادت کردم، چطور می‌شود که هم به لحاظ زمان بی‌نهایت در بهشت بمانم، هم به لحاظ امکانات، هر چه که بخواهم، موجود باشد؟

نکته آخر

اینکه یک سری روایات داریم که به آن «من بلغ» می‌گویند یا قاعده تسامح در ادله سنن. بسیاری از این روایات که تعدادشان هم کم نیست، یا اصلاً سند ندارد یا سندش معتبر و قابل دفاع نیست. اگر از بنده بپرسید آیا این روایت را قبول دارید، ابتدا سندش را بررسی می‌کنم. این دست روایات یا اصلاً سند ندارد، یا مرسل است یا مرفوعه. اما در عین حال روایاتی داریم که اگر به کسی برسد که چنانچه فلان عمل را انجام دهید، خدا این مقدار ثواب می‌دهد، او هم انجام داد. در صورتی که خدا یا ائمه (علیهم السلام) آن را نگفته بودند. همه ثواب‌های نقل شده در روایت به آن شخص تعلق خواهد گرفت. این روایات کار را آسان کرده؛ لذا علما آن چنان که باید و شاید، دنبال سند این دست احادیث نبوده و آنها را در کتاب‌هایشان نقل کرده‌اند. ما به دوستان عرض می‌کنیم که شما این اعمال را انجام دهید، خداوند تفضلاً پاداش‌های مذکور در روایت را به شما خواهد داد.

نگاه

؟؟؟؟؟





از کتابخانه تا منبر

نحوه جمع آوری اطلاعات و نگارش فیش

مهیا شدن برای امر تبلیغ، توانمندی و مهارت‌هایی را طلب می‌کند؛ یکی از این مهارت‌ها دستیابی آسان و سریع به اطلاعات شایسته و جمع آوری و نگارش آنها به صورت دقیق و منسجم جهت استفاده مطالب در امر تبلیغ است. در این میان، فیش‌نویسی اصولی این امکان را برای ما فراهم می‌کند که از نوشته‌هایمان به خوبی استفاده کنیم. سؤال‌هایی در مورد نحوه جمع آوری مطالب وجود دارد که حل کردن آنها بسیار ضروری و راه‌گشاست. برخی از این

نویسنده و پژوهش‌گر:
محسن سرمستی،
استادیار روش تحقیق و
فیش‌نویسی

سؤال‌ها عبارت‌اند از:

(ب) تخصصی: مطالعه آن دسته از کتاب‌های تخصصی است که در حوزه اطلاعات عمومی مردم قرار ندارد، اما موجب تخصص مبلغ در روش‌ها یا محتوا می‌شود.

این نوع مطالعه بر دو قسم است:

۱. مطالعات تخصصی محتوایی: مطالعه آن دسته از محتواهای تخصصی که گرچه در مراکز علمی بحث می‌شود اما از ائمه جماعات پرسیده می‌شود؛ مانند پلورالیسم و...

۲. مطالعه تخصصی مهارتی؛ مانند جامعه‌شناسی تبلیغ، روانشناسی تبلیغ، فن خطابه و...

کتاب‌ها و موضوعاتی که یک مبلغ (به‌عنوان مطالعه آزاد) باید مطالعه کند (الف) مذهبی: یک دوره تفسیر قرآن مانند تفسیر نمونه، تفسیر المیزان و...، یک دوره مختصر روایات اهل بیت در حد اصول کافی، نهج البلاغه و در صورت امکان سفینة البحار، احکام و مسائل شرعی، یک دوره کلام اسلامی مانند کتاب‌های توحید، نبوت، عدل، امامت و معاد شهید مطهری، یک دوره تاریخ و سیره اهل بیت مانند فروغ ابدیت آیت‌الله سبحانی، یک دوره اخلاق اسلامی مانند چهل حدیث امام، اخلاق شبر و...

(ب) غیر مذهبی: درباره آمار و ارقام مانند کتاب آمارها پرده برمی‌دارند، عصر امام خمینی و...، درباره تحولات علمی روز، تاریخ ایران و جهان، جغرافیای جهان به خصوص جهان اسلام مانند کتاب سرزمین اسلام از گلی زواره، اطلاعات و اخبار سیاسی، فرهنگی و اجتماعی از جراید، ضرب‌المثل و...

۲. مطالعه هدفمند: مطالعه‌ای است که برای تولید اثر تبلیغی خاص مانند

جمع آوری اطلاعات با چه روش‌هایی امکان‌پذیر است؟
در میان انبوه اطلاعات خام و پراکنده، باید دنبال چه اطلاعاتی باشیم؟
اطلاعات شایسته و مفید چه ویژگی‌هایی دارد؟
در هنگام مطالعه چه مطالبی را باید فیش‌نویسی کرد؟

در این قسمت به پاسخ دادن به این پرسش‌ها می‌پردازیم.

روش‌های جمع آوری اطلاعات

۱. کتابخانه‌ای

در این روش جمع آوری اطلاعات از طریق مطالعه کتاب‌ها، مقالات، مجلات و امثال آن انجام می‌شود (این روش در فیش‌نویسی تبلیغی بیشترین کاربرد را دارد).

۲. میدانی

به علت اینکه این روش در فیش‌نویسی تبلیغی بسیار کم استفاده می‌شود، از توضیح آن پرهیز خواهیم کرد.

انواع مطالعه

۱. مطالعه آزاد: مطالعه‌ای است که مبلغ مسجد، آزادانه در هر موضوعی انجام می‌دهد.

(الف) عمومی: مطالعه آن دسته از کتاب‌ها و مقالاتی است که در حوزه اطلاعات عمومی مردم قرار دارد و مبلغ می‌تواند در تبلیغ از آنها استفاده کند.

“
؟؟?
”

۶
؟؟؟؟

۴. واضح باشد: برای مثال اگر عبارتی در فیش به کار رفته که معنایش واضح نیست و یا مشترک لفظی است، باید توضیح داده شود.
۵. نو باشد: در جمع آوری اطلاعات، مطالبی دارای ارزش بیشتری هستند که برای عموم مردم تازگی داشته باشد. اگر مطالب آورده شده در فیش مربوط به تحقیقات بزرگان و دانشمندان است، باید منطبق با آخرین تحقیقات باشد.
۶. مستند باشد: یکی از شرایط اطلاعات، اعتبار و اصالت اسناد آنهاست. در فیش اولاً باید آدرس و سند مطالب به صورت دقیق ذکر شود و ثانیاً از منابع دست اول و معتبر جمع آوری شود.
۷. مستدل باشد: مطالب ذکر شده در فیش اگر نیاز به استدلال دارد باید به صورت مستدل بیان شود.^۲

نحوه نگارش فیش

یکی از نکات مهم در فیش برداری، نحوه نگارش مطالب است که توجه به آن فایده فیش نویسی را به حداکثر می‌رساند. در این بخش مطالبی مختصر درباره نحوه نگارش بیان می‌کنیم.
نگارش مطالعات و تحقیقات در فیش‌ها به یکی از شکل‌های زیر انجام می‌شود:

۱. نقل مستقیم: انتقال عین عبارت‌های کتاب یا مأخذ به زبان اصلی را «نقل مستقیم» می‌گویند. برای نقل مستقیم، عبارت مأخذ را داخل گیومه (») قرار می‌دهند و مأخذ آن را به طور کامل ذکر می‌کنند تا سرت فقره‌نگی محسوب نشود و انسان به عدم رعایت امانت علمی متهم نگردد.
۲. ترجمه: نقل مستقیم عبارت‌های کتاب یا مأخذ به زبان دیگر را «ترجمه» می‌نامند.
۳. تلخیص: یادداشت فشرده و گزیده مطالب کتاب و مانند آن را به زبان اصلی و به گونه‌ای که بیانگر اصول اساسی و مطالب مهم آن محتوا باشد، «تلخیص» یا «خلاصه نویسی» یا «چکیده نویسی» می‌گویند.
۴. برداشت‌های شخصی: نوشتن مطالب و نظریاتی که حاصل فکر و اندیشه فرد می‌باشد. البته هر برداشتی رانمی‌توان در تبلیغ استفاده کرد.

متن منبر و... به صورت موضوعی یا برای کشف مسئله‌ای انجام می‌شود.
۳. مطالعه تکمیلی: به منظور تکمیل اثر تبلیغی مانند دسته‌بندی و نهایی کردن منبر، کتاب و... انجام می‌شود.
نتیجه مباحثی که مآدر تبلیغ بیان می‌کنیم، تابع فرومایه‌ترین اطلاعات است؛ به این معنا که بیان یک مطلب سست و بی‌پایه می‌تواند تبلیغ ما را سست و بی‌ارزش کند. به همین دلیل گردآوری اطلاعات امر آسانی نیست و در این مقام باید از هر گونه شتاب‌زدگی، سهل‌انگاری و عافیت‌طلبی دوری جست.
از سوی دیگر، صرفاً توصیه کردن به جمع آوری اطلاعات شایسته راه‌گشا نیست؛ زیرا مفهوم شایسته بودن مبهم و سلیقه‌ای است؛ بنابراین باید ملاک‌ها و شاخص‌های عینی را بیان کرد تا این امر تحقق یابد.

ویژگی‌های اطلاعات شایسته

۱. مرتبط باشد: در مطالعات هدفمند باید دنبال مطالبی رفت که مرتبط با موضوع و مسئله ما باشد.
۲. اطلاعاتی مرتبط با موضوع به حساب می‌آید که در مقام بیان:

 ۱. علل بروز مشکل؛
 ۲. آثار و پیامدهای مثبت و منفی؛
 ۳. راهکارها؛
 ۴. انواع و ابعاد؛
 ۵. سطوح و مراحل؛
 ۶. مشکلات و موانع؛
 ۷. پاسخ به سؤالات و شبهات آن موضوع باشد.^۱

۲. صادق باشد: اطلاعاتی که مطابق با واقع نباشد و صرفاً پندار و انگارهای ذهنی‌اند، لطمه زیادی به تبلیغ می‌زند. بیان بعضی از خواب‌ها، برداشت‌های شخصی بی‌پایه و اساس و... جزو اطلاعات غیرصادق به حساب می‌آید.
۳. دقیق باشد: مطالب آورده شده در فیش باید بسیار دقیق باشد. فیش نویس در ذکر اعداد و ارقام، زمان و مکان، نام اشخاص، نقل قول، انتخاب الفاظ و جملات و... باید دقت کامل را داشته باشد.

پی‌نوشت:

۱. روش سخنرانی دینی؛ ص ۷۰.
۲. روش‌شناسی مطالعات دینی؛ ص ۱۰۷.

بایسته‌های فیش‌نگاری

بررسی نکات فیش‌برداری

بین می‌رود و یا کمرنگ می‌شود. البته کسانی که در امر فیش‌نویسی مبتدی هستند و هنوز در انتخاب موضوعات و نمایه‌ها دچار اشتباه می‌شوند، بهتر است در ابتدای کار متن فیش را با خود کار نوشته ولی قسمت عناوین و نمایه‌ها را با مداد پر کنند.
۵. هنگام مطالعه باید مطابق موضوع تحقیق خود در کنار هر مطلب مهمی علامت گذاشت، و سپس در مطالعه مجدد از آن خلاصه‌نویسی و فیش‌برداری کرد.
۶. نوشتن متن فیش و پر کردن عناوین آن باید با حوصله و دقت انجام شود تا بتوان در مواقع نیاز به راحتی از آن فیش استفاده کرد و یا در اختیار دیگران گذاشت.

رعایت نکات زیر بازدهی فیش‌نویسی را بالا خواهد برد:
۱. مطالب مفصل و طولانی باید خلاصه‌نویسی شود و در جایی که ذکر بعضی از جزئیات و فروعات مهم و ضروری نیست، از ذکر آنها پرهیز شود؛ زیرا فضای فیش محدود است و از سوی دیگر خواندن آن وقت‌گیر است.
۲. آیین نگارش و ویرایش و قواعد درست‌نویسی، علامت‌گذاری، زبان‌نویسی و یادست کم‌خوانانویسی در هنگام فیش‌نویسی، رعایت شود.
۳. مقداری فاصله در چهارطرف فیش در نظر گرفته شود تا در مرور زمان یا پارگی برگه‌ها، عناوین و متن فیش از بین نروند.
۴. بهتر است که مطالب فیش با «مداد» نوشته نشود؛ زیرا به مرور زمان از

نویسنده و پژوهش‌گر:
محسن سرمستی
استاد یار روش تحقیق و
فیش‌نویسی

ذهن خلاق

برداشت، پنجمین مرحله در فیش نویسی^۱



نگاه

نویسنده و پژوهش گر:
احمد موحدی، کاشناس
ارشد مذاهب اسلامی

هر فیشی که نگاشته می شود، یعنی هنگامی که مواد اصلی و فرعی مورد نیاز سخنرانی در فیش تبلیغ گنجانده می شود، نیازمند یک نگاه ویژه است؛ اسم آن نگاه ویژه را «برداشت» می گذاریم. اصولاً برداشت نویسی در فیش تبلیغ، باعث به تکاپو افتادن ذهن مبلغ می شود؛ چرا که یکی از اهداف مهم در فرایند فیش نویسی، تقویت و خلاقیت ذهن فرد است. در این مسیر، پژوهش گر و مبلغ، پس از فهم درست از متن اصلی فیش، آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده، محصول آن را با بیان و قلم خود منعکس می کند. البته این محصول باید با اصول و مبانی دینی سازگار باشد؛ بدین جهت توصیه می شود ابتدا برداشت و نظر بزرگان و صاحب نظران و علما درباره متن نگاشته شده در فیش، ملاحظه شود و سپس برداشتی شخصی و با قلم و بیان خود نگارنده مطرح شود؛ یعنی برداشت ها با ادبیات و انشای فیش نویسی باشد؛ بدین صورت که نکات و برداشت دیگران دیده شود، تأمل و فهم درست درباره آن صورت گیرد و سپس خلاصه آن با انشای فیش نویسی نوشته شود. این روش، ماندگاری مطلب را در ذهن دوچندان می کند؛ البته در فیش نویسی های بعدی لازم است که خود مبلغ درباره متن فیش تأمل کرده، برداشت مناسبی از آن ارائه کند؛ چرا که نباید صرفاً ناقل نظرها، تعلیل ها و تبیین های دیگران باشیم، بلکه باید ذهن خود را بکار گرفته و حرف جدید و نوبی مطرح کنیم. البته باید بسیار مواظب بود که در دام تفسیر به رأی نیفتیم و از مدار شریعت، قرآن و سنت دور نشویم. به همین دلیل است که گفتیم محصول برداشت ما باید با اصول و مبانی دینی سازگار باشد.

تیری مسموم از ناحیه شیطان است»، می پرسد چرا؟ فلسفه و حکمتش چیست؟ در این زمینه، کتاب علل الشرایع مرحوم صدوق مفید است.

نکات کلیدی در برداشت از مواد فیش

در برداشت از آیات و روایات

برداشت از یک آیه یا روایت باید با درک صحیح از کلمات و احوال آیات و روایات، و پیدا کردن مسائل جدید روز از آنها صورت پذیرد که در این صورت کار انجام شده، زیبا و مخاطب پسند خواهد بود. آشنایی با ترجمه و تفسیر آیات و روایات، تفکیک جملات در آیه و روایت و توجه به معنای هر جمله، مطالعه شأن نزول آیه، ارتباط آیات و احادیث با اقتضائات زمانه، توجه به تکرار کلمات در آیه و روایت، توجه به تقدم و تأخر کلمات در آیات و روایات و... از نکات مهم و کلیدی در برداشت از آیات و روایات است.

در برداشت از شعر

توجه به معانی لغات و فرهنگ واژگان، توجه به هماهنگی یا ناهماهنگی شعر با معارف دینی، لطایف فرهنگی - اجتماعی مطرح شده در شعر، نکات تربیتی مطرح شده در شعر و... در برداشت نویسی حایز اهمیت است.

در برداشت از داستان

توجه به شخصیت های اصلی داستان، توجه به زمان و مکان وقوع داستان، توجه به گره های داستان، توجه به نکات تربیتی و آموزه های اعتقادی داستان و... در برداشت نویسی مفید خواهد بود.

برداشت از متن فیش می تواند به یکی از چهار صورت زیر انجام پذیرد. این چهار صورت همان مواد خام سخنرانی است که در خدمت سخنران قرار گرفته، یک فیش مناسب را تشکیل می دهد:

۱. توضیح و تبیین؛ گاهی متن فیش را فقط توضیح داده، مقصود متن را تبیین می کنیم. این روش، ابتدایی ترین و ساده ترین روش برداشت است که البته کاربرد کمتری نسبت به روش های دیگر دارد. این روش برای مخاطب عام مناسب است. نکته مهم این است که توضیح متن فیش نباید طولانی باشد، تا مبادا از مقصود فیش نویسی که اختصار و گویانویسی است، دور شویم. برای استفاده بهتر از روش توضیح و تبیین، مطالعه کتاب های لغت، بسیار مفید خواهد بود، خواه متن فیش آیه باشد، خواه روایت، خواه شعر و یا موارد دیگر.
۲. تجزیه و تحلیل؛ گاهی به جای توضیح متن فیش، آن را تجزیه و تحلیل می کنیم؛ یعنی با توجه با اصطلاحات و لغات موجود در متن و مقایسه آنها با هم، آن را تجزیه و تحلیل می کنیم.
۳. تقسیم و تنظیم؛ گاهی یک تقسیم و تنظیم مناسب از متن فیش می آوریم؛ یعنی با تأمل در بندهای متن فیش، یک تقسیم و تنظیم مفید ارائه می دهیم. کتاب خصال مرحوم صدوق در این زمینه بسیار کارگشاست.
۴. تعلیل و توجیه؛ گاهی نیز متن فیش را علت یابی می کنیم و تعلیل و توجیه مناسب مخاطب را برایش مطرح می کنیم. این روش کاربردی ترین روش خصوصاً برای جوانان است. مخاطب امروزی به دنبال چرایی حکم و دستورات دین است. وقتی می شنود «نگاه حرام

پی نوشت:

۱. مرحله اول: تعیین مخاطب، مرحله دوم: تعیین موضوع، مرحله سوم: ریز کردن موضوع و تکمیل شناسنامه فیش، مرحله چهارم: نگارش متن فیش، مرحله پنجم: برداشت از متن فیش.
۲. مواد اصلی یا همان اشرف مواد، قرآن و سنت است، و مواد فرعی حکایات، شعر، ضرب المثل، کلام بزرگان و... می باشد.

اصول و فنون برداشت نویسی

- الف. برداشت نویسی از آیات قرآن کتاب کامل الهی است که محدود به زمان نمی‌شود، تاقیامت کلام استوار است و در همه زمان‌ها می‌توان تفسیر جدیدی از آن را به روز خلق نمود؛ به همین دلیل، مفسران تاکنون تفاسیر متعددی را ارائه نموده‌اند که هر کدام در نوع خود ممتاز است. بنابراین، برداشت از یک آیه، با درک صحیح از کلمات و احوال آیات و پیدا کردن مسائل مستحدثه روز در آینه قرآن، کار زیبا و مخاطب‌پسند است؛ چرا که کلید حل مشکلات روز انسان در قرآن دست‌یافتنی شده و راه از بی‌راهه تشخیص داده می‌شود. برای آنکه بتوان برداشت صحیح به روز و بر محتوایی را از یک آیه ارائه نمود، باید مواردی را به عنوان «اصول و فنون برداشت‌نویسی آیات» رعایت کرده و بادقت آنها را بکار گرفت.
۱. آشنایی با ترجمه و تفسیر آیات؛
۲. تفکیک جملات در آیه و توجه به معنای هر جمله؛
۳. توجه به کلماتی که در جمله دارای بار معنایی هستند (تفکیک مفردات جمله)؛
۴. توجه به رابطه نتیجه آیه (جمله پایانی آیه) با جملات ماقبل و آیات قبل و به عبارتی توجه به جایگاه آیه در منظومه آیات؛
۵. توجه موضوعی به آیه؛
۶. توجه به آیات موضوعی دیگر که ممکن است تفسیر، توضیح، تأیید و یا نسخ آن آیه باشد؛
۷. دانستن ارتباط آیه با روایات؛
۸. مطالعه شأن نزول و سبب نزول آیه؛
۹. ارتباط آیه با اقتضائات زمانه؛
۱۰. توجه به مناسبت‌های روزانه و تبلیغی بودن آیه؛

تکلیف روحانی بعدی در تبیین قطعه دیگر مشخص بود. می‌توان برای مقاطع مختلف، دوره‌های سه ساله و پنج ساله بیان کل معارف دین را داشت. اما چون مکتوب و منظم نشده، مردم هم عادت به یک محتوای منظم نکرده‌اند، لذا ممکن است سی ماه رمضان پای منبر، با وجود تکرار احکام شکایات و طهارت و نجاست را شنیده، اما یک بار حدود و دیات را نشنیده است. چرا؟ چون روحانی نمی‌دانسته پیش از این چه مباحثی مطرح شده است. مخاطب، سی ماه رمضان پای منبر نشسته، هر سی ماه رمضان «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ» را شنیده است. «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» را نشنیده، «صوموا لی» را نشنیده، «صُومُوا تَصِحُّوا» را نشنیده، و ده‌ها روایت دیگری که راجع به روزه، نماز، جهاد و دیگر معارف دین را نشنیده است. لذا باید اطلاعاتی از محتوای بیشتر مطرح شده دریافت و مطلب ارائه کرد. در پایان کار تبلیغی هم با ارائه یک یادگار در مسجد یا هیئت، برای مبلغ بعدی، خلاصه مباحث گفته شده، مشخص شود.

لذا می‌توان این سه عمل خیلی ساده را نهادینه کرد: اول، پرسش از محتوای مطرح شده قبل؛ دوم، نوشتن محتوای منبر؛ سوم، ارائه خلاصه محتوا به بعدی‌ها.

این کار، سبک و شیوه قشنگی است و باید از مساجد شروع شود؛ چون مساجد پایگاه ثابت است و به صورت ۳۶۵ روز در سال برنامه دارد. روحانی و امام جماعت عزیزی که هر شب ۳ دقیقه صحبت می‌کند، ۳۶۵ موضوع را به پوشه مسجد اضافه می‌کند که ۳۶۵ مسأله گفتم، ۳۶۵ نکته اخلاقی گفتم، ۳۶۵ تلنگر اعتقادی گفتم، هم مردم می‌فهمند چه چیزی شنیدند، هم روحانی می‌فهمد چه مطلبی گفته، هم بعدی‌ها می‌فهمند چه اتفاقی در آن مسجد افتاده است. امیدواریم به تعبیر امام هادی (ع) مساجد ما، محافل ما، هیئت ما، مجالس اهل بیت ما، تبدیل به کلاس درس شود؛ «بِمَوَالَتِكُمْ عَلِمْنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا وَأَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا» و اعتقاد داریم بر اساس همین جمله امام هادی در زیارت جامعه، می‌توان مجالس اهل بیت را کلاس درس کرد.



فیش نویسی حجت‌الاسلام ماندگاری

اگر امام صادق (ع) فرمودند: «فَيَدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابَةِ»، به نظر می‌رسد که این فقط مال مخاطبان نیست، مال مبلغان هم هست. مبلغ و امام جماعتی که می‌خواهد رسالت «...لِتَبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» را برای مردم اجرا بکند که در واقع امر الهی و آیه قرآن است، اگر می‌خواهد مصداق «الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ» باشد، اگر قرار است معارف دین را برای مردم بگوید، اول باید خود معارف دین را بفهمد. پس برای خود باید تنظیم شده معارف را داشته باشد؛ هم تنظیم شده‌اش و تحقیق شده‌اش. نتیجه این تحقیق و تنظیم این است که می‌تواند مطالب را برای مردم درست تبلیغ و تبیین کند.

اگر اطلاعات مردم نسبت به معارف دینی، کشکولی و پراکنده است، احتمالاً متأثر از روش نادرست روحانیون و مبلغین است. با این فرض، اگر هر مسجدی یا هر هیأتی یا هر طلبه‌ای برای هر مناسبتی یک پوشه می‌داشت و از آن به شکل یک پازل معارف دین استفاده می‌کرد،



دکتر رفیعی: اعتقادی به فیش‌های بازاری ندارم

حجت‌الاسلام دکتر رفیعی جزو کسانی هستند که با وجود اینکه از حافظه خوبی برخوردارند، تمام منبرهایشان را از اولین منبر تا به امروز در فیش‌های منبر نوشته‌اند. ایشان می‌گویند که خودشان فیش خاصی را طراحی کرده‌اند که از یک برگه A4 تشکیل شده است که هم موضوع عام دارد و هم موضوع خاص، آیه محوری دارد، جایی برای تاریخ و جایی هم برای نوشتن اشعار و قسمتی از آن هم برای شرح موضوعات قرار داده شده است.

دکتر رفیعی اعتقادی به فیش‌های بازاری ندارند و معتقدند که خیلی از این‌ها دکان است و در واقع مبلغ باید نسبت به کاری که انجام می‌دهد، خودش فیش متناسب با آن کار را تهیه نماید. ایشان در این باره می‌گویند: فیش باید شخصی باشد. خود آدم یک فیشی را تعریف کرده و با آن کار کند. یعنی براساس نیازمندی‌هایی که

“
؟؟?
”

وجود دارد، فیش را تهیه کند. غیر از این من در فیش‌های تحقیقی‌ام هم قائل به فیش شخصی هستم. البته کلیاتش همان است، ولی چیزهای جدیدی در آن تعریف می‌شود؛ یعنی بر اساس منبری که قرار است انجام شود، چینش خاصی را صورت می‌دهیم و شبیه یک فیلمنامه سیر بحث را می‌آوریم. این باعث تأثیرگذاری بیشتر منبر می‌شود.

ایشان درباره روش فیش‌برداری می‌گویند: یک آقایی من را توی ماشین دید و گفت من یک گونی فیش دارم یک منبر هم نمی‌توانم بروم، شما چطور منبر می‌روید؟

دست کردم جیمم گفتم ببین این فیش‌های من است، گفتم چه جوری گفتم یک کاغذ (A5) نصف (A4) اینطوری تا می‌زنم، بالایش نوشته‌ام این البته موضوعش دعای امام زمان (عج) است سَدِّ اَلْسِنَتِنَا بِالْصَّوَابِ مثلاً بالایش نوشته‌ام آرامش کنارش نوشتم ۹۳ یعنی سال ۹۳ تهیه شد. آن وقت از همین بالا آیات و روایات را نوشته‌ام برای آرامش بنده ۱۰ تافیش دارم آرامش ۱ الی آرامش ۱۰.

البته فیش‌های من دو جور است؛ قبل از منبر (A4) است. چیزهایی که ذهنم می‌رسد کم و زیادش می‌کنم، می‌آیم خانه وارد (A5) می‌کنم و قبلی را پاره می‌کنم. حدود ۲۰ تا پوشه دکه‌دار دارم؛ مثلاً یک پوشه در رابطه با امام حسین (ع) است، حالا اگر فیش‌های مربوط به امام حسین (ع) زیاد شده، می‌آیم می‌نویسم امام حسین ۹۳ و ۹۴ تا ۹۱ و ۹۲ هم فرق بکند. یک پوشه پیامبر اسلام، یک پوشه نوشته‌ام امام صادق (ع) تا امام عسکری (ع)، یک پوشه هم امام زمان (عج).

بعضی از مطالب درباره ائمه که گسترده است، یک پوشه مستقل مثلاً بنام حضرت زهرا (س) ایجاد می‌کنم. موضوعات هم همین‌طور یک پوشه تفسیر، یک پوشه برای متفرقه قرار دادم؛ یعنی در هیچ‌کدام این‌ها نمی‌گنجد، مثل سخنرانی در جمع نانوایان و پارکبان‌ها که این موارد را در همین پوشه متفرقه می‌گذارم. من با این فیش‌های بازاری موافق نیستم؛ خودتان در کاغذهای (A5) یا (A4) تهیه کنید. بعضی‌ها هم این فیش‌ها را تبدیل به نرم‌افزار می‌کنند. این روش من جواب داده و سال‌ها است که دارم کار می‌کنم.

اصول و فنون برداشت‌نویسی

برداشت‌نویسی از شعر

۱. توجه به شاعر و شخصیت‌شناسی او از حیث افکار و عقاید (که آیا از خُم که استفاده کرده، منظور شرب خمر است یا منظور عرفان اوست مثل امام راحل، مولوی که صوفی است یا حافظ است)؛
۲. شناخت فرهنگ زمانی و مکانی که شعر در آن صادر شده است: زمان قاجار، یا زمان انقلاب؛
۳. حالات کسی یا چیزی که شعر نسبت به او یا درباره او بیان شده است: ناصرالدین شاه، امام (چه بسا شاعر معانی دو پهلوان کلمات داشته باشد)؛
۴. توجه به معنای لغات زمان سرودن شعر؛
۵. توجه به فرهنگ واژگان و زبان و لهجه شاعر؛
۶. توجه به صنایع ادبی (معانی بیان و بدیع)؛
۷. توجه به انواع شعر؛ غزل، قصیده، حماسی و...؛
۸. دانستن سبک‌های مختلف: خراسانی، هندی و عراقی؛
۹. توجه به هماهنگی یا ناهماهنگی شعر با معارف دینی؛
۱۰. توجه به شأن صدور شعر (وقایع و حوادثی که در حالات و روحیه شاعر تأثیر گذار بوده است).



بیرون آورد. پس برای آن شریکان و همتایانی قرار ندهید. در حالی که می‌دانید ابرای خدا در آفریدن و روزی دادن، شریک و همتایی وجود ندارد.]

کتاب‌های زمین‌شناسی و نجوم، کتاب‌های مربوط به خوراکی‌ها و میوه‌ها، چه خارجی و چه داخلی را می‌دیدم.

البته این عنایت را خدا به من داشت که آنها را تحمیل به آیات و روایات نمی‌کردم. ولی آنچه به نظر من اصولی بود، آنها را با آیات و روایات درمی‌آمیختم و یک منبر جذاب و درخور و اثرگذار به وجود می‌آمد. اگر جوانانی پای منبر می‌آمدند و شبیه داشتند و یا احیاناً بی‌دین بودند، وقتی که می‌شنیدند که قرآن مجید، هزار و پانصد سال پیش به این مسائل مهم، به صورت کلی، اشاراتی دارد، برای آنان، اعتقاداً خوب بود؛ یعنی اگر تحت تأثیر تبلیغات دشمنان اسلام قرار گرفته بودند، از نظر اعتقادی نجات می‌یافتند. چون به لطف خدا، قدرت موعظه و نصیحت گوییم زیاد بود و سخنانم اثر روحی و تربیتی می‌گذاشت.

“
؟؟؟؟
”

فیش نویسی شیخ حسین انصاریان

برای منبر مطالعات گسترده‌ای انجام داده‌ام و یادداشت‌های بسیاری دارم. در بیش از بیست دفتر دویست صفحه‌ای مطالعات منبرهایم ثبت است. نزدیک به پنجاه هزار ورقه ۸۴، غیر از آن دفترها یادداشت دارم. الان اگر کسی به من بگوید سال ۱۳۴۷، کجا منبر رفته‌ای و چه گفته‌ای، می‌توانم به این دفترها مراجعه کنم و پاسخ او را بگویم که سال ۱۳۴۷ محرم و یا ماه رمضان، کجا منبر رفته‌ام و چه گفته‌ام. من روی مطالعه منابع اسلامی خیلی وقت گذارده‌ام. اگر نوارهای مرا، در ۳۰، ۴۰ سال پیش گوش کنید، می‌بینید برای مردم، از منابع اسلامی سخن گفته‌ام؛ مثلاً از رجال کثی مطلب نقل کرده‌ام. از کتاب‌های عمیق شیعه و سنی، مطالبی را در منبر برای مردم گفته‌ام. علاوه بر این، از همان آغاز، یعنی سال ۱۳۴۶ شمسی، مجله‌های علمی، کتاب‌های علمی، مانند: روان‌شناسی، نجوم و جامعه‌شناسی را در برنامه مطالعاتی خود، قرار داده‌ام. سعی ام بر این بوده که با نگاه علمی دانشمندان مغرب زمین، حتی شوروی سوسیالیستی آشنا بشوم. الان در کتابخانه‌ام، کتاب‌هایی دارم که ترجمه کتاب‌های دانشمندان مغرب زمین و شوروی است. حالا فکر نکنید اگر می‌خواستم درباره توحید، آیات توحیدی قرآن مجید را در منبر مطرح کنم، مثلاً مانند آیه شریفه «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فَرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ آن پروردگاری که زمین را برای شما بستری گسترده و آسمان را سقفی برافراشته قرار داد و از آسمان، آبی امانند برف و باران آنازل کرد و به وسیله آن از میوه‌های گوناگون، رزق و روزی برای شما

اصول و فنون برداشت نویسی

برداشت نویسی از داستان

است. طنز نیز به بیان خوشی که همراه با نیش است، اطلاق می‌شود؛ مثل فیلم مارمولک.

۱. میزان تطابق با آیات و روایات و اعتقادات و فرهنگ شیعه؛
۲. توجه به فرهنگ و آداب و رسوم مردمانی که آن لطیفه در میان آنها رایج است؛
۳. توجه به گویش محلی و الفاظ خاص مندرج در لطیفه که آن را سازگار با طبع می‌کند؛
۴. زمان و مکان صدور لطیفه؛
۵. ارتباط لطیفه با آیات و روایات؛
۶. توجه به کنایه‌ها و استعاره‌هایی که در لطیفه وجود دارد؛
۷. توجه به تضادی که خمیرمایه اعجاب و در نتیجه ملاحه در لطیفه شده است؛
۸. توجه به آثار مثبت و منفی بیان لطیفه در مکان‌ها و زمان‌ها و برای افراد مختلف؛
۹. توجه به گره‌های لطیفه‌ها با نیاز، احساس، گرایش و رفتارهای مخاطب؛
۱۰. توجه به لهجه و نحوه گویش بیان کننده (نکته روشی).

۱. تطبیق داستان با آیات و روایات و یا معارضه آنها با یکدیگر؛

۲. این که چقدر این داستان با احکام و اعتقادات و اخلاق اسلامی سازگار است (مثل جریان پیامبر (ص) و قصاص مرد عرب در آخرین روزهای حیات پیامبر (ص))؛

۳. مستند بودن یا نبودن و میزان اعتبار سند؛

۴. شخصیت‌های اصلی داستان؛

۵. توجه به زمان و مکان وقوع داستان؛

۶. پیامدهای داستان؛

۷. توجه به گره‌های داستان؛

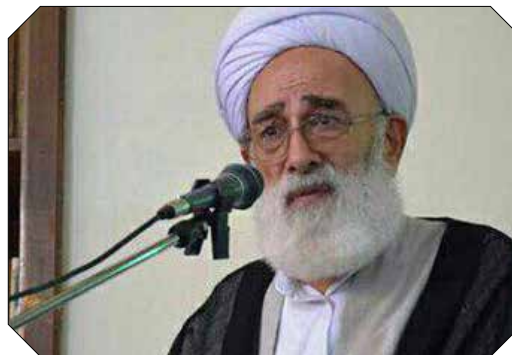
۸. توجه به برداشت‌هایی که ایجاد شبهه می‌کند؛

۹. برداشت‌های روشی.

برداشت نویسی از طنز و لطیفه

کتاب پژوهشی درباره طنز در شریعت و اخلاق صدا و سیما

در لغت فکاهی، طنز، جک و چرند و پرنده، همه یک معنا دارد. لطیفه به معنای بیان خوشی که سازگار با طبع است و گاهی همراه با پند و اندرز



فیش نویسی حجت الاسلام نظری منفرد

که به منبر داشتم، زیاد مطالعه می کردم و یادداشت برداری می نمودم. اکنون یادداشت های بسیار زیادی از آن دوران دارم. نکته دیگر آنکه منبری باید منابع دست اول در دست داشته باشد. این کتاب ها باعث اعتماد به نفس منبری می شود. همین منابع است که سبب می شود منبری بتواند بلافاصله به آن ها مراجعه کند و مطلبی را به دست آورد.

مدت مطالعه

ساعت مطالعه برای منبرهای مختلف متفاوت است. اگر سخنرانی مهمی داشته باشم، گاهی از یک یا دو روز قبل مشغول مطالعه ام. غیر از مطالعه، فکر کردن درباره آن موضوع و چگونگی ورود و خروج از بحث هم وجود دارد که از مطالعه محسوب می شود. چینش درست مواد خام و معلومات ذهنی هم خیلی مهم است؛ تا مطلب درست جا بیفتد و مستمع بتواند استفاده کند. منبرهای دیگر و معمولی این گونه نیست و یک یا دو ساعت زمان نیاز است که مصادر مختلف را بینم و مثلاً راجع به ولادت پیامبر (ص) مطالبی را درباره ولادت، اخلاق و خصوصیات آن حضرت به دست آورم.

معرفی یک منبع

کتاب سفینه البحار محدث قمی را کتاب بسیار خوبی می دانم که هر منبری به آن نیازمند است. من این کتاب را هم خوانده ام و هم فیش برداری کرده ام. این کتاب، کتاب دم دستی بنده است. نقل شده که ایشان می فرمودند: سفینه بهترین کتاب من است و بیست سال برای این کتاب زحمت کشیده اند. هم چنین «حیاء الحیوان» دمیری نیز کتاب خوبی برای اهل منبر است و داستان های زیبایی دارد.

شیوه مطالعاتی

دو شیوه مطالعاتی در خطابه وجود دارد تا انسان بتواند خطابه خوبی ارائه دهد: شیوه اول اینکه خطیب به اقتضای هر موضوعی که برای آن باید منبر برود، کتاب یا کتاب هایی را مطالعه و فیش برداری کند تا بتواند منبر خوبی ارائه دهد. اما اینکه کسی امروز برود و کتابی همانند ناسخ التاریخ را از ابتدا تا انتها مطالعه کند، نه حوصله آن هست و نه بسیاری از مطالب آن به کار منبر می آید. آری، می توان برای مطالعه، امثال این کتاب گزینش کرد.

شیوه دوم این است که انسان کتاب یا کتاب هایی را انتخاب کند و از ابتدا تا انتهای آن را مورد مطالعه قرار دهد، از آن فیش برداری کند و بر اساس آن منبر برود.

چند نکته:

نکته اول آنکه اگر خطیب بتواند به دانستنی های خودش اتکا کند و آیات و روایات را به صورت صحیح از حفظ بخواند، طبیعتاً نشانه رشد و برتری اوست؛ و الا در مواردی ایجاب می کند که انسان از روی کتاب بخواند؛ شرایط مهم است. بنده در دوران جوانی سعی کردم از فرصت جوانی به صورت بهینه استفاده کنم و تا آنجا که توانستم به لحاظ شوق و علاقه ای

اصول و فنون برداشت نویسی

باکس برداشت نویسی از نقل قول

۱. شخصیت گوینده؛
۲. انطباق یا عدم انطباق با معارف اسلامی (دین)؛
۳. زمان و مکان نقل قول؛
۴. مخاطب نقل قول؛
۵. هدف از بیان نقل قول؛
۶. مستند بودن؛
۷. مستدل بودن؛
۸. علمی بودن؛
۹. شبهات احتمالی به خاطر بیان نقل قول؛
۱۰. صحت یا عدم صحت نقل قول.

برداشت نویسی از ضرب المثل

۱. خاستگاه ضرب المثل: توجه به حکایت و ماجرای که موجب پیدایش

ضرب المثل شده است؛

۲. ضرب المثل ها تک ملیتی و چند ملیتی هستند؛
۳. ضرب المثل ها برگرفته از قرآن و احادیث و سنت هستند (مطابقت و عدم مطابقت با قرآن و روایات)؛
۴. سازگار بودن ضرب المثل با معارف دینی؛
۵. صحت یا عدم صحت محتوای ضرب المثل (خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو. می بخور منبر بسوزان مردم آزاری نکن)؛
۶. زمان و مکان وقوع ضرب المثل؛
۷. نوع ارتباط دادن ضرب المثل با مخاطبان مختلف (به کجای نیاز مخاطب ارتباط داده می شود؟)؛
۸. میزان تأثیرگذاری در احساس، اندیشه و رفتار مخاطب؛
۹. قابلیت بیان شدن در سخنرانی؛
۱۰. موضوعات و مواردی که این ضرب المثل در آن کاربرد دارد (موارد کاربرد)؛
۱۱. مخاطبانی که می شود ضرب المثل را برای آنها بیان کرد.

“
؟؟?
”

عنوان بندی در فیش نگاری

یکی از دقیق ترین روش ها برای تنظیم مطالب فیش، مرتب کردن بر اساس موضوعات متعدد است. این دسته بندی در قالب های زیر خواهد بود:

محتوای اسلام صمد نظری
معاون پژوهش مرکز
آموزش های تخصصی
تبلیغ

۱. موضوع کلی

منظور از موضوع کلی در فیش برداری، غالباً عناوین و اسامی علوم و دانش هاست؛ مانند علم اخلاق، تاریخ، روانشناسی، فقه، کلام، فیزیک، شیمی، ریاضی، جامعه شناسی و... که معمولاً در تحقیقات رایج و متداول، موضوع و عنوانی بالاتر از این ها بکار گرفته نمی شود تا همه این عناوین در زیر مجموعه آن قرار گیرند. اگر چه در تحقیقات پیچیده و بر طبق موضوع بندی، موضوعات کلی تری از قبیل علوم اجتماعی، علوم عملی، علوم خالص، دین و... وجود دارد. با این وجود می توان بعضی از موضوعات کلی به ترتیب الفبایی ارائه کرد که عبارتند از:

۱. اخلاق
۲. ادبیات
۳. ادیان و مذاهب و فرقه ها
۴. اصول فقه
۵. اقتصاد
۶. انساب و شجره شناسی
۷. انسان شناسی
۸. باستان شناسی
۹. بازرگانی
۱۰. پزشکی
۱۱. تاریخ
۱۲. تراجم و سرگذشتنامه ها
۱۳. تعلیم و تربیت
۱۴. جامعه شناسی و مسائل اجتماعی
۱۵. جغرافیا
۱۶. حدیث و درایه
۱۷. حقوق
۱۸. رجال (راوی شناسی)
۱۹. روان شناسی
۲۰. زبان (شناسی)
۲۱. عرفان
۲۲. علوم سیاسی
۲۳. علوم قرآنی
۲۴. علوم نظامی
۲۵. فقه (فروع دین)
۲۶. فلسفه
۲۷. کشاورزی
۲۸. کلام و عقاید
۲۹. مدیریت
۳۰. مکاتب (فلسفی)
۳۱. نجوم و هیئت
۳۲. ورزش و تربیت بدنی
۳۳. هنر

۲. موضوع عام

موضوع عام عبارت از موضوعات جزئی هر موضوع کلی است که تمام آنها زیر مجموعه عنوان جامع موضوع کلی قرار می گیرند؛ مثلاً

۳. موضوع خاص

موضوع خاص عبارت از موضوعاتی جزئی هر موضوع عامی است که تمامی آنها زیر مجموعه عنوان جامع موضوع عام قرار می گیرند؛ مثلاً موضوع عام تقوا، دارای موضوعات خاصی از قبیل تعریف تقوا، ارزش و اهمیت تقوا، آثار و فواید تقوا، عوامل و موانع متقی شدن، صفات متقین و... است که تمامی آنها زیر مجموعه عنوان جامع موضوع عام تقوا قرار می گیرند.

۴. موضوع اخص

موضوع اخص یا خاص تر، عبارت از موضوعات جزئی هر موضوع خاصی است که تمامی آنها زیر مجموعه عنوان جامع موضوع خاص قرار می گیرند؛ مثلاً موضوع خاص آثار و فواید تقوا، دارای موضوعات اخصی از قبیل آثار و فواید معنوی، آثار و فواید اجتماعی، آثار و فواید اقتصادی و... است که تمامی آن ها زیر مجموعه عنوان جامع موضوع خاص آثار و فواید تقوا واقع می شوند.

۵. خلاصه فیش

در این قسمت خلاصه ای کوتاه و گویا از مطالب فیش ارائه می شود؛ به گونه ای که خواننده بتواند با مطالعه آن بفهمد که محتوای فیش چیست؟ دقت و ظرافت در نوشتن خلاصه، حایز اهمیت است؛ به خصوص از این جهت که گاهی افراد دیگری غیر از نویسنده ممکن است بخواهند از آن استفاده کنند.

۶. مناسبت

عمده مطالب و محتواهای تبلیغی، اختصاص به زمان خاص ندارند و در هر مناسبتی می توان از آنها بهره برد. اما برخی از مواد فقط در مناسبت های خاص قابل عرضه هستند و یا مناسبت های خاصی برای ارائه آنها مناسب تر است. چنانچه محتوای فیش برای هر زمان و مناسبتی قابل عرضه باشد، در مقابل گزینه مناسبت می نویسیم (عمومی) و در صورتی که اختصاص به مناسبت خاص داشته و یا برای مناسبتی اولویت خاص دارد، نام آن مناسبت را ثبت می کنیم؛ مثلاً می نویسیم: محرم، صفر، ماه مبارک رمضان، دهه فجر، ایام فاطمیه و....

؟؟؟؟



۷. مخاطب

بیشتر مطالب تبلیغی را برای همه انواع مخاطبان نیز می‌توان بیان کرد و برای همه آنها مفید و موثر است. اما برخی از مطالب برای مخاطبان خاصی اولویت بیشتری دارند و یا فقط می‌توان آنها را برای مخاطبان خاصی بیان کرد. در صورت خاص بودن، نام مخاطب را در مقابل عنوان مخاطب می‌نویسیم مثل: جوانان، نوجوانان، کودکان، میانسالان، بانگیزه، بی‌انگیزه، باسواد، متخصص، کم‌سواد و... و در غیر این صورت، در مقابل این عنوان می‌نویسیم: عمومی.

۸. نوع مطلب

منظور از نوع مطلب در اینجا، نام ماده سخن است؛ یعنی آیه، روایت، داستان، حکایت، داستان‌واره، شعر، سخن حکیمانه، ضرب‌المثل، مثال یا تشبیه، سخن بزرگان و...

در صورتی که در یک موضوع اخص، فیش‌های زیادی تهیه کرده باشیم و بخواهیم بعضی از آنها را گزینش کرده و در منبر استفاده کنیم، برای رعایت تنوع می‌توانیم با نگاه به این گزینه، انواع مواد را استخراج کرده و از آنها بهره بگیریم.

۹. نمایه

اغلب مطالبی که در یک برگه فیش نوشته می‌شوند، در چند موضوع و سخنرانی جداگانه قابل استفاده هستند. دلیل این امر این است که نکته‌های فراوانی از آنها برداشت می‌شود و هر یک از این نکته‌ها به موضوع خاص یا اخصی ربط پیدا می‌کند. ما غالباً از زاویه موضوع بحث خودمان به یک ماده سخن توجه می‌کنیم و از نکات دیگر قابل استفاده در آن غفلت می‌کنیم. به بیان دیگر، محتوای یک فیش به چند موضوع خاص یا اخص ربط

پیدا می‌کند؛ گرچه ارتباط آن به یک موضوع خاص ممکن است قوی‌تر و صریح‌تر باشد. معمولاً عنوان موضوع مرتبط را در مقابل عنوان موضوع خاص می‌نویسیم. اما برای اینکه در منبرهای دیگر نیز از این فیش استفاده کنیم، نام موضوعات خاص یا اخص دیگری که به این فیش ربط دارد را نیز در بخش نمایه‌ها می‌آوریم. در واقع نمایه‌ها، موضوعات اخص دیگری هستند که محتوای این فیش در آنها هم کارایی دارد.

۱۰. منبع

در مقابل عنوان منبع باید آدرس کامل مطلبی که در فیش تدوین شده است، آورده شود. منبع فیش ممکن است یکی از موارد زیر باشد که در هر مورد باید به ترتیبی که بیان می‌شود به صورت کامل آدرس داد.

الف. کتاب: نام کتاب، نام نویسنده، نام مترجم، نام ناشر، محل نشر، سال نشر، نوبت چاپ، شماره جلد، شماره صفحه.
ب. قرآن کریم: نام سوره، شماره سوره، شماره آیه.
ج. مطبوعات: نوع جریده (فصلنامه، ماهنامه، هفته‌نامه، روزنامه و...)، نام جریده، شماره جریده، تاریخ نشر، نام نویسنده، صفحه.
د. اینترنت: آدرس سایت، نام سایت یا وبلاگ، نام نویسنده، تاریخ ارائه توضیحات خاص.

ه. لوح فشرده: نام، نام تولیدکننده، شماره نگارش، توضیحات خاص. و. نقل قول: نام گوینده، مکان ارائه مطلب، مناسبت بیان مطلب، تلفن گوینده در صورت امکان، ایمیل گوینده در صورت امکان، تاریخ بیان مطلب.

تذکر: دقت داشته باشیم که مطالب باید از منبع دست اول تهیه شوند و هر یک از موارد فوق در شرایط خاصی می‌تواند دست اول باشد.

حجت‌الاسلام شرعی: تصرف کم کن و بر مبلغ افزا

عقیده ایشان، فضا سازی در منبر خیلی مهم است و مرحوم فلسفی در این کار بسیار حرفه‌ای بود. به جای اینکه بگوید فلانی از اتاق رفت توی حیاط می‌گفت: از حجره بیرون آمد، پله‌ها را قدم قدم پایین آمد و وارد حیاط شد.

محتوای منبر در طول مطالعه جمع‌آوری می‌شود. من در مسیر مطالعاتم که بیشتر در سبک‌ها بوده، محتوا را جمع‌آوری کرده‌ام، سبک آقای شیخ حسن نوری همدانی و آیت‌الله استادی در این مسیر بسیار کمک می‌کند. به طلاب جوان توصیه می‌کنم یکصد منبر از یکی از منبری‌های معروف را با دقت گوش دهند و بنویسند. حتی گاهی نوع لحن منبری را هم در کنار مطلب بیاورند که مثلاً صدایش را بالا برد یا با عصبانیت این حرف را زد، آن وقت می‌بینید که خیلی خوب به نتیجه می‌رسند؛ یعنی ابتدا تئوری، بعد عملی، در تمرین‌هایی که انجام می‌دهند، به این هنر دسترسی پیدا می‌کنند.

حجت‌الاسلام عبدالکریم شرعی از خطبای نامدار حوزه علمیه قم هستند. به عقیده ایشان تمام حرف پیرامون چگونگی یک منبر خوب را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد و آن اینکه: تصرف کم کن و بر مبلغ افزا، و فرمودند نباید در منبر لفاظی کرد. باید مطلب به اندازه کافی داشت تا یک منبر خوب و موفق را تحویل مخاطب داد. ورود به بحث خیلی مهم است که دو ویژگی باید داشته باشد: یکی اینکه از نظر محتوا مناسب باشد، دوم اینکه متناسب با مخاطب باشد؛ یعنی برای مردم عادی با مقدمه فلسفی شروع نکنی، با داستان شروع کنی. اصلاً می‌شود با یک روایت یا آیه شروع کرد. حجت‌الاسلام شرعی، محتوای تمام سخنرانی‌هایشان را با ذکر منابع در دفترهای گوناگون جمع‌آوری نموده‌اند، و فیش‌هایی را که برای منبر آماده می‌کنند، خلاصه کل منبر را در خودش جای داده است. علاوه بر اینکه آدرس هر مطلب بر اساس دفاتر در برگه منبر می‌آید، دفاتر هم فهرست دارد که دست‌یابی به مطالب را برای مراجعه‌کننده آسان می‌کند. به

“
؟؟?
“

سخن را نیک باید تا بیاید^۱

روش چینش فیش‌های تبلیغ در سخنرانی

نویسنده و پژوهشگر:
سعید چمبیدی

یکی از مهارت‌های تبلیغی، نحوه چینش فیش‌های تبلیغ در کنار یکدیگر برای به دست آوردن محتوای یک سخنرانی است. صورت و شکل ظاهری سخنرانی و نحوه چینش و ترتیب فیش‌های تبلیغ، نقش بسزایی در اثرگذاری محتوا دارد و بر اساس قالب‌های ۲ سخن و اهداف سخنرانی، شکل‌های مختلفی پیدا می‌کند. بدین منظور سعی شده است به انواع چیدمان فیش که بیشترین تأثیرگذاری را در سه حوزه اندیشه، احساس و رفتار مخاطب دارد و تأمین‌کننده بخش عمده‌ای از اهداف سخنرانی است، اشاره شود.

“
؟؟؟؟
”

را به فکر فرو می‌بریم، به گونه‌ای که از گزارش ارائه‌شده تعجب کند. سپس ابهام را مرتفع کرده و مسئله را روشن می‌کنیم؛ مثلاً در ابتدای سخن می‌گوییم حجاب یکی از منفورترین مسائل در آیات و روایات است و کمی در این باره صحبت می‌کنیم و سپس ابهام را باز کرده و عنوان می‌نماییم که این حجابی که ما از آن یاد کردیم، منظور حجابی است که اجازه دیدن حقایق را به انسان نمی‌دهد؛ همان حجابی که شاعر می‌گوید: تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز. مسلم است که در این قالب فیش‌ها باید به گونه‌ای در کنار یکدیگر چیده شوند که موضوع سخن در ابتدای بحث مشخص نشود. ۴. مقدمه چینی‌های متوالی: گاهی از زوایای مختلف به یک مسئله نگاه می‌کنیم و نسبت به هر زاویه مقدمه‌ای بر آن ارائه می‌کنیم و سپس ذی‌المقدمه را می‌آوریم؛ مثلاً اگر قرار است در موضوع افسردگی سخنرانی کنیم، در چند مقدمه معنای افسردگی، ارتباط افسردگی با نشاط، ارتباط افسردگی با پر خاشگری و... را به عنوان مقدمات بحث بیان می‌کنیم و سپس به اصل بحث، یعنی افسردگی می‌پردازیم. چینش فیش‌ها در این قالب بدین گونه است که برای هر مقدمه فیش‌های مناسب با آن را قرار می‌دهیم، به گونه‌ای که در نهایت، این مقدمات در کنار یکدیگر ما را به نتیجه مطلوب برساند. چینش، تقسیم‌بندی‌های دیگری نیز دارد که در آینده به آن خواهیم پرداخت.

پی‌نوشت:

۱. بیاید: ماندگار شود (شعر از: منصور مقدم جوقنایی).
۲. قالب در لغت به معنای شکل و هیئت و در اصطلاح به معنای شکل ظاهری و ساختار سخن است.

چینش عبارت است از تقدیم، تأخیر، تنظیم و ترتیب محتوای سخن که بر اساس قالب‌های سخن به پنج نوع قابل تقسیم است:

۱. بیان موضوع، شرح موضوع: در این قالب یک موضوع به صورت عادی مطرح شده و توضیح داده می‌شود و فیش‌های تبلیغ بدین گونه در کنار هم قرار می‌گیرند که ابتدا توضیح اصطلاحات و مفاهیم می‌آید و سپس توضیحی درباره موضوع می‌دهیم و در ادامه به شرح مفصل و کامل موضوع می‌پردازیم. این نحوه استفاده از فیش‌ها در اکثر سخنرانی‌ها مرسوم است.

۲. طرح مسئله، حل مسئله: در این قالب، یکی از مسائل، مشکلات یا نیازهای مخاطب با مقدمه چینی مناسب و تبیین مسئله، به گونه‌ای مطرح می‌گردد که یکی از مسائل اساسی را نشان دهد و سپس در ادامه راه حل‌هایی برای رفع مشکل و پاسخ به سؤال مطرح می‌گردد. با طرح زوایای یک مسئله می‌توان اهمیت و ارزش آن را برای مخاطب اثبات نمود. در این قالب به جهت مهم مطرح کردن مسئله، تحریک احساس در مخاطب قوی‌تر است.

برای حل مسئله می‌توان به شیوه‌های مختلفی فیش‌ها را دسته‌بندی کرد؛ مثلاً می‌توانیم در ابتدا چند جواب به ظاهر درست را مطرح کنیم و در مورد هر کدام کمی توضیح دهیم و در نهایت به جواب صحیح بپردازیم و به غلط بودن جواب‌های اولیه اشاره کنیم. بنابراین شیوه، فیش‌های تبلیغ باید در دو محور سازماندهی شوند. محور اول، طرح سؤال است که در این قسمت از فیش‌هایی استفاده می‌کنیم که در طرح و پرورش صورت مسئله بیشتر به ما کمک کند و محور دوم حل مسئله است که از فیش‌هایی بهره می‌بریم که در پاسخ به سؤال، ما را یاری دهند.

۳. ایجاد ابهام، رفع ابهام: در این قالب ابتدا ابهامی را در سخن ایجاد کرد، به ابعاد موضوع می‌پردازیم و در ادامه، ابهام را برطرف می‌کنیم؛ مثلاً در ابتدای سخن چند گزارش از چند جلسه بیان کرده، مخاطب



نمونه فیش‌ها

نمونه فیش آیه			
فیش تبلیغ	شماره فیش ۱/۱	یا ۵۰۷/۱	
موضوع عام: احسان	مخاطب: عمومی	نمایه: ۱. شیوه‌های سخن گفتن با والدین	عنوان فیش: اهمیت و راهکارهای احسان به والدین در دوران کهولت در قرآن
موضوع خاص: احسان به والدین	مناسبت: عمومی	۲. اهمیت احترام به پدر و مادر	
موضوع اخص: احسان به والدین در پیری	نوع مطلب: آیه	۳. آداب برخورد با پدر و مادر	
		۴. سخن کریمانه	
		۵. خانه سالمندان	
قال الله تبارک و تعالی: وقضى ربك ألا تعبدوا إلا آياه و بالوالدين احسانا اما یبلغن عندک الکبر احدهما او کلاهما فلا تقل لهما اف و لا تقهرهما و قل لهما قولا کریما. ۱. ترجمه: پروردگارت مقرر داشت که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید اگر یکی از آن دو و یا هر دو نزد تو به پیری رسیدند به آنان اف مگو و آنان را از خود مران و با آنان سنجیده و بزرگوارانه سخن بگو. برداشت‌های تفسیری: ۱. احسان به والدین از صفات انبیاء است کما اینکه نسبت به حضرت عیسی (ع) توصیف برآ بوالدتی آمده است. ۲. والدین تنها پدر و مادر طبیعی نیستند، در برخی از احادیث پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) پدران این امت شمرده شده‌اند. (انا و علی ابوا هذه الامة) ۳. اگر والدین توجه کنند که پس از توحید مطرح هستند انگیزه دعوت فرزندان به توحید در آنان زنده می‌شود. ۴. در احسان به والدین، مسلمان بودن آنها شرط نیست بالوالدین مطلق آمده است. ۵. پدر و مادر سالمند را به آسایشگاه نبریم که این مطلب از عندک فهمیده می‌شود. ۶. علامه طباطبائی در المیزان مهم‌ترین عامل در از بین رفتن اجتماع و شیرازه آن را احسان به والدین می‌داند. ۷. باء در بالوالدین به معنای این ممکن است باشد که شخصا و بدون واسطه آنها را مورد احترام قرار بدهید. ۲.			
منبع:			
۱. سوره اسراء (۱۷)، آیه ۲۳.			
۲. برداشت‌ها برگرفته از تفاسیر المیزان، نور و نمونه می‌باشد.			

“
؟؟?
”

“
؟؟؟؟
”

نمونه فیش روایت			
فیش ۲/۱ یا ۴۲/۱		فیش تبلیغ	
نمایه: ۱. نشانه‌های عاقبت بخیری ۲. اهمیت امام‌شناسی ۳. آمادگی برای مرگ ۴. ملاک‌های شناخت واقعی	موضوع عام: امام‌شناسی	مخاطب: عمومی	عنوان فیش: مرگ جاهلی نتیجه نشناختن امام
	موضوع خاص: عدم شناخت امام	مناسبت: عمومی	
	موضوع اخص: عواقب عدم شناخت امام	نوع مطلب: روایت	
قال رسول الله (ص): من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة. ۱			
ترجمه: کسی که بمیرد در حالی که امام خود را نشناخته باشد به مرگ جاهلیت مرده است. برداشت‌ها: ۱. شناخت واقعی با شناخت امام زمان حاصل می‌شود. ۲. کسانی که با امام زمان خود بیگانه هستند عاقبت بخیر نخواهند شد. ۳. معرفت واقعی به امام زمان آن معرفتی است که انسان را از افکار، آداب و رسوم جاهلی دور سازد پس معرفتی که این اثر را ندارد اساساً معرفت نیست. ۴. شناخت اهل بیت، شناخت شناسنامه‌ای نیست؛ زیرا در تاریخ کسانی بوده‌اند که این شناخت را داشتند ولی در مقابل امام زمان خود قرار گرفتند و به جاهلیت پایبند بودند. ۵. زمان مرگ نامعلوم است پس برای شناخت زمان باید تعجیل کرد تا به مرگ جاهلی از دنیا نرفت.			
منبع: ۱. شرح المقاصد فی علم الکلام ۲/۲۷۵، محاسن برقی، ج ۱، ص ۱۵۳، ح ۷۸؛ از امام صادق (ع).			

نمونه فیش شعر			
شماره فیش ۳/۱ یا ۲۷۶/۱		فیش تبلیغ	
نمایه: ۱. وضعیت اخروی ریاکار ۲. رسوایی نتیجه نفاق ۳. زیبایی‌های لحظه‌ای و ناپایدار	موضوع عام: ریا	مخاطب: عمومی	عنوان فیش: رسوایی نتیجه ریاکاری در شعر آقای محدثی
	موضوع خاص: عواقب ریا	مناسبت: عمومی بویژه هنرمندان	
	موضوع اخص: رسوایی ریاکاری	نوع مطلب: شعر	
آنروز که پشت پرده افشا گردد سیمای گریم کرده رسوا گردد. تزویر و ریا نمایش ننگینی است زشت است اگر چه خوب اجرا گردد. برداشت‌ها: ۱. ریا گرچه خوش نمایش داده می‌شود ولی سرانجام زشتی آن روشن می‌شود. ۲. در روز قیامت ریاکاری موجب رسوایی بدی می‌شود. ۳. یکی از نمایش‌های ننگین این دنیا ریاکاری است. ۴. باطل رفتنی است گرچه ظاهر زیبایی داشته باشد. ۵. از عقوبت‌های الهی نباید غافل شویم که در آینده تاوان اعمال خود را باید بپردازیم. ۶. منافق باطن کثیف دارد و به همین خاطر باطن خود را رو نمی‌کند. ۷. زیبایی‌های ساختگی پایدار نیست.			
منبع: محدثی، جواد، برگ و بار، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰، قم، چ اول، ص ۲۹۸.			

فیش‌های سرگردان

بررسی نحوه بایگانی فیش‌های تبلیغی

مرحله پایانی در فیش‌های تبلیغی دست‌نویس، بایگانی آنهاست. پس از تکمیل یک فیش تبلیغی، یعنی نوشتن متن فیش، ترجمه، یادداشت برداری، پر کردن موضوعات (عناوین) و نمایه زدن، باید این فیش را بایگانی و ساماندهی نمود. برای بایگانی، روش‌های متفاوتی وجود دارد که ما به آخرین مدل ارائه‌شده آن خواهیم پرداخت. در این روش نیاز به یک دفترچه راهنمای بایگانی فیش داریم که دارای فواید و کارکردهای زیر باشد.

نویسنده و پژوهش‌گر:
احمد قاسمی، کارشناسی
مرکز تخصصی تبلیغ



نگاه

۱. دسترسی آسان و سریع به فیش‌های مورد نیاز و جلوگیری از اتلاف وقت؛
۲. جلوگیری از دوباره‌نویسی یا چند بار نویسی فیش‌ها؛
۳. ثبت فیش‌های کمکی برای موضوع‌های مختلف؛
۴. مشخص نمودن فیش‌های اختصاصی برای موضوع‌ها، مناسبت‌ها، مخاطبان، و گریزهای متناسب با هر موضوع.

بخش دوم: موضوعات

در این بخش برای هر موضوعی که در فهرست موضوعات ثبت کرده‌ایم، یک صفحه کامل اختصاص می‌دهیم و آن را با همان نام موضوع نامگذاری می‌کنیم، مثلاً «موضوع: دوست‌یابی»، در ذیل آن یک جدول به صورت زیر رسم می‌کنیم و هر فیشی که در این موضوع نوشته‌ایم و نمایه مرتبط با این موضوع را در این صفحه ثبت می‌کنیم.

کد	موضوع	نوع مطلب
۱/۱	دوست‌یابی	آیه
۲/۱	همنشین بد داستان	

بخش سوم: مخاطبان

برای این قسمت صفحاتی در نظر گرفته می‌شود که در بالای آن نوع مخاطب مشخص شده است. چنانچه فیشی برای مخاطبان خاص (مثل جوانان، نوجوانان، مذهبی‌ها، بانوان، زندانیان و...) نوشته شده است، کد، موضوع فیش و نوع مطلب را (طبق جدول) علاوه بر قسمت موضوعات، در این صفحه نیز ثبت می‌کنیم. باید توجه داشت هر صفحه برای یک مخاطب خاص خواهد بود.

بخش چهارم: مناسبت‌ها

این بخش نیز تقریباً مثل بخش سوم است، با این تفاوت که در اینجا هر صفحه اختصاص به یک مناسبت خاص دارد، مثل اربعین، روز معلم، روز زن، روز ارتش و...

بخش پنجم: گریزها

در این بخش، در مورد فیش‌هایی که به نوعی برای گریزهای سخنرانی مناسب باشد، برای هر شخصیت یا موضوع یک صفحه اختصاص می‌دهیم و کد، موضوع و نوع مطلب را طبق جدولی که گذشت ثبت می‌کنیم، مثلاً گریز: حضرت زهرا، سپس مشخصات هر فیشی را که به منظور گریز نوشته می‌شود، یا نمایه فیش‌های دیگر است و مربوط به حضرت زهرا است، مشخصات آن را در این صفحه ثبت می‌کنیم.

نکته: ممکن است مشخصات یک فیش در تمام این پنج بخش ثبت شود و برای همه مناسب باشد. همچنین ممکن است فقط در یک بخش کاربرد داشته باشد.

۱. دسترسی آسان و سریع به فیش‌های مورد نیاز و جلوگیری از اتلاف وقت؛
 ۲. جلوگیری از دوباره‌نویسی یا چند بار نویسی فیش‌ها؛
 ۳. ثبت فیش‌های کمکی برای موضوع‌های مختلف؛
 ۴. مشخص نمودن فیش‌های اختصاصی برای موضوع‌ها، مناسبت‌ها، مخاطبان، و گریزهای متناسب با هر موضوع.
- قبل از بایگانی توجه داشته باشیم که در فیش‌های تبلیغی که نوشته می‌شود باید موضوع عام، خاص و نمایه‌ها، کاربردی، یقینی و قابل ارائه برای یک منبر کامل باشند. و مبلغ نیز در صورت وجود مطلب، قصد نوشتن فیش در آن موضوع را داشته باشد.
- این دفترچه شامل پنج بخش است:

بخش اول: شماره‌ها

این قسمت در واقع فهرست موضوعی فیش‌هاست. به این صورت که پس از کامل شدن فیش، در قسمت شماره فیش، عددی را با توجه به دفترچه راهنما به این موضوع اختصاص می‌دهیم؛ مثلاً ۱/۱ که عدد سمت چپ ممیز، نشان دهنده شماره موضوع و عدد سمت راست نشانگر تعداد فیش‌های این موضوع خواهد بود. همچنین در جدول فهرست موضوعات، نام موضوع و کد اختصاصی آن را ثبت می‌کنیم. پس از ثبت کد اصلی به سراغ نمایه‌های موجود در این فیش رفته، برای هر نمایه یک کد اختصاصی قرار می‌دهیم و موضوع و کد مورد نظر را در فهرست ثبت می‌کنیم؛ مثلاً موضوع اصلی در فیش اول دوست‌یابی است که کد ۱/۱ را به آن اختصاص دادیم. حال اگر اولین نمایه ما عواقب همنشین بد باشد، به آن کد ۲/۱ را اختصاص می‌دهیم.

شماره یا کدگذاری فیش‌ها:

۱. هر فیش باید شماره یا کد داشته باشد تا بتوان آن را بایگانی نمود؛
 ۲. برای شماره گذاری فیش‌ها از یک ممیز استفاده می‌شود؛
 ۳. عدد قبل از ممیز نشان دهنده کد موضوع عام است.
- * کدگذاری موضوعات عام:
- مدل ۱: بر اساس هر فیش که نوشته می‌شود برای موضوع عام آن به ترتیب از عدد ۱، ۲، ۳ و... کدگذاری صورت پذیرد.
- مدل ۲: بر اساس فهرست موضوعات عام به ترتیب حروف الفبا، برای هر موضوع کد تعریف شود.
۴. عدد بعد از ممیز نشان دهنده تعداد فیش در آن موضوع عام می‌باشد.
- تهیه دفترچه راهنما:
۱. برای هر موضوع عام یک صفحه اختصاصی جهت نوشتن آدرس و

“
؟؟?
”

بایگانی فیش

امیرحسین
نظری

بایگانی فیش‌ها در واقع نوعی بانک فیش است که زمینه‌ساز بهره‌مندی بهتر و ارتقای بیشتر موضوع طرح شده در منبر است. در بسیاری موارد به دلیل عدم ثبت موضوعات و همچنین کثرت مطالب طرح شده طی سالیان و نیز مسئله طبیعی فراموشی، دچار تکرار در بیان مطالب شود که بی‌شک آسیب‌زا و مخرب کار تبلیغی و منبر است. براین اساس بهترین راه‌حل، ایجاد یک بانک فیش است که نمونه چیدمان آن در ذیل آمده است.

کدگذاری موضوعات عام مدل ۱

کد	موضوع	کد	موضوع	کد	موضوع	کد	موضوع
۱	نیکوکاری، احسان	۱۱	شناخت	۲۱	موضوع	۳۱	موضوع
۲	امام‌شناسی	۱۲	نفاق - دورویی	۲۲	موضوع	۳۲	موضوع
۳	ریا	۱۳	زیبایی - جمال	۲۳	موضوع	۳۳	موضوع
۴	میهمانی	۱۴	قناعت	۲۴	موضوع	۳۴	موضوع
۵	زندگی	۱۵	حضرت محمد(ص)	۲۵	موضوع	۳۵	موضوع
۶	والدین	۱۶	شکر	۲۶	موضوع	۳۶	موضوع
۷	سخن - کلام	۱۷	توفیق	۲۷	موضوع	۳۷	موضوع
۸	پیری - شیب	۱۸	ولایت	۲۸	موضوع	۳۸	موضوع
۹	عاقبت	۱۹	تعهد	۲۹	موضوع	۳۹	موضوع
۱۰	مرگ - موت	۲۰	تکلیف	۳۰	موضوع	۴۰	موضوع

“
؟؟؟؟
”

موضوع: زندگی کد: ۵ یا ۲۹۶

کد فیش	موضوع خاص یا اخص یا نمایه‌ها در فیش	نوع مطلب
۱	چگونگی مهندسی، حساب و کتاب، راه‌های کسب توفیق، دوری از سطحی‌نگری در زندگی	نثر ادبی

موضوع: نیکوکاری، احسان کد: ۱ یا ۵۰۷

کد فیش	موضوع خاص یا اخص یا نمایه‌ها در فیش	نوع مطلب
۱	احسان به والدین در پیری	آیه

موضوع: والدین کد: ۵۰۹ یا ۶

کد فیش	موضوع خاص یا اخص یا نمایه‌ها در فیش	نوع مطلب
۵۰۷ یا ۷۱	شیوه‌های سخن گفتن با والدین - اهمیت احترام به پدر و مادر - آداب برخورد با پدر و مادر	آیه

موضوع: امام‌شناسی کد: ۲ یا ۴۲

کد فیش	موضوع خاص یا اخص یا نمایه‌ها در فیش	نوع مطلب
۱	عواقب عدم شناخت امام - اهمیت امام‌شناسی	حدیث

موضوع: ریا کد: ۳ یا ۲۷۶

کد فیش	موضوع خاص یا اخص یا نمایه‌ها در فیش	نوع مطلب
۱	رسوایی ریاکاری - وضعیت اخروی ریاکار	شعر

موضوع: سخن، کلام کد: ۷ یا ۳۰۸

کد فیش	موضوع خاص یا اخص یا نمایه‌ها در فیش	نوع مطلب
۵۰۷ یا ۱/۱	سخن کریمانه	آیه

موضوع: پیری، شیب کد: ۸ یا ۱۱۲

کد فیش	موضوع خاص یا اخص یا نمایه‌ها در فیش	نوع مطلب
۵۰۷ یا ۱/۱	خانه سالمندان	آیه

موضوع: میهمانی کد: ۴ یا ۴۸۱

کد فیش	موضوع خاص یا اخص یا نمایه‌ها در فیش	نوع مطلب
۱	پرهیز از تکلف در میهمانی - سادگی در میهمانی - دلجویی از میهمان	لطیفه



نگاه

معرفی کتاب روش شناسی مطالعات دینی

تطبیقی، تجربی و پدیدارشناختی. مطالعات میان رشته‌ای به منزله مهم‌ترین پیام این کتاب در گفتار شانزدهم بررسی شده است و در گفتار پایانی کتاب با نمونه‌هایی از این روی آورد مطالعاتی در عرصه پژوهش‌های دینی در میراث کهن اسلامی آشنا می‌شویم. از ویژگی‌های این کتاب، فرایند تعاملی با مخاطب است بدین گونه که مؤلف پس از طرح موضوع در هر بخش، از مخاطب می‌خواهد نظر خویش را یادداشت کند. سپس به کنکاش در موضوع مطرح شده می‌پردازد و آن گاه از مخاطب می‌خواهد نظر خود را با گفته‌های کتاب مقایسه کند. بیان مثال در زمینه‌های مورد بحث و طرح پرسش‌هایی در پایان هر گفتار نیز بر غنای این اثر افزوده است.

این کتاب که بسیار مورد توجه قرار گرفته و در کمتر از سه سال به چاپ پنجم رسیده است، حاصل برگزاری چهل کارگاه آموزشی برای استادان و دانش پژوهان حوزه و دانشگاه در این زمینه بوده است. آذرماه سال ۱۳۸۸، ویرایش دوم این اثر در ۴۳۰ صفحه قطع وزیری، از سوی انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی روانه بازار شده است.

این کتاب با انگیزه افزایش بهره‌وری و کارآمدسازی پژوهش‌ها در حیطه مطالعات دینی در قالب هفده گفتار سامان یافته است. دو گفتار آغازین به تعریف مبانی تصویری و مفاهیم کلیدی این کتاب می‌پردازد که تعریف چپستی

پژوهش و ارکان آن و سپس بیان گستره‌های دین پژوهی را شامل می‌شود. گفتار سوم بهره‌وری و مدیریت در مطالعات دینی را برای روان شدن مسیر پیدایش یک پژوهش درخور به بحث می‌گذارد. موادی که یک پژوهش گر دینی با آن، پژوهش خویش را شکل می‌دهد، باید شرايطی داشته باشد که ذیل عنوان «اطلاعات شایسته» در گفتار چهارم از آن بحث می‌شود. گفتار پنجم تفاوت پژوهش مسئله‌محور با دیگر پژوهش‌ها را به گفت‌وگو می‌گذارد.

به عقیده احمد فرامرز قراملکی مؤلف این کتاب، مطالعات دینی غالباً شامل شش مسئله عمده است که عبارت‌اند از تعریف، تفسیر، توصیف، توجیه، تبیین و توصیه. این مسائل در سه گفتار بعدی به بحث گذاشته شده‌اند. از گفتار نهم تا پانزدهم با روی آوردهای مختلف در مطالعات دینی آشنا می‌شویم، مثل مطالعات تاریخی،

نویسنده و پژوهش گر: حمید حاج‌امینی، دانشجوی دکتری تاریخ تشیع

“
؟؟?
”

ساده نوشتن برای ساده گفتن

نوشتاری مختصر درباره ساده‌نویسی

نه اینکه نوشته عاری از هر گونه آرایه‌های لفظی، صنایع بدیعی و تناسبات پسندیده باشد. یادمان باشد اغلب آثاری که در تاریخ ماندگار شده‌اند، موهون ساده‌نویسی صاحبانشان بوده‌اند. ثمره ساده‌نویسی در خطابه، بهره‌مندی از گفتاری همه‌فهم است. هرچقدر فیش زبان ساده‌تری داشته باشد، انتقال آن به ذهن سریع‌تر خواهد بود. بی‌تردید منبر جایگاه تعمق در مطالب نیست، بلکه جایگاه ارائه محتوای عمیق است؛ لذا دقت در ساده‌نویسی مطالب عمیق، کار ارائه را آسان‌تر خواهد کرد.

یکی از مؤلفه‌های یک نوشته خوب که همه صاحب‌نظران بر آن تأکید دارند، ساده‌نویسی است. شاید در ابتدا این طور به نظر برسد که یک نویسنده خوب باید از ساده‌نویسی بپرهیزد. چنین تفکری محصول نداشتن تعریف درستی از ساده‌نویسی است. ساده‌نویسی با مبتذل‌نویسی و محاوره‌نویسی متفاوت است. برخی دشوارنویسی را نشانه زیبایی می‌دانند و بعضی چنان در ساده‌نویسی افراط می‌کنند که نوشته آنها به گفتار می‌ماند. منظور از ساده‌نویسی، شیوا بودن عبارات و روشن بودن معانی است به گونه‌ای که خواننده مقصود نویسنده را به راحتی دریابد؛